



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
الصلوة  
والسلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

سیرت و سخنان  
امیرالمؤمنین



سیری در  
رجزها و شعارهای عاشورا ایام

در تخریفات حامی استاد دکتر رفیعی

سخن آرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشوراییان: سیری در رجزها و شعارهای عاشوراییان در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی

نویسنده:

ناصر رفیعی محمدی

ناشر چاپی:

جنات فکه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	عاشوراییان : سیری در رجز ها و شعار های عاشوراییان در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست
۱۹	دیبچه
۲۰	مقدمه
۲۱	جلسه اول: اهمیت و جایگاه عزاداری
۲۱	اشاره
۲۲	چرا عزاداری همیشگی؛ آن هم با این شکوه؟
۲۶	تجلیل از عاشورا، تجلیل از نبوت و امامت
۲۸	آسیب شناسی عاشورا
۳۷	جلسه دوم : احترام اهل بیت علیهم السلام
۳۷	اشاره
۳۸	معنای شعار
۳۹	تأثیر شعار
۴۱	شعار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا
۴۳	رجز و شعار ابوتمامه صائدی
۴۵	احترام اهل بیت علیهم السلام در قرآن
۴۷	وظایف ما در مقابل اهل بیت علیهم السلام
۵۶	جلسه سوم: اهمیت ایمان باور قلبی
۵۶	اشاره
۵۷	شخصیت حبیب بن مظاهر
۵۸	رجز حبیب بن مظاهر

- ۶۰ ..... راه های تقویت ایمان
- ۶۲ ..... گروه های مقابل مؤمن
- ۶۹ ..... جلسه چهارم: شیعه حقیقی -
- ۶۹ ..... اشاره
- ۷۱ ..... شخصیت انس بن حارث
- ۷۳ ..... رجزانس بن حارث
- ۷۵ ..... فضائل علی علیه السلام
- ۷۶ ..... برخی ویژگی شیعه
- ۸۱ ..... جلسه پنجم: محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۸۱ ..... اشاره
- ۸۲ ..... شخصیت نافع بن هلال
- ۸۳ ..... اقدامات نافع بن هلال در روز عاشورا
- ۸۵ ..... رجز نافع بن هلال
- ۹۵ ..... جلسه ششم : یاری کردن اهل بیت علیهم السلام
- ۹۵ ..... اشاره
- ۹۶ ..... یزید بن زیاد کیست؟
- ۹۷ ..... رجزیزید بن زیاد (بخش اول)
- ۹۷ ..... یاری ائمه چگونه است؟
- ۱۰۲ ..... داستان هایی از یاری علمی دانشمندان
- ۱۰۸ ..... جلسه هفتم : هجرت
- ۱۰۸ ..... اشاره
- ۱۰۹ ..... شهید جعفر حیدریان
- ۱۱۰ ..... شهید سید محسن روحانی
- ۱۱۰ ..... رجزیزید بن زیاد (بخش دوم)
- ۱۱۱ ..... معنای هجرت
- ۱۱۱ ..... انواع هجرت

۱۱۵	.....	آرزو های دشمنان
۱۲۲	.....	جلسه هشتم: برتری و اولویت اهل بیت علیهم السلام
۱۲۲	.....	اشاره
۱۲۳	.....	رجز علی اکبر
۱۲۴	.....	نظام اولویت
۱۲۸	.....	ویژگی های امام
۱۳۵	.....	جلسه نهم: حمایت از دین
۱۳۵	.....	اشاره
۱۳۷	.....	رجز ابالفضل علیه السلام
۱۴۰	.....	ویژگی های دین از منظر قرآن
۱۴۲	.....	خطراتی که دین را تهدید می کند
۱۴۴	.....	حمایت از دین
۱۵۳	.....	تمام دین
۱۶۳	.....	جلسه دهم: عزت و شهادت
۱۶۳	.....	اشاره
۱۶۴	.....	رجز امام حسین علیه السلام
۱۶۸	.....	معنا و مفهوم «وَالْغَاۓِ اَوَّلٰی مِنْ دُخُوْلِ النَّارِ»
۱۷۵	.....	جلسه یازدهم: اهمیت و آثار وقف در اسلام
۱۷۵	.....	اشاره
۱۷۶	.....	آثار وقف:
۱۸۲	.....	جلسه دوازدهم: وقف در سیره معصومین علیهم السلام و علما
۱۸۲	.....	اشاره
۱۸۳	.....	موقوفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم
۱۸۴	.....	موقوفات امیر المومنین علیه السلام
۱۸۴	.....	موقوفات سایر ائمه اطهار علیهم السلام
۱۸۶	.....	موقوفات علما و دانشمندان و شخصیت ها

۱۸۷ ..... نتیجه

۱۹۳ ..... پی نوشت ها

۲۹۹ ..... درباره مرکز



## عاشوراییان : سیری در رجز ها و شعار های عاشوراییان در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی

### مشخصات کتاب

سرشناسه : رفیعی محمدی، ناصر، 1344 -

عنوان و نام پدیدآور: سیری در رجز ها و شعار های عاشوراییان در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی / گردآورنده محسن سلیمانی ؛ کاری از مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه ؛ ویراستار ابو الفضل نبی فرکی.

مشخصات نشر: تهران جنات فکه 1398

مشخصات ظاهری : 192 ص.

فروست: سخن آرا؛ 1

شابک : 200000 ریال : 978-600-6603-2-30

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حسین بن علی علیه السلام ، امام سوم، 4 - 61 ق -- سوگواری ها

موضوع: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625-680--Laments

موضوع : رجز خوانی در جنگ

موضوع : Battle cries

موضوع : واقعه کربلا، 61ق.

موضوع: Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, 680

موضوع : شعار ها

موضوع : Slogans

شناسه افزوده : سلیمانی ، محسن، 1359 - ، گردآورنده

شناسه افزوده : نبی ، فرکی ، ابو الفضل ، 1359- ویراستار

شناسه افزوده : سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی و اجتماعی

رده بندی کنگره : BP41/53

رده بندی دیویی : 953/2974

شماره کتابشناسی ملی : 5830229

خیراندیش دیجیتالی : انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم مرضیه محمدی سرپیری

ص: 1

**اشاره**

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 2

سیری در رجزها و شعارهای عاشوراییان

در سخنرانی های استاد دکتر رفیعی

سخن آزاد

ص: 3

کاری از:

مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

ناشر: جنات فکه

گردآورنده: محسن سلیمانی

ویراستار: ابو الفضل نبی فرکی

مدیر هنری و طراح: حسین و نکى فراهانى

صفحه آرا: حامد شاملو

لیتوگرافی چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

نوبت چاپ: اول / شهریور ماه 1398

شمارگان: 3000 نسخه

قیمت: تومان

شابک: 978-600-6603-23-0

تمامی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای سازمان اوقاف و امور خیریه محفوظ است

نشانی • قم بلوار 15 خرداد جنب امامزاده سید علی علیه السلام مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه | تلفن تماس: 38187157 - 025\*تهران خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه معاونت فرهنگی و اجتماعی \* تهران خیابان دماوند خیابان بلال حبشی کوچه، اطلاعات، پلاک 12 موسسه فرهنگی هنری جنات فکه

سایت سازمان: [www.oghaf.ir](http://www.oghaf.ir)

سایت مجتمع: [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir)

سایت معاونت [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir)

سایت راسخون [rasekhood.net](http://rasekhood.net)

دیاچه...7

مقدمه...8

جلسه اول اهمیت و جایگاه عزاداری...9

چرا عزاداری همیشگی؛ آن هم با این شکوه؟!...10

تجلیل از عاشورا، تجلیل از نبوت و امامت...14

آسیب شناسی عاشورا...16

فیش مرثیه شب اول محرم (ذکر حضرت مسلم علیه السلام)...21

چکیده مطالب...22

جلسه دوم احترام اهل بیت علیهم السلام...23

معنای شعار...24

تأثیر شعار...25

شعار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا...26

رجز و شعار ابو ثمامه صائدی...27

احترام اهل بیت علیهم السلام در قرآن...28

وظایف ما در مقابل اهل بیت علیهم السلام...30

فیش مرثیه شب دوم محرم (ورودیه)...33

چکیده مطالب...34

جلسه سوم اهمیت ایمان و باور قلبی...35

شخصیت حبیب بن مظاهر...36

رجز حبیب بن مظاهر...37

راه های تقویت ایمان...38

گروه های مقابل مؤمن...40

فیش مرثیه شب سوم محرم (ذکر حضرت رقیه علیها السلام)...43

چکیده مطالب...44

جلسه چهارم شیعه حقیقی...45

شخصیت انس بن حارث...47

رجز انس بن حارث...49

فضائل علی علیه السلام...50

برخی ویژگی شیعه...51

فیش مرثیه شب چهارم محرم (ذکر حر بن یزید ریاحی)...53

چکیده مطالب...54

جلسه پنجم محبت اهل بیت علیهم السلام...55

شخصیت نافع بن هلال...56

اقدامات نافع به هلال در روز عاشورا...57

رجز نافع بن هلال...58

فیش مرثیه شب پنجم محرم (ذکر حضرت عبد الله بن حسن علیه السلام)...63

چکیده مطالب...64

جلسه ششم یاری کردن اهل بیت علیهم السلام...65

یزید بن زیاد کیست؟...66

رجز یزید بن زیاد (بخش اول)...67

یاری ائمه چگونه است؟...67

داستان هایی از یاری علمی دانشمندان...71

فیش مرثیه شب ششم محرم (ذکر حضرت قاسم علیه السلام)...73

چکیده مطالب...74

ص: 5



جلسه هفتم هجرت...75

شهید جعفر حیدریان...76

شهید سید محسن روحانی...77

رجز یزید بن زیاد (بخش دوم)...77

معنای هجرت...78

انواع هجرت...78

آرزوهای دشمنان...81

فیش مرثیه شب هفتم محرم (ذکر حضرت علی اصغر علیه السلام)...83

چکیده مطالب...84

جلسه هشتم برتری و اولویت اهل بیت علیهم السلام...85

رجز علی اکبر...86

نظام اولویت...87

ویژگی های امام...90

فیش مرثیه شب هشتم محرم (ذکر حضرت علی اکبر علیه السلام)...90

چکیده مطالب...94

جلسه نهم حمایت از دین...95

رجز بالفصل علیه السلام...97

ویژگی های دین از منظر قرآن...99

خطراتی که دین را تهدید می کند...100

حمایت از دین...101

تمام دین...108

فیش مرثیه شب نهم محرم ( ذکر حضرت ابا الفضل علیه السلام)...113

چکیده مطالب...114

جلسه دهم: عزت و شهادت...115

رجز امام حسین علیه السلام...116

معنا و مفهوم «وَالْعَاذُ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ»...119

فیش مرثیه شب دهم محرم ( امام حسین علیه السلام)...123

چکیده مطالب...124

جلسه یازدهم اهمیت و آثار وقف در اسلام...125

آثار وقف...126

فیش مرثیه شب یازدهم محرم (شام غریبان و آتش گرفتن خیمه ها)...129

چکیده مطالب...130

جلسه دوازدهم: وقف در سیره معصومین علیهم السلام و علماء...131

صلی الله موقوفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم...132

موقوفات امیر المومنین علیه السلام...133

موقوفات سایر ائمه اطهار علیهم السلام...133

موقوفات علما و دانشمندان و شخصیت ها...134

نتیجه...135

فیش مرثیه شب دوازدهم محرم (ذکر امام سجاد علیه السلام)...137

چکیده مطالب...138

پی نوشت ها...139

محرم ماه یادگیری رسم دینداری و آیین وفاداری است و عاشورا روز دادن آن چه هست برای ایجاد آن چه باید باشد روز استقامت در دین به بلندای صراط مستقیم . محرم مسلمانان واقعی را معرفی کرد و نقاب از چهره ها برداشت و آسمان در یادآوری داغ مصیبت حسین علیه السلام چهل روز بارشی جز خون نداشت.

هنوز هم حسرت عطش خاندان رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در میان سینه فرات می جوشد و بی تابش می کند. از آن زمان که فریاد سرخ، خون از گلوی عاشورا برداشت پژوهی در قله های بلند اعصار و امصار در افتاد که تا آن سوی مرز ابدیت طنین افکند و در سینه سوزان عاشقان ایثار و شهادت جاودانه شد. آری! پنجره ها را باید گشود و نفس ها را به فریاد بدل کرد تا سکوت کفر خط سرخ عاشورا را در خود نبلعد؛ امروز نام امام حسین علیه السلام را مشعل را همان می کنیم تا در بی راهه های پرپیچ و خم، گمراهی گم نشویم و بدانیم که چشم حق بین و گوش حق شنو و قلب، روشن توشه عاشوراییان است.

جلد اول از مجموعه سخن آرا که پیش روی شما قرار دارد و در آستانه برگزاری سوگواره بصیرت عاشورایی در آستان مقدس امامزادگان و بقاع متبرکه منتشر می شود؛ ره توشه ای است فراگیر و فشرده که به بررسی برخی رجزها و شعارهای امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفای آن حضرت در روز عاشورا می پردازد که مشتمل بر مجموعه ای از سخنرانی های استاد گرانقدر حجت الاسلام دکتر ناصر رفیعی در تبیین این شعارهاست.

امید است مبلغین عزیز با مطالعه این اثر ارزشمند در کنار بهره گیری از منابع غنی قرآن و عترت و توکل به عنایت حضرت حق و توسل به معنویات بتواند جوشش چشمه های عاشورا را در قلوب جاری نمایند و دلها را از زلال مهرش سیراب گردانند.

معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه

باسمه تعالی

محرم ماه آگاهی ماه رشد و بالندگی ماه جوشیدن و اندیشیدن، ماه شکوفایی و ماه سوگواری سرور و سالار شهیدان است کربلا صحنه تقابل فاتزین و خائضین، ارباب دنیا و شیفتگان آخرت و سعادت‌مندان و شقاوت‌مندان است. کربلا صرفاً یک مجلس روضه و عزاداری نیست؛ کربلا مدرسه عشق و دانشگاه تعالی است.

آنتوان بارا می گوید اگر حسین از ما بود در تمام زمین برای او پرچم برمی افراشتیم و مردم را با نام حسین به مسیحیت فرامی خواندیم. جرج جرداق می گوید همان اندازه که حسین با درخت نبوت و اخلاق علوی پیوند داشت؛ یزید با روحیه سفیانی و بی شرمی مأنوس بود.

محمد بن علی جناح می گوید هیچ نمونه ای از شجاعت بهتر از آن که امام حسین علیه السلام از لحاظ فداکاری و تهور نشان داد در عالم پیدا نمی شود. (1)

به تعبیر کمال الدین اسماعیل اصفهانی از شعرای قرن هفتم

چون محرم رسید و عاشورا \*\*\* خنده بر لب حرام باید کرد

وز پی ماتم حسین علی \*\*\* گریه از ابر وام باید کرد

لعنت دشمنانش باید گفت \*\*\* دوستداری تمام باید کرد

راز ماندگاری نهضت کربلا را باید در اراده الهی، اخلاص ابا عبد الله علیه السلام، جامعیت قیام حق محوری و عناصر و اصحاب یافت.

دهه محرم یادآور حرکت سترگ ابا عبد الله علیه السلام در مبارزه با ستم اموی است کربلا محدود به یک سرزمین و عاشورا منحصر به یک روز نیست؛ کربلا به جغرافیای همه عالم و عاشورا به وسعت همه روز هاست.

یکی از راه های دریافت پیام عاشورا بررسی رجزها و شعار های امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفای آن حضرت است؛ این نوشتار مشتمل بر مجموعه ای از سخنرانی های حقیر در تبیین این شعارهاست؛ امید آن که مفید فایده باشد.

و السلام / ناصر رفیعی

ص: 8

جلسه اول: اهمیت و جایگاه عزاداری

اشاره

ص: 9

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

محرم بهار عقل و عاطفه است؛ هم عقل ما حکم می کند برویم امام حسین را بشناسیم، هم عاطفه و احساس ما حکم می کند با ابا عبد الله و کاروانش همراه شویم محرم ماه خرد و احساس و ماه همراهی با کاروان ابي عبد الله است. در واقع آغاز محرم باز شدن یک نمایشگاهی است که در آن کرامت، شهادت، اخلاص، ایثار، فداکاری و همه خوبی ها پیدا می شود. لذا برای هر سلیقه ای در این نمایشگاه کالا و متاع وجود دارد برای جوان و نوجوان الگو دارد، برای زن ها الگو دارد برای پیرمرد ها الگو دارد این نمایشگاه خیلی متنوع است؛ همه نوع کالایی در آن عرضه می شود و مشتری هم زیاد دارد.

من امشب به عنوان مقدمه چند مطلب عرض می کنم:

### چرا عزاداری همیشگی؛ آن هم با این شکوه؟

مطلب اول این است که چرا عزاداری ابا عبد الله علیه السلام باید هر سال، آن هم با این شکوه و عظمت تکرار شود؟

در جنگ احد، حمزه و هفتاد تن شهید شدند؛ آیا هر سال برای احد جریان فراگیر و عام داریم و از آن تجلیل می کنیم؟

در صفین، عمار و یاران امیر المؤمنین علیه السلام شهید شدند در جنگ جمل چند هزار نفر شهید شدند، آیا هر سال از آن ها تجلیل می شود؟ نه؛ اما در رابطه با عزاداری ابا عبد الله علیه السلام هر سال تکرار می شود دلیل این تکریم و تجلیل دو ماهه یا حداقل ده روز آن هم با این گسترش چیست؟

ص: 10

جواب: اول سفارش انبیاء و رسول خدا و ائمه علیهم السلام

ما دو جواب داریم؛ یک جواب این است که انبیاء و رسول خدا و ائمه علیهم السلام که همه هم در زندگی شان مصیبت و سختی بوده همه سفارش کربلا را نموده اند؛ یعنی خود این ها گفته اند از امام حسین علیه السلام یاد کنید.

در همه مناسبت های قمری زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است حتی شب قدر، تنها شخصیتی که زیارت اربعین دارد امام حسین علیه السلام است. امام رضا علیه السلام فرموده است هر مصیبتی داشتید «فابك للحسین» (1) برای امام حسین علیه السلام گریه کنید این ها نشان از ویژه بودن عزاداری و ضرورت تکرار آن است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید سه روز در اسلام بسیار سخت بوده: 1- شهادت حمزه سید الشهداء، 2- شهادت جعفر بن ابی طالب و 3- شهادت پدرم امام حسین و بعد می فرماید: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ» (2) هیچ روزی مثل روز حسین نبود.

خود امام حسن دارد به شهادت می رسد همه دورش نشسته اند تا امام حسین گریه می کند می فرماید حسین جان! «لَا يَوْمَ كَيَوْمِك» (3)؛ روزی به سختی روز تو نیست تو گریه نکن.

پس یک پاسخ این است که خود ائمه علیهم السلام روی امام حسین علیه السلام حساب ویژه باز کرده اند و توصیه به تکرار و تجدید غم او نموده اند.

ص: 11

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 502؛ بحار الانوار، ج 44، ص 285؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 299.

2- «نَظَرَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَاسْتَعْبَرَ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ يَوْمٍ أَشَدَّ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ يَوْمٍ أَحَدٍ قُتِلَ فِيهِ عَمُّهُ حَمْرَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدُ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ وَ بَعْدَهُ يَوْمَ مُؤْتَةَ قُتِلَ فِيهِ ابْنُ عَمِّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أزدَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلِّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِدَمِهِ وَ هُوَ بِاللَّهِ يُذَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَعَطَّوْنَ حَتَّى قَتَلُوهُ بَغِيًّا وَ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ أَتَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْزِلَةً يَغِيْطُ بِهَا جَمِيعُ الشَّهْدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الأمالی للصدوق، ص 462؛ بحار الانوار، ج 22، ص 274؛ ریاض الابرار، ج 1، ص 193)

3- الأمالی للصدوق، ص 116؛ المناقب، ج 4، ص 86؛ بحار الانوار، ج 45، ص 218.

همه ائمه معصومین نور واحدند همه برای هدایت بشر آمده اند و تکریم و یاد شان لازم است. احیاء امراضه مورد توجه است اما در میان پیشوایان معصوم علیهم السلام امام حسین علیه السلام خصوصیات منحصر به فردی دارند که ایشان را ویژه و خاص قرار داده است. برخی از این ویژگی ها عبارتند از:

## 1. اجابت شدن دعا

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: دعا زیر قبه بارگاه ابا عبد الله علیه السلام به اجابت می رسد. (1)

امام هادی علیه السلام وقتی بیمار شد مقداری پول داد و فرمود: به کربلا زیر قبه جدم ابا عبد الله علیه السلام بروید و برای من دعا کنید. (2)

## 2. خاک کربلا

خاک کربلا برای تبرک به مقدار کم قابل خوردن است کدام خاک در این عالم قابل خوردن است جز خاک کربلا؟ می فرماید: سجده بر خاک کربلا - حجاب های هفتگانه را از بین می برد نه امام بعد از کربلا سجده شان بر خاک کربلا بوده است. خاک کربلا برای تبرک به مقدار کم قابل خوردن است و سجده بر آن حجاب های هفتگانه را از بین می برد؛

قبل از آن هم امیر المؤمنین علیه السلام وقتی از صفین برمی گشت به کربلا آمد خاک کربلا را برداشت بوسید و بوید و روی صورتش گذاشت. (3)

حضرت ابراهیم علیه السلام وقتی به کربلا رسید زمین خورد و بخشی از سرش شکست و خون جاری شد خیلی ناراحت شد؛ چون وقتی برای انسان یک اتفاقی می افتد یکی از تحلیل های ش این است که خطا یا گناهی کرده و این اتفاق کفاره آن گناه است.

بلافاصله سؤال کرد: خدایا! من خطایی کرده بودم؟ خطاب شد: نه، این جا خاک کربلاست و این جا خون هایی روی زمین ریخته می شود؛ چون تو

ص: 12

1- «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْحَسَنِ عَلَى عَاتِقِهِ وَ الْحُسَيْنَ عَلَى فَخْرِهِ يَلِيْمُهُمَا وَ يَقْتُلُهُمَا وَيَقُولُ - اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسِ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُصِدَ بَشْتٌ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ يَدْعُو فَلَا يُجَابُ وَ يَسْتَنْصِرُ فَلَا يُنصَرُ قُلْتُ فَمَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ شِرَارُ أُمَّتِي مَا لَهُمْ لَا أَنَا لَهُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسِ مَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ حَبَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَكَأَنَّمَا قَدْ زَارَنِي وَ مَنْ زَارَنِي فَكَأَنَّمَا قَدْ زَارَ اللَّهَ وَ حَقُّ الزَّائِرِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ وَ إِنَّ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّتِهِ وَ الشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ» (وسائل الشيعة، ج 14، ص 452؛ كفاية الاثر، ص 17؛ بحار الانوار، ج 36، ص 286)

2- الكافي، ج 4، ص 567؛ كامل الزيارات، ص 273؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 537.

3- وقعة صفين، ص 140؛ الأمامي للصدوق، ص 136؛ شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 170.



ابراهیم هستی و پیامبر ویژه ما هستی؛ خواستیم یک بخشی از خون تو هم در این جا روی زمین ریخته باشد که بعد خون هایی ریخته می شود سابقه خون تو هم باشد. (1)

### 3. گریه مستمر

ما برای امیر المؤمنین علیه السلام و برای رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم گریه می کنیم. در دعای ندبه می خوانیم: «فَعَلَى الْأَطْيَابِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ»؛ (2) برای اهل بیت گریه کنید. علی فرمود: شیعه های ما برای شادی ما شاد و برای ناراحتی ما ناراحت می شوند. (3)

اهل بیت برای گریه بر ابا عبد الله حساب ویژه باز کرده اند. امام رضا فرمود:

ریان بن شیبب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی برای حسین گریه کن. (4)

### 4. زیارت در مناسبت ها

شب های مناسبتی از جمله عید غدیر و قربان و بیست و هفتم، رجب ایام قدر (5) زیارت امام حسین وارد شده است هم چنین در زیارات بعضی از ائمه وارد شده که زیارت امام حسین را بخوانید.

زیارت امام حسین در برخی شبها مانند قدر به منزله مصافحه با 124 هزار پیامبر شمرده شده است.

ص: 13

1- بحار الانوار، ج 44، ص 243؛ ریاض الابرار، ج 1، ص 172؛ عوالم العلوم و المعارف، ج 17، ص 102.

2- المزار الكبير لابن المشهدی، ص 578؛ الاقبال، ج 1، ص 297؛ بحار الانوار، ج 99، ص 107.

3- « قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَيَبْذُلُونَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ فِينَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَهُمْ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ » (غرر الحكم، ح 2049).

4- «عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَأَبْكَى لِحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْهُونَ وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ نَحْوَهُ لِقَتْلِهِ إِلَى أَنْ قَالَ: يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ عَلِيٌّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيراً كَانَ أَوْ كَبِيراً قَلِيلاً كَانَ أَوْ كَثِيراً يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ أَنْ تَلْفَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزِرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمَبْنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ وَآلِهِ، صَدَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَلْعَنَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشَدَّ هَدَى مَعَ الْحُسَيْنِ قُلٌّ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً، يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا وَعَلَيْكَ بَوْلَا بَيْنَنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجراً لِحَشْرِهِ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (وسائل الشيعة، ج 14، ص 502؛ عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 299؛ الأمالي للصدوق، ص 130)

5- برای مشاهده روایات زیارت امام حسین علیه السلام به بخش چهارم تحت عنوان ثواب زیارت امام حسین علیه السلام مراجعه شود!

چهار هزار فرشته دائم دور قبر امام حسین طواف می کنند، زائر را بدرقه نموده و به استقبال او می آیند.

امام صادق در سجده قدر برای زائران قبر جدش دعا می کرد.

فرشته ها برای زیارت امام حسین سال ها انتظار می کشند؛

این ها امور ساده ای نیست

### تجلیل از عاشورا، تجلیل از نبوت و امامت

مطلب دوم این است که قصه تجلیل از کربلا- و عاشورا، تجلیل از اصل اسلام و نبوت و امامت است. 1- ظهور اسلام ، 2- غدیر، 3- عاشورا 4- ظهور. این چهار رکن مثل چهار مرحله به هم وابسته است که اگر یکی را آغاز اسلام با بعثت است.

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» (1)

و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خود شان برانگیخت که آیاتش را بر آن ها می خواند.

اما این ،بعثت اگر غدیر نباشد ناقص است:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (2)

ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای.

الآن در دنیا بعثت بدون غدیر را ببینید که بعثت داعشی و وهابی شده است اسلامی درست شده که ولی امر خودش را حاکم سعودی می داند. تفتازانی از علمای بزرگ اهل سنت ،است می گوید: هرکسی ولو به زور و قهر حکومت جامعه را به دست خودش گرفت امام است.

مردمی که ملک سلمان را ولی امر خود بدانند نتیجه اسلام بعثت بدون غدیر است.

اگر کسی بعثت و غدیر را پذیرفت و عاشورا را حفظ کرد و منتظر ظهور بود این چهارگام اسلام را حفظ می کند اسلام علوی اسلام ولایی، اسلام ناب نه اسلام بی روح و خشک نامه امام حسین به مردم بصره دفاع از بعثت است. نامه امام حسین به مردم کوفه دفاع از امامت است؛ یعنی بعثت و غدیر. اما اگر این سه آمد و مورد چهارم نیامد؛ یعنی ظهور باز هم ناقص است. روایت داریم ظهور

ص: 14

1- جمعه، 2.

2- مائده، 67.

امام زمان روز عاشور است؟ روزی که امام حسین به شهادت رسیده روز جمعه بوده و در روایت داریم روز جمعه روز ظهور امام زمان است. (1)

در زیارت عاشورا وقتی شروع می کنیم اول امام حسین را به پیامبر نسبت می دهیم بعد به امیر المؤمنین رسول خدا مظهر بعثت است و امیر المؤمنین نسبت می دهیم، مظهر غدیر است، دقیقاً دوسه جای زیارت عاشورا مربوط به ظهور می شود؛ یعنی عاشورا حلقه ارتباط ظهور و غدیر و بعثت است.

تشیع ادریس مغربی

ادریس مغربی خودش از افراد اهل سنت است که شیعه شد و یک سفری هم به ایران داشته است. کتابی به نام «قد شیعنی الحسین» نوشته است. ایشان می گوید: من رفتم کتاب های خود مان را بررسی کردم، دیدم از امام حسین منابع اهل سنت را گردآوری کرده خیلی تجلیل و تکریم کرده اند و نوشته اند ایشان «سید شباب اهل الجنة» و «محبوب قلب پیامبران» است و کسی است که پیامبر خدا او را «فرزند» خطاب کرد. این ها را جمع کردم که یک مجموعه ای از ویژگی های امام حسین در منابع اهل سنت شد.

بعد دیدم یک عده ای این آقای محبوب مورد توجه پیامبر را به شهادت رساندند.

آن وقت امروز یک عده دارند در دنیا از آن قاتل و پیروانش حمایت می کنند؛ این بود که من پی به حقانیت شیعه بردم و به تشیع گرایش پیدا کردم.

آنتوان بارا و امام حسین علیه السلام

آنتوان بارا یک آدم مسیحی است و مصاحبه ای هم با یکی از روزنامه ها کرد که چاپ شده است. آنتوان بارا تمام حرف هایی که مسیحی ها راجع به امام حسین زده اند را جمع کرده و در کتابش می گوید امام حسین متعلق به همه ادیان و مذاهب است؛ چون کارش کار عام و فراگیر بود جامعه را نجات داد و با ظلم مبارزه کرد.

بعد می گوید: من از دو ویژگی امام حسین خیلی خوشم می آید: یکی انقلابی بودن و شجاعتش و دیگری تواضع او.

ص: 15

---

1- جمال الأسبوع، ص 38؛ بحار الانوار، ج 99، ص 216؛ إلزام الناصب في اثبات الحجة الغائب عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج 2، ص 85.

مطلب سوم که بسیار مهم است این است که هر جریانی در تاریخ دچار آفت و آسیب شده است.

از خود خداشناسی که بالاتر نیست؛ یکی از آسیب های ش شیطان است که در مقابل خدا ایستاد و سجده نکرد و کار خدا را رد کرد.

در تمام وقایع تاریخی و حوادث و جریانات که ما در عالم داریم آسیب ها و اساسی شامل؛ آسیب محتوایی آفت هایی وجود دارد؛ حالا این آسیب ها از دو ناحیه وارد می شود: یکی دشمن، روشی اجتماعی و تحلیلی وارد شده است. مثلاً یک عده آمدند حدیث جعل کردند تا به احادیث صحیح لطمه بزنند یا چون به قرآن نتوانستند آسیب بزنند تفسیرش را جعل کردند.

در قصه عاشورا هم چهار آسیب اساسی وارد شده است:

### 1. آسیب محتوایی

اولین آسیب، عاشورا آسیب محتوایی است. آسیب محتوایی خطرناک ترین نوع آسیب است. یعنی من این جا سخنرانی کردم یک کسی نهضت عاشورا پرداخته شود. حرف های بنده را نوع دیگری نقل کند و از خودش یک مطالبی بنویسد. این نوشته هایی که تا امروز از کربلا به دست ما آمده اگر افرادی با غرض و از روی جهل چیز هایی کم و زیاد بکنند، بزرگترین گناه است.

ما در قرآن چندین «ویل» (1) داریم امام باقر فرمود: «ویل» چاهی در جهنم است؛ (2) کنایه از این که یکی از اقسام عذاب الهی، ویل است. تنها آیه ای که سه تا «ویل» پشت سرهم دارد آیه 79 سوره بقره است می گوید:

«فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْوَا بِهِ نَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (3)

پس وای بر آن ها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این، از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آن ها از آن چه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند!

ص: 16

1- بقره، 79؛ ابراهیم 2؛ مریم، 37؛ انبیاء، 18؛ ص 27؛ زمر 22؛ فصلت 6؛ زخرف، 65؛ جاثیه، 7؛ ذاریات 60؛ طور، 11؛ مرسلات، 15، 19، 24، 28، 34، 77، 40، 45، 47، 49؛ مطففین، 1، 10 همزه 1 ماعون، 4.

2- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «نَزَلَتْ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ حِينَ قَدِمَ الْمَدِينَةَ، وَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَسْوَأَ النَّاسِ كَيْلًا، فَأَحْسَدُوا الْكَيْلَ، وَ أَمَّا الْوَيْلُ فَبَلَّغْنَا - وَ اللَّهُ أَعْلَمُ - أَنَّهُ بِرَفِي جَهَنَّمَ» (تفسیر القمی، ج 2، ص 410؛ تفسیر الصافی، ج 5، ص 298؛ بحار الانوار، ج 100، ص 106)

3- بقره، 79.

ما حق نداریم با مطالب نادرست و غیر مستند نهضت عاشورا را بیان کنیم. آن قدر مطالب صحیح و مستند موجود است، مثلاً: «مقتل جامع» تألیف آقای پیشوایی یا «شهادت نامه امام حسین» توسط دار الحدیث تحقیق شد. عزیزان مواظب باشید هر کتابی که در بازار می آید معتبر نیست. هر مقتلی به صرف نام مقتل قابل نقل نیست. مع الاسف برخی افراد سرشناس روضه های بی سند و ضعیف نقل می کنند هرگز به نقل قول از افراد حتی افراد مشهور هم اکتفا نکنید. برای هر مطلبی سند بخواهید، آن هم حداقل سند کهن و مربوط به بزرگان تاریخ؛ البته داستان تاریخ غیر از فقه است. دقت فقهی نمی خواهد اما حداقل بزرگی در کتابش نقل کرده باشد. مرحوم آیت الله احمدی میانجی فرمود: از نوشته های حاج شیخ عباس قمی تجاوز نکنید. نفس المهموم ایشان کتاب خوبی است. مع الاسف هر سال افرادی از خود به روضه ها می افزایند.

## 2. آسیب روشی

دومین آسیب عاشورا آسیب روشی است. برای عزاداری ابا عبد الله ضجه، فریاد، گریه و زبان حال هیچ مانعی ندارد؛ اما ما می توانیم این جلسه را با موسیقی فریاد، گریه و زبان حال هیچ مانعی ندارد اما ما می توانیم این جلسه را با موسیقی بچرخانیم؟ الان بعضی از عزاداری ها با آلات موسیقی اداره می شود این خوب نیست. می توانیم یک سبکی را پیاده کنیم که برای فرد مبتدلی است؟ نه این کار صحیح نیست.

شاعر معروف و متدینی نزد مقام معظم رهبری (حفظه الله) آمد و گفت:

نظر شما راجع به سبک های موسیقی چیست؟ ایشان فرمود: لازم است. سبک موسیقی غیر از خود موسیقی است بالاخره شعری که آدم می خواند در یکی از سبک ها قرار می گیرد.

بحث روشی در الفاظ هم هست یک وقتی مقام معظم رهبری فرمود ابرو و چشم ابو الفضل که موجب کمال و فضیلت ایشان نیست؛ فضیلت عباس در شجاعت و مبارزه و امام شناسی ایشان است.

## آسیب های اجتماعی

سومین آسیب عاشورا آسیب های اجتماعی است. عزاداری و مجلس گرفتن برای ابا عبد الله لازم است باید این مجالس روزبه روز باشکوه تر برگزار شود اما می شود با مال غصبی باشد؟ عزاداری ابا عبد الله را یک جایی انجام بدهیم که صاحبش راضی نیست یا ساعتی از شب را برنامه بگذاریم

که بیماران و دیگران اذیت شوند این کار درست نیست. عزاداری بر ابا عبد الله فضیلت است؛ اما پرداخت خمس واجب است؛ کسی که خمسه را ندهد و مجلس بگیرد مورد قبول نیست هرگز واجبات را فدای مستحبات نکنیم امام حسین شهید اقامه واجبات و ترک محرمات است. چگونه می شود بدون نماز یا با مال حرام عزاداری کرد؟

#### 4. آسیب تحلیلی

چهارمین آسیب عاشورا آسیب تحلیلی است. عده ای تحلیل غلط می کنند چطور حادثه منا که پیش آمد اول تحلیلی که کردند گفتند قضا و قدر الهی است.

وقتی سر مقدس ابی عبد الله را مقابل ابن زیاد گذاشتند، به علی بن الحسین گفت خدا برادرت علی بن الحسین علی اکبر را کشت. (1)

اتفاقا خود معاویه هم در خلافت یزید گفت خلافت یزید قضا و قدر الهی است.

وقضا و قدر الهی است ما قضا و قدر را قبول داریم ولی شما خودت را از پشت بام پایین پرتاب کنی، قضا و قدر الهی است؟

چه زمانی خدا راضی به قتل مظلوم است؟ شیخ صدوق 24 در کتاب اعتقادات 25 خود می نویسد: این حرف عوامانه است که کسی بگوید شهادت ابی عبد الله به رضایت الهی است.

برخی کوتاهی های خود را به گردن قضا و قدر الهی می گذارند همه امور عالم به اذن خداست، حتی شمشیر شمر بدون اذن الهی نمی برد؛ اما مقام اذن و علم و تقدیر الهی رضایت به ستم نمی دهد. شما شراب بخور بگو خدا خواست، کدام عقل سلیم می پذیرد؟

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (2)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکرو ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد شاید متذکر شوید!

امر و نهی الهی معلوم است هرگز به فحشاء و ظلم فرمان نداده است.

بحث امسال من تحلیل شعار های عاشورا است. روز عاشورا هر کسی به

ص: 18

1- الارشاد، ج 2، ص 116؛ اعلام الوری ص 252؛ بحار الانوار، ج 45، ص 117.

2- نحل، 90.

میدان آمده شعری خوانده است؛ در این اشعار غیر از معرفی شخص، معرفی هدف هم است. ما امسال هر شب یکی از این اشعار را بیان می‌کنم و هدف رجز را هم می‌گوییم که خواننده این رجز چه چیز را می‌خواهد بگوید.

ص: 19





امشب متوسل به آن عزیزی می شویم که هر چند امام نیست؛ اما سال ها قبل از شهادتش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم برای مظلومیت او گریه کرده؛ بلکه فرمود: **تَدْمَعُ عَلَيْهِ عُبُورُ الْمُؤْمِنِينَ وَ تُصَلِّي عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ**. (1) یعنی اگر کسی ایمان در قلبش باشد برای غریبی او گریه می کند؛ پس اشک در مظلومیت او نشانه ایمان است؛ وجود مبارک مسلم بن عقیل علیه السلام که بسیاری از آن بزرگوار حاجت گرفته اند.

امام حسین علیه السلام هنگامی که او را به عنوان سفیر خود به کوفه فرستادند، در نامه های این گونه نوشتند هو ثقتی من اهل بیتی یعنی از جانب من هر چه او بگوید من گفته ام، او مورد اطمینان و از خانواده من است؛ و هنگامی که عزیز زهرا در عصر عاشورا نگاهی به چپ و نگاهی به راست کرد دید همه یارانش به زمین افتاده اند و یاوری ندارد یک به یک آن ها را صدا زد ولی در صدر آن ها فرمود یا مسلم بن عقیل یا هانی بن عروه! (2) بعد صدا زدند یا مسلم بن عوسجه! یا حبیب بن مظاهر چرا هر قدر صدای تان می زنم جواب نمی دهید؟ و این مطلب نشان می دهد که مسلم چقدر برای امام حسین علیه السلام عزیز بوده است.

**السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ** (3)

اهل کوفه همه پیمان شکنند \*\*\* خود نمک خوار و نمکدان شکنند

صبح با من همگی پیوستند \*\*\* اما شب در خانه به رویم بستند

فقط پیرزنی به نام طوعه به نماینده عزیز زهرا علیها السلام جا داد؛ اما طوعه می گوید برای او غذا بردم دیدم مشغول مناجات است لب به غذا نزده عرض کردم آقا دیشب نخوابیدید؟ فرمودند اندکی خوابیدم در عالم خواب عمومیم امیر المومنین علیه السلام را دیدم به من فرمود: **الوْحَا الْوَحَا الْعَجَلُ الْعَجَلُ زُودَ مَا بِيَا مَا مَنَنْتَ هَسْتِم**. (4)

جهدادی بی نظیر کرد و عده ای را به هلاکت رساند. اما از بالای بام سنگ می زدند تیر می زدند بدن زخمی شده حضرت را گرفتند به طرف دار الاماره بردند تشنه است؛ اما تا سه مرتبه هر چه خواست آب بنوشد آب پر خون بود. فرمود به این مضمون که گویا مقدر آن است من تشنه باشم.

دیدند آقا گریه می کند پرسیدند چرا گریه می کنی؟ فرمود برای خودم گریه نمی کنم برای عزیز زهرا حسین گریه می کنم که همراه با خانواده اش به سوی شما مردم پیمان شکن می آید مردم بیرون دار الاماره منتظرند ببینند چه می شود. ناگهان دیدند آه سر بریده ای از بالای دار الاماره به زمین افتاد و بعد از آن بدن بی سر و غرق به خونی پایین افتاد وقتی نگاه کردند ای وای این بدن سفیر امام حسین مسلم بن عقیل.

دشمن به همین بسنده نکرد دل ها بسوزه پای مسلم را به طنابی بستند در میان کوچه و بازار می کشانند یا حسین چه کردند با سفیر شما. اما وقتی خبر به اردوگاه ابی عبد الله رسید ناله هاشمیان و فاطمیان بلند شد. زینب علیها السلام گریه می کند اشک از چشمان حسین علیه السلام جاری شد؛ قربان اشک چشمت آقا جان حضرت به خانواده مسلم تسلی دادند؛ اما لایوم کیومک یا ابا عبد الله. عرضه مداریم آقا جان شما رفتید تسلیت گفتید تسلی دادید دل بچه های مسلم، اما کسی نبود به زینب به سکینه ات تسلی بدهد آن وقتی که بدن پاره پاره ات در گودی قتلگاه به زمین افتاده بود آخ بمیرم راوی می گوید دیدم **فاجتمعت عده من الاعراب حتی جرّها عنه، عده ای از اعراب آمدند و سکینه را کشان کشان از بدن پدر جدا کردند**. (5)

خوشا دردی که درمانش حسین است \*\*\* خوشا جانی که جانانش حسین است

---

1- امالى صدوق

2- نفس المهموم

3- قسمتى از زيارت نامه حضرت

4- سوگنامه آل محمد عليهم السلام

5- همان

آغاز محرم باز شدن یک نمایشگاهی است که در آن کرامت، شهادت، اخلاص، ایثار، فداکاری و همه خوبی ها پیدا می شود و برای هر سلیقه ای اعم از جوان و نوجوان زن ها و پیر مرد ها در این نمایشگاه الگو وجود دارد.

مطلب: اول چرا عزاداری ابا عبد الله علیه السلام باید هر سال آن هم با این شکوه و عظمت تکرار شود؟

دو جواب داریم؛ جواب اول اینکه انبیاء و رسول خدا و ائمه علیهم السلام همه سفارش کربلارا نموده اند.

جواب دوم این که در میان پیشوایان معصوم علیهم السلام امام حسین علیه السلام خصوصیات منحصر به فردی دارند که عبارتند از:

1. دعا زیر قبه بارگاه ابا عبد الله علیه السلام به اجابت می رسد؛

2. خاک کربلا برای تبرک به مقدار کم قابل خوردن است و سجده بر آن حجاب های هفتگانه را از بین می برد؛

3. اهل بیت علیهم السلام برای گریه بر ابا عبد الله علیه السلام حساب ویژه باز کرده اند؛

4. در شب های مناسبتی و هم چنین در زیارت بعضی ائمه علیهم السلام زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است.

مطلب دوم این است که قصه تجلیل از کربلا- و عاشورا، تجلیل از اصل اسلام و نبوت و امامت است. شیعه چهار رکن: بعثت، غدیر عاشورا و ظهور این چهار رکن مثل چهار مرحله به هم وابسته است که اگر یکی را برداریم بقیه به هم می ریزد.

در زیارت عاشورا اول امام حسین علیه السلام را به پیامبر نسبت می دهیم بعد به امیرالمؤمنین علیه السلام و دو سه جای زیارت عاشورا مربوط به ظهور می شود؛ یعنی عاشورا حلقه ارتباط ظهور و غدیر و بعثت است.

ادریس مغربی عالم مستبصر اهل سنت در کتاب «قد شیعنی الحسین» مجموعه ای از ویژگی های امام حسین علیه السلام در منابع اهل سنت را گردآوری کرده است.

آنتوان بارا نویسنده مسیحی تمام حرف هایی که مسیحی ها راجع به امام حسین علیه السلام زده اند را جمع کرده و در کتابش می گوید امام حسین علیه السلام متعلق به همه ادیان و مذاهب است؛ چون کارش کار عام و فراگیر بود و جامعه را نجات داد و با ظلم مبارزه کرد.

مطلب سوم این که در تمام وقایع تاریخی و جریاناتی که ما در عالم داریم حتی خداشناسی، آسیب ها و آفت هایی وجود دارد. در قصه عاشورا هم چهار آسیب اساسی شامل؛ آسیب محتوایی، روشی اجتماعی و تحلیلی وارد شده است.

آسیب محتوایی خطرناک ترین نوع آسیب است. یعنی با مطالب نادرست و غیر مستند به تبیین نهضت عاشورا پرداخته شود.

آسیب روشی یعنی اینکه برای عزاداری ابا عبد الله علیه السلام ضجه، فریاد گریه و زبان حال هیچ مانعی ندارد؛ اما ما می توانیم این جلسه را با موسیقی بچرخانیم؟ البته سبک موسیقی غیر از خود موسیقی است. بحث روشی در الفاظ هم هست.

مراد از آسیب های اجتماعی یعنی این که برپایی عزاداری با مال غصبی یا در ساعتی از شب که بیماران و دیگران اذیت می شوند یا در صورتی که واجباتی مثل خمس به گردن داریم قبول نیست.

مراد از آسیب تحلیلی این است که عده ای تحلیل غلط می کنند . مثلا می گویند شهادت ابی عبد الله علیه السلام به رضایت و قضا و قدر الهی است.

بحث این کتاب تحلیل شعارهای عاشورا است روز عاشورا هر کسی به میدان آمده شعری خوانده است؛ در این اشعار غیر از معرفی شخص ، معرفی هدف هم است.

ص: 22

جلسه دوم : احترام اهل بيت عليهم السلام

اشاره

ص: 23

قال الله تبارك و تعالی:

«وَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

بحث امسال ما تحلیل شعار های عاشور است؛ یعنی رجز ها و شعر هایی که اصحاب امام حسین علیه السلام، خود ایشان و بنی هاشم در صحرای کربلا خوانده اند. هر شعاری پیام یا پیام هایی دارد هر شب به لطف خدا یکی از این پیام ها را مورد بررسی قرار می دهیم.

شعار گویای هدف یک گروه شعار گویای هدف یک گروه و یا یک فرد است. اولین شعاری که در اسلام داشتیم چه بوده؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و اله سلم اولین شعاری را که شروع کرد، این بود:

«قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا»

بگوئید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تا رستگار شوید.

### معنای شعار

شعار به معنای نشانه و علامت شعار که به معنای نشانه و علامت است، گاهی تابلویا پرچم است و گاهی یک شعر یا مطلبی است که هم باید کوتاه باشد هم باید گویا باشد، هم باید محرک باشد و هم باید هدف را بیان کند که ما برای چه آمدیم.

یک شعار خوب باید موزون باشد که همه بتوانند آن را راحت حفظ و تکرار کنند.

گفتن شعار در زمان ساخت مسجد

مسلمانان حین ساخت مسجد وقتی پیامبر خدا مسجد مدینه را می ساخت یک شعاری را فرمود که همه بگویند ساخت مسجد چند ماه طول کشید و خیلی هم سخت بود.

شعاری که در حین کار می دادند این بود:

ص: 24

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَأَخَيْرُ إِلَّا خَيْرُ الْآخِرَةِ فَأَغْفِرْ لِلْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَةِ». (1)

خدایا! این ها که دارند کمک می کنند آن ها را ببخش و به آن ها لطف کن.

شعار در جنگ بدر

در جنگ بدر ، امام صادق فرمود: شعار مسلمان ها این بود؛

« يَا نَصْرَ اللَّهِ اقْتَرِبْ اقْتَرِبْ » (2)

پیروزی بیا.

شعار جنگ بدر

در احد، مشرکین شروع به شعار دادن کردند، «اغل هبل؛ جاوید و درود بر هبل». پیامبر فرمود: شما هم بگوئید: «الله اعلی و اجل».

آن ها گفتند: «لَنَا عَزَى وَلَا عُنَى لَكُمْ؛ ما بت عزى داریم و شما ندارید».

پیامبر فرمود: بگوئید «اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَى لَكُمْ». (3)

## تأثیر شعار

در جنگ ایران و عراق در جبهه به یک جوانی گفتم چه انگیزه ای باعث شد شما به جبهه بیاید؟ گفت: اشعار آقای آهنگران یعنی یک شاعر یا ذاکر می تواند افرادی را به میدان جنگ بکشد یا از جنگ باز دارد.

در نبرد های جمل و صفین افرادی بودند حتی از زنان، با اشعار خود سپاه معاویه را تحقیر و سپاه امیر المؤمنین را تهییج و تأیید می کردند. در سپاه دشمن هم این افراد بودند.

برخی شاعران با یک شعر یا شعار تحولی ایجاد کرده اند.

امیر نصر سامانی 32 از بخارا به هرات آمد و دلپسته هوای هرات شد

ص: 25

1- بحار الانوار، ج 22، ص 354.

2- «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: شِعْرَانَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ وَشِعْرَانَا يَوْمَ بَدْرٍ يَا نَصْرَ اللَّهِ اقْتَرِبْ اقْتَرِبْ وَشِعْرَانَا الْمُسْلِمِينَ يَوْمَ أُحُدٍ يَا نَصْرَ اللَّهِ اقْتَرِبْ وَيَوْمَ بَنِي النَّضِيرِ يَا رُوحَ الْقُدْسِ أَرْحُ وَيَوْمَ بَنِي قَيْنِقَاعَ يَا رَبَّنَا لَا يَغْلِبُنَاكَ وَيَوْمَ الطَّائِفِ يَا رِضْوَانَ وَشِعْرَانَا يَوْمَ حُنَيْنٍ يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ [يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ «حم»] لَا يُبْصِرُ رُونَ وَيَوْمَ بَنِي قُرَيْظَةَ يَا سَلَامُ أَسْأَلُكُمْ وَيَوْمَ الْمُرَيْسِيِّعِ وَهُوَ يَوْمَ بَنِي الْمُصَدِّ طَلِقِ أَلَا إِلَى اللَّهِ الْأَمْرُ وَيَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ أَلَا لِعِزَّةِ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَيَوْمَ خَيْبَرَ يَوْمَ الْقَمُوصِ يَا عَلِيُّ أَتَيْتُمْ مِنْ عَلٍ وَيَوْمَ الْفَتْحِ نَحْنُ عِبَادُ

اللّٰهُ حَقًّا وَيَوْمَ تَبُوكَ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ وَيَوْمَ بَنَى الْمُلُوحَ أُمَّتِ أُمَّتِ وَيَوْمَ صِفِّينَ يَا نَصْرَ اللّٰهِ وَشِعَارَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُحَمَّدُ وَشِعَارُنَا  
يَا مُحَمَّدُ» (الكافي، ج 5، ص 47؛ مرآة العقول، ج 18، ص 385؛ بحار الانوار، ج 19، ص 163).  
3- الخصال، ج 2، ص 397؛ بحار الانوار، ج 31، ص 521.



چهار سال در آن جا ماند لشکریان و ملازمانش دلتنگ بخارا شدند؛ اما امیر قبول نمی کرد که بازگردد. آن ها متوسل به شاعر معروف آن زمان، رودکی 33 شدند.

پنجاه هزار درهم به او دادند تا با شعری امیر را به بخارا برگرداند.

رودکی چنین گفت:

بوی جوی مولیان آمد همی \*\*\* یاد یار مهربان آید همی

ای بخارا شاد باش و دیرزی \*\*\* میرزای تو شادمان آید همی

با این اشعار کاری کرد که امیر با پای برهنه سوار بر اسب شد و عازم بخارا گردید. (1)

شعار نشانه، شعور هدف و مرام است کشورها سرود دارند؛ چون اهداف شان را با سرود بیان می کنند. را با سرود بیان می کنند تمام اهداف در سرود جمهوری اسلامی بیان می شود؛ در همین سرود تجلیل از شهدا و امام و استقلال و آزادی و... از قرآن نهفته است.

پس مسئله شعار خیلی مهم است

استفاده منفی از شعار

البته گاهی استفاده منفی از شعار می شود مثلاً با یک شعار، خوارج با امیر المؤمنین جنگیدند و علی را به شهادت رساندند:

«لا حکم الا لله»

یعنی حکم حکم خداست.

امیر المؤمنین فرمود: شعارش قشنگ است؛ اما استفاده ای که از آن می شود باطل است؛ چون با این شعار دارند با ولی خدا علی بن ابی طالب جنگند.

جوان ها شما که فضای مجازی در اختیارتان است و برای هم پیام می نویسید بیاید شعار های قرآنی را منتشر کنید شعار نشان دهنده اهداف شخصیت است.

## شعار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

معاویة بن عمار از امام صادق روایت می کند که از ایشان پرسیدند:

شعار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا چه بود و شعار شما اهل بیت چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود:



«شِعَارُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُحَمَّدٌ وَشِعَارُنَا يَا مُحَمَّدٌ». (1)

شعار امام حسین علیه السلام روز عاشورا و شعار ما یا محمد است.

لذا زینب کبری هم روی بلندی نام رسول خدا را فریاد زد و در گودی قتلگاه هم نام رسول خدا را صدا زد.

### رجز و شعار ابو ثمامه صائدی

شعار های کربلا را از اصحاب شروع می کنم یکی از شعار هایی که امشب ابو ثمامه از اصحاب امیر المؤمنین در صفین و می خواهم بگویم و خیلی زیباست شعار «ابو ثمامه صائدی» است. ابو ثمامه جمل یک شخصیت شجاع و با ذکاوت بود که پس از بیعت با شخصی است که از اصحاب امیر المؤمنین در صفین و جمل بود و با دشمنان مسلم و شهادت او با سختی از جنگیده است. یک شخصیت، دلاور، شجاع و با ذکاوت بود.

مسلم بن عقیل که به کوفه آمد رفت با او بیعت کرد. وقتی دید مسلم را به شهادت رساندند با یک سختی از کوفه بیرون آمد و خودش را به کربلا خدمت ابا عبد الله رساند.

این ابو ثمامه همان کسی است که ظهر عاشورا موقع اذان، خدمت ابی عبد الله آمد و گفت:

«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! نَفْسِي لَكَ الْفِدَاءُ، إِنِّي أَرَى هُوَ لَا يَدْرِي قَدِ اقْتَرَبُوا مِنْكَ، وَلَا وَاللَّهِ لَا نُقَاتِلُ حَتَّى أَقْتَلَ دُونَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأَحِبُّ أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَقَدْ صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ الَّتِي دَنَا وَقْتُهَا»

آقا جان! جانم فدایت به آن خدایی که اعتقاد دارم تا من کشته نشوم نمی گذارم شما کشته شوید. یعنی این حرفی که می زنم از روی ترس نیست و نمی خواهم شهادت را عقب بی اندازم. فقط یک آرزو دارم و دلم می خواهد برآورده شود. موقع اذان ظهر شده دلم می خواهد یک نماز دیگر بخوانم.

این آدمی که عاشق شهادت است آمد گفت من یک چیز دوست دارم و آخرین آرزوی من این است که یک نماز دیگر بخوانم. امام حسین فرمود:

«ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛

به یاد نماز افتادی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد.

خودت برو به دشمن بگو آتش بس بدهند که ما نماز بخوانیم. آمد و به یکی از نیرو های دشمن گفت: ابی عبد الله تقاضای آتش بس به اندازه وقت نماز کرده است.

همان طور که می دانید نماز در میدان جنگ، نماز خوف است و دو رکعت

1- الكافي، ج 5، ص 47؛ مرآة العقول، ج 18، ص 385؛ بحار الانوار، ج 19، ص 163.

است. اگر هم به جماعت بخوانند امام جلو می ایستد یک رکعت را یک گروه اقتدا می کنند و گروه دیگر پاسداری می دهند آن گروه رکعت دوم را خود می خوانند و می روند پاسداری می کنند و گروهی که پاسداری می دادند رکعت دوم را به امام اقتدا می کنند؛ یعنی هر گروهی یک رکعت نماز شان با امام خوانده می شود.

یکی از آن افراد بی دین سپاه دشمن به نام حصین بن نمیر گفت: ما اجازه نمی دهیم! به ابی عبد الله بگویید نماز شما قبول نیست که حبیب بن مظاهر وارد جنگ شد. (1)

ابی عبد الله نماز را خواند؛ بعد از نماز ابو ثمامه اجازه رفتن به میدان گرفت.

اورجزی زیبا خواند که مشتمل بر سه بیت است. ابتدا این مصیبت را به پیامبر تسلیت گفت بعد به حضرت زهرا تسلیت گفت و بعد این مصیبت را به همه عالم اهل غرب و شرق تسلیت گفت و در آخر گفت: مردم کسی را دارید می کشید که بهترین آدم روی زمین الآن است؛ یعنی ما از او دیگر بهتر روی زمین نداریم و این شخصیت دارنده علم الهی است. (2)

عَزَاءٌ لِّأَلِ الْمُصْطَفَى وَبَنَاتِهِ \*\*\* عَلَى حَسْبِ خَيْرِ النَّاسِ سِبْطِ مُحَمَّدٍ

عَزَاءٌ لِّزَهْرَاءِ النَّبِيِّ وَرَوْجِهَا \*\*\* خِرَازَةَ عِلْمِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ أَحْمَدَ

عَزَاءٌ لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ كُلِّهِمْ \*\*\* وَحُزْنَناً عَلَى حَسْبِ الْحُسَيْنِ الْمُسَدِّدِ

این سه بیت شعر شاید کمتر مطرح شده است یک چند نفری را کشت و بعد هم شهید شد. ظاهراً ابی عبد الله بالای سرش نیامده است؛ چون این حرف درست نیست که ابی عبد الله بالای سر همه شهدا آمده است؛ اصلاً امکانش نبود. مرحوم سماوی در ابصار العین می گوید هشت یا نه شهید را ابی عبد الله بالای سرشان آمده است.

## احترام اهل بیت علیهم السلام در قرآن

برداشتی که من از این شعار می خواهم بکنم این است ما باید نسبت به اهل بیت است اهل بیت وظایف مان را انجام بدهیم.

اهل بیت به اراده تکوینی الهی معصوم و پاکیزه از هر پلیدی هستند. قرآن در سوره احزاب می فرماید:

ص: 28

1- وقعة الطف، ص 229؛ بحار الانوار، ج 45، ص 21؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 17، ص 264.

2- المناقب، ج 4، ص 104.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (1)

خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

در این سوره حدود بیست آیه خدا از ضمیر جمع مؤنث استفاده کرده که منظور زنان پیامبر هستند؛ اما در این بین در این آیه یک جا فرموده است «عَنْكُمُ الرِّجْسَ»؛ معلوم است این اهل بیت، زنان پیامبر نیستند.

شیعه و سنی درباره این آیه نوشته اند شش ماه تمام پیامبر در خانه حضرت زهرا می آمد و این آیه را می خواند. (2)

بی احترامی عبد الله بن حوزه

اتفاقاً روز عاشورا اول صبح وجود مقدس ابی عبد الله ایستاده بود، یک گودال هایی کنده بودند از یک طرفی که پشت خیمه بود دشمن نتواند حمله کند داخلش هم هیزم ریخته و آتش زده بودند.

یکی از این خبیث های دشمن به نام عبد الله بن حوزه با محمد بن اشعث جلو آمدند. عبد الله به امام حسین گفت برای خودتان آتش درست کردید عجله نکنید ما شما را می کشیم و شما به آتش ملحق می شوید. ابی عبد الله یک نگاهی کرد و عرضه داشت خدایا! این را با همین آتش بسوزان که حرمت ما را منکر شده است. اتفاقاً همان لحظه پای اسبش لغزید در همان آتش افتاد و به درک واصل شد. (3)

بی احترامی محمد بن اشعث

محمد بن اشعث این صحنه را دید رو به امام حسین کرد و گفت: یا ابا عبد الله! این تصادفی بود فکر نکنید شما نزد خدا حرمتی دارید. امام حسین فرمود چرا احترام نداریم؟ مگر تو این آیه را نشنیدی؟ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» اهل بیت علیهم السلام، ما هستیم.

وقتی پیامبر و امیر المؤمنین امام حسن و امام حسین فاطمه زهرا علیها السلام پنج تایی دور هم جمع شدند و جبرئیل هم آمد.

ص: 29

1- احزاب، 33.

2- «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَمْرُؤُ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ - إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (بحار الانوار، ج 25، ص 237 اثبات الهداة ج 2، ص 270؛ شواهد التنزيل، ج 2، ص 18).

3- وقعة الطف، ص 219؛ الارشاد، ج 2، ص 102 اعلام الوری ص 244.

ام سلمه آن جا بود گفت: یا رسول الله! من هم بیایم و ششمی بشوم؟

فرمود: ام سلمه تو همسر من هستی وزن خوبی هستی؛ ولی نمی شود. (1)

اهل بیت منحصر در پنج تن اهل بیت منحصر در پنج تن است و صرفا سرایت به سایر ائمه پیدا می کند.

تا این حرف را حرمتی نزد خدا ندارید محمد بن اشعث زد امام حسین او را هم نفرین کرد، عقربی آمد پایش را گزید، زخم شدیدی شد و با همین زخم به درک واصل شد و نتوانست بجنگد. (2)

حدیث ثقلین، حدیثی است که شیعه و سنی نقل کرده اند.

### وظایف ما در مقابل اهل بیت علیهم السلام

رسول خدا از من و شما راجع به اهل بیت چهار وظیفه خواست و فرمود:

«أُزْبِعُهُ أَنَا شَفِيعٌ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»،

من قول می دهم اگر کسی این چهار وظیفه را انجام بدهد روز قیامت شفاعت می کنم:

#### 1. یاری کردن

اولین وظیفه ای که در مقابل اهل بیت داریم یاری کردن آن هاست. پیامبر فرمود:

«مُعِينٌ لاهل بیتی»؛

اهل بیت من را یاری کنید.

این حضور و این که مداح می آید می خواند شما ناله می زنید و اشک می ریزید و مجلسش را گرم می کنید یاری کردن اهل بیت است. گرم کردن مجلس امام حسین علیه السلام، حضور در برنامه ها نصب علم عزاداری یاری کردن اهل بیت است. هر کس فکر کند به چه شیوه ای می تواند اهل بیت را یاری کند با سخن، مال، آبرو، زیارت رفتن و...

عظمت روضه خوانی

مورد اول

آیت الله العظمی شبیری زنجانی به بنده فرمودند: آیت الله آقا سید عبد الهادی شیرازی یک شب خواب دید ابی عبد الله نشسته یک دفتری هم جلویش باز است و آقایی هم آن جاست، ابی عبد الله به آن شخص فرمود: اسم

1- بحار الانوار، ج 10، ص 141.

2- مقتل الحسين خوارزمي، ج 1، ص 249؛ المناقب، ج 4، ص 85؛ بحار الانوار، ج 45، ص 302.



فلانی را خط بزید ایشان روضه خوان ما نیست.

آقا سید عبد الهادی می گوید من این آقا را می شناختم بعد فرمود اسم سید جعفر شیرازی را بنویس ایشان روضه خوان ما است. باز آقای عبد الهادی می گوید: اتفاقاً این سید جعفر، روضه خوان نبود و درس می گفت.

ایشان می گوید از خواب که بیدار شدم نزد سید جعفر شیرازی رفتم: و گفتم مگر شما برای ابی عبد الله روضه می خوانید؟ گفت: بل-ه-م-ن س-الی دوسه مرتبه گاهی خانواده خودم را جمع می کنم، گاهی هم در جلسات درسم یادی از ابی عبد الله می کنم.

گفتم من یک چنین خوابی دیدم رفتم آن آقا را پیدا کردم، دیدم ایشان هم از روضه خوانی ابی عبد الله بیرون آمده و مشغول کار اداری شده است. وقتی به ایشان گفتم، گریه زیادی کرد.

مورد دوم:

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی روز عاشورا که می شد سه چهار ساعت پای روضه می نشست، تمام که می شد داخل اتاق می رفت و خانواده اش را جمع می کرد و می گفت می خواهم روضه بخوانم. ایشان خودش روز عاشورا روضه خوان ابی عبد الله می شد نوار ایشان هست عصر عاشورا این شعر را می خواند:

آتش به آشیانه مرغی نمی زنند \*\*\* گیرم که خیمه خیمه آل عبا نبود

مقام معظم رهبری مدظله در نماز جمعه تهران و در جاهای متعدد مقیدند که روضه برای ابی عبد الله بخوانند؛ این افتخار است.

معین اهل بیت با اشک و حضور در مجلس تان با نماز اول وقت تان، با زینت اهل بیت، بودن با اخلاق نیکوی تان باشید.

2. برآورده کردن حاجات آنان

دومین وظیفه ای که ما در مقابل اهل بیت داریم این است که حاجات آن ها را برآورده کنیم. پیامبر فرمود: علی فرمود:

« وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ »؛

حاجات آن ها را برآورده کنید.

ص: 31

الآن من و شما چه حاجتی از اهل بیت را می توانیم برآورده کنیم؟ یاری کردن دین کمک به حرم و زائرشان پرداختن خمس مان و دوست داشتن کسانی که در مسیر اهل بیت کار می کنند

در مسیر اهل بیت کار می کنند علی علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَحَبَّنَا أَحَبَّ شِيعَتَنَا» (1)

هر کسی ما را دوست دارد شیعه های ما را باید دوست داشته باشد.

### 3. دوست داشتن

سومین وظیفه ای که ما در مقابل اهل بیت داریم این است که آن ها را دوست داشته باشید داشته باشیم. پیامبر فرمود:

«الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ»؛

اهل بیت من را دوست داشته باشید.

### 4. حمایت کردن با دست

چهارمین وظیفه ای که ما در مقابل اهل بیت داریم؛ حمایت کردن از آن ها با دست است. پیامبر فرمود

«الدَّفْعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ» (2)

با دست تان از ما حمایت کنید.

از اهل بیت در برابر شبهات و شبهه افکنان دفاع کنیم. از اهل بیت با حمایت از علما با تنها نگذاشتن ولی فقیه دفاع کنیم.

امام رهبر کبیر انقلاب بزرگترین دفاع تاریخ را در عصر ما از اهل بیت با بنیان گذاری جمهوری اسلامی داشت. ایشان کاری کرد نام اهل بیت و شیعه در دنیا طنین افکن شود. شهداء مدافع اهل بیت بودند. در تمام وصایای آنان سفارش به اسلام و نماز و انقلاب و ولی فقیه است هرکسی فکر کند چگونه می تواند مدافع اهل بیت و یاور آنان باشد.

همان طور که می دانید ابی عبد الله سید الشهداء است و شهدای کربلا «ساده الشهداء» هستند. پس همه این ها بزرگ هستند؛ خدایا به حق سید الشهداء و شهدای کربلا قسمت می دهیم ما را از این خاندان جدا مگردان.

ص: 32

1- بحار الانوار، ج 35، ص 199؛ تفسیر فرات الکوفی، ص 128؛ تفسیر کنز الدقایق، ج 9، ص 149.

2- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَرْبَعَةٌ أَنَا اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَحِبَّ لِي يَحِبَّ لِلَّهِ وَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَتَوْنِي بِذُنُوبِ أَهْلِ الْأَرْضِ مُعِينٌ لَأَهْلَ بَيْتِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ عِنْدَ مَا أَصَّ طَرُوقًا إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الدَّفْعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ» (الخصال، ج 1، ص 196؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 333؛

عيون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج 1، ص 259).

در تمام دنیا فقط یک مکان است که بدون هیچ مانعی دعا بالا می رود و به هدف اجابت می رسد و آن حرم و کربلای امام حسین علیه السلام است. **اجَابَ الدُّعَا تَحْتَ قُبَّتِهِ .**

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه واله و سلم به جابر فرمودند: **يَا جَابِرُ زُرْ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...** ای جابر قبر حسین را زیارت کن که معادل صد حج است و بعد هم اضافه کردند **انَّ كَرْبَلَا أَرْضُ الْجَنَّةِ** کربلا قطعه ای از زمین نیست؛ بلکه قسمتی از بهشت است که خداوند آن را در زمین قرار داده است و روز قیامت هم بقیه جای خود که بالاترین قسمت بهشت است برگردانده می شود.

انبیاء الهی کربلا را زیارت کرده اند و بر مظلومیت عزیز زهرا گریسته اند . **(1)** ان شاء الله کربلای ما هم در این مجلس امضاء شود.

این دل تنگم عقده ها دارد \*\*\* گوئیا میل کربلا دارد

ای خدا ما را کربلایی کن \*\*\* بعد از آن با ما هر چه خواهی کن

ای حسین جانم \*\*\* ای حسین جانم

وقتی در دوم محرم کاروان به کربلا رسید حضرت بعد از آن که از اسم آن سرزمین سوال کردند مشتکی از خاک را برداشته و بوئیدند و فرمودند: **وَ اَهَا لِكِ اَيُّهَا التَّرِيْبَةُ .** چقدر خوش بوئی ای خاک! **(2)** سپس فرمودند: همین جا فرود آید؛ **هَاهُنَا مُنَاخُ رِكَابِنَا وَ مَحَطُّ رِحَالِنَا وَ مَسْفَكَ دِمَاؤُنَا .** این جا محل اقامت ما و جایی است که خون ما بر آن می ریزد جایگاه قبر های ماست که جدم رسول الله این را خبر داده. **(3)**

بار بگشائید این جا کربلاست \*\*\* آب و خاکش با دل و جان آشناست

کربلا گهواره اصغر تویی \*\*\* مقتل عباس مه پیکر تویی

به خواهر بزرگوار شان خطاب کرد در راه رفتن به جنگ صفین پدرم امیر المومنین در این مکان گریان شد و فرمود: در خواب دیدم این بیابان دریایی از خون است و حسینم در آن غرق شده و یاری می طلبد و کسی به فریاد او نمی رسد. **(4)**

یا صاحب الزمان! نمی دانم این جمله چه کرد با دل و جانتان زینب علیها السلام با چه حالی به زمین کربلا فرود آمد؛ ولی نقل شده جوانان بنی هاشم دور محمل دختر زهرا را گرفتند و با احترام از مرکب پایین آمد یک طرف عباس ایستاد، یک طرف علی اکبر یک طرف قاسم و عون و جعفر!

اما دلها بسوزد روز یازدهم هم می خواهد از این سرزمین بیرون برود؛ اما محرمی برای زینب نمانده که بیبی را کمک کند بلکه (یا الله) راوی می گوید دیدم **فَأَخَذَ بَصُرْبِهِنَّ بِالسُّوْطِ** با تازیانه می زدند تا سوار بر شترها شوند. **(5)**

بمیرم دیدند دختر علی علیه السلام وارد گودی قتلگاه شد بدن برادر را در آغوش گرفت و حلقوم برادر را بوسید و صدا زد: **يَا أَخِي لَوْ خَيْرَت بَيْنَ الرَّحِيلِ وَ الْمَقَامِ ...** **(6)** اگر اختیاری با من بود کنارت می ماندم حتی اگر درندگان بیابان بدنم را پاره پاره کنند اما ...

چون چاره نیست می روم و می گذارم \*\*\* ای پاره پاره تن به خدا می سپارم

- 
- 1- برگرفته از احادیث کامل الزیارات
  - 2- روضه های شیخ جعفر شوشتری
  - 3- مقتل خوارزمی
  - 4- معالی السبطین
  - 5- مقتل مفرم
  - 6- سوگنامه آل محمد

شعارگویای هدف یک گروه و یا یک فرداست و اولین شعاری که در اسلام داشتیم «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا» بود.

شعار به معنای نشانه و علامت گاهی تابلو و پرچم و گاهی شعر و یا یک مطلب است. شعار باید کوتاه، گویا، محرک بیان کننده هدف موزون و آسان در حفظ و تکرار باشد.

مسلمانان حین ساخت مسجد مدینه شعار را می دادند:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُ الْآخِرَةِ \*\*\* فَأَغْفِرْ لِلْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَةِ

شعار جنگ بدر: يَا نَصْرَ اللَّهِ اقْتَرِبْ اقْتَرِبْ

شعار مسلمین در جنگ احد: «اللَّهُ أَعْلَىٰ أَجَلٍ» و «اللَّهُ مَوْلَانَا وَلَا مَوْلَىٰ لَكُمْ»

یک شاعر یا ذاکر می تواند افرادی را به میدان جنگ بکشد یا از جنگ باز دارد نظیر اشعار آقای آهنگران در جنگ ایران و عراق .

برخی شاعران با یک شعر یا شعار تحولی ایجاد کرده اند؛ مانند شعر رودکی که سبب بازگشت امیر سامانی ابو نصر از هرات به بخارا بعد از چهار سال شد.

کشورها سرود دارند؛ چون اهدافشان را با سرود بیان می کنند.

گاهی استفاده منفی از شعار می شود مثل شعار « لا حکم الا لله»، توسط خوارج در به شهادت رساندن علی علیه السلام

به فرموده امام صادق علیه السلام شعار امام حسین علیه السلام روز عاشورا و شعار اهل بیت علیهم السلام، «یا محمد» است.

ابو ثمامه از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام در صفین و جمل یک شخصیت شجاع و با ذکاوت بود که پس از بیعت با مسلم و شهادت ، او با سختی از کوفه خودش را به کربلا خدمت ابا عبد الله علیه السلام رساند.

ابو ثمامه ظهر عاشورا موقع اذان ، خدمت ابی عبد الله علیه السلام آمد و امام علیه السلام به ایشان فرمود: ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ.

بعد از نماز ابو ثمامه اجازه رفتن به میدان گرفت و پس از خواندن رجزی زیبا و کشتن چند نفر شهید شد:

عَزَاءً لَأَلِ الْمُصْطَفَىٰ وَ بَنَاتِهِ \*\*\* عَلَىٰ حَبْسِ خَيْرِ النَّاسِ سِبْطِ مُحَمَّدٍ

عَزَاءً لِرُزْهَاءِ النَّبِيِّ وَ رَوْجِهَا \*\*\* وَ خِرَانَةِ عِلْمِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ أَحْمَدَ

عَزَاءً لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ كُلِّهِمْ \*\*\* وَ حُزْنَآ عَلَىٰ حَبْسِ الْحُسَيْنِ الْمُسَدِّدِ

پیام شعار ابو ثمامه صائدی انجام وظیفه نسبت به اهل بیت علیهم السلام است .

اهل بیت علیهم السلام به اراده تکوینی الهی و به استناد آیه تطهیر معصوم و پاکیزه از هر پلیدی هستند.

اهل بیت علیهم السلام منحصر در پنج تن است و صرفاً سرایت به سایر ائمه علیهم السلام پیدا می کند.

عبد الله بن حوزة و محمد بن اشعث از خبیث های دشمن در روز عاشورا که نسبت به امام حسین علیه السلام بی احترامی نمودند، بانفرین امام به درک واصل شدند.

رسول خدا از ما چهار وظیفه نسبت به اهل بیت اسلام علیهم السلام خواستند و در مقابل شفاعت روز قیامت را تضمین فرمودند: یاری کردن برآورده کردن حاجات آنان دوست داشتن و حمایت کردن با دست

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: مُعِينِ لِأَهْلِ بَيْتِي.

گرم کردن مجلس امام حسین علیه السلام، حضور در برنامه ها نصب علم عزاداری یاری کردن اهل بیت علیهم السلام است.

با اشک و حضور در مجلس روضه، با نماز اول وقت با زینت اهل بیت علیهم السلام بودن با اخلاق نیکویان می توان معین اهل بیت علیهم السلام بود.

این پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: وَالْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجُهُمْ؛ حاجات اهل بیت علیهم السلام را برآورده کنید.

دفاع از اهل بیت علیهم السلام در برابر شبهات و شبهه افکنان دفاع با حمایت از علما با تنها نگذاشتن ولی فقیه، مصداق حمایت از اهل بیت علیهم السلام است.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ؛ اهل بیت من را دوست داشته باشید.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: الدَّافِعُ عَنْهُمْ بِيَدِهِ؛ با دست تان از ما حمایت کنید.

دفاع از اهل بیت علیهم السلام در برابر شبهات و شبهه افکنان، دفاع با حمایت از علما، با تنها نگذاشتن ولی فقیه مصداق حمایت از اهل بیت علیهم السلام است.

امام خمینی رحمه الله علیه در عصر ما بزرگترین مدافع اهل بیت علیهم السلام و شهدا نیز مدافع اهل بیت علیهم السلام بودند.

جلسه سوم: اہمیت ایمان باور قلبی

اشارہ

ص: 35



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

بحث امسال ما بررسی پیام شعار های عاشورا است؛ بحثی که کمتر به آن پرداخته شده است.

امشب رجزی را از شخصیتی می خوانم که پنج ویژگی اصحاب ابا عبد الله را بیان کرده است. ظهر عاشورا موقع نماز حبيب بن مظاهر صحابی (2) خاص پیامبر این رجز را خوانده است.

### شخصیت حبيب بن مظاهر

اولاً: حبيب پیامبر خدا صلی الله علیه و اله وسلم را دیده و از امام حسین علیه السلام بزرگ تر است .

ثانیاً: جزء گردان های ویژه امیر المؤمنین علیه السلام است. امیر المؤمنین علی علیه السلام گروهی به نام شُرْطَةُ الْخَمِيسِ داشت. خمیس یعنی پنج شنبه و به معنای گردان پنج شنبه است. تعداد این گردان زیاد نیست و یک سری افراد ویژه امیر المؤمنین علیه السلام جزئش هستند که یکی از آن ها حبيب بن مظاهر است. (3)

ایشان کسی است که وقتی مسلم بن عقیل به کوفه آمد اولین سخنرانی که امام حسین ان بزرگ تر است، جزء گردان های ویژه امیر المؤمنین مسلم کرد پیام امام حسین علیه السلام را برای مردم گفت دو نفر بلند شدند سخنرانی هنگام اولین سخنرانی مسلم در کردند؛ یعنی آن جلسه سه سخنران داشت یکی خود مسلم بود، دومین کسی خیلی زیبا سخنرانی کرد عابس بود و وقتی سخنرانی او تمام شد، حبيب بلند شد و گفت: هر چه ایشان گفت من تأیید می کنم. (4)

ص: 36

1- توبه ، 119 .

2- الإصابة ، ج 2، ص 142.

3- رجال البرقی، ص 4.

4- وقعة الطف، ص 100.

در منابع کنونی معروف شده که امام حسین به حبیب نامه ای نوشت و او را دعوت کرد؛ اما به نظر می رسد که حبیب نیاز به نامه نداشت و آماده بود و خودش آمد.

کسانی که امام حسین به آن ها نامه داده انگیزه ای در آن ها ایجاد کرده است؛ اما حبیب یک انسان ویژه ای است و کسی بود که پیشگویی می کرد. (1) وقتی با میثم تمار مواجه شد: گفت تو را قبل از کربلا اعدام می کنند و همین اتفاق افتاد؛ میثم 28 ذی الحجه از زندان آزاد شد و به مختار گفت: من را می کشند تو زنده می مانی و دو روز به شروع محرم میثم تمار به شهادت رسید.

این شخصیت با این جایگاه وقتی شهید شد، تعبیر مقتل این است:

«لَمَّا قُتِلَ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ هَدَّ ذَلِكَ حُسَيْنًا» (2)

وقتی حبیب کشته شد تأثیر عظیمی روی ابا عبد الله علیه السلام گذاشت.

بعد از این جریان امام حسین عرض کرد خدایا من این حادثه را به خاطر خدایا! من این حادثه را به خاطر تو تحمل می کنم.

### رجز حبیب بن مظاهر

حبیب ظهر عاشورا موقع نماز به میدان آمده و گفت:

أَنَا حَبِيبٌ وَ أَبِي مُظَاهِرٌ \*\*\* لَنَحْنُ أَرْكَى مِنْكُمْ وَ أَظْهَرُ (3)

من، حبیبم و پدرم مظاهر است. ما از شما پاک تر و پاکیزه تریم.

من حبیب پسر مظاهر هستم. شما دارید از یک ظالم حمایت می کنید و کسانی هستید که اهل پیمان شکنی هستید ولی اولین ویژگی ما پاکیزگی است.

أَنْتُمْ أَعْدُ عِدَّةً وَ أَكْثَرُ \*\*\* وَ نَحْنُ أَعْلَى حُجَّةً وَ أَظْهَرُ

وَ أَنْتُمْ عِنْدَ الْوَفَاءِ أَغْدَرُ \*\*\* وَ نَحْنُ أَوْلَى مِنْكُمْ وَ أَصْبَرُ (4)

شما تعدادتان از ما بیشتر است ولی دومین ویژگی ما این است که ما اهل حجت هستیم. دلیل داریم و با هدف آمدیم شما پیمان شکن هستید و ویژگی دیگر ما این است که ما وفادار و صبور و خدا ترسیم.

درس اعتقادی که از این پیام می گیریم اهمیت ایمان و باور قلبی است که زمینه ساز شجاعت و صبر است.

ص: 37

1- رجال الکشی، ج 1، ص 292؛ بحار الانوار، ج 45، ص 92.

2- وقعة الطف، ص 231.

- 3- الأمل للصدوق ، ص160؛ روضة الواعظين، ج1، ص186؛ رياض الأبرار، ج1، ص204.
- 4- الفتوح، ج5، ص107؛ المناقب، ج4، ص103؛ بحار الأنوار، ج45، ص26.

آن مطلبی که من می خواهم بیان کنم این است: در قرآن مجید یک مؤمن داریم چهار گروه هم مقابلش داریم که شامل 1 - کافر، 2- منافق، 3 - آدم های بینابین نه خیلی ایمان محکمی دارد و نه کفرش زیاد است، 4- مستضعف فکری.

گروه اول که مؤمن هستند ده ها آیه در قرآن داریم اگر انسان ایمان و اعتقادش قوی باشد نه شبهه او را از پا در می آورد نه در جنگ می ترسد و نه به مسیر گناه کشیده می شود مؤمن کسی است که ایمان در قلب و عمل اوست و در زندگی اش مشاهده می شود؛ لذا در حوزه اخلاق می خواهد پلیس باشد یا نباشد، رعایت می کند در حوزه اقتصاد اهل ربا و رشوه نیست؛ در حوزه عبادت نمازش را می خواند؛ یعنی یکی از مهم ترین عوامل محرک و بازدارنده ایمان است لذا در سوره حجرات می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (1)

مؤمن کسی است که ایمان دارد و شک هم ندارد و مال و جانش را در راه خدا می دهد و راست هم می گوید.

### راه های تقویت ایمان

1. بهره گیری از حواس ظاهری

اولین راه تقویت ایمان بهره گیری از حواس ظاهری است در تقویت ایمان تان تلاش کنید ائمه ما گاهی می فرمودند شما به نعمت های خداوند نگاه کنید. علی فرمود:

«مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ» (2)

هرکه بیندیشد بینا می شود.

داستان

کسی منکر خدا بود نزد امام صادق آمد آقا فرمود: به این تخم مرغ نگاه کن اگر یک مقدار فکر کنی می فهمی که این خود به خود ایجاد نشده و خالق دارد. قرآن می گوید به آسمان و زمین نگاه کنید، (3) به شتر نگاه کنید. (4) پس

ص: 38

1- حجرات، 15.

2- نهج البلاغه نامه 31.

3- روم، 50.

4- غاشیه، 17.

## 2. فطرت

دومین راه تقویت، ایمان فطرت است. سرشت هر کسی به وجود خدا و عظمت او اعتراف می کند. هر فرزندی براساس فطرت فرزندی براساس فطرت توحیدی متولد می شود.

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: خدا کجاست؟ آقا فرمود وقتی سوار کشتی شدی و کشتی در حال غرق شدن بود چه کسی را صدا زدی؟ متوجه یک چیزی شدی همان خداست.

بنده خودم بارها امتحان کردم وقتی انسان متوجه خطر می شود، خدا را صدا می زند؛ این فطرت است.

## 3. عقل و خرد

سومین راه تقویت ایمان عقل و خرد است. عقل حکم می کند این عالم خالق دارد. این نظم فراگیر ناظمی دارد. عقل حکم می کند این خالق عالم ازلی و ابدی باشد و به هیچ چیز وابسته نباشد.

آیا می شود پیامبر خدا از دنیا برود و برای خودش جانشینی نگذارد؟ عقل حکم می کند، می شود مدیریت جامعه را افراد غیر معصوم به دست بگیرند؟ عقل می گوید نه آن کسی که می خواهد حکومت جامعه دینی را به دست بگیرد و به مردم خط بدهد غیر از فقیه باشد؟ عقل می گوید: نه. بحث ولایت فقیه هم همین است.

امام خمینی رحمه الله علیه فرمود: ولایت فقیه دلیل نمی خواهد؛ چون روشن است. هزار و صد و هفتاد سال است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پس پرده غیبت است این مردم می خواهند نماز بخوانند و روزه بگیرند و می خواهند حدود اجرا شود، چه کسی باید برای اینها مبانی دین و احکام حکومتی را اجرا کند؟ معلوم است این کار پزشک و مهندس نیست.

ارتش ولایتش با نظامیها است آنها در مورد جنگ اطلاع دارند در کشور اسلامی اگر حکومت نباشد باز هم فقیه است منتها در احکام، اگر حکومت تشکیل شد اداره اش در فقه است. امام می فرماید تصورش در تصدیق کافی است.

1. کافر

اولین گروه مقابل مؤمن کافر است که خدا می فرماید: عذابش شدید است و باید به جهنم برود؛ چون می داند دین حق است اما منکر می شود معاند است لجوج است؛ مثل ابولهب و ابوجهل . پیامبر به ابوجهل معجزه نشان داد، گفت: سحر است.

2. منافق

دومین گروه مقابل مؤمن، منافق است. منافق اعتقادی به جهنم می رود؛ یعنی کسی که به زبان می گوید من مسلمان هستم و در قلبش کافر است. قرآن در جاهای مختلف منافق و کافر را کنار هم آورده و می فرماید: عذاب دردناک در انتظار آن هاست. آغاز سوره بقره دو آیه در مورد کافران و چندین آیه درباره منافق است. 300 آیه در قرآن کریم به پدیده نفاق پرداخته است. رسول خدا به امیر المؤمنین فرمود: من از مؤمن و کافر بر تو نمی ترسم اما از منافق چرب زبان و آراسته بر تو می ترسم. (1)

هلاکت نتیجه نفاق

وقتی قوم حضرت موسی از شهر با او بیرون آمدند، فرعون هم حرکت کرد. شخصی بود که پیرو موسی بود و او را به ظاهر قبول داشت ولی شک داشت که او پیروز می شود یا خیر.

این شخص در سپاه فرعون رفت و گفت: من با فرعون می آیم تا به موسی برسم ، اگر دیدم موسی دارد پیروز می شود و فرعون نابود می شود، فوراً به موسی ملحق می شوم و اگر دیدم موسی را کشتند همان جا می مانم.

وقتی که قوم موسی از دریا رد شد و قوم فرعون وارد آب شد و غرق شد، قبل از آن که قوم فرعون غرق شود دید موسی پیروز شد، فوراً خودش را جدا کرد و دنبال حضرت موسی دوید. خدا یک فرشته ای فرستاد اسب او را به طرف لشکر فرعون برگرداند تا غرق شدند.

ص: 40

شبث بن ربعی در تمام تاریخ اسلام معروف است که هم با رسول خدا و هم با مدعیان نبوت بوده است هم با خلیفه سوم بوده و هم با علی بن ابی طالب، هم جزء لشکر امام حسن بوده و هم جزء لشکر معاویه، هم در کربلاست و هم در لشکر مختار؛ یعنی هر کجا می دید به نفعش است به همان طرف می رفت.

### 3. مرجئین

سومین گروه مقابل ایمان مرجئین هستند.

حمزه سید الشهداء را یک غلام وحشی در احد کشت بعد از شهادت حمزه او پشیمان شد و خدمت پیامبر گرامی اسلام آمد و گفت می خواهم مسلمان شوم ولی نه اسلام محکم چون در کفر بوده، یک اسلام نیمه بندی دارد. هم چنین قاتل جعفر بن ابی طالب توبه کرد که به این ها «مرجئین» می گویند؛ یعنی کسانی که به اسلام شک داشتند و منتظر فرصت بودند.

در سوره توبه آیه 106 خدا می فرماید:

«وَآخَرُونَ مُرْجُونَ لِرَأْمِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛

و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند و کارشان با خداست؛ یا آن ها را مجازات می کند وی توبه آنان را می پذیرد (هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است!

جوان های عزیز به مطالعه و نماز و حضور در مجالس اهل بیت محکم باشید. الآن شبکه های ماهواره ای چه آن هایی که پشتیبانی از وهابی ها می کنند و چه شبکه های شیعی که دارند به اسم شیعه و اهل بیت (متأسفانه) اختلاف افکنی می کنند آمدند که شما را به دسته سوم بکشانند.

شخصی گفت: کتابی در کویت چاپ شد که راجع به شخصیت های صدر اسلام است و بسیار به آن ها فحاشی شده است. این کتاب، تعداد زیادی از افرادی که شیعه شده بودند را از شیعه بودن برگرداند و وهابی شدند.

من در عراق به دفتر یکی از این شبکه ها رفتم و گفتم: سلام من را به این آقا برسانید و بگویید این شبکه با این روش جز دشمن تراشی و فاصله ایجاد کردن بین مذاهب، سود دیگری ندارد.

مقام معظم رهبری رحمه الله علیه فرمود: شما با توهین به مقدسات، کدام گروه را می توانید جذب کنید.

ما پیرو و فرزند، غدیر هستیم سرما برود از شهادت حضرت زهرا عقب نشینی نمی کنیم دفاع از ائمه و غدیر با خون و گوشت ما آغشته است؛ اما باید توجه داشته باشیم و واقع نگر باشیم بدانیم میلیون ها مسلمان با سلايق و باورهای متفاوت در دنیا زندگی می کنند و مشترکات فراوانی دارند؛ البته اختلافاتی هم دارند. اختلاف افکنی ثمره ای جز شادی دشمن ندارد.

#### 4. مستضعف فکری

چهارمین گروه مقابل، ایمان مستضعف فکری است. در دنیا این گروه هم می کنند که عقیده شان درست زیاد هستند؛ یعنی افرادی که الان سایر مذاهب را دارند و فکر هم می کنند که درست می گویند و کسی هم به این ها چیزی نگفته است. نه معاند، نه کافر و نه منکر هستند اما فکر می کنند عقیده شان درست است. حالا اگر این شخص با این عقیده از دنیا رفت؛ تکلیفش چیست؟ خدا می فرماید شما به این ها کار نداشته باشید

«إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» (1)

مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که برآستی تحت فشار قرار گرفته اند (و حقیقتاً مستضعفند) نه چاره ای دارند و نه راهی برای نجات از آن محیط آلوده می یابند.

حبیب گفت: ما جزء گروه مؤمن هستیم حجت و دلیل داریم؛ لذا شک هم نمی کنیم وفادار و صبور هستیم و ما بانقوا و پاکیزه هستیم.

این پیام حبیب با این خصوصیات طهارت و باور ایمانی و وفا و صبر و تقوا امشب در ذهنتان باشد تا ان شاء الله بهره ای از مجالس ابی عبد الله برده باشیم.

ص: 42



امام حسین علیه السلام دختری دارد که گویا نام او فاطمه صغیره بوده؛ ولی بیشتر به رقیه مشهور شده هم او به پدر علاقه زیادی دارد و هم پدر به او و شاید یکی از جهات علاقه امام این بود که مادر این دختر از دنیا رفته بود (1) و ابا عبد الله همه هستی او بود؛ و حتی در اوج حوادث درد دل های ش را به بابا می گفت.

راوی می گوید دیدم وقتی امام سوی میدان می آمد کودکی با قدم های لرزان خود را به آقا رسانید و دامن او را گرفت:

«یا ابه أنظر الی؛ بابا به من نگاه کن فانی عطشان؛ بابا من تشنه ام» اشک از دیدگان حضرت جاری شد، فرمود:

«بُنَّيْهِ اللهُ يُسْقِيكَ فَائَهُ وَكَيْلِي؛ می دانم تشنه های خداوند تو را سیراب کند» گفتند او رقیه دختر امام است. (2)

دل ها را روانه حرم کوچک و با صفای آن عزیزی کنیم که حرمش نیاز به روضه خوان ندارد و با دست های کوچکش گره های بزرگ را باز کرده او که درس فدا شدن در راه امام زمان را به همه ما می دهد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ (3)

ای محبان مدفنم گرکنج ویران خانه است \*\*\* خوب می دانید جای گنج در ویرانه است

کودکی بودم سه ساله ناز پرورد حسیت \*\*\* رفتم از دنیا و قبرم کنج زندان خانه است

همین حرم باصفا یک روزی خرابه شام بوده که نیمه شبی سه ساله از خواب بیدار شد هی صدا می زند این ابی؟ پدرم کجاست؟ الان او را دیدم اهل خرابه دورش را گرفتند؛ اما هر قدر نوازش می کنند آرام نمی گیرد؛ آخه دختر عزیز پدر است؛ اگر نازی کند دختر خریدارش پدر باشد؛ اما او که بابا نداره صدای شیون از همه بلند شد، گویا مصیبت ها تازه شده بر سر و صورت می زنند .

یک مرتبه دیدند خرابه نورانی شد طبقی را وارد کردند جلوی رقیه گذاشتند دستمالی بر آن قرار دارد. با دست های کوچک دستمال را کنار زد یا الله یا حسین چشمش افتاد به سر بریده، بابا یه ناله ای زد سر را بلند کرد به دامن گرفت مانند زهرای مرضیه علیها السلام برای حسین مادری کرد؛ نگفت من را زدند بدنم کیوده نه بلکه مانند مادری که در دیدار عزیزش همه درد های خودش را فراموش می کند صدا زد:

«یا ابتاه من ذالَّذِي قَطَعَ وَرِيدَكَ؟ کی سر تو رو از بدن جدا کرده؟»

«یا أبتاه، مَنْ ذَا الَّذِي خَضَبَكَ بدمانك؟ چه کسی محاسنت را به خونت رنگین کرد؟» (4)

سر را به سینه چسبانید و گریه می کرد؛ آخ بمیرم (یا بقیة الله!) دیدند لب ها را بر لب های بابا گذاشت، ناله ای زد و به زمین افتاد هر چه او را صدا زدند رقیه جان عزیز برادرم جوابی نمی آید. (5)

گوشه خرابه غوغا شد \*\*\* رقیه فدای بابا شد

همه بگویند یا حسین.

پدر فدای رخ نورانیت \*\*\* سنگ جفا که زد به پیشانیت

ای گل خوش بوز درخت که چید؟ \*\*\* تیغ که رگ های گلویت برید؟

ص: 43

---

1- سرگذشت جانسوز حضرت رقیه تحقیق محمدی اشتهااردی

2- انوار الشهاده

3- قسمتی از زیارت نامه حضرت

4- نفس المهموم، منتخب طریحی

5- منتهی الآمال از (کامل از بهائی)

حبيب بن مظاهر ظهر عاشورا موقع نماز رجزى خواند كه در بردارنده پنج ويژگى اصحاب ابا عبد الله عليه السلام است.

حبيب پيامبر خدا صلى الله عليه واله وسلم را ديده و از امام حسين عليه السلام بزرگ تر است جزء گردان هاى ويژه امير المؤمنين عليه السلام يعنى شُرْطَةُ الْحَمِيسِ بوده و هنگام اولين سخنرانى مسلم در كوفه سخنرانى نمود.

حبيب يك انسان ويژه اى است كه پيشگويى مى كرد.

بعد از شهادت حبيب امام حسين عليه السلام عرض كرد: خدايا! من اين حادثه را به خاطر تو تحمل مى كنم.

حبيب ظهر عاشورا اين گونه رجز خواند:

أَنَا حَبِيبٌ وَأَبِي مُظَاهِرٌ \*\*\* لَنَحْنُ أَرْكَى مِنْكُمْ وَأَظْهَرُ

أَنْتُمْ أَعْدُ عُدَّةً وَأَكْثَرُ \*\*\* وَنَحْنُ أَوْفَى مِنْكُمْ وَأَصْبِرُ

وَأَنْتُمْ عِنْدَ الْوَفَاءِ أَغْدَرُ \*\*\* وَنَحْنُ أَعْلَى حُجَّةً وَأَظْهَرُ

درس اعتقادى رجز، حبيب اهميت ايمان و باور قلبى است كه زمينه ساز شجاعت و صبر است.

اگر انسان ايمان و اعتقادش قوى باشد؛ نه شبهه او را از پا در مى آورد نه در جنگ مى ترسد و نه به مسير گناه كشيده مى شود.

بهره گيرى از حواس ظاهرى فطرت و عقل سه راه تقويت ايمان است.

سرشت هر كسى به وجود خدا و عظمت او اعتراف مى كند و هر فرزندی براساس فطرت توحيدى متولد مى شود.

عقل حكم به وجود خالق براى عالم به نصب جانشين براى پيامبر و ممنوعيت سپردن جانشينى پيامبر به غير معصوم دارد.

ولايت فقيه دليل عقلى دارد و آن اين كه در زمان غيبت امام زمان اين فقيه است كه مبانى دين و احكام حكومتى را اجرا مى كند.

كفار منافقين مرجئين و مستضعفين فكرى گروه هاى مقابل مؤمنين هستند.

كافر به جهنم مى رود؛ چون مى داند دين حق است اما منكر مى شود.

منافق اعتقادى يعنى كسى كه به زبان مى گويد من مسلمان هستم و در قلبش كافر است به جهنم مى رود.

300 آيه در قرآن به پديده نفاق پرداخته است.

شبث بن ربعى در تمام تاريخ اسلام معروف است كه هر كجا مى ديد به نفعش است به همان طرف مى رفت.

مرجئين يعنى كسانى كه به اسلام شك داشتند و منتظر فرصت بودند.

شبکه های ماهواره ای معاند اختلاف افکن از سنی و شیعه آمده اند که مردم را به دسته مرجئین بکشانند.

مستضعفین فکری یعنی افرادی که الآن سایر مذاهب را دارند و فکر هم می کنند که عقیده شان درست است ، و کسی هم به این ها چیزی نگفته است.

ص: 44

جلسه چهارم: شيعه حقيقي

اشاره

ص: 45

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

بحث ما تحلیل شعار های عاشورا است. عرض کردیم اصحاب ابی عبد الله بنی هاشم و خود امام حسین رجز هایی خواندند که اگر بتوانیم خلاصه ای از آن ها را نقل کنیم، هم اهداف آن ها را می شناسیم و هم با تاریخ و زوایای نهفته تاریخ آشنا می شویم.

روز عاشورا در نقل دارد آن زمانی که عده زیادی از دشمن کشته شده بود یک وقتی عمر بن سعد نگاه کرد دید خیلی از افراد به نام لشکرش از بین رفته اند شخصی را به نام عمرو بن حجاج بود فرستاد و گفت برو کار را جمع کن.

او وسط لشکر آمد و روبه لشکر کرد و گفت ای احمق ها شما با یک آدم های عادی نمی جنگید این ها شیر های شهر هستند، این ها کسانی هستند که در شهادت و کشته شدن دارند سبقت می گیرند؛ گروهی به میدان بیایید.

این حرف دشمن است که خود شان را نادان و احمق معرفی کرد و سپاه ابی عبد الله را به شیران شهر تشبیه کرد. (2)

ص: 46

---

1- توبه 119.

2- الارشاد، ج 2، ص 103؛ اعلام الوری ص 244؛ بحار الانوار، ج 45، ص 19.

من می خواهم رجز و شعر یکی از شهدای کربلا به نام انس بن حارث اسدی کاهلی را توضیح دهم.

ایشان کسی است که از پیامبر خدا روایت کرده که با اشاره به امام حسین فرمود:

«إِنَّ ابْنِي هَذَا يُعْنِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِأَرْضِ مِنَ الْعِرَاقِ فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ» (1)

پسر من حسین علیه السلام در سرزمینی به نام کربلا کشته می شود هر کسی آن روز باشد باید او را یاری کند.

انس، سالها قبل از شهادت امام حسین خانه و زندگی اش را رها کرد و به نزدیکی سرزمین کربلا رفت و سکونت پیدا کرد.

محمد بن سعد در کتاب الطبقات الکبری می نویسد: شخصی به نام عریان بن هیثم بود که از کربلا عبور کرد دید انس در آن جا که بیابان بود زندگی می کند به او گفت این جا چه می کنی؟ گفت: من از رسول خدا شنیدم که در این سرزمین امام حسین کشته می شود می ترسم این واقعه اتفاق بیفتد و من نباشم. آدمم زندگی ام را این جا گذاشتم که هر موقع این اتفاق افتاد من حاضر باشم. (2)

اتفاقاً روز عاشورا خدمت ابی عبد الله آمد و گفت: من خیلی وقت است که منتظرم و از جدت هم شنیده ام، اجازه بدهید من به میدان بروم. یک پیشانی بندی بست و ابرو هایش را بالا زد تا روی چشمش نیاید در مقاتل نوشته اند 18 نفر را کشت و بعد شهید شد.

داستان انس و ده ها جریان دیگر، مبین آگاهی امام حسین و حتی برخی از اصحاب و افراد به حادثه کربلا بوده است. حتی انبیاء الهی از این جریان خبر موسی از کربلا، لعن قاتلان

داده اند.

حضرت موسی آمد از کربلا عبور کند، کفشش پاره شد و خون از پایش جاری شد. ایشان فکر کرد خطایی کرده از خدا سؤال کرد: آیا من خطایی کردم که این اتفاق افتاد که قبلش هم برای حضرت ابراهیم پیش آمده است؟ خطاب شد این جا خون مقدسی روی زمین ریخته می شود خواستیم تو هم بدانی. (3)

حضرت عیسی اولین کسی بود که فرمود بر قاتلان امام حسین زیاد لعن

ص: 47

1- المناقب، ج 1، ص 140؛ بحار الانوار، ج 18، ص 141؛ مشیر الاحزان، ص 17.

2- الطبقات الکبری، ج 1، ص 35، ح 424.

3- بحار الانوار، ج 44، ص 242؛ ریاض الابرار، ج 1، ص 172؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 17، ص 101.

کنید؛ حضرت عیسی ششصد سال قبل از اسلام است.

یک نقلی دارد که در یکی از معابد یهود (کنیسه) سیصد سال قبل از بعثت رسول خدا سنگی پیدا شد که بعد از شهادت ابی عبد الله هم این را دیدند؛

یک شعری روی این سنگ نوشته بود که هیچ کس معنایش را نمی فهمید.

أَتَرْجُو أُمَّةً قَتَلَتْ حُسَيْنًا \*\*\* شَفَاعَةَ جَدِّهِ يَوْمَ الْحِسَابِ (1)

آیا امتی که امام حسین علیه السلام را می کشند انتظار دارند جدش رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم هر روز قیامت شفاعت شان را بکند؟

بعد از شهادت امام حسین عده ای در این کنیسه رفتند و این شعر را دیدند فهمیدند این سنگ نوشته کهن سه قرن پیش اشاره به شهادت امام حسین داشته است.

پس انکار علم به قصه کربلا- ممکن نیست در زندگی همه ما یک اتفاقات مثبت و منفی می افتد چه بدانیم و چه ندانیم؛ منتها ما چون ظرفیت نداریم نمی دانیم.

یک راننده کافی است بداند که یک روز تصادف می کند دیگر از خانه بیرون نمی آید؛ چون ظرفیت نیست حوادث آینده را به ما اطلاع نمی دهند؛ اما امام و پیامبر چون ظرفیت دارند حادثه ای که به طور طبیعی و اختیاری، بدون جبر و روی روال عادی پیش می آید را خبردار می شوند.

قصه کربلا اگر هم بیان شده، علم ابی عبد الله یک علم جداگانه و اختصاصی است و هیچ منافاتی با اختیار او ندارد.

عزیزانی که در فتح المبین روی مین می رفتند، گاهی به این ها گفته می شد این میدان مین با صد تا شهید باید باز شود، آیا مجبور بودند؟ آن ها می دانستند و یقین هم داشتند که جز شهادت مسیری نیست.

انس بن حارث کاهلی اسدی که خود حدیث نقل کرده و به آن عمل کرده است؛ یعنی زندگی اش را به کربلا آورد و امام حسین را درک کرد، از روی اختیار چنین انتخابی کرده است و کسی او را مجبور نکرد. او اجازه میدان گرفت و به شهادت رسید.

ص: 48



أَلِ عَلِيٍّ شَيْعَةُ الرَّحْمَنِ \*\*\* وَأَلِ حَرْبٍ شَيْعَةُ الشَّيْطَانِ (1)

خاندان علی علیه السلام، پیرو [خاندان] رحمان اند و خاندان حرب پیرو شیطان هستند.

شیعه یعنی پیرو؛ در کربلا دو شیعه وجود دارد پیرو خدا و پیرو شیطان.

هرکه پیرو علی بن ابی طالب است پیرو خداست.

چرا نگفت آل ابی عبد الله؟ چون داستان کربلا داستان بغض علی بن ابی طالب و امامت ایشان است. هرکسی پیروی ابوسفیان است شیعه شیطان است.

منشأ پیدایش تشیع

نکته ای که می خواهم عرض کنم این است خیلی ها سؤال می کنند که شیعه از چه زمانی درست شده است؟ برخی افراد مغرض نظرات ناصوابی ارائه است. کرده اند که به یازده دیدگاه می رسد.

بعضی ها گفته اند شیعه را ایرانی ها درست کردند؛ بعد از جریان کربلا و شهادت ابی عبد الله این ها دامن زدند یا این که صفویه و آل بویه درست کردند.

بعضی ها گفته اند شیعه بعد از قتل عثمان خلیفه سوم درست شد.

بعضی ها گفته اند: این ها را امام صادق بنیانگذاری کرد و الا قبل از امام صادق شیعه ای در کار نبود و حرف های دیگر.

من یک جمله می گویم اساس این سؤال غلط است. شیعه همراه با رسالت و نبوت پیامبر بوده است. پیدایش مطرح نیست همراه با رسالت بوده و نبوت پیامبر بوده است و است یوم الانذاره همراه با دعوت رسول خدا به بعثت موضوع وصایت علی هم مطرح شد.

حاکم حشکانی در شواهد التنزیل دارد: رسول خدا هر وقت علی را می دید می فرمود:

«إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (2)

ص: 49

1- الأما لي للصدوق، ص 161؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 187؛ المناقب، ج 4، ص 102.

2- «عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [ قَالَ قَدْ أَتَاكُمْ أَخِي ثُمَّ التَّقَتِ إِلَى الْكَعْبَةِ قَالَ وَرَبِّ هَذِهِ النَّبِيَّةِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ إِنَّهُ أَوْلَاكُمْ إِيمَانًا بِاللَّهِ وَأَقْوَمُكُمْ لِأَمْرِ [ بِأَمْرِ اللَّهِ وَوَأَوْفَاكُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَقْضَاكُمْ بِحُكْمِ اللَّهِ وَاقْسَمْتُكُمْ بِالسُّوِيَّةِ وَاعْتَدَلْتُكُمْ فِي الرَّعِيَّةِ وَاعْظَمْتُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرِيَّةً ] مَنْزِلَةً قَالَ جَابِرٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الْآيَةَ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ أَوْلِيكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» فَكَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَقْبَلَ قَالَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ أَصْحَابُهُ قَدْ أَتَاكُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (شواهد التنزيل، ج2، ص 467؛ تفسير فرات الكوفي، ص585؛ بحار الانوار، ج 35، ص345).

همانا این عالی و شیعه او در روز قیامت رستگارانند.

قرآن می فرماید

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (1)

هرکسی ایمان و عمل صالح داشته باشد بهترین آدم روی زمین است.

حدود بیست روایت در منابع اهل سنت است که گفته اند اصحاب پیامبر تا علی بن ابی طالب را می دیدند نمی گفتند علی آمد؛ می گفتند: «خیر البریه» آمد؛ یعنی برترین آدم روی زمین.

فریقین نوشته اند: وقتی پیامبر پنج تن را جمع کرد، فرمود: اهل بیت من این ها هستند و آیه تطهیر نازل شد. (2)

### فضائل علی علیه السلام

یک وقتی معاویه از سعد بن ابی وقاص پدر عمر بن سعد پرسید تو چرا علی را لعن کنم و علی بن ابی طالب را لعن نمی کنی؟

گفت سه تا ویژگی علی بن ابی طالب دارد اگر یکی از این ها در خاندان ما بود به دنیا می بالیدیم و من نمی توانم با این سه ویژگی علی را لعن کنم و حرفی علیه او بزنم 1- ولایت، 2- منزلت، 3- رایه. (3)

امتیاز اول: پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر کس من م-ولای اویم ع-لی علیه السلام مولای اوست. امتیاز دوم حدیث منزلت است. بارها پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

«أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (4)

ص: 50

1- بینه 7.

2- «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خَمْسَةٍ: فِيَّ وَفِي عَلِيٍّ وَحَسَنِ وَحُسَيْنٍ وَفَاطِمَةَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» (شواهد التنزيل، ج 2، ص 136؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 465؛ بحار الانوار، ج 35، ص 222).

3- «عَنْ رَبِيعَةَ الْجُرَشِيِّ: أَنَّهُ ذَكَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ مُعَاوِيَةَ وَعِنْدَهُ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَاصٍ فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ تَذَكَّرُ عَلِيًّا أَمَا إِنَّ لَهُ مَنَاقِبَ أَرْبَعٍ [أَرْبَعًا] لِأَنَّ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كَذَا وَكَذَا وَذَكَرَ حُمَرَ النَّعَمِ قَوْلَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَعْطَيْنَ الرَّايَةَ عَدَاً وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ وَنَسِي سَعْدُ الرَّابِعَةَ» (الخصال، ج 1، ص 211؛ بحار الانوار، ج 40، ص 9).

4- كتاب سليم بن قيس الهلالي، ج 2، ص 641؛ بشارة المصطفى، ج 2، ص 266؛ بحار الانوار، ج 31، ص 429.

چطور هارون وزیر و جانشین موسی بود تو هم مثل هارون نسبت به من هستی.

البته یک فرقی دارد هارون پیامبر هم بود شما پیامبر نیستی.

امتیاز سوم رایه است که به معنای پرچم است. در جنگ خیبر، جنگ قفل شده و قلعه فتح نمی شود امیر المؤمنین چشم درد عجیبی داشت که چند بار او را به بستر انداخت، رسول خدا او را خواست و دست مبارکش را روی چشمان امیر المؤمنین علی گذاشت و دستی کشید و چشم درد خوب شد.

روز قبلش فرموده بود نگران نباشید فردا پرچم را دست کسی می دهم که قلعه را فتح کند و کسی که خدا و پیامبر دوستش دارند و او هم خدا و پیامبر را دوست دارد.

همه دیدند پرچم را به دست امیر المؤمنین داد.

گفت: جناب معاویه من با این سه امتیاز نمی توانم لعن علی بکنم.

پس «أَلِ عَلَى شَيْعَةَ الرَّحْمَنِ» یعنی ما شیعه علی، شیعه خدا هستیم؛ بنابراین سؤال غلط است از چه زمانی شیعه ایجاد شد؟ شیعه امامی اثنی عشری پیرو دوازده امام در کلام پیامبر که آمده است در زمان حیات امیر المؤمنین فرموده است.

این روایت را اهل سنت دارند پیامبر بارها فرمود بعد از من دوازده نفر امیر هستند. (1) این ها چیزهایی نیست که بشود انکار کرد.

### برخی ویژگی شیعه

عزیزان من! ده ها روایت داریم که ائمه ما به پیروان شان فرمودند: اگر کسی این ویژگی ها را داشته باشد شیعه ما نیست. امام کاظم علیه السلام فرمود:

«لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَا تَحَدَّثُ الْمُخَدَّرَاتُ بِوَرَعِهِ فِي خُدُورِهِنَّ»؛ (2)

شیعه ما نیست کسی که زنان پشت پرده از ورع و تقوای او سخن نگویند؛ یعنی آن قدر تقوا دارد که حتی زنان در منزل و جایگاه خود از آن تعریف می کنند.

ص: 51

---

1- عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَىٰ إِثْنَيْ عَشَرَ أَمِيرًا مِنْ قُرَيْشٍ فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (المناقب، ج 1، ص 290؛ عوالم العلوم والمعارف، ص 132).

2- «عَلِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ: كَثِيرًا مَا كُنْتُ أَسْمَعُ أَبِي يَقُولُ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَا تَحَدَّثُ الْمُخَدَّرَاتُ بِوَرَعِهِ فِي خُدُورِهِنَّ وَ لَيْسَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا مَنْ هُوَ فِي قَرِيْبَةٍ فِيهَا عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ فِيهِمْ خَلَقَ اللَّهُ أَوْرَعُ مِنْهُ» (الكافي، ج 2، ص 79؛ وسائل الشيعة، ج 15، ص 246؛ مرآة العقول، ج 8، ص 65).

شخصی به نام مرزم می گوید: در مدینه خانه ای گرفتم که در آن ج-ا خانمی بود و از او خوشم آمد و خواستگاری کردم و او قبول نکرد و گفت: من ازدواج نمی کنم.

من بی دقتی کردم، یک روز جایی که خلوت بود به طرف سینه او دست بردم و از آن صحنه گریختم خدمت امام کاظم رفتم تا وارد شدم امام کاظم فرمود:

«لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ خَلَا ثُمَّ لَمْ يَرِعْ قَلْبَهُ» (1)

شیعه ما نیست کسی که در خلوت مواظب خودش نباشد.

امام صادق فرمود: شیعه ما نیست کسی که قول و عملش منطبق نباشد. (2)

حالا که افتخار شیعه بودن علی دارید و خیر البریه را پیروی می کنید ان شاء الله در بهشت کنار کوثر بر رسول خدا وارد می شوید و اهل فوز هستید و هنگام جان دادن آسان جان می دهید، بهشت و ده ها امتیاز دیگر را به شما می دهند سعی کنید هم شیعه اعتقادی و هم شیعه اخلاقی باشید.

ص: 52

1- «عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ وَ جَارِيَةٌ فِي الدَّارِ الَّتِي نَزَلْنَا بِهَا، فَأَعْجَبْتَنِي فَأَرَدْتُ أَنْ أَسْتَمْتِعَ مِنْهَا، فَأَبَتْ أَنْ تُزَوِّجَنِي نَفْسَهَا قَالَ: فَجِئْتُ بَعْدَ الْعَتَمَةِ، فَفَرَعْتُ الْبَابَ فَكَانَتْ الَّتِي فَتَحَتْ لِي، فَوَضَعْتُ يَدِي عَلَى صَدْرِهَا فَبَادَرْتَنِي حَتَّى دَخَلْتُ، فِيمَا أَصْبَحْتُ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُرَازِمُ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ خَلَا ثُمَّ لَمْ يَرِعْ قَلْبَهُ» (بصائر الدرجات، ج 1، ص 247؛ بحار الانوار، ج 48، ص 45؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 21، ص 80).

2- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ آثَارِنَا وَلَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ وَافَقَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارَنَا وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا أَوْلَيْكَ شِيعَتُنَا» (وسائل الشيعة، ج 15، ص 247؛ السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ج 3، ص 639؛ بحار الانوار، ج 65، ص 164)

آمدم تا که زبند غمم آزاد کنی \*\*\* توبه ام را بپذیری و دلم شاد کنی

یا حسین از عمل خویش پشیمانم من \*\*\* آمدم تا که مرا سوی حق ارشاد کنی

اولین کس که سرراه تو بگرفت منم \*\*\* حال هنگام تلافی است اگر امداد کنی

دوست دارم که سرو جان به فدای تو کنم \*\*\* تا که راضی دل بشکسته اولاد کنی

(مرحوم ژولیده نیشابوری)

در شرح حال حربین یزید ریاحی دو برخورد حر را با امام مشاهده می کنیم که بسیار زیباست و نشانه طینت پاک و فطرت بیدار حراست:

برخورد اول: وقتی امام در منزل (ذو حَسَم) به حر و یارانش برخورد کرد زمان نماز ظهر که رسید، حجاج بن مسروق، اذان گفت؛ امام به حر فرمود: آیا با اصحابت نماز می خوانی؟ حر عرض کرد، خیر بلکه همه با شما نماز می خوانیم و جدا از امام، نماز جماعت برپا نکرد و پشت سر امام نماز خواند این یک موضع بود که حر در مقابل امام، ادب نشان داد.

برخورد دوم: آن جا بود که، امام اصحابش را امر کرد سوار شوند و زنان را سوار کرد و دستور حرکت داد. حر مانع حرکت امام شد امام فرمود بگذار ما به مکانی برویم که کسی ما را نشناسد؛ اما حر نپذیرفت امام ناراحت شد و به او فرمود: «تگلتک أُمک ما تُریدُ مِنَّا؟ مادرت به عزایت بنشیند از ما چه می خواهی؟» حر لحظه ای سر را به زیر انداخت و گفت: اگر کس دیگری متعرض نام مادرم می شد من نیز نام مادر او را می بردم؛ اما چه کنم که مادر تو فاطمه علیها السلام است. این نیز نشانه دیگری از ادب و معرفت حر بود که باعث نجات او گردید.

روز عاشورا وقتی فریاد استغاثه امام را شنید که می فرمود: «أما من مُغِيثٍ يُغِيثُنَا لَوَجْهِ اللَّهِ؟ أَمَا مِنْ ذَاتِ يَدٍ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ.» داستان خود را بر سر گذاشت به علامت ندامت و پشیمانی و می گفت: «اللهم» الیک اَنْبْتُ فِتْبَ عَلِيٍّ خدایا من دل فرزند فاطمه علیها السلام را لرزاندم. همین که رسید محضر امام با کمال شرمساری عرض کرد:

جُعِلْتُ فِدَاكَ فدایت شوم، من همان کسی هستم که راه را بر تو بستم.

هل تری لی من تَوْبَةٍ؟ آیا توبه من پذیرفته می شود یا نه؟

فقال الحسين: نعم، يتوب الله عليك فأنزل؛ از اسب پیاده شو توبه تو قبول است.

در بعضی از روایات آمده پس از قبولی توبه اش از امام اجازه گرفت تا برای عذرخواهی نزد بانوان حرم برود، امام هم اجازه داد حر نزدیک خیمه آن ها شد و با دلی شکسته و چشمی گریان عرض کرد السلام علیکم یا اهل بیت النبوة؛ من همان کسی ام که دل شما را شکستم؛ اما حالا پشیمانم من همان کسی ام که شما را ترساندم؛ اما از شما امید عفو دارم خواهشم این است مرا ببخشید و نزد مادرتان فاطمه زهرا علیها السلام از من شکایت نکنید.

دو جا ادب کرد امام نیز دو عنایت به او کرد و دو مدال به او بخشید.

1. وقتی روی زمین افتاد خود امام بر سر بالین او حاضر شدند و خون از چهره اش پاک کرد و پارچه ای را بر سر حر بست و او را با همان دستمال دفن کردند.

2. از مادر حر تجلیل کرد و فرمود انت الحرُّ كما سَمَّتك أمك .

امام بر بالین حر آمد، سر حر بر دامن گرفت؛ اما بمیرم برای آقایی که کسی نبود لحظات آخر بر بالین آقا بیاد؛ اما نه یک نفر او مد بر بالین آقا اونم شمر بود که سر بریده آقا را به دامن گرفت همه صدا بزیند غریب حسین.

سلام ما به حسین به صحن کربلایش \*\*\* سلام ما به حسینی که جان ما به فدایش

نسألك اللهم و ندعوك باسمك العظيم الاعظم...

ص: 53

عمرو بن حجاج از افراد به نام لشکر عمر بن سعد در روز عاشورا پس از کشته شدن تعداد زیادی از همزمانش، خودشان را نادان و احمق معرفی و سپاه ابی عبد الله علیه السلام را به شیران شهر تشبیه کرد.

انس بن حارث بر اساس روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم درباره شهادت امام حسین علیه السلام شنیده بود سالها قبل از شهادت امام علیه السلام خانه و زندگی اش را رها کرد و در نزدیکی سرزمین کربلا ساکن شد.

داستان انس و حکایات عبور پیامبرانی مثل ابراهیم و موسی علیهم السلام از کربلا، لعن قاتلان امام حسین علیه السلام توسط حضرت عیسی علیه السلام و سنگ نوشته معبد یهود مبین آگاهی امام حسین علیه السلام و حتی برخی از اصحاب و افراد به حادثه کربلا بوده است.

امام و پیامبر چون ظرفیت دارند حادثه ای که به طور طبیعی و اختیاری بدون جبر و روی روال عادی پیش می آید را خبردار می شوند.

انس بن حارث چنین رجز خواند:

آلِ عَلِيِّ شَيْعَةَ الرَّحْمَنِ \*\*\* وَ آلِ حَرْبٍ شَيْعَةَ الشَّيْطَانِ

در خصوص زمان پیدایش شیعه یازده دیدگاه ناصواب مطرح شده است.

اساس سؤال از پیدایش شیعه غلط است. شیعه همراه با رسالت و نبوت پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم بوده است و روایاتی نظیر *إِنَّ هَذَا وَ شَيْعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ* و آیه تطهیر بر این مطلب دلالت دارد.

سعد بن ابی وقاص در جواب معاویه گفت: من نمی توانم با این سه ویژگی علی علیه السلام را لعن کنم و حرفی علیه او بزنم ولایت منزلت رایه (پرچم در جنگ خیبر)

امام کاظم علیه السلام فرمود: *لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ لَا تَتَحَدَّثُ الْمُخَدَّرَاتُ بِوَرَعِهِ فِي خُدُورِهِنَّ*

امام کاظم علیه السلام در داستان مرازم فرمود: *لَا لَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ خَلَا ثُمَّ لَمْ يَرْغُ قَلْبُهُ*

امام صادق علیه السلام فرمود: شیعه ما نیست کسی که قول و عملش منطبق نباشد.



جلسه پنجم: محبت اهل بیت علیهم سلام

اشاره

ص: 55

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

توفیقی شد بحثی را امسال به عنوان تحلیل شعار های عاشورا آغاز کردیم؛ یعنی این رجزها و شعر هایی که امام حسین علیه السلام، اصحاب و بنی هاشم خواندند. امشب رجزی را از نافع بن هلال نقل می کنیم. او غیر از هلال بن نافع است که از سپاهیان عمر بن سعد و گزارشگر کربلاست.

### شخصیت نافع بن هلال

نافع بن هلال از اصحاب خاص نافع بن هلال مرادی، بجلی از اصحاب خاص امیر المؤمنین است و شخصیتی است که در مسیر کاروان شخصیتی است که در مسیر کاروان ابا عبد الله به امام حسین پیوست. وقتی حر لشکر ابی عبد الله را متوقف کرد ایشان با سه نفر دیگر خدمت آقا رسیدند؛ امام فرمود: این ها از اول هم با ما بودند و الان به ما رسیده اند. (2)

نافع بن هلال با ابی عبد الله آمد و این همان کسی است که دوسه مرتبه آب آورده است. (3)

حتی بعضی ها گفته اند شب عاشورا هم موفق شد یک مقدار آب برای خیمه های ابی عبد الله بیاورد. منت ها تشنگی روز عاشورا خیلی شدید بوده است. شب عاشورا وقتی ابی عبد الله سخنرانی مفصلی کرد، فرمود: فردا همه

ص: 56

1- توبه 119.

2- تاریخ الطبری، ج 5، ص 404؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 553؛ البدایة و النهایه، ج 8، ص 173.

3- الاخبار الطوال، ص 255؛ بغیة الطالب فی تاریخ حلب، ج 6، ص 2627.

شهید می شوید هر کسی هم می خواهد می تواند برود هر کسی یک چیزی گفت.

نافع گفت:

«وَاللَّهِ مَا كَرِهْنَا لِقَاءَ رَبِّنَا»؛

به خدا قسم ما از مرگ نمی ترسیم.

کسی که از مرگ ترسد هیچ تهدیدی برای او کارساز نیست. اصحاب امام حسین جان باخته بودند و جانشان را کنار گذاشته بودند؛ فقط فکر می کردند چقدر بیشتر می شود از دشمنان را کشت و از امام حسین دفاع کرد.

بعد گفت: یابن رسول الله!

«إِنَّا عَلَى نِيَاتِنَا وَبَصَائِرِنَا»؛

ما با آگاهی آمدیم و نیتمان هم خدایی است.

هر چیزی که با آگاهی باشد محکم و استوار است. شما اگر دین را با آگاهی پذیرفتید و نماز را با فهم خواندید و عزاداری با شعور و فهم انجام دادید، هر چقدر هم علیه امام حسین و دین تبلیغ کنند از دست نمی رود، چون محکم است.

لذا دینتان را از روی جهل نپذیرید.

و بعد فرمود:

«تُوَالِي مَنْ وَالَاكَ وَتُعَادِي مَنْ عَادَاكَ» (1)

تولی و تبری داریم هر کسی با شماست دوستش هستیم و هر کسی هم دشمن شماست با او تعارف نداریم.

و این را هم اثبات کرد.

## اقدامات نافع بن هلال در روز عاشورا

یک جوانی روز عاشورا به نام عمرو بن قرظه 4 شهید شد. برادرش به نام علی بن قرظه 75 در سپاه عمر بن سعد بود. او به امام حسین اعتراض کرد و گفت:

«أَضَلَلْتَ أَخِي»؛ برادرم را گمراه کردی.

آقا فرمود که برادرت هدایت شد و تو گمراه هستی. گفت من کاری با این کارها ندارم؛ نمی میرم تا شما را بکشم نافع ایستاده بود، شمشیر کشید و حمله کرد و با یک ضربه او را به درک واصل کرد و همان جا این برادر هم کشته شد. (2)

نافع بن هلال دوازده تير داشت و دوازده نفر را هم با آن كشت. وقتى ديگر

ص: 57

- 
- 1- اللهوف ، ص80؛ بحار الانوار، ج 44، ص381؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 17، ص 232.
  - 2- تاريخ الطبرى، ج 5، ص434؛ أنساب الاشراف، ج 3، ص 399؛ الكامل في التاريخ، ج 2، ص 565.

تیره‌هایش تمام شد با شمشیر آمد؛ خیلی را کشت و مجروح کرد ولی از پشت سر جفت بازو‌هایش را شکستند و شمشیر و سپرش افتاد؛ و او را از پشت دستگیر کردند شمر گفت او را نکشید من او را نزد عمر بن سعد ببرم. چون عمر بن سعد خیلی ناراحت شد که دوازده نفر از آدم‌های به نام لشکرش را نافع کشته بود.

او را نزد عمر بن سعد خبیث آوردند روبه عمر بن سعد کرد و گفت اولاً دوازده نفر از لشکریان تو را با تیر کشتم آمار آن‌هایی را هم که با شمشیر کشتم و، مجروح کردم ندارم. حالا هم بازو‌هایم شکسته است والا شما نمی‌توانستید من را دستگیر کنید.

عمر بن سعد به شمر گفت تو او را بکش شمر وقتی شمشیرش را بلند کرد

نافع گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مَنَائِنَا عَلَى يَدَيْ شِرَارِ خَلْقِهِ» (1)

خدا را شکر می‌کنم که بدترین آدم روی زمین دارد من را می‌کشد.

### رجز نافع بن هلال

نافع به میدان آمد و دو بیت رجز خواند که در یک بیت خودش را و در بیت دیگر مذهبش را معرفی کرد: (2)

أَنَا الْغُلَامُ الْيَمَنِيُّ الْبَجَلِيُّ \*\*\* دِينِي عَلَى دِينِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

أَضْرِبُكُمْ صَرْبَ غُلَامٍ بَعْلٍ \*\*\* وَيَخْتِمُ اللَّهُ بِخَيْرِ عَمَلِي

پیامی که این رجز دارد یعنی دین دورکن دارد توئی و تبری .

ما باید سه چیز را دوست داشته باشیم -1- اعتقادات و اندیشه 2- شخصیت‌هایی که آن اندیشه را آورده اند، 3- عملکرد و رفتاری که آن‌ها داشته اند.

شخصی به علامه امینی گفت: ما خدا و پیامبر را قبول داریم ائمه را هم قبول داریم و همه را دوست داریم اما اگر ابو الفضل العباس را دوست نداشته

ص: 58

1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 441؛ الكامل فی التاریخ، ج 2، ص 568؛ البداية و النهاية، ج 8، ص 184.

2- المناقب، ج 4، ص 104.

باشیم اشکال دارد؟

ایشان خیلی ناراحت شد گفت ابو الفضل العباس که سهل است اگر من امینی را هم قبول نداشته باشی دینت خراب است؛ چون من هم دارم اسلام را ترویج می کنم.

دعای امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام می گوید خدایا! سه چیز به من بده:

1. «أَسْأَلُكَ حُبَّكَ»؛ این که تو را دوست داشته باشم؛

2. «وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ»؛ حُب آن هایی که تو را دوست دارند؛

3. «وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِكَ»؛ (1) آن کارهایی که تو دوست داری و باعث می شود نزد تو محبوب شوم آن ها را هم دوست داشته باشم؛ یعنی اعتقاد به اندیشه، صحیح، شخصیت ها و عمل.

داستان

در زمان امام عسکری دزدی را گرفتند که آمده بود از صرافی دزدی کند. مأموران حکومت عباسی تا او را دستگیر کردند، گفت: من از شیعیان امام عسکری هستم گفتند به احترام امام عسکری تو را خدمت آقا می بریم.

امام عسکری فرمود:

«شِيعَتُنَا هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آثَارَنَا وَيُطِيعُونَنَا فِي جَمِيعِ أَمْرِنَا فَأَوْلِيكَ شِيعَتِنَا»

شیعه ما کسی است که حرف ما را گوش می دهد و به عمل ما متعهد است.

«وَمَنْ خَالَفَنَا فِي كَثِيرٍ مِمَّا فَرَضَهُ اللَّهُ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا» (2)

و کسی که واجب خدا را زیر پا بگذارد و حرام خدا را زیر پا بگذارد شیعه ما نیست.

پیام رجز نافع، حب و بغض است؛ یعنی معلوم کنید از چه کسی خوشتان می آید و از چه کسی بدتان می آید. اولین کلمه ای را که پیامبر تعلیم داد در آن تولی و تبری است. «فَمَنْ يَكْفُرُ بِالطَّاعُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ» (3) این مهم است.

محشور شدن با محبوب

وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام نشسته بود شخصی وارد شد. گفت: یا

- 1- بحار الانوار، ج 91، ص 149.
- 2- الخرائج ، ج 2، ص 684؛ الدر النظيم، ص 743.
- 3- بقره، 256.

رسول الله! «مَتَى السَّاعَةُ»؛ چه زمانی قیامت می شود؟!

پیامبر فرمود: چه چیزی برای قیامت آماده کردی که سؤال می کنی؟ گفت: هیچ. من یک نمازی خواندم و روزه ای گرفتم اما مستحبات و اعمال فراوانی داشته باشم ندارم یک مسلمان حداقلی هستم ولی یک ویژگی دارم و آن این که شما را خیلی دوست دارم و قلبم پر از محبت شماست.

پیامبر فرمود:

«أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ» (1)

تو با کسی هستی که دوستش داری.

هرکسی هر چیزی را دوست دارد با آن محشور می شود.

پیام رجز نافع بن هلال تولی و تبری است.

ویژگی های محبان اهل بیت علیهم السلام

امام صادق فرمود محبین ما سه دسته هستند: (2)

1. «طَبَقَةُ أَحِبُّونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَ لَمْ يُحِبُّونَا فِي السِّرِّ»؛ دسته اول آشکارا و در حضور ما را دوست دارند اما در سر و خفاء محب ما نیستند.

اسلام دین فصلی نیست. محبت، تبعیضی نیست مهم این است که در هم محبت باشد. اگر یک عده ای این طور شدند محب ضعیف هستند.

2. «طَبَقَةُ يُحِبُّونَا فِي السِّرِّ وَ لَمْ يُحِبُّونَا فِي الْعَلَانِيَةِ»؛ دسته دوم در خفاء ما را دوست دارند و نماز شب می خوانند و دنبال گناه و معصیت نمی روند؛ ولی به مجلس امام حسین نمی آیند و می گویند: محبت قلبی است.

یعنی در حضور و اجتماع خوب نیستند؛ اما در سرایمان را می خواهند.

این هم کامل نیست بالاخره حفظ شعائرهم لازم است.

زراره از امام باقر پرسید شخصی کارهایی در حضور مردم انجام می دهد و خوشحال می شود این ریا است؟ آقا فرمود نه. (3)

ص: 60

1- «عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَتَى السَّاعَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَقَالَ مَا أَعَدَدْتَ لَهَا قَالَ مَا أَعَدَدْتُ لَهَا مِنْ كَثِيرٍ صَلَاةٍ وَ لَا صِيَامٍ وَ لَا صَدَقَةٍ لَكِنْ أَحِبُّ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ قَالَ أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ» (عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب أئمة الأبرار، ص (279).



2- برای مطالعه بیشتر در رابطه با این حدیث به ذیل عنوان ولایت مداری مراجعه شود

3- «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْمَلُ الشَّيْءَ مِنَ الْخَيْرِ فَيَرَاهُ إِنْسَانٌ فَيَسُرُّهُ ذَلِكَ قَالَ لَا بُدَّ لِمَنْ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ يُحِبُّ أَنْ يَظْهَرَ لَهُ فِي النَّاسِ الْخَيْرُ إِذَا لَمْ يَكُنْ صَدَقَ ذَلِكَ لِذَلِكَ» (الكافي، ج 2، ص 297؛ وسائل الشيعة، ج 1، ص 75؛ بحار الانوار، ج 69، ص 294).

اسحاق بن عمار پولدار بود و صدقه می داد آمد انفاق آشکار را تعطیل کرد. مخفیانه یک منشی استخدام کرد به فقرا کمک کند. در درب خانه اش درباری گذاشت تا فقرای شیعه را از در خانه او دور کند.

بعد از مدتی امام صادق او را در مکه دید و فرمود: چرا این کار را کردی؟

گفت: از شهرت و ریا می ترسم فرمود نمی دانی وقتی دو نفر یکدیگر را ملاقات می کنند خداوند صد رحمت بر آنان فرود می فرستد. (1)

لذا قرآن می فرماید مخفی و آشکار انفاق می کنند. (2)

3. «و طَبَقَةٌ يُجِئُونَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ» (3) دسته سوم کسانی هستند که هم آشکار و هم در خفاء ما را دوست دارند. این ها نزد خدا اعظم و والا هستند و تعداد شان هم کم است.

آن هایی که می خواهید با امام صادق باشید و با امام صادق محشور شوید جزو دسته سوم باشید؛ چون دسته سوم بهترین هستند.

ص: 61

1- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ : لَمَّا كَثُرَ مَالِي أَحْلَسْتُ عَلَى بَابِي بَوَابًا يَرُدُّ عَنِّي فَقَرَاءَ الشَّيْعَةَ فَخَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْتُهُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ بِوَجْهِ قَاطِبٍ مُزَوَّرًا فَقُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي غَيَّرَ لِي حَالِي عِنْدَكَ قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ - قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنِّي خَشِيتُ الشُّهُرَةَ عَلَى نَفْسِي قَالَ يَا إِسْحَاقُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا - أَنْزَلَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَادَّةَ رَحْمَةٍ تَسْعُ وَتَسْعُونَ مِنْهَا لِأَشَدِّهِمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ فَإِذَا اعْتَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ» مشكاة الانوار، ص 103 ؛ بحار الانوار، ج 5، ص 323).

2- بقره، 271.

3- تحف العقول، ص 325؛ بحار الانوار، ج 65، ص 275.



توجه به کودکان یتیم و سرپرستی و مراقبت از آن ها سنتی بود که امیر المومنین علیه السلام به اون عمل می کرد، امام حسین علیه السلام هم به یتیمان توجه خاصی داشت؛ خصوصاً به یتیمان برادرش امام حسن علیه السلام، لذا روز عاشورا به سختی به حضرت قاسم علیه السلام اجازه میدان داد و هنگام وداع سفارش عبد الله را به حضرت زینب علیها السلام کرد که مراقب او باشد.

امروز می خواهیم برای یتیم 11 ساله امام حسن علیه السلام، عبد الله عزاداری کنیم؛ هم رضایت امام حسن علیه السلام و هم رضایت امام حسین علیه السلام را جلب کنیم.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

خالق عشق و محبت یا حسین \*\*\* ای قتیل دشت غربت یا حسین

ای گل صحرانورد فاطمه \*\*\* ای صفای آل عصمت یا حسین

ای که جانت سوخت از لب تشنگی \*\*\* ای فدای کام خشکت یا حسین

آن قدر سوز عطش بالا گرفت \*\*\* تا که شد بینور چشمت یا حسین

تشنه ام تشنه ترم کن بر غمت \*\*\* یا بمیرم یا شهادت یا حسین

دوست دارم پیشت آیم لحظه ای \*\*\* تا نمایم با تو صحبت یا حسین

عبد الله هنگام شهادت امام حسن علیه السلام کمتر از یک سال داشت؛ از وقتی که چشم باز کرده عمویش امام حسین علیه السلام را دیده و از او محبت دیده امام حسین علیه السلام هم خیلی به او علاقه داشت وقتی ابی عبد الله علیه السلام از روی اسب بر زمین افتاد و توان حرکت نداشت و دشمن او را محاصره کرده بود عبد الله تا این صحنه را دید دست خود را از دست عمه اش زینب آزاد کرد و دوان دوان به سوی امام می رفت و فریاد می زد «و الله لا افارق عمی» خودش را به امام رساند.

عبد الله یگانه عاشق به یک نگه شد \*\*\* کبوتر حرم بود نگین بارگه شد

با اشک دانه دانه برون زخیمه گه شد \*\*\* ز خیمه گه روانه به سوی قتله گه شد

خود را فکند و ناگه بر دامن عمویش \*\*\* حسین گل حسن را با گریه کرده بویش

وقتی یکی از دشمنان می خواست با شمشیر به امام حمله کند او دست خود را جلو آورد و فریاد زد ای نامرد می خواهی عمویم را بکشی؟ شمشیر او دست عبد الله را قطع کرد و ناله عبد الله بلند شد:

یا عمهه وا ابتاه... وا امهه

کن قبولم پسرت هستم من \*\*\* عاشق و خون جگرت هستم من

سر خونین تو خون کرده دلم \*\*\* از رخ ماه تو مولا خجلم

ناله دادی ز جفای اعداء \*\*\* دست من گشته چو دست زهرا علیها السلام

امام به او فرمود صبر کن به زودی به نزد پدرت خواهی رفت عاقبت حرمله ملعون با تیری سه شعبه عبد الله را در آغوش امام به شهادت رساند.

تا به بازوی من آمد شمشیر \*\*\* همچو زهرا شدم از عالم سیر

هر کجا نشستی مولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را صدا بزن یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف!

ص: 63

نافع بن هلال از اصحاب خاص امیر المؤمنین علیه السلام و شخصیتی است که در مسیر کاروان ابا عبد الله علیه السلام به امام حسین علیه السلام پیوست و دو سه مرتبه برای خیمه ها آب آورده است.

نافع شب عاشورا در لیبیک به امام علیه السلام گفت: وَاللَّهِ مَا كَرِهْنَا لِقَاءَ رَبِّنَا إِنَّا عَلَىٰ نِيَاتِنَا وَبَصَائِرِنَا نُؤَالِي مَنْ وَالَاكَ وَنُعَادِي مَنْ عَادَاكَ .

نافع بن هلال دوازده تیر داشت و دوازده نفر را هم با آن کشت و سپس با شمشیر خیلی از جمله علی بن قرظه را هلاک و مجروح نمود پس از این که او را مجروح و اسیر کردند به دستور عمر بن سعد و توسط شمر به شهادت رسید.

پیام رجز نافع بن هلال تَوَلَّى وَتَبَرَّى وَبِعَارْتِي حُبَّ وَبَغْضِ اسْتِ؛ یعنی معلوم کنید از چه کسی خوشتان می آید و از چه کسی بدتان می آید: أَنَا الْغُلَامُ الْيَمَنِيُّ الْبَجَلِيُّ / دِينِي عَلَىٰ دِينِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ / أَضْرِبُكُمْ صَرْبَ غُلَامٍ بَطَلٍ / وَيَخْتِمُ اللَّهُ بِخَيْرِ عَمَلِي

به فرموده امام سجاد علیه السلام ما باید سه چیز را دوست داشته باشیم: اندیشه صحیح، شخصیت هایی که آن اندیشه را آورده اند رفتاری که سبب قرب به آن شخصیت هاست.

امام عسکری علیه السلام: شَيْعَتُنَا هُمُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آثَارَنَا وَيُطِيعُونَنَا فِي جَمِيعِ أَوْامِرِنَا فَأُولَٰئِكَ شَيْعَتُنَا وَمَنْ خَالَفَنَا فِي كَثِيرٍ مِمَّا فَرَضَهُ اللَّهُ فَلَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا

پیامبر صلی الله علیه و اله سلم در جواب شخصی که ادعای حب پیامبر صلی الله علیه و اله سلم را داشت فرمود: أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ

امام صادق علیه السلام آن دسته از محبین اهل بیت علیهم السلام را اعظم و والا می دانند که هم آشکار و هم در خفاء ایشان را دوست می دارند.

جلسه ششم : یاری کردن اهل بیت علیهم السلام

اشاره

ص: 65

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

بحث در رجز های عاشوراست رجز یزید بن زیاد مهاجر امشب مورد بررسی قرار می گیرد.

یزید و زیاد و یزید بن زیاد مهاجر از اصحاب امام حسین است و رجز زیبایی دارد. از اسم تعجب نکنید یزید و زیاد زیاد در ذهن ما آدم بدی است. یزید هم که شخصیت بسیار منفوری است. در گذشته نام معاویه و یزید و خلفای غاصب دیگر حتی در بچه های ائمه به چشم می خورد شاید بعضی ها فکر کنند ائمه ما حتماً با این افراد مشکل نداشتند که نام شان را برای فرزندان خود انتخاب می کردند و این دلیل بر حقانیت آن هاست.

جوابش یک کلمه است اصلاً آن روز ها این اسم ها علم نبود آن زمان یزید یک اسم محض بوده که خیلی ها بر فرزندان شان می گذاشته اند. الآن این ها علم شده اند. یعنی تا می گویند یزید ذهن شما طرف خلیفه اموی می رود.

الآن تا می گویند صدام، ذهن ما طرف رئیس جمهور مخلوع و معدوم عراق می رود که آن جنگ را آفرید؛ ولی قبلاً این بار منفی را نداشت

### یزید بن زیاد کیست؟

یزید بن زیاد مهاجر از اصحاب از اصحاب امیر مؤمنان و امام حسین است. او کسی است که وقتی حر، لشکر ابا عبد الله را متوقف کرد و گفت: «من مأمورم شما را نگه دارم و اجازه نمی دهم به راه تان ادامه بدهید، یزید عصبانی شد و سه جمله به حر گفت:

ص: 66



«عَصَيْتَ رَبَّكَ وَ أَطَعْتَ إِمَامَكَ فِي هَلَاكِ نَفْسِكَ كَسَبْتَ الْعَارَ وَ النَّارَ» (1)

1- با خدا مخالفت کردی 2- از امامت یعنی یزید 3- ننگ و عار دنیا و آتش جهنم را بر جان خریدی.

این شخص روز عاشورا اجازه میدان گرفت و گفت یا بن رسول الله دعا کنید تیرهایم به دشمن بخورد. آقا هم برایش دعا کرد. یزید یکصد تیر داشت. همه را به سوی دشمن پرتاب کرد و وقتی تیرهایش تمام شد خدمت ابی عبد الله آمد و عرض کرد: فقط پنج تیر به خطا رفت. سپس شمشیر گرفت و به میدان رفت و جنگید تا شهید شد.

بحث امشب ما درباره رجز ایشان است و می خواهیم پیام های این رجز را برای شما بیان کنیم.

## رجز یزید بن زیاد (بخش اول)

گفت :

يَا رَبِّ إِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ \*\*\* وَ لَا بِنِ سَعْدِ تَارِكٌ مُّهَاجِرٌ (2)

ای سپاه دشمن من دو خصوصیت دارم 1- حسین علیه السلام را یاری می کنم 2- از عمر بن سعد بیزاری می جویم.

این شعر دو پیام مهم دارد؛ یاری ائمه و هجرت از دشمن.

اولین پیام رجز یزید بن زیاد یاری کردن امام حسین است. ما هم باید ائمه را یاری کنیم مگر در دعای ندبه نمی خوانید پیامبر فرمود: هرکس علی را یاری کند خدا یاری اش می کند امام حسین هم در روز عاشورا فرمود: «هل من ناصر ينصرني»؟

## یاری ائمه چگونه است؟

یاری ائمه سه نوع است:

1. یاری علمی

اولین نوع یاری ائمه علمی است شما چطور می توانید ائمه را از نظر علمی یاری کنید؟ مطالعه کتاب اعتقادی، تاریخی و وقایع علمی از اهل بیت یک راه آن است با این همه هجوم شبکه ها و سایت ها بر علیه اعتقادات و دین بایستی جوانان ما مجهز باشند و مطالعه داشته باشند.

ص: 67

1- الارشاد، ج 2، ص 83؛ بحار الانوار، ج 44، ص 380؛ وقعة الطف، ص 187.

2- الأمالي للصدوق، ص 161؛ روضة الواعظین، ج 1، ص 187؛ بحار الانوار، ج 44، ص 320.

امام هادی نشسته بود سادات هم نشسته بودند. ناگهان شخصی از در وارد شد. به امام هادی گفته بودند ایشان با یکی از دشمنان اهل بیت به مناظره پرداخته و او را محکوم کرده است.

تا وارد شد امام هادی برخاست و فرمود جلو بیا او را جلو آورد و کنار خودش نشانده. ساداتی که نشسته بودند کمی ناراحت شدند آقا فرمود من او را بالا نبردم؛ خدا او را بالا برده است؛ چون می فرماید:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (1)

هر که ایمان و علم دارد خدا او را بالا می برد. (2)

به امام عسکری خبر دادند فلانی با دشمنان بحث کرده است. حضرت فرمود:

«لَقَدْ صَلَّى عَلَيَّ هَذَا الْعَبْدِ الْكَاسِرِ لَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَالْحُجُبِ وَالْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ» (3)

ای آدمی که توانستی در بحث کم نیاوری و یک مخالف ما را محکوم کنی! درود ملائکه آسمان و کرسی بر تو باد.

جوان! دو تا کتاب درباره توحید، نبوت، ولایت و احکام بخوان توانایی علمی یعنی این که بچه شیعه در کنار عشق و شوری که دارد مطالعه اش را هم داشته باشد و تاریخ و مطالب را مفید بداند.

ابن عباس و یاری علمی امیر مؤمنان علیه السلام

ابن عباس در اواخر عمر نابینا شده بود. او تنها صحابی است که تفسیرش تا به امروز موجود است. نوه او دستش را می گرفت و بیرون می برد. آخرین جمله ای که گفت و از دنیا رفت اعلان محبت به امیر المؤمنین بود. همین طور که می رفت دید چند نفر ایستاده اند و به حضرت علی ناسزا می گویند.

ناسزاگویی به علی را معاویه باب کرده بود. ابن عباس ایستاد و گفت:

«أَيْكُمْ السَّابُّ لِلَّهِ قَالُوا سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَنْ يُسَبِّ اللَّهُ فَقَدْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ قَالَ فَأَيُّكُمْ أَلْسَاتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»

چرا جرأت می کنید به خدا و پیامبر توهین می کنید؟

ص: 68

1- مجادله، 11.

2- الاحتجاج، ج 2، ص 454؛ مستدرک الوسائل، ج 9، ص 52؛ بحار الانوار، ج 2، ص 13.

3- التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام، ص 353؛ الاحتجاج، ج 1، ص 20؛ بحار الانوار، ج 2، ص 12.

گفتند: چشم هایت کور است؛ گوش هایت که کر نیست! خوب گوش بده.

ما نه به خدا توهین کردیم و نه به پیامبر؛ ما به علی بن ابی طالب ناسزا می گوئیم.

گفت: با همین گوش هایم از خود پیامبر شنیدم فرمود:

«مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّيْنِي وَمَنْ سَبَّيْنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ»؛ (1)

سَبَّ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ مِنْ وَخَدَاةٍ.

دعبل و یاری علمی ائمه علیهم السلام

دعبل وقتی در مقابل امام رضا شعر خواند، امام رضا به او فرمود شعر هایت ما را یاری کردی؛ سپس پیراهنی به او داد و فرمود: من هزار شب شبی هزار رکعت در این لباس نماز خوانده ام.

برخی اشکال کرده اند که مگر می شود در یک شب هزار رکعت نماز خواند؟ اولاً: علامه امینی هزار رکعت را یک شب در هشت ساعت خواند. ثانیاً: نماز مستحبی را در راه رفتن و در کوچه و خیابان می شود خواند.

پدر آیت الله شبیری زنجانی می گفت من همه نافله هایم را در راه می خواندم.

امام رضا فرمود هزار ختم قرآن هم در این لباس کرده ام. وقتی دعبل به قم رسید این پیراهن را برای تبرک از او گرفتند؛ البته در نهایت پول فراوان و مقداری از لباس را به او دادند و رضایتش را به دست آوردند. (2)

این رفتار نشانه امام شناسی قمی هاست.

جوان هایی که هنر نقاشی و شعر دارید این ها را برای اهل بیت هزینه کنید الان بعضی از جوان های ما به کلاس موسیقی و تئاتر می روند. این هنرها را بیایید در مسیر اهل بیت به کار ببرید این نصرت علمی است.

## 2. یاری عملی

دومین نوع یاری ائمه یاری عملی است یاری عملی یعنی با عملکرد خود اهل بیت را همراهی کنیم. امیر المؤمنین می فرماید:

«أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ» (3)

با ورع و تلاش جهادگونه مرا یاری کنید.

ص: 69

1- التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ، ص 353؛ الاحتجاج، ج 1، ص 20؛ بحار الانوار، ج 2، ص 12.

2- بحار الانوار، ج 49، ص 239؛ عيون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج 2، ص 263؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 22، ص 401.

3- نهج البلاغه نامه 45.

شیعه در کلام امام صادق علیه السلام

گروهی خدمت امام صادق آمده بودند یکی از آن ها شروع کرد به ستایش مردم شهرشان؛ گفت: شیعه های آنجا خیلی به شما علاقه مند هستند. امام صادق فرمود:

«كَيْفَ عِبَادَةُ أَغْنِيَانِهِمْ عَلَى فَقْرَائِهِمْ كَيْفَ مُشَاهَدَةُ أَغْنِيَانِهِمْ لِفَقْرَائِهِمْ كَيْفَ صَلَّةُ أَغْنِيَانِهِمْ لِفَقْرَائِهِمْ»

آیا ثروتمندان این ها به فقیر های شان کمک می کنند؟ با فامیل های فقیر هم رفت و آمد دارند؟

گفت:

«إِنَّكَ لَتَذْكُرُ أَخْلَاقًا قَلَّ مَا هِيَ فِي مَنِّ عِنْدَنَا»؛

شما از صفاتی می گوید که کم یاب است. ما فقط شما را دوست داریم.

آقا فرمود:

«كَيْفَ تَزْعُمُ هَؤُلَاءِ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ»

پس چطور ادعا می کنند شیعه ما هستید؟! (1)

شیعه در کلام امام رضا علیه السلام

گروهی به دیدن امام رضا آمدند حضرت آن ها را راه نداد. به گریه افتادند و گفتند: به آقا بگوئید ما شیعه امیر المؤمنین علی هستیم و از عراق آمدیم. وقتی آقا آن ها را راه داد فرمود: می دانید چرا ابتدا شما را راه ندادم؟ چون:

«أَنْتُمْ فِي أَكْثَرِ أَعْمَالِكُمْ مُخَالِفُونَ وَ مُقْصِرُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ تَتَّهَى وَ تُونَ بِعَظِيمِ حُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ»؛

هر چه به عمل شما نگاه می کنم با اعمال ما مخالف است. در واجبات تان نیز کوتاهی می کنید در ادای حقوق برادران دینی تان سستی می کنید. (2)

امام رضا چند اشکال بزرگ از این ها گرفت. ما هم وقتی به مشهد و حرم امام رضا می رویم اگر این اشکالات در ما باشد معلوم نیست زیارتمان پذیرفته شود؛ چون امام رضا آن گروه را به خاطر اشکالاتی که داشتند نپذیرفت.

ص: 70

1- الکافی، ج 2، ص 173؛ وسائل الشیعه، ج 9، ص 428؛ مشکاة الانوار، ص 239.

2- وسائل الشیعه، ج 16، ص 217.

سومین نوع یاری ائمه یاری مالی است. چند درصد مردم خمس می دهند؟ امام رضا علیه السلام فرمود: اگر شما کمک مالی نکنید، ما نمی توانیم دین خدل را یاری کنیم.

امام خمینی فرمود: حوزه ها و امور دینی را به دولت وابسته نکنید.

### داستان هایی از یاری علمی دانشمندان

#### 1. علامه امینی

علامه امینی در مدت سی سال ده هزار کتاب را مطالعه کرد تا کتاب الغدير را نوشت. ایشان برای تکمیل کتابش مسافرت های فراوانی داشت. وقتی از مسافرت برگشت به ایشان گفتند: هوا چطور بود؟ گفت به هوا توجه نداشتم شب و روز در کتابخانه بودم. (1)

#### 2. میرحامد حسین

1246 در هند متولد شد و 1306 قمری درگذشت. او یازده اثر علمی دارد که بهترین آن ها عبقات الانوار في مناقب الائمة الاطهار است که در فضایل امیر المؤمنین نوشت آن قدر پرکار بود که یک دستش از کار افتاد. (2)

#### 3. شیخ عباس قمی رحمه الله علیه

شیخ عباس قمی 110 جلد کتاب دارد فقط برای سفینه البحارش 25 سال وقت گذاشت. شیخ عباس قمی بدون کتاب به مسافرت نمی رفت.

#### 4. شیخ آقا بزرگ تهرانی

شیخ آقا بزرگ تهرانی یک موسوعه مجموعه کتاب نوشته و پنجاه هزار اثر شیعه را در این کتاب معرفی کرده است؛ چون جرجی زیدان، گفته بود شیعه کتاب و علم ندارد و جمعیت اندکی است.

ایشان با این موسوعه به سخن باطل جرجی زیدان جواب داد. در جایی از کتابش نوشته است من این ها را با دست مرتعش نوشته ام.

وقتی دفنش می کردند سینهاش زخم بود سؤال کردند بیماری خاصی داشت؟ اطرافیاناش گفتند این او اخر نمی توانست کتاب دست بگیرد.

ص: 71

1- افلاکیان خاک نشین، ص 12.

2- گلشن ابرار، ج 1، ص 377.

می‌خواهید و کتاب را روی سینه‌اش می‌گذاشت. این جای کتاب است که روی سینه‌اش مانده است. مشهور است 40 سال شام نخورد و گفت: فرصت شام خوردن ندارم. (1)

5. علامه طباطبائی رحمه الله علیه

ایشان المیزان را پس از منع اطباء از نگارش نوشت. فرمود: دوازده سال در نجف بودم تنها دوازده روز درس را تعطیل کردم آن هم روز عاشورا. (2)

6. شیخ طوسی رحمه الله علیه

بیش از سیصد نفر از مجتهدین بیش از سیصد نفر از مجتهدین در درس او حاضر می‌شدند 460 قمری از دنیا رفت. آثار او به 51 جلد می‌رسد. بعضی از آثار او ده جلد است مانند تفسیر تبیان در همه رشته‌ها استاد بود.

این گوشه‌ای از خدمات بزرگان و یاری علمی دین و اهل بیت است.

ص: 72

---

1- افلاکیان خاک نشین، ص 96.

2- هزار و یک نکته، اخلاقی، ص 162.

السلام على القاسم بن الحسن بن علي ورحمة الله وبركاته

السلام عليك يا بن حبيب الله! السلام عليك يا بن ريحانة رسول الله! (1)

شب ششم محرم است امشب اجازه بدهید بریم درب خانه ابن الکریم؛ یادی از نوگل امام مجتبی علیه السلام کنیم تو کربلا

ای حرمت خانه معمور دل \*\*\* وی شجر عشق تو در طور دل

نجل علی در یتیم حسن \*\*\* باب همه خلق زمین و زمین

همچو عمو ماه بنی هاشمی \*\*\* چشم و چراغ شهدا قاسمی (2)

عرض کنیم یا امام مجتبی شما هم امشب بیا تو مجلس ما آخه امشب صاحب عزا امام مجتبی علیه السلام است؛ کریم اهل بیت است؛ تو قاموس کریمان عالم راه ندارد این که کسی را از درب خانه خود دست خالی برگردانند هرکس هر حاجت شرعی دارد دامن این آقازاده را بگیرد فرج امام زمان فراموش نشود سلامتی رهبرمون، جانبازانمون

جانم حسن (3) ای جان جانانم حسن

بمیرم برای آن لحظه ای که او مد خدمت عمو اذن میدان بگیرد سخت است برای ابی عبد الله به او اجازه بده؛ آخه یادگار برادرش امام مجتبی است. بعد از پدر روی دامن ابی عبد الله بزرگ شده؛ آقا یک نگاهی کرد به قاسم

هر دو نگه بر رخ هم دوختید \*\*\* هر دو به مظلومی هم سوختید

هر دو ربودید ز سر هوش هم \*\*\* هر دو فتادید در آغوش هم (4)

ارباب مقاتل نوشتن عمو و برادرزاده دست به گردن هم انداختند؛ آن قدر گریه کردند تا از حال رفتند؛ ولی آقا اجازه ندادند رو دست و پای امام افتاد و بوسه زد تا اجازه گرفت

خون دل از دیده روان ساختی \*\*\* خویش به پای عمو انداختی

ای عمو حاجات مرادم بده \*\*\* جان عمو اذن جهادم بده

با چشمان اشک ریز آمد میدان شروع کرد به رجز خواندن

ان تنکرونی فانا ابن الحسن \*\*\* سبط النبی المصطفی المومنین

هذا حسین کالاسیر المرتهاين \*\*\* بین أناس لاسقوا صوب المزن

بعد از این که جنگ نمایانی کرد راوی می گوید چنان شمشیری نانجیب به سر این نوجوان، زد سر شکافته شد با صورت به زمین افتاد، صدایش بلند شد یا عمامه امام به عجله آمد کنار بدن قاسم؛ جنگ در گرفت؛ بعد از این که گرد و غبار فرونشست، راوی می گوید:



فَرَأَيْتُ الْحُسَيْنَ قَائِمًا عَلَى رَأْسِ الْغَلَامِ وَهُوَ يَفْحَصُ بَرَجْلِيهِ؛ دِيدِمَ حُسَيْنَ بَالَايَ سِرَّ أَنْ جَوَانَ ائِسْتَادَهُ، جَوَانَ تَوَاحْتِضَارِ پَايِ خُودِشْ بَهْ زَمِينِ  
مِي سَايِدَ وَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ : بُعْدًا لِقَوْمِ قَتْلُوكَ؛ فَرَمُودَ اَز رَحْمَتِ خُدَا دُورِ بَادِ مَرْدَمِي كِه تُو رَا كَشْتَتَنْد.

ثم حمل الغلام على صدره (5) جنازه رو بغل گرفت به سينه چسباند به طرف خيام اومد در حالی که پای او به زمین کشیده می شد؛ حالا هرکس کارش داره صدا بزنه يا حسين

کاش نمی برد تت کاین چنین \*\*\* جان دهی و پای زنی بر زمین

دیده به روی عمو انداختی \*\*\* صورت او دیدی و جان باختی

و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون

ص: 73

- 
- 1- دمع السجوم ترجمه نفس المهموم علامه شعرانی ص 341.
  - 2- اشعار از دیوان نخل میثم / سازگار / ج 1 ص 234 و 235 و 237.
  - 3- اشعار از دیوان نخل میثم / سازگار / ج 1 ص 234 و 235 و 237.
  - 4- قصه کربلا نظری منفرد ص 340.
  - 5- ترجمه لهوف سید ابن طاووس / عقیقی بخشایشی / ص 140 و 141.

وجود اسامی مثل یزید و زیاد و خلفای غاصب در بین فرزندان ائمه علیهم السلام دلیل بر حقانیت آن ها نیست؛ زیرا آن روز ها این اسم ها علم نبوده و خیلی ها بر فرزندان شان می گذاشته اند.

یزید بن زیاد مهاجر از اصحاب امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام است .

رجز یزید بن زیاد:

يَا رَبِّ إِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ \*\*\* وَلَا بِنِ سَعْدِ تَارِكٌ

این شعر دو پیام مهم دارد؛ یاری ائمه علیهم السلام و هجرت از دشمن.

یاری ائمه علیهم السلام سه نوع است: علمی؛ عملی؛ مالی

مطالعه کتب اعتقادی تاریخی و وقایع علمی از اهل بیت علیهم السلام و هم چنین کتبی با موضوعات توحید، نبوت ولایت و احکام یک راه یاری علمی ائمه علیهم السلام است.

امام هادی و عسکری علیهما السلام به تمجید و تکریم افرادی که با دشمنان اهل بیت علیهم السلام مناظره علمی نمودند و آن ها را محکوم کردند، پرداختند.

ابن عباس در جواب کسانی که گفتند مانه به خدا توهین کردیم و نه به پیامبر ما به علی بن ابی طالب ناسزا می گوئیم؛ گفت: پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّيْنِي وَ مَنْ سَبَّيْنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ

امام رضا علیه السلام به دعبل شاعر فرمود: با این شعر هایت ما را یاری کردی؛ سپس پیراهنی به او داد و فرمود من هزار، شب شبی هزار رکعت در این لباس نماز خوانده ام و هزار ختم قرآن هم در این لباس کرده ام .

یاری عملی یعنی همراهی اهل بیت علیهم السلام با عملکرد خود. امیر المؤمنین علیه السلام: أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ

کمک کردن و رفت و آمد ثروتمندان با فقرا از اوصاف شیعیان در کلام امام صادق علیه السلام است.

در نگاه امام رضا علیه السلام؛ مخالفت با اعمال ائمه علیهم السلام، کوتاهی در واجبات و سستی در ادای حقوق برادران اشکالات اساسی در رفتار یک مدعی شیعه بودن است.

پرداخت خمس و مساعدت در وابسته نشدن امور دینی و حوزه ها به دولت ها از مصادیق یاری مالی ائمه علیهم السلام است .

علامه امینی رحمه الله علیه در مدت سی سال ده هزار کتاب را مطالعه کرد تا کتاب الغدير را نوشت .

بهترین اثر علمی میرحامد حسین عبقات الانوار في مناقب الائمة الاطهار است.

شیخ عباس قمی 110 جلد کتاب دارد فقط برای سفینه البحارش 25 سال وقت گذاشت.

شیخ آقا بزرگ تهرانی با معرفی پنجاه هزار اثر شیعه در موسوعه خود به سخن باطل جرجی زیدان که گفته بود شیعه کتاب و علم ندارد؛  
جواب داد.

علامه طباطبائی رحمه الله علیه 12 سال در نجف فقط 12 روز عاشورا درس را تعطیل کرد.

بیش از سیصد نفر از مجتهدین در درس شیخ طوسی رحمه الله علیه خانه حاضر می شدند.

ص: 74

جلسه هفتم : هجرت

اشاره

ص: 75

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ » (1)

مقدمه

توفیقی شد این شبها رجزها و شعارهای پنج تن از اصحاب ابی عبد الله علیه السلام را مطرح کردیم و پیام هایش را ذکر کردیم؛ البته عنایت داشته باشید این رجزها و شعارهایی که از آن روز نقل می کنیم به منظور این است که هم اصحاب را بشناسید و هم کربلا را بتوانیم پیام هایش را برداشت کنیم و همین که درسی برای امروز بگیریم همان طور که شهدا درس گرفتند.

شما یک مروری به وصیت نامه شهدا یک نگاهی به رشادت های بسیجیان در جبهه داشته باشید می بینید این شعارها و رجزها به خوبی در زندگی آن ها متجلی و پیاده بوده و به آن عمل کرده اند.

### شهید جعفر حیدریان

بنیاد شهید قم کتابی به نام چلچراغ چاپ کرده است که کتاب بسیار خوبی است. چهل نفر از شهدای شاخص قم را که بیشتر مطرح بوده اند، زندگی نامه و نامه های شان را منعکس کرده است مثلاً: شهید جعفر حیدریان.

مقام معظم رهبری مدظله فرمود: سال 59 در غربت ایران این شهید به کردستان رفت و یک تنه در مقابل دشمن ایستاد شهید بزرگواری که من در شرح حالش خواندم یک سخنرانی در فردوی قم کرد 150 رزمنده را از آن جا به جبهه برد که تعدادی از آن ها به شهادت رسیدند.

یکی از دوستانش گفته بود ما وقتی لیست نگهبانان را تنظیم می کردیم

ص: 76

ایشان فرمانده بود می گفت من را هم در ساعت دوی شب نگهبان بگذارید. چهل روز در و الفجر 8 با عده اندکی در مقابل دشمن مقاومت کرد.

ایشان یک نام های نوشته است که بسیار عجیب است. در آن نامه می گوید: من از قرآن خط گرفتم به سر چه کسی بزنم از چه کسی و برای چه دفاع کنم.

### شهید سید محسن روحانی

استاد شهید سید محسن روحانی می گفت من یک روز در قم به او گفتم: آقا سید محسن حافظه تو خیلی خوب است در قم بمان و درس بخوان. به من گفت: استاد اگر امثال من نرویم، در قم درسی باقی نمی ماند؛ ما آنجا باید این امنیت را فراهم کنیم.

من خودم یادم است درس آیت الله جوادی آملی مدرسه آیت الله گلپایگانی وقتی بمباران شد تمام فضای درس پر از خاک و غبار شد که درس تعطیل شد.

کتابی به نام آفتاب در مصاف از فرمایشات مقام معظم رهبری الله چاپ شده است که تمام حرف های ایشان را که در طول سی سال برای امام حسین زده است در این کتاب جمع آوری کرده اند. ایشان می گوید: اگر این جوانان امروز ما بودند ابی عبد الله هیچ گاه تنها نمی ماند.

من نشنیدم امام خمینی در یک جا از جوان ها شکوه و گله کرده باشد؛ ولی امیر المؤمنین از سپاهش شکوه کرده است پیامبر در احد و امام حسین نسبت به سپاهش شکوه کرده است. اما من ندیدم یکجا امام یاران مختلفی داشت یاد شهدا را با عمل به وصیت نامه آن ها حفظ کنیم. اخلاق شهدا را کاربردی کنیم شهدای ما اهل عبادت، پرهیز از گناه، تواضع و فروتنی بودند. شهید صیاد شیرازی همواره نگران نماز اول وقت بود و حتی در آسمان سوار بر بالگرد مواظب بود نماز اول وقت فوت نشود.

### رجزیزید بن زیاد (بخش دوم)

یک فراز از رجزیزید بن زیاد دیشب ماند که بیان کنم یزید بن زیاد مهاجر میدان آمد که بیت اولش این بود:

يَا رَبِّ اِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ \*\*\* وَ لَآ اَبْنِ سَعْدٍ تَارِكٌ وَ مَهَاجِرٌ (1)

ص: 77

خدایا! من امام حسین علیه السلام را یاری می‌کنم و از پسر سعد جدا می‌شوم و هجرت می‌کنم.

پانزده مرتبه در قرآن کلمه هجرت آمده است.

## معنای هجرت

هجرت به معنای دوری؛ شامل هجرت یعنی دوری؛ در زبان عرب اگر دو نفر با هم قهر کنند می‌گویند: «هَجَرَ فُلَانًا»؛ این‌ها از هم جدا شدند.

## انواع هجرت

### 1. هجرت جغرافیایی

اولین نوع هجرت هجرت جغرافیایی است. مسلمانان دو هجرت داشتند یکی به حبشه و دیگری به مدینه به این هجرت، هجرت جغرافیایی می‌گویند. یک عده مثل جعفر بن ابی طالب به حبشه رفتند که به این‌ها هم مهاجر می‌گویند امیر المومنین فرمود:

«الهِجْرَةُ قَائِمَةٌ عَلَى حَدِّهَا الْأَوَّلِ» (1)

هجرت بر جایگاه ارزشی نخستین خود قرار دارد.

امروز هم هجرت جغرافیایی داریم شما در یک شهری هستید که به معصیت می‌افتید اگر می‌توانید شهرتان را عوض کنید. هجرت جغرافیایی؛ یعنی انتقال از یک شهر به یک جای دیگر.

### 2. هجرت عقیدتی

دومین نوع هجرت هجرت عقیدتی است. وقتی انسان متوجه شد که یک عقیده باطلی دارد وظیفه دارد که کنار بگذارد. امروز در دنیا با این مشکل داریم خیلی‌ها می‌دانند بر حق نیستند اما جرأت بازگشت از عقیده باطل خود را ندارند.

عکرمه بیست و یک سالش بود او فرزند ابوجهل است. بعد از بیست و یک سال پشیمان شد یک روز خدمت پیامبر گرامی اسلام آمد تا مسلمان شود پیامبر او را در آغوش گرفت. فرمود: بَارِكْ اللَّهُ بِرِئَاكُ مَا هَجَرْتَهُ كَرْدِي؛ یعنی فهمیدی عقیده ات اشکال دارد کنار گذاشتی.

(2)

ص: 78

1- نهج البلاغه، خطبه 189.

2- بحار الانوار، ج 9، ص 137.

هجرت عقیدتی این است که اگر انسان یک جایی احساس کرد عقیده اش باطل است از عقیده اش برگردد

امام رضا علیه السلام با بزرگ مسیحی ها بحث کرد. ایشان گفت: حق با شماست. آقا فرمود: از عقیده ات برمی گردی؟ گفت نه من رئیس مسیحی ها هستم اگر بگویم من برگشتم بد می شود و حاضر نشد.

عقیده از عقد می آید، عقد یعنی گره عقیده که به اجبار نیست به گالیله گفتند بگو زمین نمی چرخد گفت من هم بگویم اما زمین می چرخد. عقیده باور است. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» برای فروع نیست؛ یعنی دین احتیاج به اکراه ندارد. آدم به زور به یکی می گوید روز است؟! اکراه نمی خواهد. این قدر خداشناسی روشن است که اجبار نمی خواهد.

هجرت عروۀ بن مسعود

عروۀ بن مسعود رئیس و بزرگ شهر طائف است. می دانید طائفیان آخرین گروهی هستند که مسلمان شدند. سر مسلمان شدن شان خیلی بازی در آوردند. اولین باری که پیامبر به طائف رفت با سنگ و چوب او را مجروح کردند و تا سال نهم هجری یعنی یکی دو سال به فوت پیامبر مسلمان نشده بودند. البته یک بار آمدند، گفتند: مسلمان می شویم به شرط این که نماز نخوانیم یا زکات ندهیم.

رئیس این ها یک زمانی نزد پیامبر آمد و گفت: من می خواهم مسلمان شوم. مسلمان شد و گفت: خودم می روم مردم را به اسلام دعوت می کنم من رئیس هستم و آن جا من را قبول دارند به طائف آمد؛ اولین بار بالای بام رفت و شهادتین گفت مردم کافر طائف دیدند رئیس قبیله دارد اذان می گوید. او را آن قدر زدند تا به شهادت رسید.

پیامبر اکرم خیلی متأثر شد فرمود این مثل شهید آل یاسین است. (1)

امام شناسی؛ مهم ترین هجرت

علی فرمود:

«لَا يَقَعُ اسْمُ الْهَجْرَةِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ». (2)

امام شناسی؛ مهم ترین هجرت است.

نام مهاجر بر کسی نمی توان گذاشت جز آن کس که حجت خدا را بر روی زمین بشناسد.

مانند پذیرش ولایت

یکی از بزرگترین هجرت ها این است که آدم امام زمانش را بشناسد، نه

ص: 79

1- اسد الغابه، ج 3، ص 305؛ سیره ابن هشام، ج 4، ص 182؛ تحف العقول، ص 465.

2- نهج البلاغه، خطبه 189.





امروز ولی امر را ملک سلمان در سعودی بدانند نه امروز عده ای حاکمان ستمگر و عیاش را در دنیا حاکم دینی خود شان بدانند. امام شناسی خودش مهم ترین هجرت است.

معاویة بن وهب می گوید ما در سفری به مکه می رفتیم پیرمردی در کاروان ما بود که خیلی مؤمن و متدین بود ولی ولایت نداشت؛ یعنی امامت امیر المؤمنین را قبول نداشت. مریض شد و به بستر افتاد پسر برادرش که شیعه بود کنارش نشست و برایش تعریف کرد که پیامبر جانشین تعریف کرده و امیر المؤمنین امام ماست و الآن امام صادق امام ما است. آدم با ادبی بود همه را که خوب گوش کرد گفت:

«أَنَا عَلَى هَذَا وَخَرَجْتُ نَفْسَهُ»؛

این حرف های ی که گفتمی را قبول دارم و از دنیا رفت.

خدمت امام صادق آمدم و گفتم تکلیف این فرد چیست؟ آقا فرمود: به خدا قسم اهل بهشت است. (1)

این می شود هجرت عقیدتی.

### 3. هجرت اخلاقی

سومین نوع هجرت، هجرت اخلاقی است؛ یعنی اگر کسی اخلاق زشتی اخلاق زشتی دارد کنار بگذارد. ائمه ما روی هجرت اخلاقی خیلی تلاش کردند و خیلی تذکر دادند که افراد بتوانند آن ویژگی بدی را که دارند کنار بگذارند. نگویند ما نسل در نسل بد اخلاق بودیم صفات اخلاقی ارثی نیست.

شخصی بود که بسیار عجیب صبور بود. به او گفتم شما از کجا به این جا رسیدید؟ گفت: من در عصبانیت و بد اخلاقی مثل و تک بودم. یک سفری به عمره رفتیم نگاهم به کعبه افتاد گفتم خدایا این حالت را از من بگیر و تمام شد. پیامبر فرمود:

«وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَتَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ» (2)

مهاجر واقعی کسی است که از گناه هجرت کند و معصیت را کنار

ص: 80

1- الکافی، ج 2، ص 440؛ الوافی، ج 5، ص 1099؛ مرآة العقول، ج 11، ص 315.

2- «قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُتْبِكُمْ بِالْمُؤْمِنِ مَنْ ائْتَمَنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ أَلَا أُتْبِكُمْ بِالْمُسَدِّ لِمَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَ الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَتَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَظْلِمَهُ أَوْ يَحْدُلَهُ أَوْ يَغْتَابَهُ أَوْ يَدْفَعَهُ دَفْعَةً» (الکافی، ج 2، ص 235؛ وسائل الشیعه، ج 12، ص 287؛ بحار الانوار، ج 64، ص 358.

بگذارند و حرام را ترک کند.

هجرت اخلاقی خیلی مبتلا به است امام هادی دیدند چند تا جوان در جلسه ای دارند شوخی های ناپسند می کنند به آن ها تذکر دادند که این کار را کنار بگذارید. این همان توصیه به هجرت اخلاقی است.

#### 4. هجرت سیاسی

چهارمین هجرت، هجرت سیاسی است. انسان عاقل، مؤمن موضع سیاسی دارد نمی شود اگر تشخیص داد یک جایی باطل است هجرت کند، یک جایی حق است دفاع کند یک جایی ظلم است مباره کند، از مظلوم دفاع و بر ظالم افشاگری کند همه ائمه ما سیاسی بوده اند: «الْإِمَامُ عَارِفٌ بِالسِّيَاسَةِ».

#### هجرت قاسم بن هارون

قاسم بن هارون پدرش هارون الرشید است که حاکمی ظالم و ستمگر بود این جوان تشخیص داد پدرش اشتباه می کند از پدر هجرت کرد به بصره آمد و کارگری می کرد؛ درآمد کسب می کرد پدرش حکومت مصر را برایش تعیین کرد زیر بار نرفت.

#### هجرت عدی بن حاتم

عدی بن حاتم از یاران ویژه امیر المؤمنین است که در جنگ صفین پسرش به معاویه پیوست تا به او گفتند در میدان آمد و فریاد زد و گفت: این خداوند در آخر سوره مجادله می فرماید: ولو پدر یا خویش شما پسر من نیست. همان کاری که حضرت نوح کرد حضرت ابراهیم از عمویش تبری جست حنظله از پدرش تبری جست. عبد الله بن ابی پدرش منافق بود از او تبری جست خداوند در آخر سوره مجادله می فرماید: ولو پدر یا خویش شما باشد در موضع سیاسی اگر دیدی طرف ظالم و ستمگر است از او جدا شو. (1)

### آرزو های دشمنان

عزیزان من! قرآن کریم می فرماید دشمن چند چیز را خیلی دوست دارد. مواظب باشید؛ دشمن شناسی یک هنر است حربه شناختن دشمن، هنر دوست دارد است. کلمه «ود» یعنی دوست داشتن.

ص: 81

1. «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا»؛ (1)

آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید.

اولین آرزوی دشمن این است که شما مثل خودش کافر بشوید.

2. «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْلِبُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ». (2)

کافران آرزو دارند که شما از سلاح ها و متاع های خود غافل شوید.

دومین آرزوی دشمن این است که شما از قدرت نظامی غافل شوید. از مسائل شخصی و ورزش و کار های دیگر غافل شوید.

3. «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (3)

آن ها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن ها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق).

دوست دارد از موضعتان عقب نشینی کنید

4. «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (4)

آن ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید.

دوست دارد شما به زحمت بیفتید

پس دشمن را بشناسیم علی فرمود:

«لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعْفَ»؛ (5)

دشمن را کوچک نشمارید ولو ضعیف باشد.

قرآن کریم می فرماید: در میان همه دشمنان دو دشمن از همه خطرناک تر است یکی شیطان است یکی شیطان است و یکی هم «أَشَدَّ

النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»؛ (6)

خطرناک ترین دشمن یهود است.

همین صهیونیست هایی که امروز در سراسر دنیا نفوذ کرده اند، مراکز اصلی را تصرف کرده اند و این طور دارند در فلسطین، جوان های

مردم را به خاک و خون می کشند؛ این پیام دشمن است مواظب باشید از دشمن غافل نشوید. از دشمن باید هجرت کرد؛ این پیامی است

که در رجز یزید بن زیاد مهاجر بود.

- 
- 1- نساء، 89.
  - 2- نساء، 102.
  - 3- قلم، 9.
  - 4- آل عمران، 118.
  - 5- غرر الحكم، ح7698.
  - 6- مائده، 82.

کسی که به مقام بندگی خدا می رسد به راحتی بزرگترین مصیبت ها را تحمل می کند همه چیزش را فدای بندگی می کند بچه هاش برادرش خواهرش و تمام زندگیش فدا می کند فرزند شیرخواره اش را در اوج غربت فدای عبودیت می کند شما ببینید شنیدن کشته شدن طفل شش ماهه برای کسی که حتی هیچ نسبتی با این طفل ندارد سخت است و جانسوز، چه برسد به کسی که به پدری که بر روی دست خود گلوی پاره پاره فرزند شیر خواره اش را ببیند.

در محضر مرحوم میرزای قمی ذکر مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام خوانده شد؛ نقل شده ایشان با صیحه ای بیهوش شدند، وقتی به هوش آمدند فرمودند: در مقابل من مصیبت علی اصغر را نخوانید آن قدر جانسوز است که طاقت شنیدنش را ندارم. السلام علی علی الکبیر ، السلام علی الرضیع الصغیر ، السلام علیک یا ابا عبد الله ، السلام علی المحتسب الصابر السلام علی المظلوم بلا ناصر

من کودکی شهیدم و در خون شناورم \*\*\* نشکفته گل زگلشن زهرا و حیدرم

امشب بیا بریم در خانه باب الحوائج شش ماهه کربلا به خدا این ها کوچک و بزرگ ندارند زن و مرد ندارند دختر و پسر ندارند، همه شان در خانه خدا آبرو دارند همه شان باب الحوائج اند امشب بگو خدا به آبروی گلوی پاره پاره علی اصغر ای عبد الله به به

من کودکی شهیدم و در خون شناورم \*\*\* نشکفته گل زگلشن زهرا و حیدرم

بر روی دست باب چنان دست و پا زدم \*\*\* تا عرش حق لرزه بیفتد ز پرپر

دیدم که باب تشنه لبم بی معین و یار \*\*\* یاری نموده ام پدرم را به پیکرم

دیدم عدو گلوی مرا می کند نشان \*\*\* لبخند تشنگی به لب آمد ز داورم

مردم ببینید ای عبد الله گویا زره را از تن بیرون آورد عبا به دوش انداخت کلاه خود را برداشت ، عمامه به سر گذاشت . شمشیر را باز کرد؛ اما چیزی زیر عبا، گرفته، بعضی ها خیال کردند قرآن است و می خواهد با مردم اتمام حجت کند. وقتی در مقابل دشمن ایستاد؛ ناگهان ببینند طفل شیرخواره از زیر عبا آورد و روی دست بلند کرد و جملاتی فرمود:

الاترون کیف یتلّصّی عطشا؛ آیا می بینید چگونه تَلَفّی می کند؟

تلظی عرب به آن وقتی می گویند که ماهی را از آب می گیرند و در کنار ساحل می اندازند؛ این ماهی آن قدر لب و دهان باز و بسته می کند تا از تشنگی جان می دهد. گویا ای عبد الله فرمود نگاه کنید ببینید طفل من از تشنگی لب و دهان خود را باز و بسته می کند؛ اگر به او آب ندهید جان می دهد آیا جواب دادند؟ ناگهان سید الشهداء ببیند فذبحه من الاذن الی الاذن و من الورید الی الورید گوش تا گوش علی پاره شد.

من در کنار آب روان منتظر به آب \*\*\* ناگه که تیر حرمه آمد به پیکرم

بر حال من امام زمان گریه می کند \*\*\* آن منتقم به خون من و هم برادرم

هر کجا نشستته ای سه مرتبه صدا بزن یا حسین یا حسین یا حسین



شهید جعفر حیدریان با یک سخنرانی در فردوی قم 150 رزمنده را از آنجا به جبهه برد که تعدادی از آن ها به شهادت رسیدند.

شهید سید محسن روحانی: اگر امثال من نرویم، در قم درسی باقی نمی ماند؛ ما آن جا باید این امنیت را فراهم کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در احد امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسین علیه السلام نسبت به سپاهشان شکوه کرده اند؛ اما امام خمینی رحمه الله یک جا از جوانان شکوه نکرده است.

بحث این جلسه مصرع دوم از رجز یزید بن زیاد است که در جلسه قبل مطرح شد.

هجرت به معنای دوری؛ شامل انواع، جغرافیایی، عقیدتی، اخلاقی و سیاسی است.

مسلمانان دو هجرت جغرافیایی داشتند یکی به حبشه و دیگری به مدینه

هجرت عقیدتی یعنی کنار گذاشتن عقیده باطل؛ مثل پشیمانی عکرمه فرزند ابوجهل بعد از 21 سال

عقیده از عقد میآید عقد یعنی گره عقیده باور است و احتیاج به اکراه ندارد. این قدر خدا شناسی روشن است که اجبار نمی خواهد.

عروة بن مسعود رئیس و بزرگ شهر طائف پس از مسلمان شدن اولین بار بالای بام رفت و شهادتین و اذان گفت او را آن قدر زدند تا به شهادت رسید.

امام شناسی مهم ترین هجرت است. علی علیه السلام: لَا يَقَعُ اسْمُ الْهَجْرَةِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ. مانند پذیرش ولایت امیر المؤمنین علیه السلام توسط پیرمرد ها محتضر در روایت معاویه بن وهب

هجرت اخلاقی یعنی اگر کسی اخلاق زشتی دارد کنار بگذارد. پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ تَرَكَ مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ

هجرت سیاسی یعنی اگر تشخیص داد به یک جایی حق است دفاع کند یک جایی ظلم است مباره کند از مظلوم دفاع و بر ظالم افشاگری کند مثل هجرت قاسم بن هارون از پدرش هارون الرشید و عدی بن حاتم از فرزندش در صفین و ...

خداوند در آخر سوره مجادله می فرماید ولو پدر یا خویش شما باشد در موضع سیاسی اگر دیدی طرف ظالم و ستمگر است از او جدا شو.

حربه شناختن دشمن، هنر است؛ دشمنی که چند چیز را خیلی دوست دارد کافر شدن مسلمین غفلت از قدرت نظامی نرزش مسلمین توأم با انحراف از مسیر، حق در زحمت بودن مسلمین

علی علیه السلام: لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ صَغَفَ

بر اساس معارف قرآنی در میان همه دشمنان دو دشمن از همه خطرناک تر است یکی شیطان است و یکی هم یهود.







قال الله تبارك وتعالى:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

علی اکبر علیه السلام برای همه به ویژه جوان ها الگو است. الگو بودنش به این دلیل است که شباهت خلقی و دلیل است که شباهت خلقی و خلقی و منطقی (2) به پیامبر گرامی اسلام دارد در زیارت نامه این شخصیت بزرگوار می خوانیم: «السلام علیک یا ابا الحسن».

مرحوم مقرر کتابی به نام مقتل مقرر دارد در آن جا می گوید: ایشان دو فرزند داشته است که یکی از آن ها حسن نامیده می شد. به همین علت آن بزرگوار را ابا الحسن می گویند.

علی اکبر شخصیتی است که وقتی ابو حمزه ثمالی از امام معصوم حجت خدا امام صادق پرسید: در کربلا چگونه زیارت کنم؟ آقا فرمود: زمانی که به زیارت قبر جدم ابا عبد الله می روی صورتت را سه مرتبه روی قبر علی اکبر می گذاری و به او سلام می دهی.

برخی افراد خوش ذوق گفته اند: شاید به این جهت باشد که ابا عبد الله سه مرتبه صورت روی صورت او گذاشته است.

### رجز علی اکبر

یک بیت از رجز علی اکبر: در این جا یک بیت از رجزی که ایشان خوانده را عرض می کنم. وقتی به میدان آمد گفت:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ \*\*\* نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ (3)

ص: 86

1- توبه ، 119 .

2- مقتل الحسين للخوارزمي ، ج 2، الفتوح، ج 5، ص 14؛ بحار الانوار، ج 45، ص 42.

3- الأمالي للصدوق، ص 162؛ الارشاد، ج 2، ص 106؛ اعلام الوری ص 246.

من علی فرزند حسین علیه السلام هستم به خانه خدا سوگند که ما به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نزدیک تریم .

گاهی در یک عبارت کوتاه یک کتاب و یک دایرة المعارف و یک دوره عقاید نهفته است.

مصرع دوم ایشان چند کلمه است ولی جا دارد یک کتاب درباره اش نوشته شود. علی اکبر علیه السلام می فرماید به این خانه کعبه ای که رو به آن نماز می خوانید سوگند می خورم که ما بیش از همه نسبت به جانشینی پیامبر و اداره جامعه سزاواریم؛ نه حرامزادگان و دشمنان و افرادی که هیچ لیاقتی در آن ها نیست.

## نظام اولویت

مفهوم و قانونی عقلی به نام نظام اولویت وجود دارد نظام اولویت را همه عقلای عالم در تمام رشته ها و عرصه ها و عرصه های عقلائی عالم در تمام رشته ها و عرصه ها از سیاست و حکومت گرفته تا دانشگاه و حوزه، می پذیرند. در بحث نظام اولویت رابطه های حسبی و نسبی هم دخالت ندارد نمونه ای از نظام اولویت؛ قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ» (1)

سزاوارترین مردم به ابراهیم آن ها هستند که از او پیروی کردند.

می دانید چه کسانی بیش از همه اولویت دارند به ابراهیم منسوب شوند؟ آن هایی که از حضرت ابراهیم تبعیت می کنند؛ لذا ابراهیم عمویش را از خودش دور کرد. حسب و نسب مطرح نیست؛ اولویت مطرح است.

خیلی منطقی است که علی اکبر علیه السلام بفرماید به کعبه قسم ما برای اداره جامعه اولویت داریم.

سعد الخیر

سعد اموی گریه کنان پیش امام باقر آمد و گفت: بیچاره شدم! چون از بنی امیه هستم که ملعون اند. آقا فرمود: تو اموی نیستی. قرآن می فرماید: هرکس از هر خطی که پیروی می کند به آن خط نسبت داده می شود نسبت فامیلی و شناسنامه ای مهم نیست حضرت ابراهیم می فرمود:

«فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»؛ (2)

هرکس از من تبعیت کند از من است.

ص: 87

1- آل عمران، 68.

2- ابراهیم، 36.

آقا فرمود: سعد تو از ما اهل بیت هستی. (1) لذا در تاریخ به او می گویند:

سعد الخیر.

قرآن می گوید:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ». (2)

ای نوح! این پسر تو نیست.

اولویت به شناسنامه و اسم وابسته نیست.

عبد الله بن علی

عبد الله بن علی بن الحسین پسر امام سجاد است که به او عبد الله با هر می گفتند ایشان عموی امام صادق و برادر امام باقر بود.

شخصی می گوید در خدمت امام صادق بودیم که عبد الله بن علی وارد شد و به امام صادق توهین کرد من می خواستم او را کتک بزنم اما اصحاب گفتند: دخالت نکن عموی امام است.

راوی حدیث می گوید ما خیلی ناراحت شدیم. فردای آن روز دیدیم عموی امام صادق دوباره آمد. گفتیم باز هم آمده توهین کند. اما دیدیم امروز گردنش را کج کرده است. وقتی نزد امام صادق رسید روی پای ایشان افتاد و عذرخواهی کرد و رفت. از او سؤال کردیم علت این کارها چیست؟ گفت: دیروز که آن حرکت را انجام دادم شب در عالم رؤیا دیدم صحرای محشر برپا شده و می خواهند من را به جهنم ببرند فریاد زدم: «أنا ابن رسول الله، أنا ابن علی بن الحسین»؛ من پسر پیامبر و امام معصوم هستم.

گفتند: همان رسول الله فرموده او را به جهنم ببرید. گفتم من را خدمت ایشان ببرید من را خدمت رسول خدا بردند حضرت با غضب به من نگاه کرد و گفت حالا- دیگر فرزند من و امام بر حق را انکار می کنی و با او درگیر می شوی؟! از خواب بیدار شدم و فهمیدم چه اشتباهی کرده ام. حالا آمدم عذرخواهی کردم.

اولویت بر پایه علم و عصمت و تقواست:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (3)

گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

ص: 88

1- الاختصاص، ص 85 البرهان فی تفسیر القرآن، ج 3، ص 314؛ بحار الانوار، ج 46، ص 337.

2- هود، 46.

3- حجرات، 13.



«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ» (1)

خداوند مجاهدان را بر قاعدان برتری داده است.

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (2)

خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد.

آن کسی که علم و تقوا و جهاد و عصمت و هدایتش بیشتر است، او بالاتر است.

اولویت امام جواد هفت ساله

علی بن جعفر فرزند امام صادق پیرمردی فقیه و عالم است. در منابع روایی صدها حدیث از او نقل شده این پیرمرد قد خمیده در حال تدریس بود که امام جواد هفت ساله از در وارد شد.

علی بن جعفر تمام قد بلند شد و جلوی این بچه هفت ساله ایستاد.

بعضی ها اعتراض کردند فرمود: وقتی خدا من پیرمرد را لایق امامت ندانسته و ایشان را لایق دانسته، قطعاً شایستگی هایی در ایشان است که در من نیست. (3)

این همان اولویت است که علی اکبر روز عاشورا می گوید. عقل حکم می کند که مدیریت جامعه با حسین بن علی معصوم و عالم و دارای قدرت الهی باشد یا با ابن زیاد و یزید شارب الخمر فاسد فاسق؟

اهمیت ولایت فقیه

در بحث ولایت و امامت باید دقت داشته باشید در دوران غیبت هم اگر دم از ولی فقیه می زنیم برای همین است ولایت فقیه ولایت علم و تقواست. ولی فقیه، فقیه عالم عادل و جامع شرایط است. ولایت فقیه ولایت عقلی است. عقل می پذیرد که مدیریت جامعه را باید یک عاقل عالم عادل انجام دهد. وقتی امام در پس پرده غیبت است او وظیفه دارد جامعه را اداره کند تا امام زمان ظهور کند و نمی توان گفت صدها سال مردم بدون سرپرست باشند. اکنون که امام معصوم غائب است احکام حدود و حکومت تعطیل باشد. عقل سلیم نمی پذیرد. جامعه دینی ولی و حاکم دینی می خواهد. به تعبیر حضرت امام تصور موضوع، تصدیق می آورد.

ص: 89

1- نساء، 95.

2- مجادله، 11.

3- زندگی حضرت جواد و عسکرین علیهم السلام، ص 26؛ قصص الأنبياء، ص 821.

130 تا از مصادر اهل سنت و شیعه حدیث را نقل کرده اند 26 نفر از صحابه پیامبر راوی این حدیث هستند: «عَلِي مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِي» (1) حدیث مذکور را جناب خوارزمی در کتاب مناقبش آورده است. آن وقت ابن تیمیه - که تمام اعتقادات و هابی ها نشأت گرفته از تفکرات اوست - در قرن هشتم کتابی به نام منهاج السنه نوشته است. به نظر من باید اسمش را منهاج البدعة گذاشت. او با کمال پررویی می گوید حدیث «علی مع الحق» سند ندارد؛ در حالی که این حدیث در مصادر مختلف اهل سنت آمده است.

پیامبر فرمود: هر جا حق است علی هم هست. هر جا علی است حق هم هست. آن وقت در کربلا پسر همین علی بن ابی طالب را می کشند و می گویند: «بغضاً لایبک» (2) با کینه پدرت تو را می کشیم.

اولویت در اداره جامعه با امام معصوم است با کسی که اولویت در جهاد، تقوا و علم دارد اولویت با کسی است که همواره محور حق است.

## ویژگی های امام

قرآن کریم خطاب به رسول خدا می فرماید:

« وَ جَعَلْنَا لَهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ » (3)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کار های نیک و بر پاداشتن نماز و ادای زکات را به آن ها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند.

ماکسی را امام قرار می دهیم که پنج ویژگی در زندگی اش باشد. این آیه درباره حضرت اسحاق و یعقوب است. قرآن می فرماید: ما اسحاق و یعقوب و نسل یعقوب را به خاطر پنج ویژگی امام قرار دادیم.

ص: 90

1- المناقب لابن شهر آشوب، ج 3، ص 62؛ شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 297؛ كشف الغمه، ج 1، ص 159.

2- منهاج البراعة، ج 18، ص 185.

3- انبياء، 73.



اولین ویژگی امام هدایت به سوی خدا است. امام باید بتواند مردم را به سمت خدا هدایت کند. معاویه و ابن زیاد می توانند مردم را به سوی خدا دعوت کنند؟

نسائی از علمای بزرگ اهل سنت است و سال 307 از دنیا رفته. او کتابی در فضائل علی بن ابی طالب نوشت. وقتی به شام رفت، مردم شام او را کتک زدند و گفتند چرا درباره فضائل علی بن ابی طالب کتاب نوشتی؟ باید درباره فضائل معاویه نیز بنویسی. گفت: دروغ بنویسم یا راست؟ گفتند: مطالبی را که پیامبر درباره معاویه فرمود جمع آوری کن و کتابی بنویس.

رفت و مدتی بعد آمد و گفت هر چه گشتم از پیامبر درباره معاویه یک عبارت بیشتر پیدا نکردم آن هم این است که پیامبر فرمود:

«لَا أَشْبَحُ اللَّهَ بَطْنَهُ» (1)

ان شاء الله هر چه می خوری سیر نشوی.

نسائی را خفه کردند و کشتند؛ و قبرش هم در مکه است.

پیامبر خدا در هفت جا معاویه و ابوسفیان را لعنت کرد. آن وقت بروید مناقب و فضائل علی بن ابی طالب را ببینید که شیعه و سنی درباره اش کتاب نوشته اند. صدها کتاب در فضائل امیر المومنین علی را غیر شیعه نوشته است این علی باید خانه نشین بشود و ابی عبد الله سرش بالای نیزه برود تا یزید شارب الخمر کاذب حکومت کند.

علی اکبر فرمود:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ \*\*\* نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالتَّبِيِّ (2)

من علی فرزند حسین بن علی علیه السلام هستم به کعبه قسم که ما اولویت داریم و راضی نمی شویم این ستمکاران بر ما حکومت کنند.

2. انجام کار نیک

دومین ویژگی امام انجام کار نیک است. قرآن می فرماید:

«وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (3)

و انجام کار های نیک را به آن ها وحی کردیم.

ص: 91

1- شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار؛ ج 2، ص 47.

2- الأما لي للصديق، ص 162؛ الارشاد، ج 2، ص 106؛ اعلام الوری، ص 246.



همه وجود شان کار خوب است؛ یعنی معصوم هستند و خطا در زندگی شان نیست. اگر کسی اشتباه کند نمی شود از او تبعیت محض کرد. خدا می فرماید: از سه چیز تبعیت کنید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (1)

1- خدا که خالق هستی است 2- پیامبر 3- اولو الامر.

اگر در زندگی پیامبر و اولی الامر خطا باشد هیچ وقت خدا نمی گوید همیشه از آن ها اطاعت کنید؛ می گوید هر وقت درست می گویند اطاعت کنید.

3. برپا داشتن نماز

سومین ویژگی، امام اقامه نماز است. قرآن می فرماید: «وَإِقَامَ الصَّلَاةِ»؛ نماز را در جامعه پیاده کند ابی عبد الله شب و ظهر عاشورا بر نماز تأکید کردند.

4. پرداخت زکات

چهارمین ویژگی امام پرداخت زکات است. قرآن می فرماید: «وَإِيْتَاءَ الزَّكَاةِ»؛ زکات پردازد.

5. پرستش خدا

پنجمین ویژگی امام پرستش خداوند است. قرآن می فرماید:

«وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛

امام عبد و بنده محض خداست.

موضوع، امامت، جدای از ماجرای غدیر و حدیث منزلت و روایات دیگر پیامبر گرامی اسلام، یک موضوع کاملاً عقلی و فطری است. عقل سلیم نمی پذیرد مدیریت جامعه به دست غیر معصوم باشد. این پیام رجز جوان رشید ابا عبد الله علی اکبر است.

ص: 92

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ (1) - السَّلَامُ عَلَيَّ الْكَبِيرِ (2)

ای خدا جلوه و نبی مرآت \*\*\* مرتضیٰ خصلت و حسین صفات

انبیاء در جلال تو شده محو \*\*\* اولیاء بر جمال تو همه مات

خاتم الانبیاء ز سر تا پا \*\*\* سید الاوصیاء ز پا تا سر

ماه کنعان سید الشهداء \*\*\* یوسف کربلا علی اکبر

از امام صادق علیه السلام سوال شد بالاترین لذت ها چیست؟ فرمودند فرزندی که پدر به حد رشد و بلوغ رسانده و جلوی چشم پدر راه برود پدر به قد و بالای او نگاه کند دوباره سوال شد سخت ترین مصیبت ها چیست؟ فرمودند: همان جوان در مقابل دیدگان پدر از دست برود.

امشب شب جوان از دست داده هاست بابا های شهدا کجا نشسته اید شما امشب برای حاجت مند ها دعا کنید.

گرفتارها مشکل دار ها جوان دار ها امشب دامن پدر این شهیدی که کشکول گدائیمون رفته درب خانه اش را بگیرید؛ بگو آقا به جان جوانت جوابم بده.

اگر می خواهی دلت آماده روضه بشه همه صدایش بزنی جانم حسین (2 بار) ای جان جانانم حسین

آقا جان چه گذشت به شما آن موقعی که علی اکبر آمد اذن میدان خواست ارباب مقاتل نوشتند: فَأَذِنَ لَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَ آسٍ مِنْهُ وَ آرْحَى عَيْنَهُ وَ بَكَى؛ ابی عبد الله فوراً اجازه دادن یک نگاه مأیوسانه ای به چهره و قد و بالای او کرد بی اختیار اشک از چشم شان جاری شد؛ فرمودند:

«اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ؛ خدایا تو شاهد باش جوانی به میدان می رود که از لحاظ اندام و چهره و اخلاق و گفتار از همه مردم به رسول تو شبیه تر است.»

ای بابا جان!

گمان مدار که گفتم برو دل از تو بریدم \*\*\* نفس شمرده زدم همهرهت پیاده دویدم

دلم به پیش تو جان درققات، دیده به قامت \*\*\* خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم

لحظاتی جنگ نمایانی کرد برگشت به طرف با با عرضه داشت: «یا آبه! العَطشُ قَدْ قَتَلَنِي وَ ثَقُلَ الْحَدِيدُ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَيَّ شَرْبَةٌ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ؟ بابا تشنگی جان مرا به لب رسانده، سنگینی لباس جنگ مرا به رنج انداخته، آیا جرعه آبی هست بنوشم؟ فرمود نه عزیز دلم بازگرد نزدیک است به دست جدت رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم سیراب شوی.

به میدان برگشت جنگ سختی درگرفت تیر به بدن نازنینش خورده یک وقت صدایش بلند شد یا ابتاه علیک منی السلام.

آق-ا به عجله آمد کنار بدن علی اکبر جنازه رو بغل گرفت، دلش آرام نشد؛ یک وقت دیدند و وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ صورت به صورت جوانش گذاشت؛ فرمود:

«يَا بُنَيَّ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ؛ خدا بکشد آن که تو را کشت بابا جان! عَلَيَّ الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَا» (3)

نه تیغ شمر مرا می کشد نه نیزه خولی \*\*\* زمانه کشت مرا لحظه ای که داغ تو دیدم

سزد به غربت من هر جوان و پیر بگرید \*\*\* که شد بخون جوانم خضاب موی سفیدم

الا لعنة الله على القوم الظالمين

ص: 93

---

1- دمع سجوم ترجمه نفس المهموم علامه شعرانی / ص 329.

2- زیارت ناحیه مقدسه

3- ترجمه لهوف ابن طاوس / عقیقی بخشایشی ص 138 و 139.

الگو بودن علی اکبر علیه السلام به این دلیل است که شباهت خَلْقی و خُلُقی و منطقی به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وسلم دارد.

علی اکبر علیه السلام دو فرزند داشته است که یکی از آن ها حسن نامیده می شد. به همین علت آن بزرگوار را ابا الحسن می گویند.

یک بیت از رجز علی اکبر علیه السلام :

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ \*\*\* نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالتَّبِيِّ

نظام اولویت را همه عقلای عالم در تمام رشته ها و عرصه ها از سیاست و حکومت گرفته تا دانشگاه و حوزه می پذیرند. نمونه ای از نظام اولویت در قرآن این است که سزاوارترین مردم به ابراهیم آن ها هستند که از او پیروی کردند.

اولویت به شناسنامه و اسم وابسته نیست؛ مانند سعد اموی با این که از بنی امیه بود پیامبر به او فرمود تو از ما اهل بیت هستی در منطق قرآن هرکس از هر خطی که پیروی می کند به آن خط نسبت داده می شود.

بنا بر معارف قرآن برخی از مصادیق اولویت، علم و تقوا و جهاد و عصمت و هدایت بیشتر است.

احترام فوق العاده علی بن جعفر پیرمرد فقیه و عالم به امام جواد هفت ساله به دلیل شایستگی های امامت است که در امام جواد علیه السلام وجود دارد و در علی بن جعفر نیست.

ولایت فقیه ولایت عقلی است. عقل می پذیرد که مدیریت جامعه را باید یک عاقل عالم عادل انجام دهد. وقتی امام در پس پرده غیبت است او وظیفه دارد جامعه را اداره کند تا امام زمان علیه السلام ظهور کند.

26 نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و 130 مصدر از مصادر اهل سنت و شیعه راوی این حدیث علی مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ هستند. آن وقت در کربلا پسر همین علی بن ابی طالب علیه السلام را می کشند و می گویند: بغضاً لایبک

قرآن می فرماید: ما کسی را ام-ام-ق-رار می دهیم که پنج ویژگی در زندگی اش باشد؛ هدایت به سوی خدا انجام کار نیک بر پاداشتن نماز، پرداختن زکات و پرستش خدا

به گفته نسائی از علمای بزرگ اهل سنت؛ هر چه گشتم از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم درباره معاویه یک عبارت بیشتر پیدا نکردم آن هم این است که فرمود: لَا أَشْبَعُ اللَّهُ بَطْنَهُ أَيَا معاویه و ابن زیاد می توانند مردم را به سوی خدا دعوت کنند؟

همه وجود امام کار خوب است؛ یعنی و خطا در زندگی شان نیست. اگر در زندگی پیامبر و امام خطا باشد هیچ وقت خدا امر به اطاعت و همیشگی آن ها نمی کند بلکه می گوید هر وقت درست می گویند اطاعت کنید.

جدای از آیات و روایات عقل سلیم نمی پذیرد مدیریت جامعه به دست غیر معصوم باشد. این پیام رجز علی اکبر علیه السلام است.

جلسه نهم : حمایت از دین

اشاره

ص: 95

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

شب تاسوعای حسینی است. شب و روز تاسوعا منسوب به ابو الفضل العباس است. با این که ایشان جزء اولین شهدای کربلاست؛ اما از سابق بین ارباب منبر و مجالس مشهور بوده، تاسوعا را اختصاص به این شخصیت بزرگوار می دادند.

شخصیتی که امام سجاد نشسته بودند یک آقا زاده ای از در وارد شد تا امام سجاد نگاه شان به این آقا زاده افتاد اشکش جاری شد. این آقا زاده عبیدالله ابو الفضل پسر حضرت ابو الفضل است که نسل حضرت ابو الفضل هم از ایشان گسترش پیدا کرده است.

غالباً نوه های حضرت عباس شاعر و ادیب بودند؛ البته مادر شان هم این طور بود؛ عموی مادری اش از شعرای معروف عرب است. خاندان شعر و ادب هستند؛ این آقا زاده از در وارد شد امام سجاد نگاهی به ایشان کرد و اشک ریخت.

بعد فرمود می دانید پدر این کیست؟ خدا عمویم عباس را رحمت کند که:

«فَلَقَدْ أَثَّرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ»؛

ایثار کرد، خودش را فدای برادر کرد و از آزمون الهی پیروز بیرون آمد.

بعد یک مدالی به او داد. حضرت ابو الفضل امامزاده بسیار بزرگواری است که مدح امام معصوم را دارد یک مدالی به ایشان داد من هر چه در تاریخ گشتم این را برای غیر از ابو الفضل ندیدم و آن مدال این است فرمود:

«إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَنْزِلَةً يُغْبِطُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (2)

عمویم عباس روز قیامت یک مقامی دارد که همه شهدا به مقام او غبطه می خورند.

یک وقت می گویند: جاهلان به عالمان غبطه می خورند. فقیران به

ص: 96

1- توبه، 119.

2- بحار الانوار، ج 22، ص 274؛ الأما لی للصدوق، ص 472؛ الخصال، ج 1، ص 68.



ثروتمندان غبطه می خورند حق دارند آن هایی که فرض کنید رتبه شان پایین است به رتبه بالا تر ها غبطه می خورند چون آن ها رتبه عالی تری دارند. اما یک وقت گویند ثروتمندان به یک ثروتمندی غبطه می خورند آن خیلی باید ویژه باشد. امام سجاد فرمود: شهدا به مقام او غبطه می خورند. شهدا؛ یعنی شهیدی که بهشتش تضمین است؛ شهیدی که حق شفاعت دارد؛ شهیدی که با اولین قطره خورش که روی زمین می ریزد اهل بهشت می شود. چه مقامی عباس دارد که شهدا یعنی حمزه سیدالشهدا و جعفر بن ابی طالب هم به مقام او غبطه می خورند؟! حالا قصه این مقام را مبهم گذاشته اند.

ابا الفضل سه برادرش را به میدان فرستاد یکی جعفر بن علی، بیست سالش بود. ظاهراً وقتی امیر المؤمنین شهید شده ام البنین او را باردار بوده یا تازه او را به دنیا آورده است؛ چون سال 41 حضرت علی شهید شده است و سال که امیر المؤمنین به دلیل 61 کربلا است و همه هم نوشته: اند این فرزند بیست سالش است.

دومی عبد الله بن علی، بیست و سه سال دارد این هم یک بچه کوچکی بوده که حضرت علی شهید شده است و سومی عثمان بن علی که امیر المؤمنین فرمود: من چون خیلی عثمان بن مظعون را دوست داشتم اسم او را عثمان گذاشته ام. (1)

عثمان بن مظعون کسی است که پیامبر وقتی می خواست جنازه فرزندش ابراهیم را دفن کند دعا کرد! خدایا او را با عثمان بن مظعون محشور کن. (2)

تمام هم و غم ابا الفضل این بود که ابا عبد الله را یاری کند.

### رجز ابا الفضل علیه السلام

این ها را مقدمه گفتم تا به یک رجز حضرت ابو الفضل برسم و این را برای شما باز کنم. رجزی که همه شما بلد هستید، فرمود:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمَا يَمِينِي \*\*\* إِيَّيْ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي (3)

به خدا سوگند اگر دستم را قطع کنید، من همیشه از دینم حمایت می کنم.

فرمود: من همیشه یک شعار مهم دارم و آن حمایت از دین است.

ص: 97

1- اسد الغابة، ج 3، ص 386؛ قاموس الرجال، ج 6، ص 287.

2- اسد الغابة، ج 3، ص 387؛ اصابة، ج 3، ص 88.

3- المناقب، ج 4، ص 108؛ بحار الانوار، ج 45، ص 40.

یک وقتی رسول خدا به امیر المؤمنین فرمود علی جان فرق تو را در ماه رمضان می شکافند محاسنت با خون سرت خضاب می شود و شهید می شوی نپرسید: یا رسول الله چه کسی و کجا من را می زند؛ پرسید:

«أَفِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي»؛ (1)

یا رسول الله وقتی از دنیا می روم دینم سالم است؟

جوان ها دوره آخر الزمان دین داری خیلی سخت است؛ (2) این قدر سخت است که وقتی امام زمان ظهور می کند است که وقتی امام زمان ظهور می کند می گویند: دین جدید و کتاب جدید آورده است. امام زمان همین قرآن را می آورد و مروج دین پیامبر است. این قدر در دین انحراف ایجاد شده و این قدر سلیقه ایجاد شده که می گویند امام زمان دین جدید آورد.

چرا گفته اند: دوره آخر الزمان این دعا را زیاد بخوانید؛ این دعای غریق است؛ یعنی آدمی که در آب دارد غرق می شود این را بخواند: «يَا اَللهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»؛ این سه از اسماء خداست که بعضی ها می گویند افضل اسماء خدا، الله است بعد از الله رحمن و رحیم و بعد دیگر هزار اسم خداست.

امام حسین فرمود:

«الدِّينُ لِعَقِّي عَلَى السِّنْتِهِمْ» (3)

دین لقلقه زبانتان شده است.

من سه مطلب را برای شما می گویم خوب گوش بدهید:

مطلب اول: دین یعنی دین اسلام چه ویژگی هایی دارد؟

مطلب دوم: چه خطراتی دین را تهدید می کند؟

مطلب سوم: چه طور از دین حمایت کنیم؟

ص: 98

1- بحار الانوار، ج 34، ص 339؛ شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 108.

2- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ لَقِنِي إِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتَهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَي دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَي جَمْرِ الْعَصَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ (بصائر الدرجات، ج 1، ص 84؛ بحار الانوار، ج 52، ص 123).

3- «النَّاسُ عِبِيدُ الْمَالِ وَالدِّينُ لِعَقِّي عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قُلَّ الدِّيَانُونَ» (تحف العقول، ص 245؛



## ویژگی های دین از منظر قرآن

قرآن کریم می فرماید دینی که شما دارید، چند تا ویژگی دارد:

### 1. فطری بودن

اولین ویژگی دین که قرآن معرفی می کند فطری بودن آن است. قرآن می فرماید:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (1)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده است.

دین فطری است شما روی تک تک احکام اسلام دست بگذارید، اسلام برای مسواک زدن هم دستور دارد؛ چقدر ما آداب غذا خوردن داریم.

### 2. محکم و استوار

دومین ویژگی دین که قرآن معرفی می کند، محکم و استوار بودن آن است.

قرآن می فرماید

«ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (2)

محکم و استوار است.

هر کدام از احکام اسلام مطابق با عقل است. امیر المؤمنین فرمود: خوارج دین را ضایع کردند دین آن چیزی نیست که ابن تیمیه در کتاب هایش می گوید و امروز وهابی ها دارند ترویج می کنند دینی که از بیان قرآن پیامبر و ائمه دریافت می شود دین است.

### 3. کامل بودن

سومین ویژگی دین که قرآن معرفی می کند، کامل بودن آن است. قرآن می فرماید:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (3)

کامل است.

هر چه بشر پیشرفت کند نماز در فضا چطور است؟ علما جواب می دهند. اگر پزشکی قرار شد در زاد و ولد و عمل جراحی و شبیه سازی و... سؤال داشته

---

1- روم، 30.

2- همان.

3- مائده، 3.

باشد علما جواب می دهند هر چه موضوعات جدید آفریده می شود دین ادعا دارد پاسخگو است؛ چون اصولش در دین آمده است فقها می آیند جزئیاتش را استخراج می کنند و کامل است.

4. نبودن اکراه در پذیرش دین

چهارمین ویژگی دین که قرآن معرفی می کند نبودن اکراه و اجبار در پذیرش دین است. قرآن می فرماید:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛

کراهت و اجبار در این دین نیست.

اجبار در چیزی است که عقل قبول نمی کند.

5. آسان بودن دین

پنجمین ویژگی دین که قرآن معرفی می کند سهل و آسان بودن آن است.

قرآن می فرماید

«وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (1)

دین برای سختی نیامده است.

اگر شما فکر می کنید صبح نماز خواندن سخت است؛ غذا خوردن و درس خواندن هم سخت است.

امیر المؤمنین فرمود: مردم مواظب دینتان باشید که به خطر نیفتد. این دین به دنیا فروخته نشود. (2)

چرا وقتی دست های حضرت عباس قطع می شود، می گوید: «إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي»؟ چون حاضر است دستش را بدهد ولی لطمه ای به دینش وارد نشود.

### خطراتی که دین را تهدید می کند

مطلب دوم: هر چه به این دین لطمه می زند باید از آن دوری کرد.

علی فرمود مسافرت می خواهی بروی میدانی در این مسافرت به دینت لطمه می خورد، در این سفر نرو. (3)

پیامبر فرمود:

1- حج، 78.

2- غرر الحكم، ح 2222.

3- تحف العقول، ص 120؛ الخصال، ج 2، ص 630؛ بحار الانوار، ج 10، ص 108.

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرَضَّوْنَ حُلْفَهُ وَ دِينَهُ فَزَوْجُوهُ» (1)

اگر برای فرزندان خواستگار آمد، (اخلاق و دین دو ملاک اصلی شما باشد) اخلاق و دینش را پسندیدید به او دختر بدهید.

قشنگی های عالم را داشته باشد اما بی دین و بی تقوا باشد، نماز نخواند به چه درد می خورد؟

علی فرمود:

«مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ»؛ (2)

هرکسی لباسش نازک باشد دینش نازک می شود.

یعنی خواهر من منشأ لطمه به دین یکی اش بدحجابی و کاهش لباس است. جوان عزیز! پیرو مد بودن رعایت نکردن حریم اجتماعی است. گاهی از اوقات تحریک ها با صدا، لباس و یا برخورد است.

ابو الاسود دثلی در شام بود دختر کوچکی داشت. یک وقتی معاویه برای این ها غذا و پول فرستاد. ابو الاسود خودش نبود و دختر بچه هم گرسنه بود حلوا را خورد. ابو الاسود پیرو امیر المؤمنین بود؛ کسی که در شام شعارش این بود:

«عَلَيْ خَيْرِ الْبَشَرِ مَنْ أَيْ فَقَدْ كَفَرَ»

علی برترین انسان روی کره زمین است و هرکس هم که مخالفش باشد کافر است.

تا رسید گفت: دخترم می دانم گرسنه ای ولی این لقمه، لقمه حرام است؛ با این لقمه معاویه، محبت علی را از دل ما بیرون می آورد. دخترک آن لقمه را بیرون انداخت. (3)

## حمایت از دین

مطلب سوم که مطلب اصلی من است چه طوری از دین حمایت کنیم؟ برای حمایت از دین سه کار بکنید:

1- دین را بشناسید 2- به دین عمل کنید 3- دین را حفظ کنید.

بعضی ها نماز که می خوانند، اصلاً مثل این که بیگانه از دین و رساله هستند. اول این که به اندازه خودتان مسائل شرعی تان را یاد بگیرید.

ص: 101

1- الکافی، ج 5، ص 374؛ التهذيب، ج 7، ص 394؛ وسائل الشیعه، ج 20، ص 76.

2- الجعفریات، ص 242؛ الخصال، ج 2، ص 623؛ وسائل الشیعه، ج 4، ص 389.

3- مستدرک الوسائل، ج 8، ص 94؛ الأربعون حدیث للرازی، ص 82؛ مکاتیب الاثمه، ج 2، ص 150.



دوم این که به دین عمل کنیم؛ دین هم مجموعه ای از احکام است و سوم حفظ کنیم و نگه داریم.

## عرضه کردن اعتقادات

امام باقر نشسته بود یک آقای وارد شد و سلام کرد حَکَم بن عَتِیْبَه می گوید دور تا دور اتاق نشسته بودند؛ امام باقر هم نشسته بود. این پیرمرد وارد شد. گفت: یا بن رسول الله! اجازه است من بیایم دینم را برای شما تعریف کنم ببینید من دینم را شناخته ام؟

پیرمرد گفت: یا بن رسول الله من دینم را برای شما می گویم، گفت: من سه عقیده دارم اگر درست است تأیید کنید اگر اشکال دارد بفرمایید:

1- «إِنِّي لِأَحِبُّكُمْ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ»

من شما اهل بیت علیهم السلام را دوست دارم هرکسی هم که شما را دوست دارد دوست دارم و هرکه هم با شما بد است از او بدم می آید

2- «إِنِّي لِأَحِلُّ حَلَالِكُمْ وَأَحْرِمُ حَرَامِكُمْ»؛

من حلال شما را حلال می دانم و حرام شما را هم حرام می دانم.

3- «أَنْتَظِرُ أَمْرَكُمْ»

انتظار فرج می کشم.

بحث فرج از زمان پیامبر مطرح بوده است. آقا فرمود: عقاید عالی است وقتی از دنیا می روی امیر المؤمنین و پیامبر و امام حسن و امام حسین علیهم السلام کنارت می آیند و چشمت روشن می شود قلبت شاد می شود و در بهشت هم با ما هستی.

آن قدر خوشحال شد که گفت: آقا یک بار دیگر تکرار کنید آقا یک بار دیگر تکرار کرد از قول پدرش امام سجاد گفت جلو آمد دست امام باقر را گرفت به سینه و سرش کشید و یک تبرکی جست و گریه کنان از اتاق بیرون رفت.

امام باقر فرمود: هرکسی می خواهد یک چهره بهشتی ببیند این آقا را ببیند. (1)

ص: 102

1- «عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيبَةَ قَالَ: بَيْنَا أَنَا مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْبَيْتُ غَاضٌ بِأَهْلِهِ إِذْ أَقْبَلَ شَيْخٌ يَتَوَكَّأُ عَلَى عَنزَةٍ لَهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ثُمَّ سَكَتَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ بِوَجْهِهِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ ثُمَّ سَكَتَ حَتَّى أَجَابَهُ الْقَوْمُ جَمِيعاً وَرَدُّوا عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَذْنِبِي مِنْكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّكُمْ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ وَوَاللَّهِ مَا أَحِبُّكُمْ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّكُمْ لَطَمَعَ فِي دُنْيَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَبْغُضُ عَدُوَّكُمْ وَأَبْرَأُ مِنْهُ وَوَاللَّهِ مَا أَبْغُضُهُ وَأَبْرَأُ مِنْهُ لَوْ تَرَكْتُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِلُّ حَلَالِكُمْ وَأَحْرِمُ حَرَامِكُمْ وَأَنْتَظِرُ أَمْرَكُمْ فَهَلْ تَرْجُو لِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي حَتَّى أَقْعَدَهُ إِلَى جَنْبِهِ ثُمَّ قَالَ بِهَا الشَّيْخُ إِنَّ أَبِي

عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ مِثْلِ الَّذِي سَأَلْتَنِي عَنْهُ فَقَالَ لَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ تَمُتْ تُرِدْ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَيَتَلَجَّ قَلْبُكَ وَيَبْرُدُ فُؤَادُكَ وَتَقْرُعُ عَيْنُكَ وَتُسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَاهُنَا وَأَهْوَى يَدَيْهِ إِلَى حَلْقِهِ وَإِنْ تَعَشَّ تَرَى مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنَكَ وَتَكُونُ مَعَنَا فِي السَّانِمِ الْأَعْلَى فَقَالَ الشَّيْخُ كَيْفَ قُلْتَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ فَقَالَ الشَّيْخُ اللَّهُ أَكْبَرُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ إِنَّ أَنَا مِتُّ أَرِدُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَتَقْرُعُ عَيْنِي وَيَعْلَجُ قَلْبِي وَيَبْرُدُ فُؤَادِي وَأَسْتَقْبَلُ بِالرُّوحِ وَالرَّيْحَانِ مَعَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ لَوْ قَدْ بَلَغَتْ نَفْسِي إِلَى هَاهُنَا وَإِنْ أَعَشَّ أَرَى مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ عَيْنِي فَأَكُونُ مَعَكُمْ فِي السَّانِمِ الْأَعْلَى ثُمَّ أَقْبَلَ الشَّيْخُ يَنْتَجِبُ يَنْشِجُهَا هَا هَا حَتَّى لَصِقَ بِالْأَرْضِ وَأَقْبَلَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَنْتَجِبُونَ وَيَنْشِجُونَ لِمَا يَرُونَ مِنْ حَالِ الشَّيْخِ وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْسَحُ بِإِصْبَعِهِ الدُّمُوعَ مِنْ حَمَالِيقِ عَيْنَيْهِ وَيَنْفُضُهَا ثُمَّ رَفَعَ الشَّيْخُ رَأْسَهُ فَقَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاوِلْنِي يَدَكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِي دَاكِ فَنَاوَلَهُ يَدَهُ فَقَبَّلَهَا وَوَضَعَ عَلَيْهَا عَيْنَيْهِ وَخَدَهُ ثُمَّ حَسَرَ رَعْنَ بَطْنِهِ وَصَدْرِهِ ثُمَّ قَامَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَأَقْبَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْظُرُ فِي قَفَاهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا فَقَالَ الْحَكَمُ بْنُ عَتِيْبَةَ لَمْ أَرِ مَاتِمًا فُطِّئَ شِبْهُ ذَلِكَ الْمَجْلِسِ»

(الكافي، ج 8، ص 76؛ مرآة العقول، ج 25، ص 176؛ بحار الانوار، ج 46، ص 362)

پس جوان ها از ابا الفضل این پیام را بگیرید! در حمایت از دین کوتاهی نکنید.

بی دینی در آخر الزمان

عزیزان من مخصوصاً امروز حفظ دین خیلی سخت شده است در روایات داریم در دوره آخرالزمان بنده صبیح با ایمان از خانه بیرون بیرون می آید و شب می آید و شب بی دین برمی گردد. این قدر عوامل بی دینی در جامعه زیاد می شود؛ منکراتی مانند بد حجایی، فساد. یکی از تلاش های شیطان هم این است که آدم را بی دین از دنیا ببرد.

دعای حفظ دین

مرحوم حاج شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان نقل میکند شخصی نزد امام صادق آمد و گفت آقا جان! من می ترسم بی دین از دنیا بروم آقا فرمود: این دعا را زیاد بخوان: «رَضِيتُ بِاللّهِ رَبًّا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالْقُرْآنِ بِلَاغًا». (1)

ص: 103

---

1- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شَيْعَتَكَ تَقُولُ إِنَّ الإِيمَانَ مُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ فَعَلِمْنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ أَسَّ تَكَمَلْتُ الإِيمَانَ قَالَ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةً رَضِيتُ بِاللّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً وَبِعَلِيِّ وَلِيِّاَ وَإِمَامًا وَبِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الأئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَيْهِمُ اللّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمُ أُمَّةً فَارْضَ نَبِي لِهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (التهديب، ج 2، ص 109؛ وسائل الشيعه، ج 6، ص 463؛ بحار الانوار، ج 83، ص 42)

هم چنین امام صادق برای حفظ دین فرمود: بگو: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (1)

چه بسیار افرادی که در لحظه آخر بی دین از دنیا رفتند؛ مثل: برصیصای عابد و بلعم باعورا. یکی از دعا هایی که مستحب است انسان بخواند، این است

که بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ» (2)

خدایا! به تو پناه می برم از این که هنگام مرگ اعتقادتم از دست برود.

دعای عدیله را خودتان برای خودتان بخوانید.

مرحوم آقا سید احمد خوانساری خودش دعای عدیله را برای خودش خواند. دستور است بالای سر محتضر دعای عدیله بخوانید تا دینش حفظ شود.

زیارت آل یاسین هم بخوانید؛ این زیارت اعتقادات را محکم می کند. اعتقادات را محکم می کند. زیارت آل یاسین یک دوره اعتقادات است. این دعا ها را روزی یک بار یا عصر و یا صبح جمعه بخوانید بعضی از بزرگان ما حتی برای خودشان نماز وحشت می خوانند و آن را نزد خدا امانت می گذارند و می گویند این نماز آن جا امانت باشد؛ اگر ما از دنیا رفتیم و کسی برای ما نخواند این نماز به فریاد ما برسد. حواس باید جمع باشد؛ آدم های بزرگ لغزیدند.

ص: 104

1- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِإِلْمِ بَرِيٍّ وَلَا إِمَامٍ هُدَى لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ وَكَيْفَ دُعَاءِ الْغَرِيقِ قَالَ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» (كمال الدین، ج 2، ص 352؛ اعلام الوری ص 432؛ بحار الانوار، ج 52، ص 149)

2- «أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سَجْدَتِهِ يَا كَائِنُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ لَا تَفْضَحْنِي فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ وَلَا تُعَدِّينِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قَادِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ سَرِّ الْمَرْجُوعِ فِي الْقَبْرِ وَمِنْ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَ مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ» (مستدرک الوسائل، ج 5، ص 143؛ الفقه المنسوب إلى الام الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص 141).

فضیل، معلم اخلاق می گوید شاگردی داشتم که نزد من درس می خواند زمانی شنیدم مریض شده و به حالت احتضار افتاده است کنارش رفتم. شروع کردم سوره یاسین را برای او خواندم.

چشمانش را باز کرد و گفت از قرآن بدم می آید؛ قرآن نخوان و ساکت باش گفتم: بگو لا اله الا الله. گفت نمی گویم خدا را هم قبول ندارم هر کاری کردم نتیجه نداشت و این شاگرد با حالت کفر و بی دینی و بی ایمانی از دنیا رفت.

خیلی ناراحت شدم. شب به خانه آمدم اما خوابم نبرد. نیمه های شب خواب چشمانم را فرا گرفت. شاگردم را در خواب دیدم. به او گفتم: فلانی چرا کافر از دنیا رفتی؟ گفت من حسود بودم و آبروی مردم را می ریختم و سخن چینی می کردم و سالی هم یک مرتبه شراب می نوشیدم. (1)

هر چیزی دلیلی دارد. وقتی یک ماشین داخل دره می افتد می گویند: یا ترمز بریده یا راننده خواب رفته است اگر کسی بی دین از دنیا می رود حتماً زمینه و ریشه ای دارد.

سفری که دین را به خطر می اندازد

عزیزان من! علی فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ مِنْهُ» (2)

سفری که می ترسید دینتان از دست برود، به آن سفر نروید.

داستان

شخصی نزد امام صادق آمد و گفت آقا برایم استخاره کن. آقا استخاره کرد و فرمود:

اولاً خوب است که آدم در کارها استخاره نکند و خودش تصمیم بگیرد و اگر یک وقت مردد شد و استخاره کرد از نظر اخلاقی پشت کردن به استخاره خوب نیست. وقتی با خدا مشورت کردید خلافتش عمل نکنید.

آن شخص به سفر رفت و سود خوبی هم برد و پول دار شد. وقتی برگشت دوباره نزد امام صادق آمد و گفت مگر شما نفرمودید این سفر بد است؟ برای ما که خیلی خوب بود! آقا فرمود: آن روز صبح که نمازت قضا شد یادت هست؟ گفت: بله فرمود به خاطر همان بود که استخاره بد آمد. تو فقط به سود سفر

ص: 105

1- منازل الآخرة، ص 34.

2- تحف العقول، ص 120؛ الخصال، ج 2، ص 630؛ بحار الانوار، ج 10، ص 108.

نگاه می کنی. (1)

خواستگار دین دار

رسول گرامی اسلام فرمود:

«اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقَ لَكُمْ» (2)

زن بگیرید که ازدواج کردن روزی شما را زیاد می کند.

خدا در قرآن می فرماید: «يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (3) کسانی که ازدواج کنند و بی پول باشند، خدا آنان را بی نیاز می کند.

پیامبر فرمود: اگر کسی به خواستگاری دختر شما آمد و «تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ» (4) اخلاق و دین داری اش را می پسندید دخترتان را به او بدهید.

حفظ دین در هر شرایطی

ابو الفضل العباس فریاد زد و فرمود:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمَا يَمِينِي \*\*\* إِلَيَّ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي

من از دینم محافظت می کند.

علی فرمود:

«صُنْ دِينَكَ صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبِحَهُمَا وَ لَا تَصْنُ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ فَتُخْسِرَهُمَا» (5)

دین خود را با دنیایت حفظ کن تا هر دورا ببری و دینت را وسیله حفظ دنیایت قرار مده که هر دورا می بازی.

دنیای تان را به دینتان بفروشید ولی دینتان را به دنیا نفروشید. عمرو بن عاص دینش را به دنیا فروخت. حجاج دینش را به دنیا فروخت اما بعضی ها دنیا را به دین می فروشند؛ این ارزش دارد. بعضی از شهدای کربلا، شب عاشورا آمدند.

سه برادر به نام های، قاسط مقسط و کردوس خود شان را در شب عاشورا به سرزمین کربلا رساندند خدمت ابا عبد الله رسیدند و گفتند آقا جان ما شهادت رسیدند. امشب رسیدیم. آقا آن ها را پذیرفت. فردا صبح هم سه نفری به میدان رفتند و به

ص: 106

1- جهاد با نفس، آیت الله مظاهری، ج 1 و 2، ص 76.

2- الکافی، ج 5، ص 329؛ من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 383؛ وسائل الشیعه، ج 20، ص 15.

3- نور، 32 .

4- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فزَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (الكافي، ج

5، ص 347؛ التهذيب، ج 7، ص 396؛ وسائل الشيعة، ج 20، ص 76).

5- غرر الحكم، ح 2222 .

دو برادر از قبیله غفاری نیز در روز عاشورا خدمت امام حسین آمدند و گفتند: ما تنها فرزندان خانواده هستیم و می خواهیم به میدان برویم خواهشی از شما داریم نمی گوئیم وقتی به زمین افتادیم بالای سر ما بیایید و سر ما را به دامن بگیرید. ما فقط تمنا داریم شما کمی جلوتر بیایید و کنار میدان بایستید مبارزه ما را تماشا کنید. ما دوست داریم وقتی می جنگیم امام مان، ما را ببیند.

آقا درخواست شان را پذیرفتند و آمدند قسمتی از میدان را انتخاب کردند. این دو برادر رفتند و جنگیدند و در نهایت شهید شدند. (2)

این حفظ دین است مواظب باشید دین جوان های تان از بین نرود.

ملاک دین داری

روایت داریم؛ برای نمره دین دادن به کسی به نمازش نگاه نکنید. (3)

خوارج نماز های طولانی می خواندند. گرچه نماز مهم است؛ ولی ملاک دین داری نیست وهابی ها ساعت ها در مسجد الحرام نماز می خوانند؛ اما وضعیت بقیع ببینید که این خبیث ها خرابش کردند آن نامردی که فتوای قتل شیعه را صادر میکند و در محراب نماز هم می خواند آیا می شود به این نماز نمره داد؟ شبی امیر مؤمنان در کوچه های کوفه قدم می زد. کسی قرآن می خواند و آن قدر صوتش زیبا بود که کمیل ایستاد و گفت: پا هایم توان رفتن ندارد؛ این صوت قرآن خیلی زیباست. آقا فرمود کمیل؛ بیا برویم؛ قرآن فقط بر زبان این قاری است و در دلش هیچ چیز نیست.

کمیل می گوید منظور آقا را نفهمیدم گذشت تا این که در جنگ نهروان همین طور که در میدان قدم می زدیم امیر المؤمنین به جنازه ای رسید که نصف بدنش در آب بود و نصف دیگرش در بیرون آب. حضرت شمشیر را روی سر این بدن گذاشت و فرمود: کمیل این را می شناسی؟ گفتم: نه آقا! فرمود: این همان قاری نیمه شب است که صوت قرآنش دل تو را ربوده بود.

ص: 107

1- رجال الطوسی، ص 80.

2- تاریخ الطبری، ج 5، ص 442؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 568؛ وقعة الطف، ص 234.

3- «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»؛ (پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود به زیادی نماز و روزه و حج و بخشش و ناله های شبانه آن ها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانت داری شان بنگرید عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 51؛ الأمالی للصدوق، ص 303؛ بحار الانوار، ج 68، ص 9).



به ظاهر افراد نگاه نکنید می خواهید در دین داری به کسی نمره بدهید این حدیث را بشنوید.

شخصی به امام سجاد عرض کرد:

«أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ»؛

تمام دین را خلاصه شده برای من بگویید.

همان طور که می دانید احادیث و آیات دو دسته است. برخی طولانی است و برخی کوتاه یک سوره کامل به نام سوره مؤمنون است و یک جا همه قرآن را در یک آیه خلاصه می کند: «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»؛ (1) در روایات هم این طور است. یک خطبه در پنج صفحه است؛ برای آن ها که حوصله دارند بخوانند. اما در جای دیگر همه مسائل را در چند جمله بیان کرده اند.

در زیارت نامه ها هم همین طور است زیارت غدیر حضرت علی پنج صفحه است و زیارت سوم حضرت علی در مفاتیح سه خط است. هم «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا» (2) را داریم که در دو کلمه است و هم دعای ابو حمزه را این ها هم دیگر را نمی کنند.

آن شخص گفت امام سجاد دین را برای من به طور خلاصه بگویید آقا فرمود: دین سه چیز است:

«قَوْلُ الْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ» (3)

1- حق گفتن 2- داوری عادلانه 3- وفای به عهد.

ص: 108

1- سبأ، 46.

2- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: جَاءَ قَتَبَرٌ مَوْلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِفِطْرِهِ إِلَيْهِ قَالَ فَجَاءَ بِجِرَابٍ فِيهِ سَوِيقٌ عَلَيْهِ خَاتَمٌ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَخْلُ تَخْتَمُ عَلَى طَعَامِكَ قَالَ فَضَدَّ حِكَّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ لَا أَحِبُّ أَنْ يَدْخُلَ بَطْنِي إِلَّا شَيْءٌ أَعْرِفُ سَبِيلَهُ قَالَ ثُمَّ كَسَرَ الْخَاتَمَ فَأَخْرَجَ سَوِيقًا فَجَعَلَ مِنْهُ فِي قَدَحٍ فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ فَأَخَذَ الْقَدَحَ فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَشْرَبَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلَ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ أَلْسَمِيعُ الْعَلِيمُ» التهذيب، ج 4، ص 200؛ مصباح المتهجد، ج 2، ص 626؛ بحار الانوار، ج 4، ص 339.

3- «عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ، قَالَ: قَوْلُ الْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ هَذِهِ جَمِيعُ شَرَائِعِ الدِّينِ» (الخصال، ج 1، ص 113؛ مستدرک الوسائل، ج 11، ص 316؛ بحار الانوار، ج 72، ص 26)

اولین ملاک دین این است که حق بگویید. مردم سه دسته اند:

## 1. کتمان کنندگان حق و باطل گویان

بعضی ها به جای حق باطل را می گویند خدا می فرماید: جای چنین افرادی در جهنم است.

ابن زیاد هانی بن عروه را دستگیر کرد و در زندان انداخت آن قدر با عصا و شمشیر به او زد که با بدنی مجروح و غرق به خون در گوشه ای افتاده بود. قبیله هانی باخبر شدند و آمدند. چهار هزار مرد مسلح دورتادور کاخ ابن زیاد را محاصره کردند گفتند: هانی را آزاد کنید. ابن زیاد خیلی ترسید.

شریح قاضی میان مردم چهره بسیار موجهی داشت. ابن زیاد به او گفت: شریح تو برو مردم را برگردان شریح ابتدا داخل زندان رفت و وضعیت هانی را دید. اما وقتی بیرون آمد به مردم گفت هانی سالم است و هیچ خطری متوجه اش نیست. قبیله هانی با اعتمادی که به شریح داشتند برگشتند و رفتند همان شب هانی را اعدام کردند. (1)

به این آدم خائن می گویند؛ چون حق را می داند اما باطل می گوید.

## 2. حق گویان بی عمل

داستان

عبد الله بن عمر پسر خلیفه دوم در مکه بود. امام حسین به مکه آمد، تا امام حسین را دید، او را در آغوش گرفت و گریه کرد. بعد گفت: من از جدتان رسول خدا شنیدم می فرمود: حسین در کنار فرات کشته می شود، هرکس صدایش را بشنود و او را یاری نکند عذاب خدا شاملش می شود آقا به او فرمود: تو ما را یاری می کنی؟ گفت: نه، من نمی آیم. (2)

ص: 109

1- الارشاد، ج2، ص 50؛ تاریخ الامم و الملوک، ج 5، ص 376؛ مثير الاحزان، ص34.

2- تاریخ دمشق، ج 14، ص 202؛ مقتل الحسين للخوارزمی، ج 1، ص 221؛ انساب الاشراف، ج 3، ص 375.

اگر حق بگویی اما از آن دفاع نکنی، اصلاً ارزشی ندارد.

### 3. حق گویان عامل

برخی از مردم حق را می گویند و پایش می ایستند. حق را بگویی و پایش بایستی ارزش محسوب می شود.

صبح عاشورا پیرمردی به نام انس خدمت امام حسین آمد. آن قدر است که ابرو هایش سفید شده و روی چشمش افتاده است، دستمالی به ابرو هایش بست و آن ها را بالا کشید تا ابرو هایش روی چشمش نیافتد.

گفت: حسین جان خودم از جدت رسول خدا شنیدم فرمود هرکس صدای مظلومیت حسین را بشنود و جواب ندهد عذاب خدا شاملش خواهد شد حسین جان! من نمی خواهم جزء آن ها باشم شمشیر گرفت و به میدان رفت و جنگید و شهید شد. (1)

شب عاشورا شمر برای ابو الفضل امان نامه آورد. زینب کبری ایستاده و چشمانش به ابو الفضل العباس است که خدایا اگر عباس برود چه می شود. اگر عباس می رفت تمام بود یک وقت یک فرد عادی می رود یک وقت ابو الفضل می رود همه چشم ها به دهان حضرت عباس دوخته شده است آیا می رود؟ گفت: لعنت خدا بر خودت و بر امان نامه ات من امام حسین را رها کنم! (2)

این حق گویی و دفاع از حق است.

عزیزان من حق بگویید و نترسید اگر تصادفی شده و شما مقصر هستید، حقیقت را بگویید اگر در دعوی زن و شوهری می بینی حق با خانمت است نگو من مرد هستم و غرورم می شکند؛ بگو حق با شماست. خیلی هنر است که انسان در زندگی اش حق بگوید. این اولین نشانه دین داری است.

امانت داری نشانه دیگر دین داری

نماز امام معصوم، خون شهدا نماز امانت است امام معصوم امانت است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّٰه»، خون شهدا امانت است. دختر مردم به خانه شما آمده و همسر شما شده است؛ این امانت است.

امام صادق فرمود: به خدا قسم اگر قاتل علی شمشیری که با آن پدرم را

ص: 110

1- «أَنَّ بَنِي الْحَارِثِ قَالُوا لَمْ يَجْعَلِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَعْنِي الْحَسَّ بْنَ يُقْتَلُ بِأَرْضِ مِنَ الْعِرَاقِ فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ قَالَ فَقَتَلَ أَنَسٌ مَعَ الْحُسَيْنِ» (المناقب، ج 1، ص 140؛ بحار الانوار، ج 18، ص 141؛ مشير الاحزان، ص 17).

2- اللهوف، ص 148؛ مشير الاحزان، ص 55.

سر بریده نزد من امانت بگذارد، من به آن امانت خیانت نمی کنم. (1)

بالاتر این که در حدیث آمده بدترین نوع خیانت به امانت، خیانت به بیت المال است. (2) کسانی که در کشور ما بیت المال را می خورند و نسبت به حق الناس توجه ندارند گناهشان خیلی سنگین است.

زیارت و حج رفتن با مال حرام پذیرفته نمی شود. روایت داریم اگر پارچه حرام در بار کسی باشد وقتی می گوید: «لبيك اللهم لبيك» به او می گویند: «لا- لبيك ولا- سعديك» یعنی حجت قبول نیست. زیارت ابا عبد الله مستحب است اما دادن خمس واجب است. با پول خمس نداده به کربلا نروید چرا به این ها توجه نمی کنید؟

ص: 111

1- «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ : فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ إِعْلَمُ أَنَّ ضَارِبَ عَلِيٍّ بِالسَّيْفِ وَقَاتِلَهُ لَوْ ائْتَمَنَنِي وَاسْتَنْصَحَنِي وَاسْتَشَارَنِي ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لَأَدَيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ». (التهذيب، ج 6، ص 351؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 12؛ ملاذ الاخيار، ج 10، ص 318).

2- «قال علي عليه السلام: « مِنْ أَفْحَشِ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْوَدَاعِ »؛ امام علي عليه السلام فرمود: یکی از زشت ترین خیانت ها خیانت در سپرده هاست. (غرر الحکم، ح 5311)؛ « قال علي عليه السلام : إِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْضَعَ الْغِشِّ غِشُّ الْأَيَّمَةِ »؛ امام علي عليه السلام: بزرگترین خیانت خیانت به امت است و زشت ترین دغل دغلی با پیشوایان است نهج البلاغه نامه 26)



السلام عليك ايها العبد الصالح!

السلام عليك يا ابا الفضل العباس بن امير المؤمنين!

السلام عليك يا بن سيد الوصيين!

بيا از خاک بردار و به دامت سرم بگذار \*\*\* به پيش چشم دشمن پای بر چشم ترم بگذار

پيامبر اکرم رو کرد به، مردم فرمود: «ای مردم من شهر علمم اما این شهر دری دارد که علی بن ابی طالب است؛ انا مدینه العلم و علی بابها هرکس بخوهد درب خانه پیغمبر خدا، برود باید اول درب خانه ی علی را بزند».

مرحوم آیت الله قاضی هم فرمود در عالم مکاشفه بر من ثابت شد که آقا ابا عبد الله الحسین علیه السلام مظهر دریای رحمت الهی هستند؛ اما این دریا درب ورودی دارد که آن وجود نازنین قمر منیر بنی هاشم آقا ابا الفضل العباس است.

از همین جا کاروان دل ها را ببریم کنار ضریح مطهر آقا قمر بنی هاشم

بيا از خاک بردار و به دامت سرم بگذار \*\*\* به پيش چشم دشمن پای بر چشم ترم بگذار

اگر چشمم پراز خون است و جایی بهر پایت نیست \*\*\* بيا چشم انتظارم پا به چشم دیگرم بگذار

سجود عشق طولانی ست من سر بر نمی دارم \*\*\* اگر خواهی سرافرازم بيا پا بر سرم بگذار

عَلَم افتاده، سوئی، مشک سوئی، دست ها سوئی \*\*\* زهم پاشیده شد شیرازه ای بر دفترم بگذار

دستانش را قطع کردند مشک را به دندان گرفت. دید تیر هاست که به طرف او پرتاب می شود. نکند تیر به مشک آب بخورد. نکند مشک پاره شود. گویا عرضه می دارد خدایا هر چه تیر است به بدن من اصابت کند؛ اما به مشک آب نخورد. انگار صدای العطش بچه ها را می شنود؛ فَسَّ مَعَ الْاِطْفَالِ يَتَصَارَّخُونَ مِنَ الْعَطَشِ . (2) انگار صدای سکینه می آید به بچه ها می گوید بچه ها ناراحت نباشید این قدر ناله نکنید عمومیم برای همه تان آب می آورد عمومیم شجاع است . عمومیم قدرتش زیاد است.

عباس عرضه می دارد ای خدا هر چه زودتر مرا به خیمه برسان. اما امان از آن لحظه که یک تیر به مشک آب خورد آبها روی زمین ریخت. عباس دیگر ناامید شد. با دست خالی کجا بروم. همان آقائی که تا چند لحظه قبل گویا صدا میزد ای خدا مرا به خیمه برسان؛ حالا دیگر صدا می زند: خدایا کار عباس را همین جا تمام کن دیگر روی رفتن به خیمه ندارم.

این جا بود که یک ملعون چنان با عمود آهنین به فرق مبارکش زد. آیا بگویم چه شد؟

فَسَّ قَطَّ عَلَى الْارْضِ يُنَادِي عَلَيْكَ مَنِّي السَّلَامُ ابا عبد الله از روی اسب به زمین افتاد صدا زد حسین جان منم رفتم خداحافظ تا صدای عباس بلند شد ابی عبد الله با عجله کنار بدن برادر آمد ای برادر ها قدر برادری را بدانید. وقتی حسین چشمش به بدن قطعه قطعه ی برادر افتاد چه حالی به او دست داد حالت چهره حسین را مرحوم اصفهانی در یک بیت ترسیم کرده است:

وَبَانَ الْإِنكسَارُ فِي جَبِينِهِ \*\*\* فَأَنذَكَّتِ الْجِبَالُ مِنْ حَنِينِهِ

این قدر چهره حسین شکسته شد که جا داشت کوه ها از ناله او متلاشی شوند.

همه صدا بز نیم یا حسین

و سيعلمُ الذين ظلموا اى مُتقلب ينقلبون .

ص: 113

با این که حضرت عباس علیه السلام جزء اولین شهدای کربلاست؛ اما بین ارباب منبر مشهور بوده تا سوعا را اختصاص به این شخصیت بزرگوار می دادند.

نسل حضرت عباس علیه السلام از عبید الله ابو الفضل پسر ایشان گسترش پیدا کرده است.

خاندان حضرت ابو الفضل علیه السلام خاندان شعر و ادب هستند.

امام سجاد علیه السلام: خدا عمویم عباس را رحمت کند که فلَقَدْ أَثَرَ وَ أَبْلَى وَ فَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ

حضرت ابو الفضل امامزاده ای است که مدح امام معصوم را دارد و آن مدالی که امام سجاد علیه السلام به ایشان عنایت فرمودند این روایت است: إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَنْزِلَةً يَغِطُّهُ بِهَمَّا جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ابا الفضل علیه السلام سه برادرش را به میدان فرستاد: جعفر بن علی، 20 ساله امیر المؤمنین علیه السلام به دلیل علاقه به عثمان مظعون اسم او را عثمان گذاشت.

پیام رجز حضرت ابو الفضل علیه السلام حمایت از دین است :

وَ اللَّهُ إِنْ قَطَعْتُمُو يَمِينِي \*\*\* إِيَّيْ أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي

دوره آخر الزمان دین داری این قدر سخت است که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، می گویند دین جدید و کتاب جدید آورده است.

دوره آخر الزمان دعای غریق را زیاد بخوانید.

از منظر قرآن دین 5 ویژگی دارد؛ فطری بودن محکم و استوار کامل بودن نبودن اکراه در پذیرش دین آسان بودن دین

هر کدام از احکام اسلام مطابق با عقل است دینی که از بیان قرآن پیامبر و ائمه علیهم السلام دریافت می شود دین است.

هر چه بشر پیشرفت کند دین پاسخگو است.

برای حمایت از دین باید؛ دین را شناخت به دین عمل کرد و دین را حفظ نمود.

هر چه به این دین لطمه می زند، باید از آن دوری کرد از جمله سفر، خاص خواستگار بی دین و تارک، نماز بد حجابی، پیرو مد بودن رعایت نکردن حریم اجتماعی و لقمه حرام

برای اطمینان در شناخت دین باید عقاید را به اهل آن عرضه کرد مانند پیرمردی که عقایدش را به امام باقر علیه السلام عرضه نمود.

در روایات داریم در دوره آخر الزمان بنده صبح با ایمان از خانه بیرون می آید و شب بی دین بر می گردد .

امام صادق علیه السلام برای حفظ دین قرائت دو دعای رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا... و دعای غریق را سفارش نموده اند.



یکی از دعا هایی که مستحب است انسان بخواند دعای عدیله است.

زیارت آل یاسین یک دوره اعتقادات است؛ این زیارت اعتقادات را محکم می کند.

اگر کسی بی دین از دنیا می رود حتما زمینه و ریشه ای دارد.

علی علیه السلام فرمود: لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ مِنْهُ

علی علیه السلام فرمود: صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرْبَحَهُمَا وَلَا تَصْنُ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ فَتُخْسِرَهُمَا

سه برادر نام های به قاسط مقسط و کردوس شب عاشورا به امام علیه السلام پیوستند و روز عاشورا به شهادت رسیدند.

دو برادر از قبیله غفاری در روز عاشورا خدمت امام حسین علیه السلام آمدند و بنا به درخواستشان در برابر دیدگان امام علیه السلام جنگیدند و شهید شدند.

اگر چه نماز مهم است؛ ولی ملاک دینداری نیست وهایی ها ساعت ها در مسجد الحرام نماز می خوانند؛ اما این خبیث ها بقیع را خراب کردند.

در جنگ نهروان امیر المؤمنین علیه السلام با اشاره به جنازه ای به کمیل گفت: این همان قاری نیمه شب است که صوت قرآنش دل تو را ربوده بود.

آیات احادیث زیارات و ادعیه از یک نظر به دو دسته طولانی و کوتاه تقسیم می شوند تا افراد به مقتضای حوصله ای که دارند .

امام سجاد علیه السلام فرمودند: دین سه چیز است؛ حق، گفتن داوری عادلانه و وفای به عهد

مردم از جهت تفاوت در حق گوایی سه دسته می شوند؛ باطل گویان و کتمان کنندگان حق، حق گویان بی عمل، حق گویان عامل

جایگاه باطل گویان و کتمان کنندگان حق جهنم است؛ مثل شریح قاضی که به دروغ وضعیت هانی در زندان را سالم توصیف کرد و سبب شد قبیله هانی با اعتمادی که به شریح داشتند برگشتند و رفتند و همان شب هانی اعدام شد.

اگر حق بگوایی اما از آن دفاع نکنی اصلاً ارزشی ندارد؛ مانند بی تفاوتی عبد الله بن عمر پسر خلیفه دوم نسبت به فرجام یاری نکردن امام حسین علیه السلام

ایستادن پای حق ارزشمند است، نظیر رفتار انس پیر مرد نسبت به فرجام یاری نکردن امام حسین علیه السلام و شهادت در روز عاشورا و رد امان نامه شمر توسط حضرت ابو الفضل علیه السلام در شب عاشورا

حق گفتن را در امور روزانه تمرین کنید و از گفتن حق نترسید.

نماز امام معصوم، خون شهدا، زوجه شما و بالاتر از همه این ها بیت المال همگی امانت هستند.



جلسه دهم : عزت و شهادت

اشاره

ص: 115

قال الله تبارك و تعالی:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

رجز های ابی عبد الله را تا سی بیت هم نوشته اند؛ یعنی رجزهای مختلفی از آن حضرت نقل شده است؛ اما مشهور ترینش که معتبرترین کتب نوشته است این بیته است که عرض می کنم:

### رجز امام حسین علیه السلام

الْقَتْلُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ \*\*\* وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ (2)

شهادت بهتر از عار شدن است و عار کشیدن بهتر از این است که انسان به جهنم برود.

گاهی انسان در زندگی اش میان ذلت و خواری یا شهادت و شجاعت و ایثار و فداکاری مخیر می شود انسان آزاده و عاقل شهادت و ایثار و سختی را بر عار و ننگ و ذلت و خواری ترجیح می دهد.

زندگی با خواری یعنی شکست

در جنگ صفین وقتی امیر المؤمنین به منطقه صفین رسید، دید معاویه آب را محاصره کرده است حضرت لشکر را جمع کرد و فرمود: آب محاصره شده است؛ یا باید از تشنگی هلاک شوید یا بجنگید و آب را آزاد کنید. این هلاکت یا شکستن محاصره آب امیر المؤمنین در دوراهی مبارزه ممکن است چند شهید هم داشته باشد، ولی بدانید:

«الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ»؛

ص: 116

1- توبه ، 119.

2- بحار الانوار، ج 45، ص 50؛ مشیر الاحزان، ص 72 ، اللهوف، ص 119.

اگر با ذلت و خواری زندگی کنید این شکست است؛ اما اگر کشته و شهید بشوید و با عزت، باشید این پیروزی است.

یکی از دانشمندان اهل سنت کتابی درباره امیر المؤمنین علی دارد.

می گوید این زیباترین جمله حماسی است.

بعد فرمود اگر می خواهید لب های تان از این آب سیراب شود قبلش باید شمشیر های تان از خون دشمن سیراب شود لشکر حمله کرد (1) و ظاهراً طبق نقل ها ابا عبد الله فرمانده این گروه بود آب را آزاد کردند و وقتی برگشتند آقا فرمود: «هَذَا أَوَّلُ فَتْحِ بَيْرَكَةِ الْحُسَيْنِ» (2)

این آغاز پیروزی است که به برکت فرزندم ابا عبد الله علیه السلام دست آمد و آب آزاد شد.

ذلت پذیری حسان بن ثابت

ممکن است بعضی ها زندگی با ذلت را بپذیرند و ترجیح دهند. حسان بن ثابت شخصیتی فوق العاده ترسو و نان به نرخ روز خور داشت. این همان کسی است که وقتی امیر المؤمنین در غدیر انتخاب شد، از پیامبر اجازه گرفت شعر بگوید وقتی شعرش را خواند پیامبر دعای مشروطی برایش کرد و فرمود: حسان! تا زمانی که از ما حمایت می کنی خدا کمکت می کند. (3)

مسلمان ها در جنگ خندق بیرون رفتند و دور شهر خود را برای مقابله با دشمنی که سرا پا مسلح از مکه می آمد آماده کرده بودند پیامبر زن ها را در یک قلعه ای قرار داد تا محافظت شوند مردها هم در بیرون مدینه اردو زده بودند تا دشمن نیاید تهاجم کند.

حسان بن ثابت مخفیانه به قلعه زنان رفت و خودش را در اتاقی مخفی کرد. اتفاقاً مردی یهودی آمد و از دیوار قلعه بالا رفت. صفیه عمه پیامبر متوجه شد و آمد به حسان گفت: دشمن بالای بام قلعه آمده و مسلح است برو با او برخورد کن. گفت: من از جنگ فرار کردم و از ترس به این جا پناه آوردم. صفیه شجاع بود. خودش رفت و از پشت با چوب به مرد یهودی زد و او را کشت آمد. حسان دشمن را کشتیم؛ تو برو جنازه اش را بردار. گفت: من از جنازه اش هم می ترسم. (4)

ص: 117

1- المناقب، ج 3، ص 167؛ بحار الانوار، ج 32، ص 442.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 266؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 17، ص 150.

3- خصائص الأئمة، ص 42؛ الارشاد، ج 1، ص 177؛ اعلام الوری ص 133.

4- بحار الانوار، ج 20، ص 245؛ الأما لی للطوسی، ص 261.

این آدم هم از جهاد ترس دارد هم از حضور در مقابل دشمن. اما ببینید یاران ابا عبد الله جملاتی گفته اند که تاریخی است

عزت مندی زهیر بن قین

همان طور که می دانید زندگی دنیا محدود است و کمتر پیش می آید که کسی صد سال عمر کند پیامبر خدا فرمود عمر افراد امت من بین 60 تا 70 سال است. (1) اصلاً بگوییم صد سال بالاخره روزی تمام می شود.

زهیر در کربلا حرف عجیبی به امام حسین زد. گفت: یابن رسول الله!

«وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا لَنَا بَاقِيَةً وَكُنَّا فِيهَا مُخَلَّدِينَ لَا تَرْتَنَا التُّهُؤُصَ مَعَكَ عَلَى الْإِقَامَةِ الْإِقَامَةِ» (2)

فرض می کنیم دنیا باقی است و دیگر آخرتی در کار نیست و ما در این دنیا همیشه زنده می مانیم در این صورت باز هم شما را تنها نمی گذاشتیم.

متخلفان جنگ تبوک

نمونه ای دیگر از پذیرش زندگی قرآن کریم می فرماید: در جنگ تبوک سه نفر از این آدم ها امروز و فردا کردند. جنگ تبوک آن قدر سختی داشت که چند نفر در مسیر از دنیا رفتند. سه نفر به نام های کعب، هلال و مراره آن قدر تنبلی و سستی کردند که پیامبر با مسلمانان حرکت کرد و رفت و این سه نفر جا ماندند.

پیامبر خدا از تبوک برگشت با آن ها صحبت نکرد. مسلمانان هم دیگر با آن ها حرف نمی زدند.

خیلی بد است آدم به کوچه و خیابان بیاید و هیچ کس با او حرف نزنند. آن قدر شرایط برای این سه نفر سخت شد که قرآن می فرماید:

«وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا صَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ» (3)

(هم چنین) آن سه نفر (که از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آن ها تنگ شد.

این سه نفر عار را پذیرفتند و به جبهه نرفتند. (4)

در زمان جنگ خودمان آقایی بود آمده بود به فرمانده می گفت: هر چه

ص: 118

1- قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْمَارُ أُمَّتِي بَيْنَ السَّبْعِينَ إِلَى السَّبْعِينَ وَقَلَّ مَنْ يَتَجَاوَزُهَا» (ارشاد القلوب، ج 1، ص 40).

2- اللهوف، ص 79؛ بحار الانوار، ج 44، ص 381؛ عوالم العلوم والمعارف، ج 17، ص 232.

3- توبه، ص 118

4- تفسیر القمی، ج 1، ص 296؛ تفسیر الصافی، ج 2، ص 386؛ بحار الانوار، ج 21، ص 219.



می خواهید برای جبهه می دهم؛ اما بچه ام را نمی فرستم.

در خود کربلا افرادی بودند که صبح عاشورا از صحنه خارج شدند. ضحاک بن عبد الله مشرقی عصر عاشورا از صحنه کربلا خارج شد.

(1)

شهادت با عزت حجر بن عدی

بیستم رمضان یعنی آخرین روز زندگی امیر مؤمنان حجر بن عدی محضر حضرت آمد آقا حال خوبی نداشت. چشمانش را باز کرد دید کسی شعر زمزمه می کند فرمود حسن جان این چه کسی است که شعر می خواند؟ گفت: حجر بن عدی است.

فرمود: حجر جلو بیا. آقا از او پرسید حجر! چقدر من را دوست داری؟ گفت: آقا من را آتش بزنند و قطعه قطعه ام کنند دست از شما بر نمی دارم. فرمود: می دانم می خواستم خیالم راحت بشود.

سالها از این قضیه گذشت در زمان امامت امام حسین و قبل از ماجرای کربلا حجر بن عدی و پسرش را با هفت نفر از یارانش به دمشق آوردند، پیش چشمشان برای آن ها قبر کردند و گفتند از علی بن ابی طالب بخواستند.

برائت با سب متفاوت است امیر المؤمنین فرمود اگر جایی مجبور شدید مرا ست کنید؛ اما از من براءت نجوید؛ به خدا قسم من مسلمان به دنیا آمدم.

حجر به مأموران معاویه گفت: من به مولایم قول دادم و امروز هم پای قولم هستم شهادت را پذیرفت اما عار را نپذیرفت. (2)

پیام ابی عبد الله در روز عاشورا این است: قتل، آری؛ عار، نه.

**معنا و مفهوم «وَالْعَارُ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ»**

اما «وَالْعَارُ أَوْلَىٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ» یعنی چه؟

بعضی اوقات اگر آدم در زندگی اش سرزنش و تحقیر شود، بهتر از این است که به جهنم برود. مثلاً جوانی در خوابگاهی است که همه بی نماز هستند. ایشان اگر به نماز بایستد مسخره اش می کنند عار این حرف ها را بخر، اما نمازت را بخوان این بهتر است تا این که بی نماز شوی و به جهنم بروی.

ذریح محاربی نزد امام صادق آمد و گفت: یابن رسول الله! من به خویشان و فرزندانم ثواب و اجر زیارت امام حسین را گفتم و آن ها مرا تکذیب کردند و مسخره ام می کنند. امام صادق فرمود:

ص: 119

1- تاریخ الطبری، ج 5، ص 418.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 290.



«يَا ذَرِيحُ دَعِ النَّاسَ يَذْهَبُونَ حَيْثُ شَاءُوا» (1)

مردم را رها کن و با ما باش.

ملاک؛ رضایت امام

یونس بن عبد الرحمن نزد امام رضا آمد. جو بر علیه او بسیار خراب بود. من امام رضا از اتاق بیرون آمد و ایشان در اتاق بود چند نفر خدمت امام رضا آمدند و علیه یونس صحبت کردند. وقتی آقا به اتاق برگشت یونس عرض کرد آقا! شنیدید؟ من چه کنم؟ فرمود: امامت از تو راضی است. من بهشت را برایت تضمین می کنم بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند. (2)

جوان عزیز حفظ دین عار نیست. شما به ازدواج نیاز پیدا کردی و خانواده ات راضی هستند و شرایط هم فراهم است؛ اگر احساس می کنی دینت با ازدواج حفظ می شود این کار را بکن هر چند سنت کم است. اگر احساس کردید عاملی به دینتان ضرر می زند، هرکس باید به اندازه توان خودش از آن عامل دوری کند. «وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ».

کناره گیری معاویه صغیر از خلافت ننگین

پس از مرگ یزید بن معاویه پسرش معاویه صغیر بر اریکه خلافت نشست اموی است پسر یزید است اجدادش معاویه و ابوسفیان هستند؛ اما به خاطر معلم خوبی که در کودکی داشت با عقاید شیعه تربیت شده بود. چند روزی خلیفه بود اما آن تعالیمی که استادش در کودکی به او آموخته بود باعث شد حقیقت را بگوید.

این عار بسیار بزرگی است که خلیفه کشور پهناور اسلامی بیاید روی منبر بنشیند و بگوید ما اشتباه کردیم. گفت: مردم! ما غاصب خلافت هستیم و خلافت حق ما نیست. من ننگ بنی امیه بودن را نمی پذیرم و این خلافت را واگذار می کنم.

همه تعجب کردند مادرش پشت پرده بود گفت: ای کاش سقط شده بودی و به دنیا نمی آمدی و چنین عاری را بر بنی امیه فراهم نمی کردی.

گفت: مادر! ای کاش این دعای تو در گذشته مستجاب می شد و من سقط شده بودم و به دنیا نمی آمدم کاش ننگ پسر یزید بودن را نداشتم. به همین

ص: 120

1- کامل الزیارات، ص 143؛ بحار الانوار، ج 98، ص 75.

2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 298؛ بحار الانوار، ج 2، ص 66.

راحتی خلافت را رها کرد. (1) البته مدتی نگذشت که او را کشتند.

زمانی که خدای تبارک و تعالی ویژگی های مؤمنین را می شمرد یکی از آن ویژگی ها این است: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ (2) مؤمن کسی است که از سرزنش وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ . سرزنشگران نمی هراسد پس عار و سرزنش ها را به جان خریدن بالاتر از ورود به دوزخ است. این دو پیام مهم رجز امام حسین بود که ذکر شد.

ص: 121

---

1- بحارالانوار، ج 46، ص 118؛ مجموعه ورام، ج 2، ص 299.

2- مائده، 94.



السلام على الشيب الخضيب، السلام على الخَدِ التَّريب، السلام على الثَّغر المقرَّوع بالقضيب، السلام على البدن السليب

السلام ای زینت دوش حیب \*\*\* ناصر دین آبه ی فتح قریب

السلام ای لاله شیب الخضیب \*\*\* ای مدال سینه ات خد التریب

السلام ای کشته تیرو سنین \*\*\* قره العین نبی یعنی حسین

امام صادق علیه السلام فرمود: آسمان چهل روز بر حسین گریه کرد زمین چهل روز گریه کرد خورشید چهل روز گریه کرد ملائکه گریه می کنند انبیا اشک می ریزند گمانم امروز پیامبر کربلاست. امیر المومنین اشک می ریزد فاطمه حسین حسین می کند امام مجتبی ناله می زند بیا ما هم برویم کربلا وقتی وارد کربلا می شوی هیچ کجا نرو الا یک جا آن هم مقابل گودال قتلگاه آن جا که همه خیره خیره نگاه می کنند ببینید با حسین چه می کنند.

السلام ای صید مقطوع الوتین \*\*\* معنی ایاک نعبد نستعین

السلام ای داده سنگ خارها ت \*\*\* یال و پربر جسم پاره پاره ات

السلام ای آن که دندان شکست \*\*\* سنگ بر پیشانیت از کین نشست

وارد میدان شد؛ چنان جانانه می جنگد که کسی جرأت جنگیدن با حسین ندارد هر بار که حمله میکرد و ضرباتی به دشمن می زد به جایگاه اصلی خود برمی گشت و با صدای بلند فریاد می زد لاحول و لاقوة الا بالله.

یکی از شاهدان صحنه می گوید بخدا قسم هرگز کسی مثل حسین ندیدم که این همه داغ دیده باشد؛ دست های جدا شده برادر دیده باشد؛ بدن قطعه شده جانش را دیده باشد؛ اصابت تیر سه شعبه به گلوی نازک علی اصغر مشاهده کرده باشد؛ بدن پاره پاره ی یارانش را دیده باشد و در محاصره دشمن باشد؛ اما این قدر شجاعانه بجنگد.

لحظاتی در میدان ایستاد استراحتی کند؛ یک ملعونی سنگی به طرف آقا پرتاب کرد به پیشانی مبارکش خورد خون بر صورتش جاری شد. پیراهن عربی را بلند کرد که خون از صورت کنار بزند تیر سه شعبه زهر آلوده امان نداد و بر قلب نازنین آقا نشست؛ صدا زد:

بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله خدا تو شاهد باش هیچ پسر دختر پیامبری غیر از من در روی زمین نیست؛ اما این مردم رحم نکردند؛ یکی با شمشیر بر فرق مبارکش زد؛ دیگری چنان با نیزه به پهلوی نازنین عزیز زهرا زد؛ چه اتفاقی افتاد. این را بگذار از مقتل بگویم نوشته اند: فَسَقَطَ الْحُسَيْنُ عَنِ الْأَرْضِ عَلَى خَدِ الْأَيْمَنِ ؛ می دانی معنای این جمله چیست؟ خدا رحمت کند آن کسی که این شعر قدیمی را سروده:

نه ذو الجناح دگر تاب استقامت داشت \*\*\* نه سید الشهداء بر جدال طاقت داشت

هواز جور مخالف چو قیرگون گردید \*\*\* عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید

هر کجا نشسته ای از دل سوخت هات سه مرتبه صدا بزنی یا حسین.



رجز های ابی عبد الله علیه السلام را تا سی بیت هم نوشته اند؛ اما مشهور ترینش این است:

الْقَتْلُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ \*\*\* وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ

امیر المؤمنین علیه السلام در دوراهی هلاکت یا شکستن محاصره آب توسط امویان در جنگ صفین فرمودند: الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ

نمونه پذیرش زندگی با ذلت رفتار حسان بن ثابت شاعر، غدیر در جنگ خندق بود که از ترس خود را در قلعه زنان مخفی کرد و در همان جا از مقابله با مرد مهاجم یهودی و حتی جنازه او ترس داشت.

زهیر خطاب به امام حسین علیه السلام گفت: یا بن رسول الله! وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا لَنَا بَاقِيَةً وَكُنَّا فِيهَا مُخَلِّدِينَ لَا تَرِنَا النُّهُوضَ مَعَكَ عَلَى الْإِقَامَةِ . در حالی که پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: عمر افراد امت من بین 60 تا 70 سال است.

نمونه ای دیگر از پذیرش زندگی با ذلت متخلفان جنگ تبوک بودند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آن ها تنگ شد.

برائت با سب متفاوت است. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اگر جایی مجبور شدید مراست کنید؛ اما از من برائت نجوید.

قبل از ماجرای کربلا، حجر بن عدی و پسرش را با هفت نفر از یارانش به دمشق آوردند پیش چشم شان برای آن ها قبر کردند و بین برائت از علی بن ابی طالب علیه السلام و مرگ مخیر کردند و حجر شهادت را پذیرفت؛ اما عار را نپذیرفت.

«وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» یعنی این که بعضی اوقات اگر آدم در زندگی اش سرزنش و تحقیر شود، بهتر از این است که به جهنم برود.

امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرحمن فرمود: امامت از تو راضی است. من بهشت را برایت تضمین می کنم بگذار مردم هر چه می خواهند بگویند.

معاویه صغیر پسر یزید خلیفه شد. به خاطر معلم خوبی که در کودکی داشت با عقاید شیعه تربیت شده بود لذا حقیقت را گفت و خلافت را واگذار کرد و کشته شد. این داستان مصداقی برای «وَالْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ» است.

جلسه یازدهم: اهمیت و آثار وقف در اسلام

اشاره

ص: 125

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

یکی از ارزش های اجتماعی و فرهنگی در اسلام سنت حسنه وقف است؛ گرچه اصل وقف و جاودانگی مالی ریشه در تاریخ بشر دارد و همه جوامع کم و بیش نسبت به آن اهتمام داشته اند؛ اما اسلام در حد گسترده به آن میدان داده و آن را به عنوان صدقه جاریه خوانده است.

اصولاً میل به جاودانگی و ماندگاری ریشه در فطرت انسان دارد و انسان دوست دارد، نامش کارش و آثارش بماند و جاودان شود. وقف پاسخی به این ندای فطری بشر است.

وقف تجلی نوع دوستی و دیگر خواهی است. اسلام که دینی اجتماعی است با تأکید بر وقف این حس نوع دوستی را بارور کرد. گرچه کلمه وقف در قرآن نیامده اما در تعبیر مانند انفاق، احسان، حسنه، سبیل الله، ایثار، باقیات الصالحات و صدقه کلید واژه هایی هستند که حاکی از اهمیت وقف است؛ زیرا وقف بر همه این ها قابل تطبیق است و از مصادیق بارز آن هاست.

ایام محرم و عزاداری فرصت مناسبی برای تأکید بر این سنت حسنه است؛ بویژه آن که امام حسین علیه السلام آن چه را از زمین و اشیاء به ارث برده بود، وقف کرد.

وقف خود یکی از راه های تعظیم شعائر است؛ زیرا وقف مساجد، مدرسه ها حوزه ها حسینیه ها در نهایت موجب تقویت اسلام است.

## آثار وقف:

فوائد و آثار فراوانی بر وقف مترتب است برخی از این آثار عبارتند از:

1- رضایت الهی؛

خشنودی خدا بالاترین ارزش و فوز است. قرآن کریم می فرماید: «رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلك الفوز العظيم» (2)

ص: 126

1- توبه، 119.

2- مائده، 119.



حضرت موسی علیه السلام از خدا پرسید: علامت رضایت تو از بنده چیست؟ خدا فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ نَفْسَكَ تُحِبُّ الْمَسَاكِينَ وَتُبْغِضُ الْجَبَّارِينَ فَذَلِكَ آيَةٌ رِضَايَ؛ (1) اگر دیدی مساکین را دوست داری و ستمگرها را دشمن این علامت خشنود من است».

یکی از مصادیق محبت و دوستی به فقرا انجام وقف است. حضرت علی علیه السلام در تمام وقف نامه ها هدف خود را رضایت الهی مطرح می کند؛ در نامه 24 مینویسد:

«هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فِي مَالِهِ ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ؛ (2) این همان چیزی است که بنده خدا علی بن ابی طالب امیر المومنین علیه السلام انجام می دهد درباره دارایی خود برای بدست آوردن خشنودی خدا».

## 2- ذخیره آخرت و برزخ

وقف از صدقات جاریه ای است که موجب پاداش اخروی می شود. قرآن کریم بارها بر این نکته تأکید کرده است؛ در روایات داریم شش چیز بعد از مرگ مؤمن به او می پیوندد.

«سِتُّ خِصَالٍ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَآدُ صَالِحٍ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصَّ حَفٍ يُقْرَأُ مِنْهُ وَقَلِيبٌ يَحْفَرُهُ وَ غَرْسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ؛ (3) اثر شش چیز بعد از مرگ مؤمن به او می پیوندد فرزندی که برای او آمرزش بخواهد نوشته ای که از خود به یادگار گذارد درختی که کاشته باشد، چاهی که حفر کرده باشد، صدقه ای که آن را جاری کند و باشد، چاهی که حفر کرده، باشد صدقه ای که آن را جاری کند و روش نیکویی که بعد از او به آن عمل شود.»

وقف بالاترین مصداق صدقه جاریه است.

## 3- استمرار کمک های مادی:

وقف ماندگارترین نوع صدقه است. نگاهی به تاریخ زندگی واقفان بزرگ و آثار شان این حقیقت را روشن می سازد در حقیقت وقف حل ریشه ای کمبود ها ریشه ای کمبود ها و مشکلات مردم است، مقطعی نیست، سالها ثمربخش است؛ وقف ارزش افزوده دارد آینده نگری است.

ص: 127

1- بحار الانوار ج 67 ص 27.

2- نهج البلاغه نامه 24.

3- خصال صدوق ج 1 ص 323.

4- برخورداری از نام جاودان و دعای خیر مردم:

نام نیکی گر بماند ز آدمی \*\*\* به کز او ماند سرای زرنگار

نام واقف همراه وقف است؛ بسیار موقوفه ها با نام واقف شناخته می شود.

مردمی که از وقف بهره مند می شوند او را دعا می کنند و به نیکی یاد می کنند.

5- آثار وقف با توجه به موضوع

موقوفات به جهات مختلفی تقسیم می شود؛ با توجه به نوع وقف آثار فراوانی بر آن مترتب است؛ مانند:

1. افزایش کارآفرینی و اشتغال: این مهم در موضوعات عمومی به چشم می خورد.

2. گسترش علم: مدارس علمی کتب حوزه ها، دانشگاه ها، رسانه های عمومی نقش کلیدی در توسعه درس و فهم دارد ده ها شخصیت تربیت می شوند

3. تکریم اهل بیت علیهم السلام: وقف برای ائمه علیهم السلام، عزاداری و زیارت آن ها موجب تکریم اهل بیت علیهم السلام و پیوند مردم با آن بزرگواران است.

4. تقویت مساجد: بسیاری مساجد از موقوفات بهره مند پا برجا هستند وقف بر مسجد، موجب ارتقاء این مکان مذهبی و بالندگی است.

5. افزایش گرایش به معنویت: موقوفات در هر شهر و منطقه ای خود نوعی تبلیغ ارزش های معنوی مانند، ایثار فداکاری و تعاون بر نیکی است.

6. فقرزدایی و شکوفایی اقتصادی: وقف بر فقرا و مستمندان که سابقه فراوانی در تاریخ دارد نمادی از فقرزدایی است. آوارگان، درماندگان بلازدگان بیوه، زنان یتیمان و قشرهای محروم همواره در معرض آسیب های اجتماعی هستند وقف این آسیب ها را کاهش داده و موجب شکوفایی و سرمایه گذاری اقتصادی می شود

ص: 128

السلام علی من نُکِتَتْ ذِمَّتُهُ

السلام علی من هُتِکَتْ حُرْمَتُهُ

السلام علی من أریق بِالظُّلمِ دَمُهُ

عصر عاشورا که گل ها چیده شد \*\*\* اشک ها جاری ز جام دیده شد

کوفیان از کین شرار افروختند \*\*\* خیمه ها را بهر غارت سوختند

امام صادق علیه السلام فرمود: چهارهزار فرشته روز عاشورا از محضر خداوند متعال درخواست کمک به ابا عبد الله کردند؛ اما به آن ها اجازه داده نشد. دوباره تقاضا کردند بار دوم اجازه دادند آماده شدند و آمدند در کربلا اما صحنه عجیبی دیدند بینند بدن قطعه قطعه ی عزیز زهرا روی زمین افتاده خیمه ها آتش گرفته ، عرضه داشتند دیگر به عالم بالا بر نمی گردیم. حضرت فرمود: تا روز قیامت در کربلا می مانند و گریه می کنند ما هم برویم در کنار ملائکه الهی اشک بریزیم و ناله بزیم یک نگاه کن به گودال قتلگاه یک نگاه هم به خیمه ها، بین چه خبر شده.

کوفیان از کین شرار افروختند \*\*\* خیمه ها را بهر غارت سوختند

کودکان در کوه و صحرا در به در \*\*\* ناله شان هم ساغر خون جگر

خالی از مهر پدر آغوش ها \*\*\* غرق در خون و دریده گوش ها

روی شان از راه کین نیلی شده \*\*\* نیلگون از ضربت سیلی شده

کربلا از وردشان شد منجلی \*\*\* از ندای یا محمد یا علی

وقتی جنگی رخ می دهد در همه جا این قانون هست که چند گروه از طرفین جنگ باید در امان باشند. یکی سال خورده ها یکی، بیماران یکی زن ها یکی بچه ها؛ اما یک نگاه کن کربلا بین با بچه های پیامبر چه کردند وحشیانه به خیمه ها حمله کردند خیمه ها را آتش زدند یک عده زن های داغ دیده و فرزند و همسر از دست داده یک عده دختران یتیم و بی پدر چه کنند؟

فَقَرْنَ بَنَاتُ الزَّهْرَا حَوَاسِرَ مَسَلِّمَاتٍ حَافِيَاتٍ بَاكِيَاتٍ؛ همه با پای برهنه و مقنعه از دست رفته و چشم گریان، ناله کنان از خیمه ها بیرون دویدند هرکس به طرفی فرار می کند نه به زن ها رحم کردند؛ نه به بچه ها مقنعه از سرشان می کشیدند. دستبند به دست می دیدند می کشیدند خلخال از پای دختران می بودند. با تازیانه به دنبال دختران یتیم می کردند و می زدند.

مرحوم علامه مجلسی می فرماید: فاطمه دختر امام حسین علیه السلام می گوید شخصی از دشمن دیدم به سوی من می آید. فرار کردم گمان کردم از دست او نجات پیدا می کنم؛ ولی دیدم پشت سرم می آید وقتی به من رسید چنان با دسته نیزه اش به شانه ام زد با صورت به زمین افتادم گوشواره ام را کشید بیهوش شدم وقتی به هوش آمدم دیدم عمه ام زینب بالای سرم نشسته و گریه می کند فرمود بلند شو به خیمه برویم بینیم با زن ها و برادرت چه کرده اند.

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت \*\*\* آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

گرچه اصل وقف و جاودانگی مالی ریشه در تاریخ بشر دارد؛ اما اسلام در حد گسترده به میدان داده است.

وقف پاسخی به ندای فطری میل به جاودانگی و ماندگاری در انسان است. وقف تجلی نوع دوستی و دیگرخواهی است.

گرچه کلمه وقف در قرآن نیامده؛ اما وقف مصداق بارز کلید واژه های قرآنی مانند انفاق، احسان حسنه، سبیل الله، ایثار باقیات الصالحات و صدقه می باشد.

ایام محرم و عزاداری فرصت مناسبی برای تاکید بر این سنت حسنه است.

وقف یکی از راه های تعظیم شعائر است.

برخی از آثار وقف عبارتند از: کسب رضایت الهی؛ ذخیره آخرت و برزخ؛ استمرار کمک های مادی بر خورداری از نام جاودان و دعای خیر مردم و آثاری متناسب با موضوع وقف

خشنودی خدا بالاترین ارزش و فوز است.

حدیث قدسی دوست داشتن مساکین و دشمنی با ستمگرها علامت خشنود خداست.

یکی از مصادیق محبت به فقرا انجام وقف است.

حضرت علی علیه السلام در تمام وقف نامه ها هدف خود را رضایت الهی مطرح می کند.

بنابر روایات اثر شش چیز بعد از مرگ مؤمن به او می پیوندد: فرزندی که برای او آموزش بخواهد نوشته ای که از خود به یادگار گذارد درختی که کاشته باشد؛ چاهی که حفر کرده باشد، صدقه ای که آن را جاری کند و روش نیکویی که بعد از او به آن عمل شود.

وقف بالاترین مصداق صدقه جاریه است. وقف ماندگارترین نوع صدقه است در حقیقت وقف حل ریشه ای کمبودها و مشکلات مردم است و مقطعی نیست.

مردمی که از وقف بهره مند می شوند واقف را دعا می کنند و به نیکی یاد می کنند.

با توجه به نوع وقف آثار موردی فراوانی بر آن مترتب است؛ مانند: افزایش کارآفرینی و اشتغال گسترش علم؛ تکریم اهل بیت علیهم السلام : تقویت مساجد؛ افزایش گرایش به معنویت و فقرزدایی و شکوفایی اقتصادی



«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (1)

مقدمه

وقف نوعی مدل و الگوی اقتصادی است که مورد تاکید ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته و جایگاه ویژه ای دارد در گذشته به ویژه صدر اسلام، وقف گسترش روزافزون داشته؛ اما با گذشت زمان از این شور و اشتیاق کاسته شده و در پاره ای زمان ها متوقف شده است.

مطالعه متون وقف نامه ها در گذشته نشانگر این معناست که چگونه دغدغه برخی افراد گسترش فرهنگ دین و توسعه خدمات اجتماعی بوده است انفاق و کمک مقطعی راه حل مشکلات اجتماعی نیست. وقف کلیدی است که قفل های گوناگون را در طول تاریخ گشوده و به خدمت رسانی استمرار می بخشد وقف نوعی دوراندیشی و آینده نگری است.

نگاهی به سیره رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام نشان می دهد آن بزرگواران علاوه بر ترغیب به وقف و ثواب آن خود نیز اقدام به این عمل ارزشمند می نمودند. علی رغم قصور منابع تاریخی در انعکاس همه زندگی معصومان، همان موارد ذکر شده نیز در الگو گیری و اقتدا به آن بزرگواران و مشعل داران هدایت کافی است.

### موقوفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم

الف) وقف باغ های مخیریق مخیریق یهودی در احد کشته شد او هفت مزرعه داشت به نام های العواف الدلال البرقه المثیب ، الصافیة و مشربه ام ابراهیم رسول خدا در سال هفتم آن ها را بر دخترش فاطمه زهرا علیهما السلام وقف کرد که جزء نخستین موقوفات پیامبر محسوب می شود.

ب) چاه اعواف (2) ، باغ الحدیقه (3) ، بخشی از سرزمین های خیبر، فدک، بنی النضیر، وادی نخله و طائف از دیگر موقوفات آن حضرت است.

ص: 132

1- توبه ، 119.

2- وفاء الوفاء، سهمردی ج 3 ص 124.

3- انساب الاشراف بلاذری ، ج 1 ص 519.

## موقوفات امیر المومنین علیه السلام

آن حضرت از محل اموال و دارایی شخصی خود که با دست رنج حاصل شده بود و یا از غنائم جنگی بدست آمده بود موقوفات متعددی داشت. این موقوفات علاوه بر انفاق های سری و موردی است.

متن وقف نامه مفصلی از حریق امام کاظم علیه السلام به ما رسیده که در آن حضرت علی علیه السلام به موارد وقف خود اشاره می فرمایند. (1) پاره ای دیگر از موقوفات آن حضرت عبارتند از:

1- الاحمر: صحرائی بین مدینه و شام

2- ادبیه: اطراف مدینه

3- اذنیه: املاک و بردگان آنجا وقف هستند

4- الأسحن: صحرائی در حدود فدک

5- البغیغات: چشمه هایی در ینبع

6- البیضاء: صحرائی دارای مزارع و باغ ها

7- خانه ای در مدینه

8- عین موات و عین فاقه در وادی، قری عین ینبع، فقیرین و سایر موارد

گسترده موقوفات علی رغم زندگی زاهدانه آن حضرت نشان دهنده اهتمام امام به امور مردم است.

## موقوفات سایر ائمه اطهار علیهم السلام

موقوفات سایر معصومین علیهم السلام را با رعایت اختصار می آوریم:

الف) محمد بن علی شافعی از عبد الله بن حسن روایت می کند فاطمه زهرا علی حضرت زهرا علیهما السلام اموال خود را بر بنی هاشم و بنی عبد المطلب وقف کردند. (2) هم چنین وقف نامه ای از حضرت زهرا علیهما السلام موجود است که به هنگام شهادت در وصیت نامه خود باغ های مخیریق را بر علی علیه السلام و فرزندان ایشان وقف فرزندانشان وقف کردند. (3)

ب) امام حسین علیه السلام زمین و اشیای دیگر از جمله خانه مسکونی خود را وقف کردند. (4)

ص: 133



- 2- تاريخ بيهقى، ج 6 ص 161.
- 3- وسائل الشيعة، ج 13 ص 311.
- 4- دعائم الاسلام، تميمى حديث 1271.

ج) مرحوم کلینی می نویسد: یزید بن سلیط می گوید: امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام وصیت فرمود و ده نفر را گواه گرفت... تا آن جا که می نویسد... امام وصیت کرد تولیت ثلث موقوفه پدرم و ثلث خودم نیز با من است. (1)

د) امام کاظم علیه السلام در وقف نامه ای همه زمین های خود را که مشتمل بر درخت خرما قنات آب و سایر موارد بود را وقف کردند. (2)

## موقوفات علما و دانشمندان و شخصیت ها

علما و مراجع دینی پیشتاز وقف بوده اند. جمع آوری مجموعه موقوفات علما در طول تاریخ نیازمند کار میدانی گسترده ای است. در این جا برخی نمونه ها ذکر می شود.

### 1- موقوفه میرزا ابو طالب قمی رحمة الله علیه

یکی از موقوفات پرخیر و برکتی که بیش از 2 قرن است باعث ترویج خیرات و حسنات شده موقوفه میرزا ابو طالب قمی است.

مرحوم آیت الله میرزا ابو طالب قمی (داماد میرزای قمی) در سال 1249 قمری دو دانگ از آبادی های ملکی خود در قم را که از ثلث اموال ایشان است برای عزاداری حضرت ابا عبد الله علیه السلام و کمک به زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام وقف نموده است. این موقوفات اکنون هم ادامه دارد و حتی سایتی برای ثبت نام دارند.

### 2- آیت الله شیخ عبد الکریم حائری رحمة الله علیه

ایشان زمین وسیعی را به نام قبرستان قم، نو وقف قبرستان عمومی شهر کردند؛ هم چنین بیمارستان فاطمی از دیگر موقوفات آن مرحوم است.

### 3- موقوفات آیت الله العظمی بروجردی رحمة الله علیه

این مرجع فرزانه اهتمام فراوانی به امر وقف داشتند، مسجد اعظم، مدرسه خان کتابخانه عظیم مسجد بیمارستان و آثار متعدد در عراق و ایران ایران از موقوفات ایشان است.

ص: 134

1- کافی، ج 1 ص 156.

2- وسائل الشیعه، ج 13 ص 314.

#### 4- مقام معظم رهبری مدظله

ایشان 6 هزار نسخه خطی نفیس را به کتابخانه مرکز آستان قدس وقف کردند. در واقع معظم له بزرگترین واقف کتاب های خطی آستان قدس رضوی قدس رضوی است.

#### 5- آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه

کتابخانه بزرگ دار القرآن، بیمارستان، مجمع جهانی اسلام لندن، مرکز اسلام، لندن، مرکز معجم الی المسائل الفقہیہ از موقوفات آن مرحوم است.

#### 6- آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله علیه

آن عالم ربانی بزرگترین کتابخانه خاورمیانه مدرسه مرعشیه و حسینیه و چندین مدرسه دیگر را وقف نمودند.

### نتیجه

سنت حسنه وقف باید احیاء شود و مصادیق و موارد آن گسترش یابد؛ اکنون اکثر موقوفات مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام است که لازم و ضروری است؛ اما محور هایی مانند ازدواج و اشتغال جوانان، تحصیل آن ها، خدمات آن ها، خدمات قرآنی، بیمارستان، قرآنی، بیمارستان، مستمندان بعضاً مورد غفلت قرار می گیرد.

وقف مانع هدر رفت سرمایه ها می شود باید به مردم در این زمینه آگاهی داد؛ احکام وقف باید تبیین شود؛ مردم از عملکرد صحیح موقوفات و اداره اوقاف مطمئن شوند؛ به وضعیت موقوفه ها رسیدگی و طبق نظر واقف عمل شود؛ مسئولین نیز باید توجه به وقف و شرائط آن داشته باشند و مردم را به نیاز های هر منطقه ارجاع دهند.



السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا علي بن الحسين يا زين العابدين : يابن رسول الله !

دارد تمام می شود آقا عزای تو 20000 \*\*\* (درد دلم اینه آخر این مجالس)

دارد تمام می شود آقا عزای تو \*\*\* کم گریه کرده ایم 2 محرم برای تو

(آقا! یه بار دیگه عاشورا اومد و رفت من بودم و نمردم و دیدم... حسین ... مولای من ...)

شب های آخر است، گدا را حلال کن \*\*\* این هم بساط نوکر بی دست و پای تو

(آقا این مجلس ما برای شما تموم شد اما کاروان قصد شام داره ... تازه انگار فصل گریه از راه می رسه ، فصل گریه داره شروع می شه)

دارد به شام می رسد از راه قافله 2 \*\*\* تازه رسیده نوبت تفت طلایتان

امام رضا فرمود: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحِبُّ فِيهِ أَمْرُنَا» هرکی تو مجلس ما اهل بیت شرکت کنه «لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ» قلبش نمی میره دل مرده نمی شه حسین جان آگه ما تو رو نداشتیم دل مرده بودیم .

ته گودال پیکر افتاده توی گودال مادر افتاده خواهر افتاده، یک سر افتاده...

ناله و اعطشا بر جگرش می افتاد \*\*\* آب می دید به یاد قمرش می افتاد

بی سبب نیست که از جمله بکانون است \*\*\* اشک از گوشه چشمان ترش می افتاد

شیرخواره بغل تازه عروسی می دید \*\*\* یاد لالای رباب و پسرش می افتاد

با دلی خون شده می گفت که الشام الشام \*\*\* تا به بازار مدینه گذرش می افتاد

جلوی پای سکینه دم دروازه شهر \*\*\* از روی نیزه علمدار سرش می افتاد

می شکست آینه صبر و غرورش را زجر \*\*\* تا به جان اُسرا با کمرش می افتاد

روضه گم شدن و دفن رقیه می خواند \*\*\* تا به صحرا و خرابه نظرش می افتاد

گوسفندی جلوی ذبح که می شد، یاد \*\*\* خنجر کُند و گلوی پدرش می افتاد

شام شهادتِ امام سجاد ... خیلی این آقا غریب ... از غربت این آقا همین بس 35 سال گریه می کرد ... برایش غذا می آوردن می داشت ، کنار گریه می کرد. آب برایش می آوردن می داشت ، کنار گریه می کرد هی می گفتن آقا چرا انقدر گریه می کنی ناله ش بلند می شد می گفت خودم دیدم ... بابام گرسنه بود تشنه بود ...

همچین که برگشتن مدینه خیلی جانسوز این روضه هم چنین که از کربلا برگشتن مدینه وقتی بشیر اومد، خبر آورد برا اهل مدینه، دسته دسته

مردم میومدن بیرون از مدینه می گفتن آقا چطوری شد باباتون رو کشتن؟... فقط یه جمله جواب میداد به امام حسین، ساعت ها باید برا این جمله گریه کنی می گفت فقط همین براتون بگم، حیوانات هم کربلا آب خوردن ... می فرمود: اَنَا ابْنُ مَنْ قُتِلَ صَبْرًا ... من فرزندِ اون آقای ام که با قتلِ صبر کشتش... (یعنی چی آقا؟) یعنی یواش یواش کشتش ... یعنی اول با نیزه زدن ... بعد با شمشیر زدن ... تازه سنگ می زدن ... سنگاشون که تموم شد ریختن تو گودال ...

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت \*\*\* آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست

ص: 137

در گذشته به ویژه صدر اسلام وقف گسترش روزافزون داشته؛ اما با گذشت زمان از این شور و اشتیاق کاسته شده و در پاره ای زمان ها متوقف شده است.

کمک های مقطعی راه حل مشکلات اجتماعی نیست؛ در حالی که وقف نوعی دوراندیشی و آینده نگری بوده و به خدمت رسانی استمرار می بخشد.

رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر ترغیب به وقف و ثواب آن خود نیز اقدام به این عمل ارزشمند می نمودند.

باغ های مخیریق چاه :اعواف باغ الحدیقه، بخشی از سرزمین های ،خیبر فدک بنی النضیر وادی نخله و طائف از دیگر موقوفات آن حضرت است.

حضرت امیر المومنین علیه السلام از محل اموالی که با دست رنج خود حاصل شده و یا از غنائم جنگی بدست آمده بود موقوفات متعددی داشت. گستردگی موقوفات علی رغم زندگی زاهدانه آن حضرت نشان دهنده اهتمام امام به امور مردم است.

حضرت زهرا علیها السلام اموال خود را بر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب وقف کردند و به هنگام شهادت در وصیت نامه ، خود باغ های مخیریق را بر علی علیه السلام و فرزندان ایشان وقف نمودند.

امام حسین علیه السلام زمین و اشیای دیگر از جمله خانه مسکونی خود را وقف کردند.

امام کاظم علیه السلام همه زمین های خود را که مشتمل بر درخت خرما قنات آب و سایر موارد بود را وقف کردند و وصیت نمودند تولیت ثلث موقوفه پدرم و ثلث خودم نیز با من است .

علما و مراجع دینی پیشتاز وقف بوده اند.

موقوفه میرزا ابو طالب قمی شامل دو دانگ از آبادی های ملکی ایشان در قم برای عزاداری حضرت ابا عبد الله علیه السلام ، کمک به زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام وقف شده است.

قبرستان قم نو و بیمارستان فاطمی از موقوفات شیخ عبد الکریم حائری است.

مسجد اعظم مدرسه خان، کتابخانه عظیم مسجد بیمارستان و آثار متعدد در عراق و ایران از موقوفات آیت الله العظمی بروجردی است.

مقام معظم رهبری مدظله بزرگترین واقف کتاب های خطی آستان قدس رضوی است.

کتابخانه بزرگ دار القرآن، بیمارستان، مجمع جهانی اسلام لندن، مرکز معجم الی المسائل الفقهیه از موقوفات آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله علیه است .

آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله علیه بزرگترین کتابخانه خاورمیانه، مدرسه مرعشیه و حسینیه و چندین مدرسه دیگر را وقف نمودند.

سنت حسنه وقف باید احیاء شود و مصادیق و موارد آن از جمله ازدواج و اشتغال جوانان تحصیل آن ها، خدمات، قرآنی، بیمارستان،







کنیه امام حسین علیه السلام و امام صادق علیه السلام. کنیه در فرهنگ عربی برای احترام گذاشتن به افراد به کار می رود. در روایات از امامان شیعه با کنیه های آنان یاد شده است. در کتاب های روایی آن گاه که واژه «ابا عبد الله» بدون ذکر نام، اصلی به کار می رود مراد امام صادق علیه السلام است.

کنیه ابا عبد الله مانند اسم آن حضرت از سوی خدا و رسول گرامی صلی الله علیه و اله و سلم انتخاب شده است معمولاً کنیه را به اعتبار اسم فرزند صاحب کنیه می گذارند، مانند ابا الحسن، ابا محمد ابو مسلم و... اما کنیه امام حسین علیه السلام کنیه استثنایی است که به اعتبار اسامی فرزندان آن حضرت نیست، بلکه به اعتبار جوهره شخصیت معنوی و الهی آن امام که روح عبودیت و بندگی خالص و وقفه ناپذیر او می باشد، انتخاب شده است.

غزوه احد از غزوه های مشهور پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با مشرکان مکه که در سال سوم هجری در کنار کوه احد به وقوع پیوست. این جنگ شنبه 7 شوال 3 ق و برخی نیز گفته اند در 15 شوال همان سال رخ داده است. قریشیان پس از شکست در غزوه بدر و به خون خواهی کشتگان بدر آماده نبرد دیگر به فرماندهی ابوسفیان، با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و مسلمانان شدند نقشه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و بزرگان مهاجران و انصار برای رویارویی با حمله قریش آن بود که از مدینه خارج نشوند و همان جا دفاع کنند، ولی جوانان و حمزه عموی، پیامبر خواهان جنگ در بیرون مدینه بودند. سرانجام پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم تصمیم گرفت برای جنگ از شهر خارج شود.

نتیجه اولیه این، جنگ شکست مشرکان بود؛ اما گروهی از تیراندازان که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آنان را به فرماندهی عبد الله بن جبیر برکوه عینین در سمت چپ کوه احد قرارداد داده بود، به گمان پیروزی کوه را ترک کردند مشرکان نیز با عبور از همین منطقه از پشت به مسلمانان حمله کردند و آنان را شکست دادند در این جنگ، خسارت سنگینی به مسلمانان رسید؛ از جمله شهادت حدود هفتاد نفر از مسلمانان، شهادت حمزه بن عبد المطلب و مثله شدن وی، جراحت بر صورت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و شکستن دندان وی. با توجه به شکست مسلمانان و احتمال شورش منافقان و یهودیان که از این جریان خوشحال بودند و نیز احتمال حمله دوباره مشرکین به مدینه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از طرف خدا دستور یافت تا در فردای حادثه احد، مشرکین را تعقیب نماید مسلمانان به دستور پیامبر علیه السلام عمل کرده، دشمن را تا حمراء الاسد تعقیب نمودند. این جریان به غزوه حمراء الاسد معروف شد.

حمزه بن عبد المطلب، ملقب به اسدالله، اسد رسول الله و سید الشهداء، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و از شهدای اُحد است. وی احتمالاً دوتا چهار سال پیش از عام الفیل (سال تولد پیامبر اکرم) متولد شده است. حمزه با ابو طالب و دیگر عمو های پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در خواستگاری خدیجه نیز حاضر بوده است؛ حتی برخی از منابع با وجود فاصله سنی کم او با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و خواندن خطبه ازدواج توسط ابو طالب، در ماجرای خواستگاری خدیجه فقط از حمزه نام برده اند روزی که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم خویشان نزدیک خود را برای دعوت به اسلام گردآورد (یوم الإنذار)، حمزه نیز حضور داشت. او از حامیان مهم دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بود و گفته اند که حتی در زمانی که هنوز مسلمان نشده بود، از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

سلم در مقابل آزار مشرکان حمایت می کرد. وی از بزرگان قریش بود و از این رو با مسلمان شدنش از میزان آزار قریش نسبت به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم کاسته شد. براساس روایتی از امام سجاد علیه السلام، عامل اسلام آوردن حمزه غیرت او در ماجرای بود که مشرکان بچه دان شتری را روی سر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم انداختند. با این حال، برخی از محققان معتقدند اسلام حمزه از ابتدا مبتنی بر آگاهی و شناخت بوده است.

او در شعب ابی طالب همراه مسلمانان بود و در غزوه بدر و غزوه احد شرکت داشت و در احد در سال سوم هجری به شهادت رسید به روایتی هند برای خوردن جگر حمزه نذر کرده بود و وحشی ابتدا قول کشتن علی علیه السلام را داد اما در میدان حمزه را به شهادت رساند و جگر او را نزد هند برد. هند لباس و زیور خود را به وحشی داد و به او وعده ده دینار در مکه داد. سپس کنار بدن حمزه آمد و او را مثله کرد و از اعضای بریده او برای خود گوشواره دست بند و خلخال درست کرد و آن ها را با جگر حمزه به مکه برد گفته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم چون حمزه را بدان وضع، دید گریست و آن گاه که گریه انصار

برکشتگان خود را شنید، فرمود: «اما حمزه گریه کننده ندارد.» سعد بن معاذ این سخن را شنید و زنان را بر در خانه رسول خدا آورد و آنان بر حمزه گریستند. از آن زمان به بعد، هر زنی از انصار که می خواست بر مرده ای گریه کند، نخست بر حمزه می گریست.

گفته شده است که حضرت فاطمه علیها السلام به زیارت قبر حمزه می رفت و آن را با سنگ چین مشخص کرده بود. هم چنین به گزارش طبرسی، حضرت زهرا علیها السلام با خاک قبر حمزه عبدالمطلب تسبیحی ساخته و با آن ذکر می گفت. امویان به سبب دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رفتاری ناشایست با قبر حمزه و دیگر شهدای احد داشتند. از قدیم بر سر مزار حمزه، مسجد و بارگاهی وجود داشت؛ اما پس از تسلط وهابیان و روی کار آمدن آل سعود در حجاز قبه و بارگاه حمزه در 1344 ق تخریب گردید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم حمزه و جعفر بن ابی طالب و علی علیه السلام را بهترین مردم و جزو هفت نفر از بهترین کسان از نسل بنی هاشم خواند و نیز علی علیه السلام، حمزه و جعفر بن ابی طالب را بهترین شهدا نامید. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می گفت که حمزه شرط خویشاوندی را رعایت کرد و اعمال نیکی داشت.

#### 4. جنگ صفین صفحه 10

جنگ صفین نبرد میان امام علی علیه السلام و معاویه که در صفر سال 37 هجری در منطقه ای به نام صفین رخ داد. این منطقه در نزدیکی شهر رقه است. هنگامی که امام علی علیه السلام به خلافت رسید، معاویه حاکم شام بود. سال ها پیش از آن (در سال 18 ق) خلیفه دوم او را امیر دمشق کرده بود و در زمان خلیفه سوم، معاویه حاکم منطقه شام شده بود. امیر المؤمنین تصمیم گرفت عبد الله بن عباس را حاکم شام کند؛ پس نامه ای به معاویه نوشت و در آن نامه از او خواست تا همراه اشراف شام به مدینه بیاید و با حضرت بیعت کند؛ اما معاویه نه تنها از بیعت سرباز زد، خون خواهی از عثمان را پیش کشید. پس از آن که امام علیه السلام مطمئن شد معاویه قصد بیعت و اطاعت ندارد و بزرگان کوفه مدافع حضرت در جنگ با شام اند، در خطبه ای عمومی مردم را به جهاد فرا خواند. سرانجام سپاه امام علیه السلام در مرز روم، در شمال عراق و سوریه امروزی با سپاه شام برخورد کرد در میانه جنگ طولانی مدت صفین که سپاه معاویه در آستانه شکست بودند به پیشنهاد عمرو عاص و دستور معاویه شامیان قرآن ها را بر نیزه کردند و شعار دادند: «ای اهل عراق! حاکم بین ما کتاب خدا باشد.» و به همین دلیل برخی از سپاهیان امام علی علیه السلام از ادامه جنگ سرباز زدند. برخلاف نظر امام علی علیه السلام، که ابن عباس و یا مالک اشتر را به عنوان حاکم پیشنهاد کرد با خیانت اشعث و یارانش، ابو موسی اشعری از ناحیه سپاه امیر المؤمنین علیه السلام انتخاب شد. سرانجام، داورانی برای حکمیت میان دو طرف تعیین شد و جنگ بدون نتیجه خاتمه یافت عمّار و خزیمه در این جنگ شهید شدند.

#### 5. عمار بن یاسر صفحه 10

صحابی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از نخستین مسلمانان و از شیعیان امام علی علیه السلام نسب عمار به خاندان عس بن مالک از قبایل قحطانی و ساکن یمن می رسد عمار از یاران نزدیک امام علی علیه السلام و از جمله نخستین شیعیان آن حضرت بود. بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، وی در حمایت از حضرت علی علیه السلام، از بیعت با ابوبکر سرباز زد. عمار در زمان خلیفه سوم از جمله مخالفان خلیفه بود و در اعتراضات علیه او شرکت داشت در زمان خلافت علی علیه السلام از همراهان آن حضرت بود و در جنگ صفین در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام جنگید و به دست لشکریان معاویه شهید شد عمار هنگام شهادت بیش از نود سال داشت. شهادت عمار در جنگ صفین به دست سپاهیان معاویه همواره از عوامل سرزنش معاویه و از دلایل حقانیت علی علیه السلام در این نبرد دانسته شده است. دلیل این مسئله حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بود که قاتل عمار را، گروهی باغی یعنی گروه خارج از اطاعت امام عادل معرفی می کرد قبر عمار در محل شهادتش در استان رقه در سوریه قرار دارد قبل از انقلاب اسلامی ایران قبر عمار و

اویس در اتاقی کوچک و محقر قرار داشت؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به توصیه امام خمینی و با موافقت حافظ اسد رئیس جمهور وقت سوریه، زمین اطراف مقبره خریداری شد و در سال 1382ش با پشتیبانی دولت وقت، ایران، زیارتگاهی بر روی آن بنا نهاده شد.

روایاتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم در فضایل عمار نقل شده است؛ از جمله این که بهشت مشتاق علی عمار سلمان و بلال است. هم چنین از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم نقل شده است که فرمود: «عمار با حق است و حق با عمار عمار گرد حق

ص: 141

می چرخد هر جا که باشد و قاتل عمار در آتش است».

در 21 رمضان سال 1434 ق برابر با ششم مرداد سال ش، همزمان با شب، قدر گروه های تکفیری در سوریه که کنترل استان رقه را به دست گرفته بودند، با حمله خمپاره ای به حرم عمار یاسر و اويس قرنئ، صحن آن را تخریب و با شلیک پیاپی موشک به دیوار های حرم، بخش های از آن را منهدم کردند. داعش در 15 رجب سال 1435 ق برابر با 25 اردیبهشت سال 1393 ش این زیارتگاه را به طور کامل تخریب کرد.

#### 6. جنگ جَمَل صفحه 10

نخستین جنگ دوره دوره خلافت امام علی علیه السلام که توسط گروهی به رهبری عایشه همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم و طلحه و زبیر علیه امام علی علیه السلام به راه افتاد. این جنگ در سال 36 قمری و در اطراف بصره رخ داد. عایشه و همراهانش این جنگ را به بهانه خونخواهی عثمان به راه انداختند. عایشه در این نبرد حضور داشت و بر شترن سرخ مویی سوار بود و علت نام گذاری این جنگ به جمل شتر نر همین است. امام علی علیه السلام تمایلی به جنگ نداشت و تا سه روز پس از ورود به بصره، با ارسال پیغام هایی می کوشید تا شورشیان را باز دارد و آنان را به همراهی با خویش بخواند اما علیه السلام در نامه ای به طلحه و زبیر از مشروعیت خلافت خویش بیعت آزادانه مردم، بی گناهی خویش در قتل عثمان، حقانیت نداشتن طلحه و زبیر در خون خواهی عثمان و اقدام نادرست طلحه و زبیر در نقض دستور قرآن ( بیرون آوردن همسر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از خانه و قرارگاه خود) سخن گفت. امام علیه السلام در نامه ای به عایشه نیز هشدار داد که برخلاف دستور قرآن از خانه اش بیرون آمده و به بهانه اصلاح بین مردم و خون خواهی عثمان، لشکرکشی کرده و خود را گرفتار گناهی بزرگ ساخته است. طلحه و زبیر در نامه ای به امام، بر نافرمانی خویش اصرار ورزیدند و عایشه نیز پاسخی نداد.

این جنگ که نخستین جنگ داخلی مسلمانان محسوب می شود به هنگام ظهر آغاز شد و تا غروب آفتاب ادامه داشت و با پیروزی سپاه امام علی و کشته شدن طلحه و زبیر و بازداشت عایشه و فرستادن او به مدینه به اتمام رسید. بر اساس گزارش های تاریخی هشتاد تن از شرکت کنندگان در جنگ بدر و 1500 نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در سپاه امام علی علیه السلام جنگیده اند. از آنجا که سران سپاه جمل با امام علی به عنوان خلیفه، بیعت کرده و سپس بیعت خود را شکسته و وارد جنگ شده بودند به ناکثین بیعت شکنان معروف شدند و این جنگ نیز جنگ با ناکثین نامیده شد.

جنگ جمل باعث انتقال مرکزیت خلافت مسلمین از مدینه به کوفه در عراق شد و به علت بروز درگیری بین چند تن از صحابه و شخص خلیفه زمین های برای ظهور برخی نظریه های جدید کلامی و فقهی میان مذاهب اسلامی در باب سیاست گشت.

#### 7. زیارت اربعین صفحه 11

زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین مصادف با روز بیستم صفر. امام حسن عسکری علیه السلام زیارت اربعین را از نشانه های مؤمن شمرده است؛ از این رو شیعیان توجه ویژه ای به آن دارند.

#### 8. جعفر بن ابی طالب صفحه 11

جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب مشهور به جعفر طیار و ذوالجناحین سومین فرزند ابی طالب، پسر عمومی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم، برادر بزرگتر امام علی علیه السلام و صحابی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بود. جعفر را به خاطر داشتن فرزندی به نام

عبد الله ابو عبد الله می خواندند. از دیگر کنیه های جعفر «ابو المساکین» بود؛ وی به دلیل ملازمت فقرا و مساکین و احسان به آنان به این نام شهرت یافت. جعفر دومین مردی بود که بلافاصله پس از برادرش علی علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم ایمان آورد و مسلمان شد. وی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم مقام و منزلت فراوانی داشت و رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم او را به سرپرستی کاروان مسلمانان در مهاجرت به حبشه برگزید پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از بازگشت جعفر از حبشه به او نمازی آموخت که به نماز جعفر طیار مشهور است. جعفر در جنگ موته به شهادت رسید و مزار او هم اکنون در اردن است. شیخ صدوق روایت کرده است پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از شهادت جعفر بر خانواده اش وارد شد و سخت گریست و فرزندان جعفر را در بغل گرفت و مورد تقصد قرار داد.

9. ریان بن شیبب صفحه 13

از محدثان مورد وثوق شیعه و از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام است. او به گفته نجاشی دایی معتصم خلیفه بنی عباس بوده که خواهرش ماردی از کنیزان هارون

ص: 142

و مادر معتصم بوده است اما برخی مانند مسعودی در اثبات الوصیه وی را دایی مأمون ذکر کرده اند. ابن شیبب در شهر قم اقامت کرد و محدثان آن شهر از او روایت نقل کرده اند. او از حضرت رضا علیه السلام روایاتی نقل کرده و مسائل صباح بن نصر هندی از امام رضا علیه السلام را جمع نموده است.

مشهور ترین روایت، ریان روایت معروف وی از امام رضا علیه السلام درباره ماه محرم و واقعه عاشورا و فضل و ثواب گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام است. در این روایت آمده است: «یا ریان ان کنت باکیاً فابک علی الحُسنین... ای ریان بن شیبب اگر گریه می کنی پس بر حسین گریه کن...»

طبق گزارش کشی ریان پسری داشته که امام رضا حاضر به دعا برای وی نشدند و بر او خرده گرفتند اگر چه برای خود ریان سه مرتبه دعا کردند.

## 10. داعش صفحه 14

حکومت اسلامی عراق و شام (به عربی: الدولة الإسلامية في العراق والشام) با نام اختصاری داعش یک گروه اسلام گرای تندرو و پیرو آموزه وهابی از اسلام سنی است. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدین سلفی جدا شده از شبکه القاعده تأسیس شده و از ژوئیه 2014 ادعای خلافت جهانی کرد و خود را حکومت اسلامی نامید. هم چنین زمانی بخش های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه و بخش های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان به تصرف خود در آورده بود.

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می رسد که در سال 1999 به رهبری ابو مصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال 2004 به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیرو های آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال 2006 با چندین گروه اسلام گرای دیگر ائتلاف کرد و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان انبار وسیع ترین استان عراق محسوب میشد. در 13 اکتبر همان سال مجلس شورای مجاهدین به همراه چند گروه شورشی دیگر «حکومت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابو ایوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی حکومت اسلامی عراق بودند که در 18 آوریل 2010 در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آن ها شد.

با آغاز جنگ داخلی سوریه نیرو های حکومت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در 8 آوریل 2013 نام «حکومت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آن ها به سرعت، بخش هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کردند و شهر رقه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس هم زمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کردند و موفق شدند رمادی و فلوجه مهم ترین شهر های استان انبار در عراق را به قلمرو خود اضافه کنند. در ژوئن 2014 مهم ترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق به دست آمد. گروه در ماه های بعد نیز پیشروی های زیادی داشت و تا خرداد 1394 حدود نیمی از خاک سوریه و بخش های شمال غربی عراق را در تصرف خود در آورد.

داعش در این دوره بخش هایی از متصرفات خود را نیز از دست داد و از جمله شهر مهم تکریت را در فروردین 1394 به ارتش عراق و نیروی شبه نظامی حشد شعبی که برای جنگ با این گروه تشکیل شده بود واگذار کرد بین سال های 2014 و 2017 میلادی مناطق یکی پس از دیگری از داعش پس گرفته شد داعش در سال 2015 کنترل شهر های سنجار و رمادی را از دست داد ژوئیه 2017 میلادی موصل آزاد شد و دسامبر همان سال بغداد پیروزی بر داعش را اعلام کرد اکتبر سال 2017 نیرو های دموکراتیک سوریه داعش را از رقه بیرون



قاسم سلیمانی در 21 نوامبر 2017 طی نامه ای به امام خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران «پایان سیطره» داعش را اعلام کرد با این حال هم چنان مناطق کوچکی در نواحی مرکزی مرز مشترک عراق و سوریه در کنترل این گروه بوده است.

#### 11. وهابیت صفحه 14

فرقه ای است که در عربستان در اواخر سده دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم، قمری در منطقه نجد توسط محمد بن عبد الوهاب تأسیس شد پیروان این فرقه را وهابی می گویند وهابیان در فروع دین تابع احمد بن حنبل هستند و در عقاید و برخی فروع به روش ابن تیمیه خود را «سَلَفِیَه» می خوانند و مدعی اند که برسیره سلف صالح (اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رفتار می کنند. بیشتر آنان در شبه

ص: 143

جزیره عربستان سکونت دارند پیشوایان فکری این فرقه، ابن تیمیه ابن قیم و محمد بن عبد الوهاب هستند.

وهابیان در مواجهه با قرآن و روایات، به ظاهر آیات و اخبار عمل می کنند و معتقد به تأویل نیستند و هر آن چه را در کتاب و سنت نیابند بدعت می شمارند و از این رو، تنها خود را موحد دانسته دیگر مسلمانان را در عبادت مشرک و اهل بدعت می انگارند آنان به استناد ظاهر برخی از احادیث و آیات خداوند را دارای اعضا و جوارح می دانند و به نوعی به تشبیه و تجسیم معتقدند.

بنابر آموزه های وهابی زیارت قبور و ساخت بنا و مقبره و گنبد بر قبور، حتی قبور پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و ائمه معصومین حرام و توسل و تبرک به قبور ایشان و آثار بر جای مانده از ایشان بدعت و مستلزم شرک است و هابیان پس از تسلط بر عربستان به تخریب آثار بر جای مانده از صدر اسلام و بیشتر مکان های محترم و مقدس مسلمانان از جمله تخریب بقیع پرداختند.

محمد بن سعود رئیس یکی از قبایل نجد که بر درعیه حاکم بود پس از پذیرش آیین محمد بن عبدالوهاب پیمان بستن با او در سال 1157ق به جنگ با مردم نجد و تصرف نواحی اطراف آن و گسترش این آیین در جزیره العرب پرداخت پس از فتح ریاض، این شهر پایتخت حکومت پادشاهی آل سعود قرار گرفت. این مذهب اکنون در عربستان سعودی مذهب رسمی است و فتاوی علمای آن مذهب از طرف دولت اجرا می شود.

## 12. تفتازانی صفحه 14

سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله تفتازانی، فقیه، ادیب، متکلم و منطق دان سده 8 ق / 14 م می باشد. سال ولادت او 712 یا 722ق است تفتازانی در قریه تفتازان از توابع، نسا در نزدیکی سرخس، متولد شد. از تألیفات او چنین بر می آید که وی به شهر های بسیاری در حوزه خراسان بزرگ همچون سرخس، خوارزم، سمرقند، هرات غجدوان فریومد و جام سفر کرده است.

معروف است که وی در کلام مشرب اشعری و در فقه مذهب شافعی داشته است. عده ای او را حنفی دانسته اند. برخی به گرایش های کلامی وی به مشرب ماتریدی اشاره کرده اند و لفسون گرایش وی را به دیدگاه کلابیه در برخی مسائل کلامی نشان داده است.

اهمیت وی در گسترش و اعتلای معارف و فرهنگ اسلامی در دوره پس از ویرانگری های مغول به اندازه ای است که مورخان وی را حد فاصل متقدمان و متأخران دانسته اند عمده ترین فعالیت وی در حفظ و گسترش علوم نگارش درس نامه های گوناگون بود که اهل علم همواره به آن ها توجه داشته اند.

آثار او بر سه قسم است: درس نامه، مانند تهذیب المنطق و الکلام؛ شرح درس نامه های رایج مانند شرح عقاید نسفی؛ و تعلیقه بر دیگر آثار و شرح آن ها، مانند حاشیه بر کشف معاصران تفتازانی و متأخران از بیشتر آثار وی استقبال کرده اند. آثار او در مراکز آموزشی به عنوان

پیامبر اکرم در سننامه در سطوح گوناگون پذیرفته شد. شهرت آثار وی به سرعت از مرز های ایران گذشت و سراسر جهان اسلام را فرا گرفت.

توفیق تفتازانی مرهون فصاحت و بلاغت و چیره دستی او در بیان آموزشی مطالب است. وی در اغلب آثار خود به مکان و زمان نگارش آن ها اشاره کرده از این رو ترتیب تاریخی آثار وی مشخص است. بیشتر تألیفات تفتازانی در قالب حواشی و شروحات است که به لحاظ اهمیت و خاص تاریخی ارزشی کمتر از اثر مستقل نداشته اند.

ادريس حسيني مغربى، نويسنده، روزنامه نگار و مستبصر مراکشى سنى مذهب بود؛ اما بخاطر امام حسين عليه السلام شيعه شد و کتابى نوشت به نام «لقد شيعنى الحسين» يعنى امام حسين مرا شيعه کرد ايشان در اين کتاب، علت گرويدنش به مذهب تشيع را توضيح مى دهد. اين کتاب از دو مقدمه ناشر و مؤلف و شش فصل تشکيل شده است وى در بخشى از کتاب خود مى نويسد به طور حتم امتى که حسين را به قتل رساند و اهل بيت طاهرين او را به اسارت برد، هرگز قابل اعتماد نيستند. اين خون هاىى که جارى شد آب هاى نهر نبود بلکه خون هاى شريف ترين كسانى بود که پيامبر بر آنان در اين امت وصيت نموده بود اين امت خود باعث شدند...»

14. آنتوان بارا صفحه 15

آنتوان بارا (Antun Bara - أنطون بارا) (زاده 1943) نويسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار مسيحى سوري الاصل و ساکن کويت است وى بخشى از تحقيقات خود را در موضوع زندگى امام حسين عليه السلام و واقعه کربلا صرف کرده

ص: 144

است. اثر معروف او الحسين في الفكر المسيحي (به فارسی حسین علیه السلام در اندیشه مسیحیت) است و علاوه بر این کتاب 15 جلد کتاب دیگر نوشته است که بیشتر آن‌ها در حوزه ادبیات و رمان و داستان است. از سال 1966 اکنون عضو هیئت تحریریه روزنامه «القبس» و مدیر تحریر دو هفته نامه «شبكة الحوادث» است و در برخی شبکه های رادیویی عربی نیز فعالیت داشته است.

15. کتاب «مقتل جامع» صفحه 17

تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهدا علیه السلام، مقتل و کتابی تاریخی به زبان فارسی درباره امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا. این کتاب با همکاری گروهی از تاریخ پژوهان زیر نظر مهدی پیشوایی نگارش یافته است. نویسندگان کتاب، تلاش کرده اند مطالب مقتل های مختلف و معتبر را در آن جمع کنند این کتاب افزون بر ارائه مقتلی جامع، موضوعاتی چون مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا، فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، سیر تاریخی عزاداری برای امام حسین علیه السلام و زندگی نامه یاران امام حسین علیه السلام را هم بررسی کرده است.

محمد حسین رجیبی دوانی این کتاب را اثر علمی قابل توجهی دانسته که تنها به مسائل روز عاشورا نپرداخته بلکه شبهات فراوانی را نیز پاسخ داده است.

او ریشه یابی واقعه عاشورا و توجه به سرگذشت یاران امام حسین علیه السلام را از دیگر ویژگی های مثبت کتاب معرفی کرده است.

16. پیشوایی صفحه 17

حجت الاسلام و المسلمین استاد مهدی پیشوایی از کارشناسان اهل قلم در حوزه تاریخ اسلام در سال 1324 در شهرستان مشکین شهر چشم به جهان گشودند. وی در جهان تشیع در سال در سنین جوانی و سال های نخست طلبگی حسب وظیفه برای تبلیغ معارف دین و تبیین تاریخ و حماسه عاشورا سفر های گوناگون تبلیغی داشته اند.

استاد پیشوایی که پیش از انقلاب با موسسه «در راه حق» برای تبیین تاریخ همکاری داشت. پس از پیروزی انقلاب در مجله پاسدار اسلام و بعد ها در نشریه تخصصی تاریخ اسلام قلم زد تا زلال تاریخ را باز نویسی کند.

از استاد پیشوایی آثار قابل توجهی در حوزه تاریخ اسلام تقدیم جامعه شده که «سیره پیشوایان» و «مقتل جامع سید الشهداء» از معروف ترین آن هاست: ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مدرس سطح عالی تاریخ اسلام مراکز تخصصی و دانشگاه ها، عضو اتاق فکر تاریخ اسلام رادیو معارف و کارشناس برنامه پرسیمان تاریخی این رادیو می باشد.

گفتنی است برنامه پرسیمان تاریخی ایشان به صورت نرم افزار و کتاب تقدیم تاریخ دوستان و پژوهشگران شده است.

17. کتاب «شهادت نامه امام حسین علیه السلام» صفحه 17

شهادت نامه امام حسین علیه السلام، کتابی است به زبان فارسی که زیر نظر محمد محمدی ری شهری و با همکاری سید محمود طباطبایی نژاد و سید روح الله سید طبائی گردآوری شده است. این کتاب برگرفته از دانشنامه امام حسین است. این کتاب دارای هفت

بخش و هر بخش، فصول متعددی را در بردارد:

بخش نخست مهم ترین مباحث مربوط به حماسه عاشورا؛ بخش دوم پیشگویی درباره شهادت

امام حسین؛ بخش سوم خروج امام حسین از علیه السلام مدینه، تا ورود به کربلا؛ بخش چهارم رسیدن امام حسین علیه السلام به کربلا تا شهادت ایشان بخش پنجم وقایع پس از شهادت امام حسین؛ بخش ششم بازتاب شهادت امام حسین علیه السلام و فرجام کسانی که در کشتن او و یارانش نقش داشتند؛ بخش هفتم عزاداری و گریه برای امام حسین.

18. نشر دار الحدیث صفحه 17

مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث به عنوان نخستین مجموعه مستقل حدیث پژوهی 1374 تأسیس شد. این مؤسسه از دو رکن پژوهشگاه (در قم) دانشگاه قرآن و حدیث (در قم و شهرری) تشکیل شده است و ریاست آن را آقای محمدی ری شهری بر عهده دارد پایگاه اطلاع رسانی این مؤسسه از این نشانی قابل دسترسی است:

<http://www.darolhadith.com/farsi>

19. آیت الله احمدی میانجی صفحه 17

میرزا علی احمدی میانجی (1305-1379ش) فقیه شیعی مدرس اخلاق حوزه علمیه قم و شاگرد علامه

ص: 145

طباطبایی. ایشان در حوزه های علمیه ایران تحصیل کرد و به اجتهاد رسید. وی ضمن تدریس فقه و اصول آثاری در تفسیر، فقه و مباحث حدیثی نوشته است. کتاب های مکاتیب، الرسول مکاتیب الاثمه و «مالکیت خصوصی در اسلام» از جمله آثار اوست. او در آثار فقهی خود به موضوعات روز جامعه توجه داشته است. میانجی به نظریه ولایت فقیه اعتقاد داشت و به احکام حکومتی پای بند بود.

او فعالیت های سیاسی و اجتماعی نیز داشت؛ از انقلاب اسلامی حمایت می کرد و چندین دوره نماینده مردم آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان رهبری بود. وی در جامعه مدرسین عضویت داشت و در شهر های میانه و قم مدارس و مراکزی تأسیس کرد. ایشان در بعد اخلاقی از علامه طباطبایی متأثر بود و در مدارس علمیه قم برای طلاب درس اخلاق می گفت.

20. شیخ عباس قمی صفحه 17

عباس بن محمد رضا القمی (1294-1359ق) مشهور به شیخ عباس قمی و نیز محدث قمی عالم شیعه چهاردهم قمری است. شیخ عباس در قم به دنیا آمد. او محدث، مورخ و خطیب بود. مفاتیح الجنان، سفینه البحار، نفس المهموم و منتهی الآمال از مشهورترین تألیفات اوست. محدث قمی در سال 1359ق در نجف درگذشت و در حرم علی بن ابی طالب علیه السلام دفن شد.

داستان های فراوانی در وصف منش رفتار و اخلاق وی بیان شده است آقا بزرگ تهرانی از دوستان و ارادتمندان شیخ عباس وی را مثال بارز انسان کامل و مصداق فردی عالم فاضل و زینده صفات عالیه مانند حسن خلق و تواضع معرفی می کند. وی هم چنین می گوید شیخ عباس از غرور و شهرت طلبی دوری می جست و زندگی زاهدانه ای داشت و من در مدتی که با او بودم انس گرفتم و جانم با جان او درآمیخت.

به گزارش دوانی شیخ عباس قمی با تهی دستی و نبود امکانات به نگارش آثار متعدد ادامه می داد. دوانی هم چنین از آقا بزرگ نقل کرده که هیچ چیزی او را از تألیف و تحقیق باز نداشت و او خود نیز در نامه ای به آیت الله فیض قمی به مشکلات پیش رویش اشاره کرده است.

21. نَفْسُ الْمَهْمُومِ صفحه 18

نَفْسُ الْمَهْمُومِ فِي مُصِيبَةِ سَيِّدِنَا الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ، کتابی درباره واقعه کربلا و وقایع پس از آن نوشته شیخ عباس قمی است. مطالب کتاب از ولادت امام حسین علیه السلام آغاز و سپس مناقب امام سوم شیعیان را ذکر کرده و آن گاه تمام وقایع مربوط به واقعه کربلا و هم چنین قیام توابین خروج مختار و مرگ یزید را شرح می دهد. میرزا ابو الحسن شعرانی با عنوان دمع السجود و محمد باقر کمره ای با عنوان رموز الشهادة این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرده اند.

نام این کتاب برگرفته از حدیث امام صادق علیه السلام است که فرمود: «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لُظْلِمْنَا تَسْبِيحًا وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانٌ سِرِّزْنَا جِهَادًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ نَفْسُ كَسَى كَهْ بِه خَاطِرِ مَظْلُومِيَّتِ مَا اَنْدُوهُغَيْنِ شُوْدُ تَسْبِيْحِ اسْتِ، اَنْدُوهُ بِرِ مَا عِبَادَتِ اسْتِ وَ كِتْمَانِ وَ پُوشَانْدِنِ رَا زِ مَا جِهَادِ دِرِ رَا هِ خِدا سْتِ.» امام صادق علیه السلام سپس فرمود واجب است که این حدیث با طلا نوشته شود.

22. حادثه منا صفحه 18

قرن فاجعه منا مرگ بار ترین حادثه در حج تمتع که 2 مهر 1394 ش، (10 ذی الحجه 1436ق و 24 سپتامبر 2015) روی داد و به کشته و مفقود شدن بیش از هفت هزار تن از حاجیان انجامید. زائرانی از 39 کشور جهان در این حادثه کشته مفقود یا زخمی شدند. مقامات

دولت عربستان پس از حدود سه هفته از حادثه، تعداد رسمی جان باختگان را 7477 نفر اعلام کردند. بسته شدن گذرگاه شماره 204 و ازدحام جمعیت دلیل اصلی وقوع این حادثه اعلام شد بر اساس آخرین آمار منتشر شده شمار زائران کشته و زخمی جمهوری اسلامی ایران از همه کشور های دیگر بیشتر است. در میان کشته شدگان فاجعه منا برخی از روحانیان و چهره های شناخته شده سیاسی ایران و دیگر کشورها دیده می شود. غضنفر رکن آبادی، سفیر پیشین ایران در بیروت، محمد رحیم آقایی، پور سفیر پیشین ایران در اسلونی احمد فهیما معاون اداره تشریفات وزارت خارجه مهدی صفری سفیر پیشین ایران در چین، مرجان نازقلیچ، فرماندار بندر ترکمن، روحانیانی از جمله محمد صادق اخوان، معاون مرکز شورای حل اختلاف قوه قضاییه، سید حسین حسینی ارزیاب روحانیون بعثه مقام معظم رهبری مدظله،

ص: 146

مسلم قلی پورگیلانی و محمدرضا موبدی قمی، عضوبعثه آیت الله حکیم و هم چنین 5 تن از اعضای کاروان فعالان قرآنی از جمله محسن حاجی حسنی کارگر از این دست هستند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله، در اولین واکنش ها به فاجعه منا با اعلام سه روز عزای عمومی مدیریت غلط و اقدامات ناشایسته دولت عربستان سعودی را عامل این فاجعه دانست.

23. ابن زیاد صفحه 18

عبید الله بن زیاد بن ابیه مشهور به ابن زیاد (33-67 ق) از کنیزی به نام مرجانه زاده شد. برخی ابن زیاد را به طعنه به مادرش منسوب کرده و ابن مرجانه خوانده اند که اشاره به اتهام ناپاکی تولد عبیدالله دارد و در برخی منابع به بد نام و زناکار بودن مادر او تصریح شده است. پدرش زیاد بن ابیه از سرداران و حکمرانان اموی بود که در سرکوب شورش ها در مناطق اسلامی، به قساوت و بی رحمی شهرت داشته است در نسب زیاد بن ابیه نیز اختلاف است و مشخص نیست پدر او کیست. از این رو، وی را ابن ابیه یعنی پسر پدرش خوانده اند. گفته شده ابوسفیان زیاد را حاصل زناى خود با سمیه مادر زیاد می دانست و بدین رو، معاویه زیاد را برادر خویش می خواند.

عبید الله بن زیاد فرمانده نظامی مشهور امویان و از عوامل اصلی شهادت امام حسین علیه السلام و همراهانش و اقداماتی به اعتقادات چون سرکوب قیام مسلم بن عقیل اعزام لشکر به سوی امام حسین علیه السلام اسیر کردن خاندان رسالت توهین به سر مبارک سید الشهداء علیه السلام و مجادله و مناظره با حضرت زینب علیها السلام در این واقعه بود. عبیدالله والی بصره بود و یزید او را در سال 60 ق پس از آشفتگی اوضاع کوفه با حفظ سمت به امارت این شهر گماشت و سرکوب قیام امام حسین علیه السلام را به او سپرد. او در سال 65 ق نیز قیام تواین را سرکوب کرد عبیدالله به سبب نقشی که در واقعه کربلا داشت از شخصیت های منفور نزد شیعیان است. او پس از قیام مختار در جنگ خازر به دست ابراهیم بن اشتر کشته شد.

24. شیخ صدوق صفحه 18

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، (305-381 ق) از علمای شیعه در قرن چهارم هجری قمری که بزرگترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم به شمار می آید. تولد شیخ صدوق به برکت دعای امام زمان عجل الله تعالی غرجه الشریف بوده و حضرت ایشان را فرزندی مبارک خواندند. حدود 300 اثر علمی به او نسبت داده شده ولی بسیاری از آن ها امروزه در دسترس نیست. کتاب من لایحضره الفقیه از کتب اربعه شیعه اثر اوست. از دیگر آثار مهم و معروف وی می توان معانی الاخبار عیون الاخبار، الخصال، علل الشرائع و صفات الشیعة را نام برد. برخی از مشهورترین شاگردان وی عبارتند از سید مرتضی، شیخ مفید و تلعهکبری مدفن شیخ صدوق در ری است.

شیخ صدوق با بیش از هفتاد سال سن درگذشت و در شهرری دفن شد. قبر او امروزه در قبرستانی با نام قبرستان ابن بابویه معروف و زیارتگاه مردم است. تجدید عمارت قبر وی در زمان فتحعلی شاه قاجار در سال 1238 انجام گرفت. پیش از این تاریخ قبر او در اثر سیل شکافته شد و آشکار شدن جنازه سالم وی پس از گذشت قرن ها مایه حیرت همگان شد.

25. کتاب «اعتقادات» صفحه 18

الاعتقادات فی دین الامامیه یا اعتقادات الامامیه مشهور صدوق کتابی مختصر در علم کلام شیعه نوشته شیخ صدوق (متوفای 381 ق). او



در این کتاب با استناد به روایات معصومان به اثبات عقائد شیعه می پردازد شیخ صدوق این کتاب را هنگام سفر به نیشابور و به درخواست عالمان نیشابوری نوشته است. این کتاب دارای شروح و ترجمه های فراوانی است.

کتاب الاعتقادات مشتمل بر 45 باب که شیخ در هر باب با عنوان «باب الاعتقاد فی...» آن را آغاز کرده است. این کتاب پس از نگارش مورد توجه جدی متکلمان قرار گرفت. برخی از مطالبی که صدوق در کتاب خود به عنوان عقائد کلامی امامیه مطرح نموده به شدت بحث انگیز بوده و مورد نقد برخی از عالمان دیگر از جمله شاگردش شیخ مفید قرار گرفته است. شیخ مفید که در اثبات عقائد کلامی به عقل استناد می جست در نقد و بررسی کتاب استاد خویش، کتاب تصحیح اعتقادات

ص: 147

الامامیه را نگاشت و به اصلاح اتهامات نسبت داده شده به شیعه پرداخت.

26. رجز صفحه 19

به نوعی از شعر که با وزن خاصی که عموماً در جنگ و مقام بیان فخر و شرافت خود و اظهار شجاعت و برتری نسبت به دشمن خوانده می شود رَجَز گویند.

27. بنی هاشم صفحه 24

بنی هاشم، از تیره های مشهور قبیله قریش پیش از اسلام در مکه که به هاشم (عمرو) بن عبد مناف قصی بن کلاب منسوب است و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از همین تیره بوده است. بنی هاشم در هنگام ظهور اسلام، در زمان زعامت ابو طالب، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم پشتیبانی کردند و در زمان ائمه نیز در موارد بسیاری حامی آنان بودند.

خاندان بنی عباس از خاندان های مهم بنی هاشم چندین قرن بر ممالک اسلامی حکمرانی کردند. علاوه بر این در مناطق مختلف جهان اسلام و در دوره های گوناگون تاریخی، خاندان های دیگری از بنی هاشم حاکم بوده اند شرفای مکه و مدینه که قرن ها بر این دو شهر حکومت و سیادت داشتند از بنی هاشم بودند در فقه شیعه، سادات کسانی هستند که نسل شان به هاشم می رسد. هاشمیان به علت آن که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از آنان بوده مورد احترام مسلمانان بوده اند.

28. مسجد مدینه صفحه 24

مسجد النبی یا مسجد نبوی مسجدی در قسمت مرکزی شهر مدینه در کشور عربستان سعودی است که مرقد پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم نیز در آن جای دارد. این مسجد پس از مسجد الحرام دومین مسجد مقدس جهان اسلام است که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در سال اول هجری ساخته شد و در دوره های مختلف توسعه یافته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در این مسجد نماز های جماعت را اقامه می کرد و فعالیت های سیاسی و اجتماعی خویش را در این مکان وسعت می بخشید. خانه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نیز در کنار این مسجد بوده که در توسعه های مسجد به آن ملحق شده است. مسجد النبی از مهم ترین زیارتگاه های مسلمانان است و نزد شیعیان جایگاه ویژه ای دارد. برخی از وجوه اهمیت این مسجد نزد شیعیان عبارت است از:

ماجرای سد الابواب که در آن پیامبر از طرف خداوند مأمور شد همه در هایی که به داخل مسجد باز می شد به جز در خانه حضرت علی علیه السلام را ببندد.

احتمال دفن حضرت فاطمه علیها السلام درون مسجد النبی بین قبر و منبر حضرت رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم.

وجود بقیع در کنار مسجد و مقبره ائمه بقیع در این قبرستان.

29. جنگ بدر صفحه 25

غَزْوَه بَدْر یا بَدْرُ الْكُبْرَى، نخستین جنگ با فرماندهی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم میان مسلمانان و مشرکان قریش پس از هجرت پیامبر

به مدینه در هفدهم رمضان سال دوم هجری در منطقه بدر واقع در صد و پنجاه کیلومتری جنوب مدینه روی داد. غزوه بدر از غزوه های کوتاه به شمار می آید زیرا بیش از یک نیم روز طول نکشید. در این جنگ مسلمانان علی رغم کم شمار بودن به پیروزی رسیدند و چند تن از بزرگان مشرکان کشته یا اسیر شدند. این پیروزی جایگاه مسلمانان در مدینه را تثبیت کرد بنابر منابع تاریخی، از علل پیروزی مسلمانان، جان فشانی و دلاوری مسلمانان به ویژه علی علیه السلام و حمزه سید الشهداء، بود. این غزوه جزو معدود جنگ هایی است که در قرآن ذکر شده و نمونه ای از امداد الهی دانسته شده است.

30. هبل صفحه 25

بت هبل مهم ترین و بزرگترین بتی بود که اعراب در دوران جاهلیت قبل از اسلام در کعبه قرار داده و آن را می پرستیدند و به آن «بت اعظم» می گفتند دو قبیله از عرب یعنی بنی کنانه و قریش هبل را پرستش می کردند. آن را به صورت انسان تراشیده بودند. جنس آن از عقیق سرخ بود دست راستش شکسته شده بود و دستی از طلا برایش ساخته بودند بت هبل در هنگام فتح مکه توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم، همراه با سایر بت ها منهدم و نابود شد.

31. عزی صفحه 25

بت عزی، از بزرگترین بت ها نزد قریش شمرده می شد. عرب ها سه بتلات منات و عزی را «سه دختر خدا» می دانستند. پرستندگان عزی خود را عبد العزی می نامیدند که به معنی «بنده عزی» است. عزی مظهر زمستان، نیز بود این بت در «وادی نخله» به صورت سه

ص: 148

درخت شورگزر درآمد و الهه سرسبزی شناخته شد. عزی نزد عرب جاهلی با ازدواج و زناشویی پیوند داشت چنان که «عشتار» الهه محبت و عشق جسمانی بود. عزی، قربانگاهی به نام «غبغب العزی» نیز داشته است. این الهه بعد از فتح مکه به دستور پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم توسط «خالد بن ولید» از میان رفت.

32. امیر نصر صفحه 25

ابو الحسن نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی (293 تا 331 هـ. ق) ملقب به نصر دوم امیر سامانی بود. امیر در هشت سالگی جانشین پادشاه شده است و بر تخت سلطنت جلوس می کند. در آن زمان بخارا پایتخت دولت سامانیان بوده است. امیر نصر بن احمد سامانی مدت سی سال واندی (301 تا 331 هـ. ق) پادشاهی کرد. امیر نصر مانند پدر و اجداد خود اهل دانش و شعر دوست بود و در ترویج و توسعه زبان و ادبیات فارسی خدمات شایانی کرده است. می گویند او امیری بود نیکو خصال، ردهار و دلیر و با متانت و با تدبیر و کاردانی دشمنانش را مطیع خود ساخته یا نابود کرد. ماجرای مشهوری که منجر به سرودن شعر «بوی جوی مولیان»... از سوی رودکی شد نیز خوانده شده نیز به امیر نصر مربوط است.

33. رودکی صفحه 26

ابو عبد الله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبد الرحمن بن آدم متخلص به رودکی و مشهور به استاد شاعران (زاده، 4 دی 237 رودکی - درگذشته 319، پنجکنت) نخستین شاعر مشهور پارسی سرای حوزه تمدن ایرانی در دوره سامانی در سده چهارم هجری قمری و استاد شاعران این قرن در ایران است در اشعار رودکی با باور به ناپایداری و بی وفایی جهان، اندیشه غنیمت شمردن فرصت، شادی و شادنوشی روبه رو می شویم رودکی را پدر شعر پارسی می دانند که به این خاطر است که تا پیش از وی کسی دیوان شعر نداشته است و این از نوشته های ایرانی عربی نویس هم عصر رودکی ابو حاتم - رازی مسجل می گردد. سبک شعری رودکی سبک غالب آن روزگار یعنی سبک خراسانی است. ویژگی های سبک خراسانی در شعر رودکی نمود کامل و جامعی دارد و به همین دلیل می توان او را نماینده تام و تمام این سبک از شعر فارسی دانست.

رودکی در دربار امیر نصر سامانی بسیار محبوب شد و ثروت بسیاری به دست آورد می گویند رودکی در حدود یک صد هزار بیت شعر سروده است و در موسیقی، ترجمه و آواز نیز دستی داشته است.

مهم ترین اثر او کلیله و دمنه منظوم است. از دیگر آثار رودکی می توان به سندباد نامه اشاره نمود.

34. خوارج صفحه 26

خوارج، گروهی از سپاه امام علی علیه السلام در جنگ صفین تا 331 که علی بن ابی طالب را متهم به کفر کردند و علیه او شوریدند. آن ها که به دلیل خروج علیه خلیفه مسلمین، خوارج نامیده شدند همه کسانی که حکمیت را پذیرفتند و معتقد به کفر علی نبودند، را کافر می شمردند. شعار دادن علیه امام علی در مسجد کوفه، و تهدید وی به قتل از کار های خوارج شمرده شده است. آنان پس از اجرای حکمیت در مخالفت با امام علی سرسخت تر شدند با عبد الله بن وهب بیعت کردند و در مسیر خروج از کوفه و رفتن به نهروان، مردم بی گناه را کشتند. خوارج به سبب دشمنی با امام علی علیه السلام، گاه نواصب یا ناصبه اند. امام علی پس از اتمام حجت با آنان، در سال 38 ق و در جنگ نهروان با آن ها وارد جنگ شد و بسیاری از آن ها کشته شدند با این حال گروهی از آن ها زنده ماندند فرقه های مختلف خوارج در

طول تاریخ منقرض شده اند و تنها اباضیه که آرای شان به عقاید سایر مسلمانان نزدیک تر است، در مناطقی از قبیل عمان و الجزایر حضور دارند.

در منابع اسلامی ویژگی های مختلف و گاه متضادی برای خوارج ذکر شده است؛ از جمله این که اهل حفظ و قرائت قرآن بدون تدبر در آن بوده اند جهل و تنگ نظری، غرور و ستیزه جویی و هم چنین تعصب در باور ها آن ها اولین گروه معارض و اولین فرقه دینی در تاریخ اسلام دانسته شده اند. به باور خوارج کسی که مرتکب گناه کبیره می شود، کافر است. بیشتر خوارج، با نصب خلیفه از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم مخالف و معتقد به انتخابی بودن خلیفه بودند. آن ها هم چنین سنگسار زناکار را رد کرده و با تقیه در قول و عمل مخالف بوده اند.

با آن که گرایش به مباحث علمی در میان خوارج نخستین بسیار کم بوده است، اما آثاری در علوم قرآنی کلام، فقه و اصول فقه و هم چنین درباره توحید و امامت

از آن ها نقل شده است. به باور این ندیم، خوارج آثار خود را به دلیل مخالف مردم پنهان می کرده اند. تالیفات مستقل و غیر مستقلی در ردّ اندیشه ها و اعمال خوارج گزارش شده است؛ از جمله روایاتی که در رد خوارج نقل شده و هم چنین نگاشته های مفسرانی از قبیل ابن ابی الحدید در ردّ اعتقاد آنان به کافر بودن کسانی که مرتکب گناه کبیره می شوند.

35. معاویة بن عمار صفحه 26

معاویة بن عمار کوفی ملقب به ابو القاسم کوفی (درگذشت 175ق) از روایان و اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام او راوی 964 چهار حدیث است و از وی آثار فراوانی ذکر شده است که از جمله آن ها کتاب حج، کتاب زکات، کتاب صلوات کتاب دعاء، کتاب طلاق و کتاب مزار امیر المؤمنین علیه السلام است. یونس بن یعقوب خواهرزاده اوست.

36. ابو تمامه صائِدی صفحه 27

عمرو بن عبد الله بن کعب معروف به ابو ثمامه صائِدی از شهیدان کربلا و از اصحاب امام علی علیه السلام که در همه جنگ های دوران حکومت آن حضرت شرکت کرد. او در قیام مسلم بن عقیل فرماندهی قبیله های تمیم و همدان را بر عهده داشت و پس از شهادت مسلم، در مسیر راه به امام حسین علیه السلام پیوست و روز عاشورا در کربلا به شهادت رسید ابو ثمامه روز عاشورا وقت نماز ظهر را به امام حسین علیه السلام اطلاع داد و به همین دلیل حضرت او را دعا کرد.

درباره جزئیات نبرد های ابو ثمامه مطالب اندکی هست. طبری می گوید که وی پسر عموی خود را که در لشکر عمر سعد بود به هلاکت رساند و پس از مالک بن دودان رهسپار میدان شد. از گفتگوی او با امام حسین علیه السلام در کربلا که منابع تاریخی نقل کرده اند برمی آید او آگاهانه و مشتاقانه جنگ در رکاب امام حسین علیه السلام و شهادت را پذیرفته است. وی به دست قیس بن عبد الله به شهادت رسید.

37. مُسْلِم بن عقیل صفحه 27

مُسْلِم بن عقیل بن ابی طالب (شهادت: 60ق)، پسر عموی امام حسین و سفیر او در کوفه در قیام عاشورا و از آل ابی طالب بود مسلم در برخی فتوحات مسلمانان و نیز در جنگ صفین حضور داشت. او به نمایندگی از امام حسین علیه السلام به کوفه رفت تا اوضاع آنجا را به امام گزارش کند که اگر کوفیان در دعوت خویش مصر و صادق اند امام به آنجا برود مسلم در 5 شوال به کوفه رسید و در خانه مختار بن ابی عبیده و بنابر برخی روایات در خانه مسلم بن عوسجه ساکن شد. شیعیان به محل اقامت مسلم رفت و آمد می کردند و مسلم نامه امام حسین علیه السلام را برای آن ها می خواند. مسلم پس از اقامت در کوفه آغاز به گرفتن بیعت برای امام حسین علیه السلام کرد. دعوت به کتاب خدا، سنت رسول الله، جهاد با ظالمین دفاع از مستضعفین، کمک به محرومین تقسیم عادلانه بیت المال یاری اهل بیت صلح با کسانی که این افراد با او صلح کنند و جنگ با کسانی که این ها با او بجنگند، سخن و فعل اهل بیت را گوش دادن و برخلاف آن عمل نکردن از شرایط این بیعت بود.

در کوفه 12 هزار نفر با مسلم بن عقیل به نمایندگی از امام حسین علیه السلام بیعت کردند و برای همراهی امام اعلام آمادگی کردند. برخی تعداد بیعت کنندگان را 18 هزار نفر و برخی بیش از 30 هزار نفر نیز نوشته اند. وی در گزارشی به امام از آمادگی کوفیان خبر داد.

با نصب عبیدالله بن زیاد به حکومت کوفه و ترس و هراس کوفیان از او آنان به ناگاه از اطراف مسلم پراکنده شدند. مسلم پس از تنهایی و

بی سرپناهی به زنی به نام طوعه پناه برد و در خانه او مخفی شد؛ اما پسر طوعه، صبح روز بعد خبر را به عوامل حکومت رساند و ابن زیاد گروهی 70 نفره را به محمد بن اشعث داد که مسلم را دستگیر کند و به قصر بیاورند. مسلم دستگیر شد و در روز عرفه (سال 60 قمری) به دستور عبیدالله به شهادت رسید. ماجرای تنها ماندن و شهادت او در کوفه، موضوع یکی از روضه های مشهور در میان شیعیان است که در روز عرفه و گاه در اول محرم خوانده می شود.

مسلم با رقیه دختر امام علی علیه السلام ازدواج کرد و از این رو، داماد امام علی علیه السلام بوده است. در واقعه کربلا در چند مورد به فرزندان مسلم اشاره شده است. از جمله این که زمانی که خبر شهادت مسلم را در مسیر بین مکه و کوفه به امام حسین علیه السلام دادند علی اکبر علیه السلام پیشنهاد داد که برگردند و بی وفایی کوفیان را یادآوری کرد. فرزندان مسلم با این نظر مخالفت کرده و امام را به ادامه راه تشویق کردند. هم چنین نام تعدادی از فرزندان وی در زمره شهدای کربلا یاد شده است. از آن میان شهادت عبد الله

ص: 150

بن مسلم و محمد بن مسلم در کربلا در منابع کهن ثبت شده است.

### 38. حُصَین بن نُمَیر صفحه 28

حُصَین بن نُمَیر (درگذشت 66 یا 67ق)، از سرداران بنی امیه در دوران معاویه یزید و مروان بن حکم وی را از سرسخت ترین دشمنان امام علی علیه السلام و هم چنین از کسانی دانسته اند که معاویه را به انتخاب یزید به جانشینی خود تشویق می کرد برخی روایات از حصین بن نمیر به عنوان صاحب شرطه (رئیس پلیس) عبیدالله بن زیاد در سال 60 ق، و در شمار سرداران لشکر عبید الله ضمن رویداد های قیام امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا، نام برده اند؛ اما ظاهراً وی را با حصین بن تمیم تمیمی اشتباه کرده اند. طبری از حصین بن تمیم تمیمی به عنوان صاحب شرطه عبیدالله یاد می کند و از وی در حوادث مربوط به قیام امام حسین علیه السلام نام برده است. حصین بن نمیر در واقعه حره و حمله شامیان به مکه و آتش زدن کعبه نقش داشت. او با شروع قیام تواین به عین الوردی رفت و این قیام را سرکوب کرد وی در سال 66 یا 67ق در جنگ خازر به دست ابراهیم بن مالک اشتر کشته شد.

### 39. حَبِیب بن مُظَاهِر صفحه 28

حَبِیب بن مُظَاهِر اسدی شهادت (61ق) از قبیله بنی اسد اهل کوفه و از اصحاب خاص حضرت علی علیه السلام و از یاران امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام. حبیب مردی عابد و با تقوا و حافظ کل قرآن کریم بود و هر شب به نیایش و عبادت خدا می پرداخت. زندگی پاک و ساده ای داشت آن قدر به دنیا بی رغبت بود و زهد را سرمشق زندگی خود قرار داده بود که هر چقدر به او پیشنهاد امان و پول فراوان داده شد نپذیرفت و گفت: «ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم عذری نداریم که زنده باشیم و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را مظلومانه به قتل برسانند». حبیب از کوفیانی بود که پس از مرگ معاویه به امام حسین علیه السلام برای آمدن به کوفه دعوت نامه نوشتند. وی هنگامی که بیعت شکنی کوفیان را دید مخفیانه از کوفه خارج شد و خود را به امام رساند.

در شب عاشورا نافع بن هلال حبیب را از نگرانی زینب دختر امام علی علیه السلام، درباره وفاداری یاران امام آگاه ساخت نافع و حبیب، اصحاب امام حسین را گرد آوردند و همگی نزد امام رفتند و اعلان کردند که تا آخرین قطره خون خود از خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم حمایت خواهند کرد. صبح عاشورا امام حسین علیه السلام حبیب بن مظاہر را فرمانده جناح چپ نیروهای خویش ساخت، زهیر بن قین را در جناح راست و حضرت ابو الفضل علیه السلام را با پرچم در قلب لشکر قرار داد.

حبیب بن مظاہر با آن سن زیاد همچون یک قهرمان شمشیر میزد و 62 نفر از افراد دشمن را کشت در این هنگام بدیل بن صریم عقفانی به او حمله کرد و با شمشیری برفرق، او زد دیگری با نیزه به او حمله کرد تا این که حبیب از اسب بر زمین افتاد، محاسن او با خون سرش خضاب شد. سپس بدیل بن صریم سرش را از تن جدا کرد. امام حسین علیه السلام خود را به بالین اورساند و فرمود: «أَحْتَسِبُ نَفْسِي وَ حِمَاةَ اصْحَابِي» پاداش خود و یاران حامی خود را از خدای تعالی انتظار می برم حبیب بن مظاہر فرزندی به نام قاسم داشت. قاسم وقتی به بلوغ رسید بدیل بن صریم را کشت.

### 40. مرحوم سماوی صفحه 28

شیخ محمد بن طاهر ترکی فضلی (1292-1370ق) معروف به «سماوی» از مجتهدان، عالمان، قاضیان صفحه 28 ادیبان و شاعران شیعه در قرن چهاردهم هجری شهرت عمده سماوی به جهت علاقه زیاد او به نسخه برداری کتاب های خطی و گردآوری کتب نادر بوده



و از این رو دارای کتابخانه ای غنی بوده است. سماوی در 1370ق در نجف درگذشت و در حجره شماره 7 حرم امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد. کتاب ابصار العین فی انصار الحسین با موضوع معرفی شهدای کربلا مشهورترین اثر اوست.

41. کتاب «ابصار العین» صفحه 28

إبصارُ العَینِ فی أنصارِ الحُسَینِ علیه السلام اثر شیخ محمد سماوی (متوفای 1370ق) درباره یاران امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا و قبل از آن، اعم از شهدا و مجروحان . مؤلف در این کتاب، 112 نفر از یاران امام را با ذکر طوایف و قبایل آنان بیان می کند مؤلف در داخل هر مقصد نام افراد را بدون ترتیب الفبا آورده و احتمال دارد ترتیب خاصی در نظر او بوده که روشن نیست سماوی هم چنین در موارد

ص: 151

متعدد با عنوان «ضبط الغریب» به توضیح لغات یا وجه تسمیه ها پرداخته است. ترجمه کتاب ابصار العین هم با استفاده از همین چاپ، تحقیقی توسط عباس جلالی با عنوان «سلحشوران طف» در انتشارات زائر منتشر شده است.

42. عبد الله بن حوزة صفحه 29

عبد الله بن حوزة تمیمی (کشته شده روز عاشورا 61 ق)، از سپاهیان عمر بن سعد در واقعه کربلا که روز عاشورا پس از برخورد و گفت و گو با امام حسین علیه السلام، مورد نفرین آن حضرت قرار گرفت و کشته شد. مشاهده نفرین امام و جریان مرگ او سبب شد تا مسروق بن وائل که به امید دست یافتن به سر امام حسین علیه السلام، در پیشاپیش نیروهای سواره نظام لشکر عمر بن سعد حرکت می کرد صحنه جنگ را ترک کند.

43. مُحَمَّد بن أَشْعَثُ صفحه 29

مُحَمَّد أَشْعَثُ بْنُ قَيْسِ كِنْدِي، معروف به ابن اشعث (درگذشت سال 67 ق) از عاملان واقعه کربلا. پدر محمد اشعث بن قیس کندي رئیس قبیله کنده و کارگزار امام علی علیه السلام در آذربایجان بود. او در جنگ صفین در لشکر امام علی علیه السلام بود و در تحریک خوارج بر ضد امام علی نقش داشت مادر او، ام فروه دختر ابو قحافه بود. از این رو خواهرزاده خلیفه اول است. برادرش قیس بن اشعث در واقعه کربلا از سپاهیان عمر بن سعد بود. خواهرش جعدہ همسر امام حسن مجتبی علیه السلام بود که ایشان را به شهادت رساند.

او فرماندهی نیروهای ابن زیاد را در دستگیری مسلم بن عقیل بر عهده داشت در روز عاشورا انتساب امام حسین علیه السلام به پیامبر اکرم را انکار کرد پس از واقعه کربلا از مخالفان قیام مختار بود و نیروهای مختار به او دست نیافتند. سرانجام در جنگ مصعب بن زبیر با مختار ثقفی کشته شد.

44. أُمُّ سَلْمَةَ صفحه 30

هند دختر ابوامیه بن مغیره مشهور به أم سلمه از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که ام المومنین خوانده شده اند. وی با پذیرش اسلام در سال های نخستین بعثت پیامبر در زمره اولین مسلمانان درآمد و به دستور پیامبر همراه با عده ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد. او که قبل از پیامبر با ابو سلمه عبد الله بن عبد الاسد ازدواج کرده بود، در سال چهارم هجری پس از وفات شوهرش به عقد پیامبر درآمد. به نقل شیخ و صدوق از امام صادق علیه السلام، ام سلمه پس از خدیجه علیها السلام، با فضیلت ترین زنان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بوده است. ام سلمه دارای فضائل و کمالاتی بود که مورد حسادت عایشه و مایه اندوه او میشد ام سلمه در غزوات و سریه های متعددی چون، مُرِيسِيعِ خَيْبَر، حُدَيْبِيَه، خَنْدَق، فَتْحِ مَكَّة و حنین رسول خدا را همراهی کرد ام سلمه همواره در همراهی اهل بیت می کوشید بنابر روایات، ام سلمه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم یکی از مدافعان اهل بیت علیهم السلام به شمار می رفت چنان که از حضرت فاطمه علیها السلام در برابر انکار ابوبکر نسبت به میراث پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دفاع کرد و در آن سال خود از عطاء محروم ماند محبت وی به اهل بیت تا بدان جا بود که تربیت امام حسین علیه السلام - در دوران کودکی - به ایشان محول شده بود حتی در دوران یزید پس از شهادت حضرت امام حسین علیه السلام، به عزاداری پرداخت طبق بعضی از نقل ها پیامبر، مقداری از خاک کربلا را به ام سلمه داده بود و او نیز آن را در شیشه ای نگهداری می کرد. حضرت فرموده بود هرگاه دیدی که این خاک به خون تبدیل شد بدان که فرزندم حسین کشته شده است روزی ام سلمه در خواب رسول خدا را با چهره ای غمگین و لباسی خاک آلود دید که حضرت به او فرمود از کربلا و از دفن شهدا می آیم. ناگهان از خواب برخاست، نگاه به آن شیشه کرد،

خاک را خونین یافت، دانست که حسین علیه السلام شهید شده است. آن گاه شیون و زاری نمود و وقتی همسایه ها آمدند ماجرا را به آنان بیان کرد. این ماجرا در روایات به «حدیث قاروره» معروف است. اکثر مورخان تاریخ رحلت ام سلمه را بعد از واقعه عاشورا دانسته اند.

45. حدیث ثقلین صفحه 30

حدیث ثقلین حدیثی مشهور و متواتر از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم درباره جایگاه قرآن کریم و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در دین اسلام پس از آن حضرت براساس این حدیث، پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم برای هدایت باید به قرآن و اهل بیت تمسک جست و این دو همواره در کنار یکدیگرند صحت انتساب این حدیث به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را همه مسلمانان شیعه و سنی پذیرفته و حدیث را در

ص: 152

کتاب های حدیثی خود آورده اند. شیعیان با تکیه بر این حدیث، معتقد به لزوم امامت و عصمت امامان علیه السلام و نیز دوام امامت در همه زمان ها هستند.

این حدیث در نقل های مختلف، با عبارت های گوناگون آمده، اما محتوای همه آن ها یکی است در اصول کافی، از کتب اربعه و اصلی شیعه آمده است: «... إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِلَيْكُمْ سَتْرِدُونَ عَلَى الْحَوْضِ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَالثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي...».

سنن نسائی از صحاح سته اهل سنت، این حدیث را چنین نقل می کند: «... کانی قد دعیت فاجبت، انی قد ترکت فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما، فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض...».

46. سید عبدالهادی شیرازی صفحه 30

سید عبدالهادی شیرازی (1305-1382ق) فقیه، اصولی و مرجع تقلید شیعیان در قرن چهاردهم هجری بود. سید عبدالهادی شیرازی در شهر سامرا تحصیلات مقدماتی خویش را با برخی از فضلاء این حوزه آغاز کرد. فقه و اصول را با میرزا علی آقا (فرزند میرزای شیرازی) و میرزا محمد تقی شیرازی به پایان برد. در سال 1326 ه. ق. رهسپار نجف اشرف گردید و درس خارج فقه و اصول را در درس محمد کاظم خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی شرکت کرد فلسفه و حکمت را در درس حکیم الهی محمد باقر استهباناتی شیرازی و درس اخلاق را از شیخ رضا تبریزی آموخت. از شاگردان وی می توان آیات عظام محمد تقی جعفری تبریزی، حسین وحید خراسانی محمدرضا مظفر، محمود یوسفی غروی و ابو الحسن شیرازی را نام برد. وی پس از درگذشت سید ابو الحسن اصفهانی مرجعیت را عهده دار شد. شیرازی در دوره عبدالکریم قاسم حاکم عراق در مقابله با تبلیغات حزب بعث فتوای ضد کمونیستی صادر کرد. سید عبدالهادی شیرازی در عصر روز جمعه 10 صفر 1382 ق. در کوفه بر اثر بیماری تب درگذشت و در حرم امیر المومنین در نجف به خاک سپرده شد.

47. آیت الله گلپایگانی صفحه 31

سید محمدرضا گلپایگانی از مراجع تقلید (متولد 1316ق متوفی 1414ق-1372ش) در 8 ذی القعدة سال 1316ق، در روستای گوگد واقع در پنج کیلومتری گلپایگان به دنیا آمد. پدرش سید محمد باقر، روحانی بود و در آن دیار به امام شهرت داشت. او در سه سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. وی دروس دوره «سطح» حوزه علمیه را در گلپایگان نزد سید محمد حسن خوانساری برادر بزرگ سید احمد خوانساری و محمد تقی .. گوگدی گلپایگانی از شاگردان آخوند خراسانی، خواند. سپس به اراک رفت و در درس آیت الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. وی پس از چهار سال با مهاجرت آیت الله حائری به قم به آن جا رفت و در مدرسه فیضیه ساکن شد. او پس از فوت آیت الله عبدالکریم حائری یزدی به نجف رفت و به مدت سه ماه در درس ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد. هم چنین در زمان حضور هشت ماهه میرزای نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی در قم، در درس آن ها حضور یافت. او هم چنین در قم در درس سید حسین بروجردی هم حاضر می شد. وی در قم با سید احمد خوانساری هم بحث بود.

ایشان پس از درگذشت آیت الله بروجردی، به مرجعیت رسید آیات عظام مرتضی حائری یزدی، مرتضی مطهری، سید محمد حسینی بهشتی، لطف الله صافی گلپایگانی و ناصر مکارم شیرازی از شاگردان او بوده اند. آیت الله گلپایگانی در مواردی چون کشتار مردم در قیام پانزده خرداد واقعه فیضیه و بازداشت و تبعید امام خمینی با اقدامات حکومت پهلوی مخالفت کرد از وی حدود چهل عنوان کتاب به جا مانده است. تأسیس بیمارستان مدارس علمیه دار القرآن الکریم و مجمع اسلامی لندن از فعالیت های عام المنفعه این مرجع تقلید است.

سید محمدرضا گلپایگانی در 18 آذر 1372 ش برابر با 24 جمادی الثانی 1414 ق در 98 سالگی در قم درگذشت. دولت وقت جمهوری اسلامی ایران، هفت روز عزای عمومی و یک روز تعطیل اعلام کرد. پیکر وی نخست در تهران و سپس در قم تشییع شد و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله در تشییع جنازه وی در تهران شرکت کرد.

ص: 153

عابس بن ابی شیبب شاکری (درگذشت 61 ق)، یا عابس بن شیبب شاکری، از یاران امام حسین علیه السلام و شهیدان کربلا و اهل قبیله بنی شاکر از قبیله بنی همدان عابس از خاصان امام علی علیه السلام و از یاران امام حسین علیه السلام بود. وی از اوصاف پسندیده قومش در حد کمالش بهره مند بود؛ او از رجال شیعه و از رؤسای آن ها و مردی شجاع و خطیبی توانا و عابدی پرتلاش و متعهد و از مهتران دلاوران سخنوران عابدان و شب زنده داران شیعه بود نقل شده که امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ صفین در حق مردان با اخلاص و شجاع بنی شاکر فرمودند: «لو تمت عدتهم ألفا لعبد الله حق عبادته؛ اگر تعداد قبیله بنی شاکر به هزار نفر می رسید حق عبادت خدا به جا آورده می شد.» مسلم بن عقیل پس از ورود به کوفه، وارد منزل مختار ثقفی گردید. شیعیان کوفه از ورود نماینده ویژه امام حسین علیه السلام با خبر شدند، در خانه مختار اجتماع کردند مسلم در این اجتماع نامه امام حسین علیه السلام را برای مردم قرائت کرد. عابس نخستین کسی بود که پس از قرائت نامه امام به پا خاست و پس از حمد و ثنای خداوند متعال خطاب به مسلم گفت: من درباره مردم به شما خبر نمی دهم و نمی دانم نیت شان چیست و از جانب آن ها وعده فریبنده نمی دهم. به خدا قسم از چیزی که درباره آن تصمیم گرفته ام سخن می گویم هنگامی که دعوت کنید می پذیرم و همراه شما با دشمنان تان می جنگم و با شمشیر از شما دفاع می کنم تا به پیشگاه خداوند روم و از این کار جز ثواب چیزی نمی خواهم.» پس از او، حبیب بن مظاهر ایستاد و برای یاری امام حسین علیه السلام، اعلام آمادگی کرد و سخنان این دو نفر، زمینه را برای بیعت مردم فراهم نمود و بیش از هیجده هزار نفر با مسلم بیعت کردند. پس از بیعت شمار زیادی از مردم کوفه با مسلم او نامه ای به امام علیه السلام نوشته و آن حضرت علیه السلام را به کوفه دعوت کرد؛ در نامه از امام علیه السلام خواسته بود که هنگامی که نامه من به دست شما رسید فوراً به سوی کوفه حرکت فرمایید مردم خواهان آل معاویه نیستند. مسلم این نامه را توسط عابس بن ابی شیبب و قیس بن مسهر صیداوی به سوی امام ارسال داشت. پس از رساندن نامه، عابس با امام حسین علیه السلام و کاروانش همراه شد و از مکه تا کربلا امام علیه السلام رسید. پیکر بی سر عابس را امام حسین علیه السلام به خیمه مخصوص شهدا منتقل کرد؛ که بعد از واقعه عاشورا توسط قبیله بنی اسد به خاک سپرده شد.

## 49. میثم تمار صفحه 37

میثم تمار اسدی، کوفی از یاران امام علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، که پیش از واقعه کربلا در کوفه به شهادت رسید. از جزئیات زندگی میثم اطلاعات روشنی در دست نیست. او در بازار کوفه خرما می فروخت و از این رو به او لقب تمار دادند. کرامات و پیش گویی هایی به او نسبت داده اند. میثم، شخصی حاضر جواب بود؛ هنگامی که به نمایندگی معترضان بازار کوفه در دربار عبیدالله بن زیاد سخن گفت، ابن زیاد از منطق، سخنوری، فصاحت و بلاغت او در شگفت ماند خطابه های او بر ضد حکومت امویان وی را در میان دشمنان این حکومت بارز ساخت. میثم، مرگ معاویه را پیشگویی کرد و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را برای زنی مگی به نام جبله گفت. او هم چنین از پیش، از دستگیری اش توسط سرکرده طایفه خود و شهادتش به دستور ابن زیاد و آزادی مختار از زندان خبر داد وجود این ویژگی ها در میثم تمار سبب شده است تا او را در شمار اصحاب حواریون و یاران برگزیده امام علی علیه السلام به شمار آورند در سال 60 کمی پیش از قیام امام حسین و حادثه کربلا میثم برای عمره رهسپار مکه شد چون امام را نیافت سراغ او را از ام سلمه گرفت. ام سلمه او را از احوال امام آگاه نمود. میثم که عازم بازگشت به کوفه بود، از ام سلمه خواست به امام سلام برساند و بگوید نزد خداوند با امام دیدار خواهد کرد.

او به دستور ابن زیاد به دار آویخته شد. امام علی میثم را از چگونگی شهادتش قاتل وی و آویخته شدنش به درخت نخلی که آن را به او نشان داده بود، آگاه ساخته و به او بشارت داده بود که پاداش مقاومت او در برابر خواست ابن زیاد آن است که در آخرت، کنار امام در

درجه ای شایسته خواهد بود گفته شده است میثم کنار آن درخت نماز می خواند و با آن سخن می گفت. میثم خبر شهادتش را که از زبان امام علی علیه السلام شنیده بود، برای دیگران نقل می کرد مرقد میثم تمار، در نزدیکی مسجد کوفه قرار دارد.

ص: 154

مختار بن ابی عبید ثقفی (1-67 ق)، رهبر یکی از قیام‌ها برای خون‌خواهی امام حسین علیه السلام، از تابعین و اهل طائف بود. بعضی گفته‌اند: فرقه کیسانی به او منسوب است. کیسان به معنای زیرک و باهوش است. به نقل از اصبع بن نباته روزی حضرت علی علیه السلام مختار را که طفلی کوچک بود بر زانوی خود نشانده و وی را «کیس» خطاب کرد. چون حضرت علی علیه السلام دوبار وی را «کیس» کرد. به کیسان معروف شد بعضی گفته‌اند لقب کیسان برگرفته از نام یکی از مشاوران و فرماندهان وی است که کنیه ابو عمره داشت.

مختار میزبانی مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین علیه السلام را در کوفه بر عهده داشت و تا شهادت مسلم با وی همکاری کرد؛ ولی هنگام واقعه کربلا در زندان عبیدالله بن زیاد بود. در جریان قیام مختار بسیاری از قاتلان و مجرمان واقعه عاشورا به قتل رسیدند. مختار در این قیام از دو شعار یا لئارات الحسین و یا منصور امت بهره جست. برخی قیام او را با اذن امام زین العابدین علیه السلام می‌دانند. مختار پس از 18 ماه حکومت، بر کوفه به دست مصعب بن زبیر به قتل رسید قبری منسوب به او در کنار مسجد کوفه نزدیک مزار مسلم بن عقیل قرار دارد.

## 51. ابولهب صفحه 40

عبد العزی بن عبدالمطلب (درگذشته 2 ق) مشهور به ابولهب، عموی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و از سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر اسلام بود ابولهب و همسرش، ام جمیل پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را بسیار آزار دادند و در مخالفت با اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ به همین جهت سوره مسد در نکوهش رفتارهای او و همسرش نازل شد. او به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آزار جسمی نیز می‌رساند. گاهی به دنبال پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم راه می‌افتاد و او را با سنگ می‌زد؛ به گونه‌ای که پای وی را خون آلود می‌کرد و او را دروغ‌گو می‌خواند. یک بار وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در سجده بود ابولهب سنگی بلند کرد تا بر سر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بزند اما دستش در همان حالت خشک شد، پس از التماس او وقتی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آن حالت را برطرف کرد ابولهب این را از سحر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم دانست و همواره با بدگویی از پیامبر مانع از تبلیغ اسلام می‌شد. وقتی قریشیان تصمیم به تحریم مسلمانان و بنی هاشم گرفتند او تنها فرد از بنی هاشم بود که با قریش همراهی کرد. ابولهب از جمله سران قریش بود که تصمیم به قتل شبانه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم گرفت. او در جنگ بدر شرکت نکرد، ولی به جای خود شخص دیگری را فرستاد ابولهب هفت روز پس از واقعه بدر در اثر بیماری درگذشت.

## 52. ابوجهل صفحه 40

ابو الحکم عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی، مشهور به خطاب ابوجهل (مرگ سال دوم هجری)، از اشراف قریش، از مشرکان بنام مکه و از مخالفین سرسخت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و اسلام بود اورنج و آزار فراوانی بر مسلمانان و بنی هاشم تحمیل کرد تلاش برای قطع رابطه قریش با بنی هاشم ممانعت از حمایت ابولهب از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و طراحی توطئه قتل پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از اقدامات او علیه اسلام و مسلمانان بود. وی در جنگ بدر در 71 سالگی کشته شد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با شنیدن خبر کشته شدن ابوجهل (که او را رأس پیشوایان کفر و فرعون امت نامیده بود) گفت: «خدایا! وعده خود را محقق ساختی پس نعمت را بر من تمام گردان.» ابوجهل به دست دو جوان کم‌سال یعنی معاذ بن عمرو و معاذ بن عفره کشته شد و هنوز رمقی در بدن داشت که عبد الله بن مسعود سر او را از تن جدا کرد.



شَبَث بن ربِعی بن حصین تمیمی یربوعی (درگذشت حدود 70 ق)، از اشراف کوفه و شخصیت های بی ثبات تاریخ اسلام، شَبَث از مخالفان عثمان و فرماندهان سپاه امام علی علیه السلام در جنگ صفین بود او در مسیر حرکت به سوی نهروان، به خوارج پیوست اما با سخنان امام برگشت و فرماندهی قسمتی از سپاه امام را در جنگ نهروان به دست گرفت. او از کسانی بود که علیه حجر بن عدی شهادت داد در واقعه کربلا از کسانی بود که به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از آن حضرت خواست تا به کوفه بیاید؛ اما با تسلط ابن زیاد بر کوفه تغییر موضع داد و در پراکنده کردن اهالی کوفه از اطراف مسلم بن عقیل نقش به سزایی داشت در روز عاشورا با آن که فرماندهی نیرو های پیاده سپاه عمر بن سعد را بر عهده داشت؛ اما سعی می کرد تا خود را کمتر نشان دهد. او در قیام مختار و شورش اشراف کوفه به مقابله با مختار پرداخت و در تحریک مصعب بن زبیر و قتل مختار نیز نقش داشت.

شَبَث در حدود 70 ق درگذشت

ص: 155

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به افرادی مانند شبت بن ربیع فرمود:

«ای شبت بن ربیع ای حجار بن ابجر ای قیس بن اشعث!... مگر شما برایم ننوشته بودید: میوه ها رسیده، باغ ها سرسبز شده و نهرها لبریز گردیده [اگر بیایی] بر سپاهی که برایت آماده شده وارد خواهی شد، بیا!»

54. مرجین صفحه 41

فرقه مرجئه، یکی از شعب و فرق انحرافی در اسلام به شمار می رود. از جمله اعتقاد آنان این بود که اگر کسی ایمان داشته باشد (اقرار زبانی) و گناهان کبیره مانند کشتن بستگان خود، زنا، دزدی قتل نفس محترمه آتش زدن قرآن و کعبه انجام دهد ضرری به ایمان او نمی رسد و ایمانش مانند ایمان جبرئیل و میکائیل است. مرجئه قومی هستند که به ایمان اکتفاء نموده و اعمال را در ایمان مدخلیت نمی دهند مراتب ایمان را متفاوت نمی دانند و با وجود ایمان معصیت را مضر نمی دانند. همان طور که با وجود کفر اطاعت فائده ای ندارد این فرقه به همراه برخی فرق منحرف قائلند که غاصبین خلافت و ظالمین به ولایت علاوه بر این که ظالم و گنهکار نبودند عملکردشان نیز صحیح بوده و اهل بهشت هستند و این فرقه به خلافت این غاصبین و ظالمین اعتقاد دارند. همان طور که حکومت های جائر اموی را تایید می کردند. نظریه ارجاء خطر بزرگی برای اخلاق فردی و اجتماعی است و از جمله عوامل برای رشد و ترویج فساد و بی بند و باری است زیرا در این تفکر گناه کبیره ضرری به ایمان نمی زند و به صاحب کبیره نمی توان حکم نمود که اهل بهشت است یا جهنم اعتقادات مرجئه برای امویان که از ارتکاب ظلم و تجاوز و گناهان بزرگ در نهان و آشکار پروایی نداشتند پناهگاه و ماوای خوبی بود. زیرا عقیده مرجئه باعث شد که امر به معروف و نهی از منکر را وانهند و بگویند: اگر امام یا خلیفه مرتکب کبیره شود از ایمان خارج نیست و واجب اطاعه است. در نتیجه تفکر مرجئی ابزار مناسبی در دست زمامداران مستبد و تبهکار شد به همین دلیل هیچ یک از زمامداران اموی با مرجئه به خاطر عقیده ارجاء مخالفت نکرده اند بلکه به تقویت این تفکر می پرداختند. اهل بیت علیهم السلام همان طور که به مبارزه علمی با این فرقه برخاستند، به افشاگری و معرفی چهره واقعی آنان پرداختند حضرت امام صادق علیه السلام با هوشیاری در برابر مرجئه از شیعیان می خواهند که فرزندان ایشان را با شناخت معارف اهل بیت علیهم السلام از خطر مرجئه دور کنند: علموا صبیانکم من علمنا ما ینفعهم الله به لاتغلب علیهم المرجئه برایشان. امام صادق علیه السلام فرمودند: خدا مرجئه را لعنت کند زیرا دشمن ما هستند در دنیا و آخرت.

55. عمر بن سعد صفحه 46

عمر بن سعد بن ابی وقاص معروف به عمر سعد و ابن سعد (کشته شده در 65 یا 66 یا 67 ق)، فرمانده سپاه عبیدالله بن زیاد در واقعه کربلا بوده است. خوارزمی به نقل از ابن اعمش کوفی می گوید هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به علت خودداری از بیعت با یزید بن معاویه از مدینه مهاجرت کرد و به مکه پناه برد عمر بن سعد، امیر یا شاید امیر الحاج مکه بود و چون تمایل و استقبال حجاج خانه خدا را از حسین علیه السلام مشاهده کرد به مدینه رفت و برای یزید نامه نوشت و او را از آمدن حسین علیه السلام به مکه آگاه ساخت.

گفته اند عمر سعد قرار بود راهی ری شود و حکومت آنجا را در دست گیرد؛ ولی ابن زیاد اعطای حکومت ری به او را مشروط به رویارویی با امام حسین علیه السلام کرد. عمر بن سعد با لشکر چهار هزار نفری به کربلا رفت عصر روز تاسوعا عمر سعد سوار بر اسب شد و به سپاهیان خود گفت: «ای لشکریان خدا سوار شوید که شما را بشارت باد» سپاه کوفه آماده جنگ شد. وقتی امام حسین از قصد آنان آگاه شد درخواست کرد آن شب را برای عبادت به او مهلت دهند عمر سعد پس از مشورت با فرماندهان سپاه خود پذیرفت.

او نخستین تیر جنگ را در روز عاشورا به سوی حسین علیه السلام و یارانش رها کرد و گفت: شاهد باشید که من نخستین کسی بودم که تیر

پرتاب کردم. پس از آن که علی اکبر به میدان رفت امام خطاب به عمر سعد چنین نفرین کرد خدا نسل تو را قطع کند فرزندان را بکشد و کسی را بر تو مسلط گرداند که در بستر سر از تن جدا کند در جریان قیام مختار عمر سعد در بسترش به قتل رسید و پسر او (حفص) نیز کشته شد. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش دستور داد بر بدن آنان اسب بتازند. ابن سعد به حکومت ری رسید و در سال 66 ق به دست مختار ثقفی کشته شد. او از شخصیت های منفور نزد شیعیان بوده و در زیارت عاشورا لعن شده است.

ص: 156

عمرو بن حجاج مَدَجِي زُبَيْدِي از فرماندهان لشکر عمر بن سعد در واقعه کربلا عمرو بن حجاج از کسانی بود که به امام حسین علیه السلام نامه نوشت و از آن حضرت خواست تا به کوفه بیاید. اما در روز عاشورا فرماندهی جناح راست سپاه عمر بن سعد و مسولیت محاصره شریعه فرات را بر عهده داشت. او در روز عاشورا امام حسین علیه السلام را خارجی معرفی کرد که با واکنش امام مواجه شد. سپاهیان تحت فرماندهی او مسلم بن عوسجه را به شهادت رساندند. وی در قیام مختار از مخالفان وی بود و پس از شکست شورش اشراف کوفه ناپدید شد.

## 57. انس بن حارث اسدی کاهلی صفحه 47

انس بن حارث کاهلی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و از شهدای کربلا گفته اند. وی در جنگ بدر و جنگ حنین شرکت داشته است. پدر او حارث بن نبیه جزو اصحاب صَفَّه بوده است. او راوی حدیثی از پیامبر درباره کشته شدن امام حسین علیه السلام در کربلا است. او گفته است از رسول خدا شنیدم که فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا - يَعْنِي الْحُسَيْنَ - يُقْتَلُ بِأَرْضِ يَقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ؛ این پسر من (یعنی حسین) در سرزمینی که به آن کربلا گفته می شود کشته می شود. پس هر یک از شما آن را درک کرد او را یاری کند.»

به گفته بلاذری، انس که در کوفه زندگی می کرد برای پرهیز از وارد شدن در جنگ از کوفه خارج شد. او در منزلگاه قصر بنی مقاتل گفتگوی امام حسین علیه السلام با عبیدالله بن حر جعفی (که او نیز با همین قصد از کوفه خارج شده بود) را شنید و پس از آن نزد امام آمد و گفت: «به خدا سوگند از کوفه خارج نشدم جز به این سبب که همانند عبیدالله بن حر، جنگیدن با تو یا جنگیدن در کنار تو را ناخوش داشتم، ولی خداوند یاری تو را در دلم انداخت و به همراهی با تو برانگیخت.» ولی به نقل برخی دیگر از منابع او در کربلا به امام حسین علیه السلام پیوست. بنا بر نقل برخی منابع انس قبل از عاشورا به خواست امام حسین علیه السلام نزد عمر سعد رفت تا او را موعظه کند. وقتی بر عمر سعد وارد شد، بر او سلام نکرد عمر گفت: چرا بر من سلام نکردی؟ مگر من مسلمان نیستم؟ انس گفت: به خدا سوگند تو مسلمان نیستی چون می خواهی پسر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را بکشی. عمر سر به زیر انداخت و گفت به خدا سوگند می دانم قاتل حسین در آتش است، ولی گریزی از اجرای فرمان امیر عبیدالله بن زیاد نیست. انس در روز عاشورا از امام حسین علیه السلام اجازه گرفت و به میدان رفت و رجز خواند و پس از کشتن چندین نفر به شهادت رسید. نام او در زیارت ناحیه مقدسه (غیر معروفه) آمده است.

## 58. محمد بن سعد صفحه 47

ابوعبد الله ابو عبد الله محمد بن سعد بن منیع مشهور به کاتب واقدی (168-230) مورخ و سیره نویس مشهور بغداد و مؤلف کتاب الطبقات الکبری است. او از موالی حسین بن عبد الله نواده عباس عموی پیامبر بود. ولی ابن خلکان بنا به مستندی نامعلوم او را زهری شمرده است. هموازی تعبیر به بصری کرد و زاخائو و برخی دیگر بصره را محل تولد او دانسته اند.

ابن سعد از نخستین سیره نویسانی است که در غیر مدینه نشأت یافتند چه آن که غالب سیره نویسان پیش از او چون ابن اسحاق و واقدی مدنی اند او از جمعی از برجسته ترین مشایخ بصره کوفه و بغداد چون هشیم بن بشیر اسماعیل بن علیه وکیع بن جراح سفیان بن عیینة هشام کلبي هیشم بن عدی و ابو نعیم فضل بن دکین روایات تاریخی و حدیث فراگرفت او مدتی نیز در مدینه اقامت گزید و از مشایخ آن دیار چون معن بن عیسی محمد بن اسماعیل بن ابی فدیک و ابو حمزة انس بن عیاض استماع نمود. از برخی مشایخ مکی چون احمد بن

زمان دقیق حضور او در حجاز دانسته نیست؛ قدر مسلم این است که او در سال 189 در مدینه بوده و پیش از 210 به عراق بازگشته است. به جز افراد یاد شده نام ده ها تن دیگر از مشایخ ابن سعد در اسانید کتاب طبقات دیده می شود. او حتی از رجال هم طبقه خود چون یحیی بن معین روایت کرده است. او در بغداد به حلقه درس محمد بن عمر واقدی پیوست و از خواص شاگردانش گردید به طوری که به کاتب واقدی شهرت یافت. با توجه به خروج واقدی در 180ه. از مدینه به عراق و سن ابن سعد در آن زمان بعید به نظر می رسد که سابقه آشنایی آن دو به مدینه برگردد او آثار و مرویات استادش واقدی را در تاریخ و غیر آن در اختیار داشت و مهم ترین راوی آثار او بود و برای

تدوین آثار خود از آن‌ها بهره‌گرفت و بسیاری را در طبقات گنجانید.

ابن سعد سنی متعصبی است که مذهب او به وضوح از کتابش پیداست اما زمانی که مأمون اعلام کرد همه باید به خلق قرآن گواهی دهند وی همراه یک گروه هفت نفری به رقه فرا خوانده شد و در آن جا به خلق قرآن اعتراف کرد. این مطلب ضمن این که نشانه اعتبار و اهمیت مقام اجتماعی اوست با توجه به عقاید او به نظر می‌رسد از روی ناچاری صورت گرفته باشد به همین جهت نویسنده مقدمه طبقات (السلمی - طبقات - الطبقة الخامسة) این کار ابن سعد را تقیه دانسته است ابن سعد راوی در قرائت نیز بوده است و قرائت مختلف به خصوص قرائت قاریان مدینه را از واقدی فرا گرفته و نزد یعقوب بن اسحاق حضر می‌قاری بصره و از قاریان دهگانه نیز حاضر می‌شده است. ابن سعد در 62 سالگی در بغداد وفات کرد.

#### 59. کتاب الطبقات الکبری صفحه 47

الطبقات الکبری، نام کتابی از محمد بن سعد بن منیع بغدادی با موضوع زندگی و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم و یاران ایشان بوده و در آغاز سده سوم هجری نوشته شده است. این کتاب که طبقات ابن سعد نیز نامیده می‌شود از مهم ترین منابع سیره نویسی و صحابه شناسی (رجال حدیث) به شمار می‌رود.

ابن سعد که شاگرد و کاتب واقدی بود همه دست نوشته های او را در دست داشته و توانست که با توسعه دانش حدیثی و تاریخی خود از طریق تحصیل در شهر های مختلف عراق و حجاز نوشته های استادش واقدی را تکمیل کند اما تنظیم و منسجم کردن همه این مطالب توسط خودش مقدور نشد و پس از وفاتش توسط شاگرد مبرزوی یعنی حسین بن فهم تدوین شد. یعنی کتاب طبقات در واقع توسط ابن فهم تدوین شده است اگر چه محتوا و مطالب آن از ابن سعد است.

به هر حال این کتاب مهم ترین کتابی است که از قرن دو و سه باقی مانده و بسیاری از مطالب مربوط به سیره نبی اکرم و اصحاب ایشان و هم چنین بررسی شخصیت های مهم اسلام تا زمان خودش را در بر دارد. این کتاب از منابع مهم مورخان و سیره نویسان متاخر از اوست و دانشمندانی مثل بیهقی، ابن اثیر ذهبی ابن حجر و دیگران مطالب آن را نقل و بررسی کرده اند.

کتاب هایی با عنوان، طبقات فراوان تالیف شده است اما کتاب ابن سعد اهمیت بسزایی در این زمینه دارد و علت آن هم تقدم در جامعیت نسبت به سایر کتاب های تالیف شده است و این که مفصل ترین کتاب در زمینه صحابه شناسی و سیره شناسی می باشد.

در این کتاب اطلاعات فراوانی درباره حدود چهار هزار و دویست و پنجاه شخص که از آغاز اسلام تا دهه چهارم قرن سوم هجری قمری سهمی در روایت حدیث داشته اند آمده است از این تعداد، ششصد نفر زن هستند و بقیه آن ها مرد هستند جلد اول و بیش از نصف جلد دوم آن به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم اختصاص دارد و سپس به صحابه و تابعین پرداخته است. این کتاب در هشت مجلد چاپ شده و جلد نهم آن به عنوان طبقه پنجم به آن افزوده شده است و سه مجلد به عنوان فهرست نیز بر آن ضمیمه شده است. البته در این کتاب شرح حال عده ای از راویان متاخر از ابن سعد نیز موجود است که نشانه تدوین کتاب توسط شاگردان ابن سعد می باشد. ابن سعد که یک سنی مذهب متعصب بوده است در اظهار کرده است.

روش مولف در تالیف طبقات «حدیثی» بوده و حتی جزئی ترین مطالب را با نقل سند ذکر کرده است. هر طبقه از این کتاب تقریباً یک دوره بیست ساله را در بر می گیرد.

60. عریان بن هیشم صفحه 47

کسی است که به امر پدرش به نزد عمر سعد رفت و پیغام پدرش را به او رسانید: «که مواظب خود باش زیرا مختار قصد جانت را کرده است». عمر سعد نیز در جواب عریان گفت: «خدا قدرت را بیامرزد و از بابت این برادری به او جزای خیر عطا فرماید».

61. کنیسه صفحه 48

کنیسه یا کنشت به نیایشگاه یهودیان یا محل اجتماعات دینی یهودیان گفته می شود.

62. عملیات فتح المبین صفحه 48

عملیات فتح المبین از عملیات های نظامی ایران بر علیه نیرو های عراق در فروردین 1361 در خلال جنگ ایران و عراق بود که با تلفات بالای انسانی پس از هفت

ص: 158

روز نبرد سنگین و با پیروزی قاطع نیرو های ایرانی و عقب نشینی ارتش عراق به پایان رسید این عملیات در ساعت سی دقیقه بامداد روز دوشنبه 2 فروردین در جبهه جنوبی در منطقه غرب شهر های دزفول و شوش با وسعت حدود 2500 کیلومتر مربع در استان خوزستان انجام شد طرح ریزی عملیات فتح المبین از اواسط آبان 1360 آغاز شده بود. بسیاری بر این باورند که این عملیات نقطه عطف جنگ ایران و عراق می دانند.

عملیات فتح المبین باعث آزاد سازی 2400 کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی شامل ده ها بخش و روستا و نیز چندین جاده ارتباطی مهم شد، هم چنین شهر های دزفول، شوش، اندیمشک و پایگاه هوایی دزفول نیز از دید و تیر مؤثر ارتش عراق خارج گردید.

در نهایت عملیات فتح المبین با پیروزی قاطع نیرو های ایران و آزاد سازی حدود 2500 کیلومتر مربع از مناطق اشغال شده توسط ارتش عراق به پایان رسید. تلفات نیرو های ایران حدود 30,000 نفر و تلفات نیرو های عراق 25,000 نفر به علاوه 15,000 نفر اسیر گزارش شده است.

63. صفویه صفحه 49

صفویه یا صفویان (حک 907 - 1135 ق) سلسله ای از حاکمان شیعه ایران که با رسمی کردن مذهب شیعه در ایران کوشیدند هویتی یگانه به مردم ایران ببخشند و در نتیجه نخستین حکومت شیعه در سراسر ایران را شکل دادند.

صفویان اعضای یک طریقت صوفیانه بودند که در قرن هفتم قمری توسط شیخ صفی الدین اردبیلی بنیان گذاری شد. در نیمه دوم قرن نهم تحت رهبری شیخ جنید و شیخ حیدر جد و پدر شاه اسماعیل نهضتی مذهبی سیاسی و نظامی صورت یافت که سرانجام در آغاز قرن دهم توانست با فتح تبریز به دست سپاه قزلباش و رهبری اسماعیل قدرت سیاسی را در دست گیرد حکومت صفویه تا سال 1135 ق که اصفهان توسط شورشیان افغان سقوط کرد ادامه یافت.

ایران عصر صفوی در زمینه های نظامی فقهی و هنری پیشرفت های چشمگیری به دست آورد. دعوت از فقهای بنام تشیع خصوصا از جبل عامل لبنان باعث شد تا پشتوانه فکری و عقیدتی این حکومت شیعه بنیادین شود و این امر توانست زمینه پرورش فقهای معروفی چون میرداماد فیض کاشانی ملاصدرا و محمد باقر مجلسی شود. ادبیات نیز در این دوره، رنگی شیعی و مذهبی به خود گرفت و مرثیه سرایانی مانند است که در نهایت منجر به بیرون راندن نیرو های محتشم کاشانی وارد این عرصه شدند.

64. آل بویه صفحه 49

برخی دیگر از مفسران جنگ عملیات بیت المقدس را آل بویه، تعیین کننده ترین عملیات در طول جنگ ایران و عراق سلسله های ایرانی و شیعه، منسوب به بویه معروف به ابو شجاع که در خلال سال های 322 تا 448 ق / 933 - 1056 م بر بخش بزرگی از ایران و عراق و جزیره تا مرز های شمالی شام حکومت داشتند. حکومت آل بویه برای تقویت و رونق مراسم شیعه امامیه اهتمام فراوان ورزید و مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در عاشورا و جشن ولایت حضرت علی علیه السلام در غدیر خم را با شکوه و عظمت برپا کرد هم چنین در پرتو حکومت این سلسله ایرانی، قبور ائمه شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد و سنت زیارت مشاهد شریفه، روبه گسترش بی سابقه نهاد شعائر دیگر شیعه امامیه همچون گفتن *عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ اللَّهُ هَدَىٰ أَنْ عَلِيَا وَ لِي اللَّهُ* در اذان، استفاده از مهر نماز و تسبیحی که از تربت امام حسین علیه السلام ساخته شده بود از دیگر نماد های شیعه امامیه در عراق عهد آل بویه خوانده شده است



حدیث یوم الدار مشهور به حدیث یوم الإنذار و حدیث عشیره روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم است که در آن از اسلام بیاورند و در ضمن آن به وصایت و خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام تصریح می کند بنا بر گزارش منابع تاریخی حدیثی و تفسیری، این حدیث پس از آن صادر شد که در سال سوم بعثت، طبق آیه 214 سوره شعراء مشهور به آیه انذار پیامبر مامور شد تا اقوام نزدیک خویش را به اسلام دعوت کند این حدیث از جمله ادله متکلمان امامیه در اثبات خلافت بلا فصل و وصایت امام علی علیه السلام است.



حاکم حسکانی از علمای مشهور دوران خود بود. بسیاری از روایات حدیث پای درس او می آمدند تا از او روایت بشنوند و یا اجازه روایت بگیرند او شیخی فاضل و دارای مجلس وعظ و خطابه بود و خود نیز از علمای فراوانی روایت شنیده و یا اجازه روایت داشت. برخی او را از علمای اهل تسنن و پیرو مذهب حنفی می دانند و برخی دیگر او را از علمای شیعه می دانند که تقیه می کرده است. ابن طاووس درباره ایشان می گوید: «الحاکم الحسکانی کان من اعیان رجال الجمهور»، حاکم حسکانی از شخصیت های برجسته علمای اهل تسنن بود ذهبی در کتاب تذکره الحفاظ می گوید: «و وجدت له مجلسا یدل علی تشیعه و خبرته بالحدیث و هو تصحیح خبررد الشمس و ترغیم النواصب الشمس» کتابی از ایشان یافته ام که دلالت بر شیعه بودن ایشان

ص: 160

دارد و آن تصحیح رد الشمس...» است.

او به شهر مرو سفر کرد تا از علمای آن دیار بهره برد و از آن ها روایت بشنود. علاوه بر آن، او خود نیز در آنجا جلسات درس برقرار نمود و جمع فراوانی از مشتاقان علم و دانش را پروانه وار به دور خود جمع کرد و شاگردان فراوانی را تربیت کرد. حاکم حسکانی از بسیاری مشایخ روایی آن دوران اجازه روایت دارد.

حاکم حسکانی نزد علمای فراوانی به فراگیری علم و دانش پرداخت و از محضر درس آنان بهره برد و علمای فراوانی نیز از محضر درس وی بهره برده اند از تالیفات وی می توان به این عناوین اشاره کرد: شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت علیهم السلام فضائل شهر رجب؛ خصائص علی بن ابی طالب علیه السلام فی القرآن؛ تصحیح خبر رد الشمس وترغیم النواصب الشمس.

سرانجام قاضی محدث، ابوالقاسم عبید الله بن عبد الله حسکانی پس از عمری خدمت به علوم و معارف محمد و آل محمد علیهم السلام در حدود سال 490 هجری دیده از این دنیا فرویست و به دیار باقی شتافت.

67. شواهد التنزیل صفحه 49

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل مشهور به شواهد التنزیل، تألیف حاکم حسکانی (متوفای 490 ق)، در شأن اهل بیت پیامبر نازل شده، به بیان فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام و خاندان وی پرداخته است. شواهد التنزیل از منابع معتبر تفسیر روایی اهل سنت به شمار می رود علامه مجلسی در بحار، از این کتاب نقل کرده است. شواهد التنزیل به فارسی ترجمه و چاپ شده است. مؤلف کتابش را چنین نام گذاری کرده تا به وسیله آیات قرآنی (شواهد التنزیل) و به آن دلیل که پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم بر سایر پیامبران و فرشتگان و امامان معصوم به ویژه امام علی علیه السلام بر سایر مردم برتری داشته اند (لقواعد التفضیل)، فضائل آن امام و فرزندان وی را برساند.

مؤلف انگیزه خود را از تألیف این کتاب ادعای یکی از کرده پیروان مذهب کرامیه دانسته که نزول سوره انسان در شأن امام علی علیه السلام و خاندان وی را منکر شده و ادعا کرده که هیچ آیه ای در قرآن در شأن اهل بیت نازل نشده است.

از سوی دیگر عالمان اسلامی به این ادعا هیچ اعتراضی نکرده جز یکی از اساتید مؤلف که شاگردان حاضر در آن جلسه را سرزنش نمود و به این مقدار بسنده کرد حسکانی از این موضوع ناراحت شده و بنا به احساس وظیفه تصمیم گرفت پاسخ این شبهه را بصورت مستدل و مستند بدهد؛ لذا به جمع آوری روایات پرداخته و شواهد التنزیل را تدوین کرده است.

البته مؤلف در پایان کتاب متذکر این نکته می شود که چون با شتاب این کار علمی را انجام داده، توفیق جمع آوری کلیه احادیث در شأن نزول فضائل علی علیه السلام را بدست نیاورده و در واقع آن چه که در دسترس وی بوده مطرح شده و از منابع دور از دسترس چشم پوشی کرده است.

حسکانی کتاب را در هفت فصل تدوین کرده است که شش فصل اول مقدمه به حساب می آیند:

اقوال بزرگان و دانشمندان درباره خصائص امام علی علیه السلام شامل: دیدگاه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در تفضیل علی بن ابی طالب علیه السلام، دیدگاه عبد الله بن عمر بن خطاب در تفضیل علی بن ابی طالب علیه السلام، نظر عکرمه در تفضیل علی بن

ابی طالب علیه السلام، نامه عایشه در فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام

سابقه امام علی علیه السلام در دو حوزه تلاوت و حفظ قرآن؛

گردآوری قرآن برای نخستین بار توسط امام علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم؛

شناخت امام علی علیه السلام نسبت به معانی و حقائق قرآن و تخصص منحصر به فرد حضرت در علم به نزول قرآن؛

فراوانی اسباب نزول مربوط به فضائل امام علی علیه السلام اولاد او؛

بیان این حدیث که یا ایها الذین آمنوا در 90 آیه تکرار شده و منظور آن علی علیه السلام است. مؤلف در بخش اصلی کتاب که در واقع فصل هفتم آن است، به ترتیب سوره های قرآن و هر آیه ای را که در شأن نزول ویژه اهل بیت پیامبر وارد شده، طرح کرده است و به نقل اسباب نزول و روایات آن از طریق عامه و خاصه می پردازد. در این کتاب 210 آیه را به ترتیب سوره های قرآن آورده و در ذیل هر کدام روایاتی را از مشایخ خود نقل کرده است. مجموع روایاتی که در تفسیر این آیات ذکر شده بیش از 1200 روایت است.

ص: 161

سعد بن مالک بن وهیب مشهور به سعد بن ابی وقاص (در گذشته 54 تا 58 ق) صحابی پیامبر و از فرماندهان سپاه اسلام در جنگ با ایران وی در جنگ های بدر و احد غزوه خندق و خیبر حضور داشت. در فتح مکه یکی از سه پرچم مهاجران در دست او بود. در دیگر غزوات هم همراه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بود و از تیراندازان مشهور سپاه اسلام به شمار می رفت. او 271 حدیث از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل کرده است. سعد از طرف خلیفه دوم حاکم کوفه بود و با شکایت اهالی آن برکنار شد. او هم چنین از سوی عمر فرماندهی مسلمانان را در جنگ قادسیه نیز بر عهده داشت. برخی اهل سنت براساس روایتی او را از عشره مبشره می دانند او با خلیفه دوم روابط خوبی داشت و از اعضای شورای شش نفره برای تعیین خلیفه سوم قرار گرفت.

در زمان خلافت امام علی علیه السلام ابتدا بیعت نکرد و پس از بیعت نیز در جنگ ها حاضر نشد. امام علیه السلام در خطبه ای عدم بیعت عده ای با خود اشاره کرده و گفته که از ابن عمر سعد بن ابی وقاص و محمد بن مسلمه اخباری به اطلاع من رسیده که آن را خوش نمی دارم و در این باره میان من و آنان حق حکم خواهد کرد. شیخ مفید سبب اصلی خودداری سعد از یاری امام علی علیه السلام را حسد دانسته و می نویسد: این موضوع از آنجا سرچشمه گرفت که عمر بن خطاب، سعد را هم از اعضای شورای شش نفره قرار داد و شایستگی او را برای رسیدن به خلافت تصویب کرد و سعد هم پنداشت که شایستگی مقام رهبری را دارد و این گمان دنیا و دین او را تباه ساخت و سرانجام هم به آن چه امید بسته بود نرسید. هم چنین بر پایه، روایتی هنگامی که امام علی علیه السلام گفت «سلونی قبل ان یفقدونی»، سعد از تعداد موهای سر و محاسن خود پرسید. حضرت در پاسخ او سوگند یاد کرد که از چیزی پرسیدی که پیش تر رسول خدا به من خبر داده بود، در سر و محاسن تو مویی نیست جز این که شیطان بر پای آن نشسته است و در خانه تو بزغاله ای است که فرزندم حسین را به قتل می رساند فرزندش عمر سعد فرمانده سپاه کوفه در واقعه کربلا بود سعد بین سال های 54 تا 58 قمری از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن شد.

## 69. جنگ خیبر صفحه 51

غزوه خیبر از غزوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم برابر یهودیان منطقه خیبر که در ماه محرم سال 7 هجری قمری آغاز شد و در ماه صفر با پیروزی مسلمانان پایان یافت شکل گیری این جنگ به این سبب بود که یهودیان خیبر به یهودیان اخراج شده از مدینه پناه دادند و برخی از قبایل عرب را برای جنگ با مسلمانان تحریک کردند مسلمانان در این جنگ پیروز شدند و بنابر صلح نامه ای قرار شد جنگجویان یهودی با زن و فرزند منطقه خیبر را ترک کنند. اما به درخواست دوباره یهودیان، پیامبر به آنان اجازه داد در منطقه خیبر بمانند و زراعت کنند و نیمی از محصول را بردارند رشادت های حضرت علی علیه السلام در فتح برخی قلعه های خیبر، از نکات مهم این غزوه است.

گفته شده است نخستین قلعه خیبر که پیامبر فتح نمود، ناعم بود. این قلعه خود متشکل از چند دژ بود و پیامبر برای حمله به آن ها یاران خود را صف کرد. یهودیان مسلمانان را تیرباران کردند و یاران پیامبر خود را سپر آن به حضرت قرار دادند. آن روز پیامبر پرچم سفید خود را به دوتن از مهاجران (در روایت ابن اسحاق ابوبکر و عمر) و سپس مردی از انصار داد، اما آنان یکی پس از دیگری بی آن که کاری از پیش برند بازگشتند. پیامبر فرمود: «فردا پرچم را به کسی خواهم داد که خدا و رسولش او را دوست می دارند و خداوند به دست او فتح را نصیب مسلمانان خواهد کرد و او گریزنده نیست.» صبح روز بعد پیامبر حضرت علی را که دچار چشم درد بود، با اعجاز شفا داد و پرچم را به وی سپرد.

طبق روایتی، دیگر بزرگترین شدیدترین و استوارترین قلعه خیبر قموص بود و پیامبر پرچم فتح آن را به قبل حضرت علی داد و علی با قتل مرحب که این قلعه به نام او نیز خوانده میشد این قلعه را فتح کرد. به روایت ابورافع کنار در قلعه مردی ضربه ای به حضرت علی زد سپر از دست ایشان افتاد و ناگزیر دری را که نزدیک قلعه بود، سپر خود قرار داد و پیوسته با آن جنگید تا آن که خداوند قلعه را به دست او گشود و مژده فتح (قلعه مرحب) را برای پیامبر فرستاد گفته شده است پس از آن، آن چهل یا هفتاد تن توانستند آن در را بردارند. فتح سرنوشت ساز خیبر به دست علی علیه السلام از فضائل و مناقب آن حضرت به شمار می رود که راویان بر آن اتفاق دارند. پس از قتل این شجاعان یهود و شماری دیگر از آنان

ص: 162

که همگی در قلعه ناعم بودند، فتح کامل خیبر آسان شد.

وقتی خیبر فتح شد و یهودیان در برابر مسلمانان تسلیم شدند خبر سقوط خیبر (که قدرت قابل ملاحظه ای داشت) به یهودیان ساکن در قلعه ها و مزارع فدک رسید و از این رهگذر رعب و وحشتی در دل آنان افتاد و پیش از آن که سپاه اسلام راهی فدک شوند، نمایندگان نزد پیامبر فرستاد. نافع فرستادند و به تسلیم و مصالحه با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم راضی شدند. صلح یهودیان با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به این که نیمی از حاصل باغات و اراضی فدک را به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بدهند و در فدک بمانند و از طرفی امنیت و مالکیت آن ها بر بقیه دهکده و املاک منطقه محفوظ باشد.

70. مُرازم صفحه 52

مُرازم بن حکیم ازدی مدائنی از رویان امام صادق و امام کاظم علیه السلام است مُرازم همان کسی است که وقتی منصور، امام ششم را به حیره احضار کرد به اتفاق خدمت کار امام همراه آن بزرگوار بود و پس از آن که خلیفه امام را مرخص کرد و او شبانه از حیره باز می گشت، عاشر از کارگزاران خلیفه جلوی امام را گرفت و از حرکت حضرتش ممانعت کرد مُرازم از امام اجازه خواست که به کمک مصادف عاشر را بکشد و شر او را کم کند؛ لکن امام اجازه نداد و آن قدر با عاشر کلنجار رفت تا پاسی از شب گذشت و سرانجام او را راضی کرد. آن گاه امام فرمود: این بهتر شد یا آن چه شما می خواستید انجام دهید؟! این داستان و امثال آن دلیل بر شدت علاقه و میزان محبت مُرازم نسبت به مقام امام خویش است و راستی او در هر حال مطیع امام زمان خویش بوده است.

نجاشی می نویسد: مُرازم و بردارش بار ها گرفتار مزاحمت های هارون عباسی می شدند. یک بار خلیفه این دو برادر را همراه عبد الحمید غواص که او نیز از اصحاب و یاران صادقین علیها السلام بوده دستگیر کرد. از قضا عبد الحمید به دست هارون کشته شد ولی آن دو برادر جان سالم به در بردند مُرازم در زمان حیات امام رضا علیه السلام کشته شده است.

71. نافع بن هلال صفحه 56

نافع بن هلال بَجَلی یا نافع بن هلال جَمَلی، صحابی امام علی و از شهدای کربلا. او در جنگ های جمل صفین و نهروان شرکت داشت. نافع در عذیب هجانان به کاروان امام حسین پیوست. او در سخنانی حمایت و وفاداری خود را نسبت به امام حسین علیه السلام نشان میداد. پس از این که به دستور عمر بن سعد آب را بر اردوگاه امام حسین علیه السلام بستند، امام حسین علیه السلام حضرت ابو الفضل را شبانه با سی سوار و بیست پیاده از جمله نافع بن هلال به سوی فرات برای آوردن آب در جلوی آنان در حرکت بود تا به شریعه فرات رسیدند. صورت بود آنان مقداری آب به خیمه ها رساندند.

در نیمه های شب عاشورا که امام حسین علیه السلام، برای بررسی تپه ها و گردنه های اطراف تنها از خیمه خارج شد؛ نافع آهسته به دنبال ایشان به راه افتاد در راه بازگشت حضرت علیه السلام به نافع فرمود: «آیا نمی خواهی در این شب تار از بین این دو کوه بگذری و جان خودت را نجات دهی؟» نافع خود را به روی قدم های امام علیه السلام انداخت گفت شمشیری دارم که به هزار درهم می ارزد و اسبی دارم که به همین اندازه می ارزد پس به آن خدایی که به حضور در رکاب شما، بر من منت نهاد سوگند تا هنگامی که شمشیرم به کار آید هرگز از شما جدا نمی شوم. هم چنین گفته شده است نافع هنگامی که احساس کرد اهل بیت امام حسین نگران وفاداری اصحاب آن حضرت هستند با مشورت حبیب بن مظاهر اصحاب امام را نزدیک خیمه آن حضرت جمع کردند و آنان وفاداری خود را نسبت به امام اعلام کردند. گفته شده است در روز عاشورا پس از آن که عمرو بن قَرظَه انصاری به شهادت رسید برادرش علی که از سپاهیان عمر بن سعد بود



به امام اعتراض کرد و به آن حضرت حمله کرد. اما نافع بن هلال او را مجروح ساخت.

لشکر عمر بن سعد در حمله دسته جمعی نافع را محاصره کرده و هدف تیر و سنگ قرار دادند و بازوان او را شکسته و او را به اسارت گرفتند. شمر و گروهی از یارانش او را نزد عمر بن سعد آوردند. عمر بن سعد به او گفت: «ای نافع وای بر تو چرا با خود چنین کردی؟» نافع در حالی که خون بر محاسنش جاری بود گفت: «پروردگار من از قصد من آگاه است.» «به خدا سوگند، من دوازده نفر از شما را کشتم و خودم را ملامت نمی کنم اگر بازوان من سالم بود نمی توانستید مرا اسیر کنید.» عمر بن سعد به شمر دستور داد تا او را بکشد! نافع به شمر گفت: «به خدا قسم ای شمر! اگر تو از مسلمین باشی بر تو سخت خواهد بود که خدا را ملاقات، کنی در حالی که خون های

ص: 163

ما را بر گردن داشته باشی خدا را سپاس می گویم که مرگ ما را به دست بدترین، خلقش قرار داد سپس به دست شمر به شهادت نام نافع بن هلال در زیارت رجبیه امام حسین علیه السلام و زیارت ناحیه مقدسه آمده است.

72. هلال بن نافع صفحه 56

هلال بن نافع نیز در واقعه کربلا حضور داشته ولی جزو سپاهیان عمر بن سعد و از گزارشگران آن واقعه است.

73. حُرّ صفحه 56

حُر بن یزید ریاحی از فرماندهان نظامی کوفه که پیش از واقعه عاشورا مأموریت یافت با سپاه هزار نفری مانع رکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه و هم چنین مانع بازگشت ایشان شود در روز عاشورا حر پس از آن که مشاهده کرد کوفیان بر کشتن امام حسین علیه السلام اصرار دارند به امام پیوست و در دفاع از ایشان جنگید و به شهادت رسید. زمان توبه حرّ تا شهادت وی چندان به طول نینجامید. بنا بر روایتی حراز امام تقاضا کرد که چون نخستین کسی بوده که بر امام خروج کرده، اجازه دهد که نخستین مبارز و شهید باشد. وی بلافاصله پس از پیوستن به امام راهی میدان نبرد شد و پس از گفتگوی دوباره و بی نتیجه با عمر بن سعد و بیان سخنانی در تقبیح رفتار زشت کوفیان، رجز گویان با آنان جنگید و سرانجام، پس از چندین نوبت، نبرد به شهادت رسید. او شجاعانه می جنگید و با این که اسبش زخمی شده بود و از گوش ها و پیشانی آن خون جاری شده بود، همواره رجز می خواند و سواره با دشمنان پیکار می کرد تا این که چهل و چند نفر از دشمنان را به هلاکت رساند حربه سبب پشیمانی از اقدام خود و پیوستن به امام حسین علیه السلام، نزد شیعیان حرمتی خاص دارد. شیعیان حر را نماد امید به قبولی توبه و رستگاری بعد از آن می دانند.

74. عمرو بن قَرظَة صفحه 57

عَمرو بن قَرظَة بن کعب خزرجی انصاری کوفی از شهدای کربلا پدر او از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و امام علی علیه السلام بود. برادر عمرو، در روز عاشورا در سپاه عمر سعد بود. چند روز قبل از عاشورا، امام حسین علیه السلام توسط عمرو بن قرظه به عمر سعد پیغام داد تا شبانه با یکدیگر دیدار کنند. در کتاب لهوف آمده است که عمرو در روز عاشورا از امام حسین اجازه جنگ گرفت و به میدان رفت. نیز نقل شده است که هر تیری به سوی امام پرتاب می شد او خود را سپر قرار می داد تا به امام گزند نرسد. او پیش از جان دادن به امام گفت آیا به عهد خود وفا کردم؟ امام فرمود: آری تو در بهشت پیش روی من هستی سلام مرا به رسول خدا برسان در زیارت ناحیه مقدسه نام او آمده است: «السَّلَامُ عَلَی عَمْرٍو بْنِ قَرظَةَ الْأَنْصَارِی»

75. علی بن قَرَضَه صفحه 56

علی بن قرظه انصاری یکی از سپاهیان عمر بن سعد بود. پس از شهادت عمرو بن قرظه بن کعب انصاری برادرش علی (در کتاب انساب الاشراف از او با نام زبیر یاد شده است.) که از سربازان سپاه دشمن به شمار می آمد ح از صف سپاه خارج شد و پس از جسارت به ساحت مقدس امام علیه السلام و پدر گرامی آن حضرت، خطاب به امام علیه السلام گفت: «ای حسین علیه السلام! برادر مرا فریفتی و او را کشتی!» امام علیه السلام فرمود: «من برادرت را فریب ندادم بلکه خداوند او را هدایت فرمود و توبه گمراهی کشیده شدی.» در این هنگام علی خطاب به امام علیه السلام گفت: خداوند مرا بکشد اگر تو را نکشم و یا به دست تو کشته نشوم!» سپس با نیزه اش به سوی امام علیه السلام حمله ور شد.

یکی از یاران امام علیه السلام به نام نافع بن هلال بجلی پیش دستی کرد و او را به ضرب نیزه بر زمین انداخت دوستان و اطرافیان علی به کمکش شتافتند و او را از معرکه خارج ساختند و به درمانش پرداختند.

76. علامه امینی صفحه 58

عبد الحسین امینی معروف به علامه امینی (1320ق، 1390ق)، نویسنده کتاب الغدیر فقیه، محدث متکلم، مورخ، نسخه شناس و از علمای بزرگ شیعه در قرن 14ق. او علاوه بر نگارش آثار مهم علمی، کتابخانه امیر المؤمنین علیه السلام را در نجف تاسیس کرد که حاوی 70 هزار نسخه خطی است.

علامه امینی فرزند میرزا احمد امینی در سال در تبریز زاده شد. پدرش از ائمه جماعات و از علمای موجه تبریز بود. جدش مولا نجفعلی مشهور به «امین الشرع» بود و از همین رو خانواده او «امینی» خوانده شده اند. عبد الحسین امینی در مدارس تبریز مقدمات علوم را آموخت و پس از فراگرفتن قرآن و مقدمات، به تحصیل فقه و اصول پرداخت و در درس عالمانی چون

ص: 164

سید محمد مولانا مؤلف مصباح السالکین، و سید مرتضی خسرو شاهی و شیخ حسین، مؤلف هدایة الانام حاضر شد.

علامه امینی ظهر جمعه 12 تیر ماه 1349 ش (28 ربیع الثانی 1390 ق) درگذشت. برخی درگذشت او در آثار در 70 سالگی را در حالی که بنیه ای قوی و تنی سالم داشت ناشی از مطالعه، زیاد اشتغال بی وقفه به نوشتن و مراقبت دائم در کار کتابخانه دانسته اند. بامداد شنبه 13 تیر 1349 ش، پیکر او تشییع شد. افزون بر تهران، در شهرهای بغداد، کاظمین کربلا و نجف نیز پیکر علامه امینی تشییع شد و پس از طواف دادن برگرد آستان مقدس علوی به وصیت خود، او در حجره ای از کتابخانه امیر المؤمنین علی علیه السلام که خود بنیانگذار آن بود به خاک سپرده شد. امینی در وصیت نامه اش خواست کسی را نایب او قرار دهند تا ده سال به کربلا برود. وی هم چنین وصیت کرده بود ده سال مجلس عزا در روزهای شهادت فاطمه علیها السلام برگزار کنند.

مشهورترین اثر علامه امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب کتابی است در اثبات امامت و خلافت بلافصل امام علی با استناد به واقعه غدیر و بررسی سند و دلالت حدیث غدیر عبد الحسین امینی چهل سال از عمر خود را برای نوشتن این کتاب یازده جلدی صرف کرده و برای بررسی منابع واقعه غدیر در کتابخانه های، عراق، ایران، هند، سوریه و ترکیه به مطالعه، نسخه برداری و پژوهش پرداخته است. به گفته سید جعفر شهیدی به نقل از خود امینی او برای تالیف الغدیر ده هزار جلد کتاب را از ابتدا تا انتها خوانده است.

77. زرارة صفحه 60

زُرارة بن أَعین بن سَنَسَن شیبانی کوفی (حدود 70 - 150 ق) از اصحاب اجماع و صحابه خاص امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام و از بزرگترین فقها و متکلمان شیعه بود ابن ندیم در الفهرست زراره را بزرگترین عالم شیعه، در فقه، حدیث کلام و شناخت مذهب تشیع دانسته است. نجاشی در رجال خود وی را بزرگ و استاد شیعیان در زمان حیاتش معرفی می کند که قاری قرآن فقیه متکلم، شاعر و ادیب بوده و تمام خصائص دین و مزایای فضیلت در او جمع شده بود و راست گو، مورد اعتماد و در زمان خویش بر همه اصحاب مقدم بود. امام جعفر صادق علیه السلام او را از برترین اصحاب خود برشمرده است. زراره از خاندان آل اعین است که افراد بسیاری از این می فرماید خاندان جزو اصحاب ائمه علیه السلام، راویان بزرگ و فقهای شیعه بوده اند. گویا زراره تألیفات فراوانی داشته؛ اما رجالی، تنها نام کتاب الاستطاعة و الجبر و العهود، ذکر شده است. از زراره حدود سه هزار حدیث نقل شده که حدود 1200 حدیث را به طور مستقیم از امامان نقل کرده است.

78. اسحاق بن عمار صفحه 61

اسحاق بن عمار صیرفی کوفی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام است. علما رجال در حق او گفته اند که او شیخ اصحاب ما است و ثقة است، و او و برادران او یونس و یوسف و قیس و اسماعیل بیت بزرگی از شیعه می باشند و پسران برادرش علی و بشیر پسران اسماعیل از وجوه اهل حدیث می باشند و روایت است که حضرت صادق علیه السلام هرگاه اسحاق و اسماعیل پسران عمار را می دید می فرمود: (وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا لِأَقْوَامٍ)؛ یعنی حق تعالی گاهی دنیا و آخرت را برای بعضی جمع می فرماید.

79. یزید بن زیاد صفحه 66

یزید بن زیاد بن مهاجر (مهاصر) مشهور به ابو الشعثاء کندی از شهدای کربلا بنا بر نقلی او در واقعه کربلا ابتدا در لشکر عمر بن سعد بود ولی وقتی دید پیشنهاد های امام حسین علیه السلام و پذیرفته نشد به سپاه امام پیوست.

او در روز عاشورا سوار بر اسب خود می جنگید و وقتی اسبش پی شد، در برابر امام حسین روی زانو نشست و صد تیر به سوی لشکر عمر سعد پرتاب کرد. پس از هر تیری که می انداخت می گفت: انا ابن بهدله فرسان امام حسین که او را در این حال دید در حق او چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيئَهُ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ؛ خداوند تیرش را به هدف بنشان و پاداش وی را بهشت قرار ده.» وقتی تیر هایش تمام شد برخاست و گفت تنها پنج تیرم به خطا رفت.

ص: 165

عبد الله بن عباس بن عبدالمطلب مشهور به ابن عباس (3 سال پیش از هجرت - 68 ق)، فرزند عباس بن عبدالمطلب و پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و امام علی علیه السلام از صحابه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و یاران سه امام اول شیعیان. ابن عباس حضرت علی را شایسته مقام خلافت می دانست و با خلفای سه گانه نیز همکاری داشت؛ وی در جنگ های، جمل صفین و نهروان به طرفداری از علی علیه السلام حضور یافت و از طرف امام استانداری بصره را بر عهده گرفت. ابن عباس پس از شهادت امام علی علیه السلام مردم را به بیعت با امام حسن علیه السلام فرا می خواند. هنگامی که خطبه امام حسن علیه السلام به پایان رسید ابن عباس در حضور او ایستاد و گفت: ای مردم این فرزند پیامبر تان و جانشین امامتان است؛ با او بیعت کنید.» در تشییع جنازه امام حسن که بنی امیه از دفن او در کنار مرقد پیامبر جلوگیری کردند ابن عباس با مروان بن حکم سخن گفت و مانع از درگیری میان بنی هاشم و بنی امیه گردید. ابن عباس از اصحاب امام حسین علیه السلام نیز بوده است. او هنگام حرکت آن حضرت به عراق در مکه بود. دوبار با امام ملاقات نمود و او را از سفر به عراق بر حذر داشت. روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی از ابن عباس نقل شده است. کتاب تفسیری منسوب به او، بارها به چاپ رسیده است. وی جد خلفای بنی عباس نیز به شمار می آید ابن عباس در اواخر عمر نابینا شد و در مکه زندگی می کرد وی با نبرد عبد الله بن زبیر عبد الملک بن مروان مواجه شد. عبد الله بن زبیر از وی بیعت خواست ولی ابن عباس سرباز زد؛ لذا ابن زبیر وی را به طائف تبعید کرد مشهور این است که ابن عباس در سال 68 هجری و در 70 سالگی در طائف درگذشت و محمد بن حنفیه بر وی نماز خواند و جنازه وی در همان جا دفن شد درگذشت او در 69 هجری نیز گفته اند.

## 81. دَعْبِلُ صفحه 69

دَعْبِلُ بْنُ عَلِيٍّ خُرَازَمِي (148-246 ق)، شاعر شیعه قرن است. دوم و سوم هجری او از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام بوده و محضر امام جواد علیه السلام را نیز درک کرده است. او در زمان حضور امام رضا علیه السلام در مرویه حضور ایشان رسید. زمانی که به خراسان آمد، قصیده تائیه خود را که درباره تاریخ اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و ستم هایی که بر آن ها رفته است سروده و گفته بود که نباید کسی پیش از امام رضا علیه السلام آن را بشنود. او در طعن بسیار تند زبان بود. همین امر باعث می شد تا همواره در حال گریز و سفر باشد. سرانجام طعنعه هایش بر خلفای عباسی باعث کشته شدنش شد. از جمله کتاب های او «الواحدة في مناقب العرب و مثالبها» و «طبقات الشعراء» است. دعبل از زمره روایان حدیث نیز به شمار می آید.

## 82. کتاب «الغدیر» صفحه 71

الْغَدِيرُ فِي الْكِتَابِ وَالسِّيَرَةِ وَالْأَدَبِ، معروف به الغدیر کتابی به زبان عربی با موضوع اثبات امامت و خلافت بلا فصل امام علی علیه السلام در واقعه غدیر، نوشته عبد الحسین امینی کتاب در 11 جلد تنظیم شده و جلد نخست، به بررسی سند حدیث غدیر اختصاص دارد علامه امینی حدیث غدیر را یقین آورترین و متواترترین حدیث منقول از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می داند. وی بدین منظور سند حدیث را از صحابه و تابعان تا علمای قرن چهاردهم قمری با تکیه بر منابع اهل سنت ذکر می کند. او در جلد اول نام 110 تن از صحابه پیامبر و 84 تن از تابعان روایت کننده واقعه غدیر را گرد آورده است. او در شش جلد بعدی، شاعران غدیر را معرفی و اشعار آن ها را نقل کرده است. علامه در جلد های، پایانی ضمن ادامه معرفی شاعران غدیر به برخی از اختلافات شیعه و اهل سنت مثل جایگاه خلفای سه گانه و نقد های شیعیان بر آن ها، فدک ایمان ابو طالب و تحلیل رفتار های معاویه بن ابو سفیان و... می پردازد.

ایشان برای نوشتن این کتاب به کتابخانه های کشورهای مختلف از جمله، هند مصر و سوریه سفر کرده است. چنان که علامه امینی گفته

او بیش از صد هزار کتاب را دیده و بیش از ده هزار کتاب را مطالعه کرده است. نوشتن کتاب الغدیر بیش از 40 سال طول کشیده است. درباره الغدیر کتاب ها و پایان نامه های متعددی نوشته شده است هم چنین موضوعات مطرح شده در الغدیر به صورت یک مجموعه موضوعی در 27 جلد منتشر شده است.

83. میر حامد حسین صفحه 71

سید مهدی ابو ظفر معروف به میر حامد حسین هندی (1306-1246ق) از سادات و علمای شیعه قرن سیزدهم در هند است. میرحامد حسین آثاری در دفاع از تشیع از

ص: 166

جمله چندین ردیه بر کتاب های ضد شیعی نگاشت. مشهورترین کتاب او عبقات الانوار است که آن را با هدف اثبات امامت و دفاع از ولایت امیر المومنین نوشته است. موسسه نور نرم افزار مجموعه آثار میر حامد را منتشر کرده است. این نرم افزار متن کامل 8 عنوان کتاب در 50 جلد از آثار میر حامد حسین و دیگر منابع در موضوع کلام اسلامی به ویژه بحث امامت و ولایت را در بردارد.

#### 84. عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ فِي إِمَامَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ صَفْحَةَ 71

کتاب «عَبَقَاتُ الْأَنْوَارِ فِي إِمَامَةِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ» اثری علمی و تحقیقی به زبان فارسی اثر میر حامد حسین هندی است که در ردّ باب «امامت» کتاب تحفه اثنا عشریه (در ردّ عقاید شیعه) نوشته عبد العزیز دهلوی، نگاشته شد عبقات الانوار بالغ بر صد جلد است.

یکی از عالمان اهل تسنن ساکن هند به نام عبد العزیز دهلوی که به «سراج الهند» شهرت داشت و با 31 واسطه سببش به عمر بن خطاب می رسید و صاحب عبقات او را با عنوان شاه صاحب خطاب می کند کتابی را در ردّ اعتقادات و آراء شیعه مخصوصا شیعه اثنا عشریه منتشر کرد و آن را «تحفه اثنا عشریه» نامید. او در این کتاب بدون ملاحظه حدود و قواعد علم حدیث و بدون در نظر گرفتن جایگاه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و خاندان، او عقاید، اصول، فروع اخلاق و سایر آداب و اعمال شیعه را بدون رعایت آداب مناظره و امانت داری در نقل حدیث، هدف تهمت ها و افتراءات خود قرار داده است.

دهلوی در بخش هفتم کتاب مطالب خود را در دو بخش آورده است:

بخش اول: آیاتی که شیعه با آن ها بر امامت حضرت امیر علیه السلام استناد می کند. در این بخش وی فقط به نقل 6 آیه اکتفا کرده است.

بخش دوم: احادیثی که شیعه در راستای اثبات ولایت امامت روایت می کند در این بخش نیز فقط 12 روایت را مطرح کرده است و در مجموع مستندات شیعه را منحصر به همین 6 آیه و 12 روایت نموده و ادله و اسانید آن ها را مخدوش دانسته است.

عبقات الانوار در نقض و ردّ باب هفتم تحفه در زمینه ادله امامیه بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام نگاشته شده است. مؤلف در این کتاب می کوشد تا فلسفه امامت را روشن کند و نشان دهد که اسلام آن دینی نیست که در دربار خلفا مطرح بوده است میر حامد حسین در این کتاب حرف به حرف مدعیات دهلوی را با براهین استوار و مستند نقض کرده است.

شیخ آقا بزرگ پس از بر شمردن تألیفات میر حامد حسین می نویسد: «امری عجیب است که میر حامد حسین این همه کتاب های نفیس و این دایرة المعارف های بزرگ را تألیف کرده است در حالی که جز با کاغذ و مرکب اسلامی (یعنی کاغذ و مرکبی که در سرزمین های اسلامی و به دست مسلمانان تهیه می شده است) نمی نوشته و این به دلیل تقوای فراوان و ورع بسیار او بوده است. اصولا دوری وی از بکار بردن صنایع غیر مسلمانان مشهور همگان است.

#### 85. سَفِينَةُ الْبَحَارِ صَفْحَةَ 71

کتاب «سَفِينَةُ الْبَحَارِ وَ مَدِينَةُ الْحَكَمِ وَ الْأَثَارُ مَعَ تَطْبِيقِ النَّصُوصِ الْوَارِدَةِ فِيهَا عَلَى بَحَارِ الْأَنْوَارِ» معروف به سَفِينَةُ الْبَحَارِ، یکی از جوامع حدیثی شیعه نوشته شیخ عباس قمی مؤلف، با هدف ارائه فهرستی موضوعی و مرتب شده بر اساس الفبا احادیث کتاب بحار الانوار مجلسی را در بیش از 1700 موضوع دسته بندی کرده است چنان که محدث قمی در مقدمه کتاب آورده بسیاری از مطالب بحار الانوار در جای مناسب خود ذکر نشده، به همین دلیل به تالیف این مجموعه پرداخت تا پژوهشگران را در رسیدن به مقصود یاری کند.



موضوعات کتاب به ترتیب حروف الفبا و براساس ماده و ریشه ثلاثی مجرد موضوع مرتب شده است. خواننده به آسانی می تواند به بیش از 1700 موضوع دست یابد که هر کدام شامل مدخل های گوناگون و متعددی هستند. یکی از ویژگی های مهم سفینه البحار آن است که مؤلف در یک موضوع به همان باب اکتفا نکرده و نکات مرتبط با موضوع مرتبط را از سراسر بخش های دیگر یافته و ارجاع و داده است

86. شیخ آقابزرگ تهرانی صفحه 71

محمد محسن بن علی منزوی تهرانی معروف به آقابزرگ تهرانی (1293ق-1389ق) فقیه و کتاب شناس شیعی امامی بود از او آثار متعددی به جا مانده است که مهم ترین آن ها دو کتاب دائرة المعارفی الذریعة الی تصانیف الشیعة در معرفی کتاب ها و آثار شیعه و طبقات

ص: 167

اعلام الشیعه در شرح احوال و آثار عالمان و رجال شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم قمری است.

شیخ آقا بزرگ پس از یک بیماری طولانی 13 ذی الحجه 1389ق، در نجف درگذشت و بر طبق وصیتش، در کتابخانه خود که آن را برای استفاده علما و طلاب وقف کرده بود، به خاک سپرده شد.

87. جرجی زیدان صفحه 71

جرجی زیدان (1278ق در بیروت، 1332ق در قاهره) نویسنده و روزنامه نگار مسیحی لبنانی مؤسس نشریه الهلال و نویسنده 23 رمان تاریخی که درباره تاریخ اسلام و شیعه نیز آثاری از خود به جای گذاشت. او در کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة، نقش شیعه در بنای فرهنگ اسلامی را بسیار اندک شمرد. وی در زمان «17 رمضان» به اوضاع آشفته کوفه و ماجرای شهادت امام علی علیه السلام می پردازد کتابی نیز با عنوان «غاده کربلا» در مورد شهادت امام حسین علیه السلام و ماجرای کاروان اسیران کربلا جرجی زیدان رمانی با نام «عذراء قریش» درباره ماجرای قتل عثمان و ولایت امام نوشته است و در آن به دلایل قتل عثمان و نیز ولایت امام علی علیه السلام پرداخته و آشوب هایی را که در پی این حوادث به وجود آمده توضیح داده است. هم چنین از ماجراهای جنگ جمل و صفین و ماجرای حکمیت و ادعای خلافت معاویه و خروج مصر از تحت ولایت امام علی علیه السلام، مطالبی آورده است. از نقاط حائز اهمیت این روایت تاریخی تبیین و ترسیم چهره ای کاملاً منطبق با انتظارات شیعیان از امام علی است. جرجی زیدان در توصیف های خود از امام علی علیه السلام، گویا ایشان را تجسم مسیح یا هم تراز با ایشان می دانست و نمی توانست یکی از آن ها را بر دیگری ترجیح دهد: «اگر بگویم مسیح از علی علیه السلام بالاتر است عقلم اجازه نمی دهد، و اگر بگویم علی علیه السلام از مسیح بالاتر است دینم اجازه نمی دهد.»

کتاب های تأسیس الشیعه نوشته سید حسن صدر المراجعات الریحانیه نوشته محمد حسین کاشف الغطاء و الذریعه اثر آقا بزرگ طهرانی در رد ادعای زیدان و در دفاع از شیعه نگاشته شد.

88. علامه طباطبایی صفحه 72

سید محمد حسین طباطبایی (1281 - 1360ش) مشهور به علامه طباطبایی، مفسر، فلیسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس قرن 14ق. وی از عالمان تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در قرن 14ش بود. وی نویسنده تفسیر المیزان، و کتاب های فلسفی بیدایة الحکمة و نهایة الحکمة، و اصول فلسفه روش رئالیسم است.

علامه، در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق دانش تفسیر در حوزه قم شد. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود در دوران تعطیلی درس فلسفه با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. بسیاری از مدرسان بعدی فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بودند. شاگردان او همچون آیات عظام مطهری، جوادی، آملی، مصباح یزدی و بهشتی را می توان جزو مؤثرترین و معروف ترین روحانیان شیعه در ایران در چهار دهه پایانی قرن 14ش دانست نشست های علمی او با هانری کربن فیلسوف و شیعه شناس فرانسوی زمینه ساز معرفی تشیع به اروپاییان شد.

درباره شخصیت او کتاب های متعددی منتشر شده و چندین همایش برای معرفی اندیشه های او برگزار شده است یک مجموعه مستند تلویزیونی با نام حدیث سرو نیز با هدف شناسایی شخصیت او ساخته شده است.

در تهران یک دانشگاه به نام او نام گذاری شده است.

شهید علی قدوسی داماد اوست.

وی در روز یکشنبه 24 آبان 1360 ش (18 محرم 1402ق) دنیا رفت جنازه اش فردای آن روز از مسجد امام حسن سید محمدرضا گلپایگانی بر پیکرش نماز خواند و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد

89. شیخ طوسی صفحه 72

محمد بن حسن بن علی بن حسن (385-460 ق)، مشهور به شیخ طوسی و شیخ الطائفه (به معنای بزرگ، قوم بزرگ شیعیان) از بزرگترین محدثان و فقیهان شیعه وی نویسنده دو کتاب التهذیب و الاستبصار از کتاب های چهارگانه حدیثی شیعه است. در 23

ص: 168

سالگی از خراسان به عراق آمد و از اساتیدی چون شیخ مفید، سید مرتضی استفاده کرد خلیفه عباسی کرسی تدریس کلام بغداد را به او سپرد. هنگامی که کتابخانه شاپور در آتش سوخت به ناچار به نجف رفت و در آنجا حوزه علمیه ساخت. شیخ طوسی، بعد از وفات سید مرتضی رهبری و مرجعیت شیعیان را بر عهده گرفت.

نظریات و نوشته های فقهی او مثل نهاییه الخلاف مبسوط، مورد توجه فقیهان شیعه است. التبیان کتاب مهم تفسیری اوست شیخ طوسی در سایر علوم و کتاب های او جزء کتاب های مرجع علوم دینی است. او تحول در اجتهاد شیعی را آغاز کرد و مباحث آن را گسترش داد و در برابر اجتهاد اهل سنت به آن استقلال بخشید. نامدارترین شاگرد او ابو الصلاح حلبی است.

90. تفسیر تبیان صفحه 72

التبیان فی تفسیر القرآن، کتابی در تفسیر قرآن اثر شیخ طوسی (385-460 ق) که آن را اولین تفسیر کامل شیعی دانسته اند. این کتب حاوی تفسیر همه آیات قرآن است و علاوه بر آن از روش های متعدد تفسیری در آن استفاده شده است. این تفسیر از منابع کهن تفسیری به شمار می آید و بسیاری از مفسران شیعه از آن سرمشق گرفته اند. شیخ طوسی در این تفسیر، علاوه بر نقل روایات معصومان علیه السلام، و صحابه با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف آرای مفسران گذشته و معاصران خود را بررسی و ارزیابی کرده است از این رو، برخی این تفسیر را دربردارنده انواع علوم و فنون قرآنی همچون صرف، نحو، اشتقاق، معانی، بیان، حدیث، فقه، کلام و تاریخ دانسته اند.

91. شهید جعفر حیدریان صفحه 76

شهید جعفر حیدریان در سال 1335 در روستای «فردو» از توابع استان قم متولد شد. او در 7 سالگی شاهد غیرت تعصب دینی پدرش در واقعه 15 خرداد 1342 بود. پدر جعفر که «رضا» نام داشت به امام خمینی (ره) عشق می ورزید. او وقتی دستگیری و تبعید امام را شنید، اهالی روستای فردو را علیه شاه شوراند. مردم روستا کفن پوش و شمشیر بدست به رهبری او به طرف قم حرکت می کنند. دست تقدیر الهی صلاح در این دید که جعفر درده سالگی پدر را از دست بدهد و خود مسئولیت سنگین خانواده هشت نفره را بدوش گیرد جعفر که در دوران حوادث و مشکلات زندگی آبدیده شده بود، در اوقات فراغت در درس اخلاق آیت الله مشکینی شرکت می کرد و در مدت کوتاهی به کمالات روحی و معنوی رسید. او با اخذ دیپلم و مطالعات کتب سیاسی و دینی به علم و خود افزود و خود را برای مرحله جدیدی از دوران زندگی آماده کرد. جعفر حیدریان چون با نام امام خمینی رحمه الله علیه و مبارزات سیاسی، او از کودکی آشنا بود در راه اندازی اسلامی مثل رجال و کلام و اصول فقه نیز صاحب نظر بود تظاهرات مردم قم در دوران انقلاب، نقش مؤثری داشت و با سخنرانی های آتشین جوانان قم را به کوه انفجار علیه سلطنت پهلوی مبدل ساخت. او که در تظاهرات قم دستش شکسته بود شب و روز نداشت. هر جا حرکت جدیدی علیه رژیم ستم شاهی بوجود می آمد جعفر از جمله طراحان آن بود انقلاب در آستانه پیروزی بود که امید دل ها از فرانسه به ایران بازگشت. جمعی از جوانان انقلابی در تهران حفاظت امام رحمه الله علیه را در بهشت زهرا علیها السلام به عهده داشتند جعفر نیز در این کار فرماندهی جمعی از جوانان قم را در اختیار می گیرد. انقلاب که به رهبری قائد بزرگ رحمه الله علیه به پیروزی رسید، حفاظت بیت او را در قم، جعفر به عهده گرفت. سپاه که تشکیل شد او به عضویت این نهاد مقدس درآمد و در واحد عملیات در کشف خانه های تیمی منافقین در قم تلاش کرد سپس در واحد آموزش نظامی به تعلیم و آموزش پاسداران همت گماشت. قبل از اعزام به کردستان و مبارزه با اشراک در خطه سنندج، او با دختر خاله اش ازدواج کرد و وی را در میدان غیرت و مردانگی شریک خود نمود.

در سال 1360 جعفر مأموریت پیدا می کند این بار در جبهه جنوب در مقابل متجاوزان عراقی بایستد. قبل از اعزام در زادگاهش سخنرانی می کند و با بیان شیوا و پر صلابتش از انقلاب دفاع می کند و اهداف تجاوز عراق را به کشور اسلامی تبیین می نماید. بعد از سخنرانی و

150 نفر از جوانان غیور روستای فردو به همراهی جعفر به جبهه اعزام می شوند و در محور تپه چشمه در کنار او با متجاوزان بعثی می جنگند دوکوهه شاهد سخنرانی حیدریان در سال 1360 بود دوکوهه گواه است که جعفر در حضور سردار رشید اسلام شهید صیاد شیرازی و جمعی از بسیجیان پاسداران و ارتشیان با خدای خود عهد و پیمان بست که برای بیرون راندن متجاوزان از

ص: 169

کشور اسلامی، تا آخرین نفس بجنگد. جعفر در عملیات فتح المبین فرماندهی محور تپه چشمه را به عهده داشت و شب و روز در جهت پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده و تلاش می کرد اما در این عملیات تیری به پای مبارک او اصابت نمود و خون مطهرش به خاک این منطقه ریخت و خاک با خون او متبرک شد جعفر بعد از این که مورد اصابت تیر قرار می گیرد به پشت جبهه منتقل می شود. اما در بین راه ندای پروردگارش لبیک گفت و در بهشت به جمع بندگان راضی و مرضی و مرضی او پیوست.

92. و الفجر 8 صفحه 77

عملیات و الفجر 8 که از آن به عنوان نبرد اول فاو نیز نام برده می شود. عملیات آبی خاکی بود که در آن نیروهای سپاه پاسداران با غافلگیری نیروهای عراقی از اروندرود عبور کرده و شبه جزیره فاو در جنوب عراق را به اشغال خود درآوردند. این عملیات در ساعت 22:10 روز 20 بهمن 1364 با رمز «یا فاطمه الزهرا» در منطقه خسروآباد تا راس البیشه آغاز گردید. در روز اول عملیات، لشکر 25 کربلا که از رزمندگان استان مازندران تشکیل شده بود موفق شد تا شهر فاو را به تصرف کامل خود درآورد. به گفته حسین علایی این عملیات موفق ترین عملیات جنگ ایران و عراق بود که طی آن دسترسی عراق از آب های خلیج فارس قطع شد در این عملیات نیروهای عراقی از سلاح های شیمیایی استفاده کردند.

93. شهید سید محسن روحانی صفحه 77

حجت الاسلام شهید سید محسن روحانی سال 1340 در خانواده ای اصیل و ریشه دار و مؤمن به دنیا آمد از دوران کودکی، تحت تربیت پدر و مادر خود قرار گرفت. در هفت سالگی، در مدرسه ای که پدرش مؤسس و مدیر آن بود ثبت نام کرد پس از پشت سرگذاردن دوران دبستان به جمع حوزویان پیوست و تحصیل علوم دینی را از مدرسه حقانی آغاز کرد هوش سرشار و استعداد فوق العاده اش از او طلبه ای موفق ساخته بود وی با گذراندن سریع دوره مقدمات و سطح تحصیلات خود را به درس خارج رسانید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور مقابله با توطئه های ضد انقلاب به کردستان، ترکمن صحرا و خرمشهر رفت و با توطئه های خائنانه حزب خلق مسلمان و لیبرال ها به مبارزه پرداخت. ایشان از اوایل جنگ تحمیلی، به جبهه ها شتافت و با سنگر نشینان وادی ایثار در آمیخت. او با تبیین مسایل اسلامی تحلیل موضوعات و مسائل سیاسی در جبهه بر شناخت رزمندگان اسلام می افزود. پس از مدتی فعالیت و تلاش و نشان دادن لیاقت و شایستگی مسئولیت، عقیدتی - سیاسی لشکر 17 علی ابن ابی طالب علیه السلام ایشان پیشنهاد شد اما موافقت نکرد. پس از اصرار زیاد مسئولین، تقال به قرآن زد که این آیه آمد: «و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» (حج / 77) بدین ترتیب بود که در این مسئولیت خدمات قابل توجهی را به رزمندگان اسلام ارائه داد. وی علیرغم حضور در این سنگر نیز از نبرد مسلحانه با دشمن کینه توز غافل نبود.

سرانجام در تاریخ 10 اردیبهشت 1365 در حالی که برای دیدار با رزمندگان اسلام به خط مقدم نبرد می رفت در جزیره مجنون به شهادت رسید و از خاک تا افلاک پرکشید.

در زندگی، به حقیقت و درستی گرایش داشت و این خصیصه از دوران دبستان نیز با وی همراه بود؛ همان گونه که پدر بزرگوارش فرمود: «محسن از بچگی سالم و درست کار بود... من از ایشان خلافتی در محیط مدرسه ندیدم». سیر و سلوک معنوی داشت و انسان دائم الذکری بود، اما معنویات، او نیز آمیخته با مسائل سیاسی بود. پیش از انقلاب با توجه به سن کمی که داشت با همکاری دوستانش اعلامیه ها و نوارهای مهم و حساس ضد حکومت شاه را نقل و انتقال می داد او با مطالعات دقیق و عمیق روزنامه ها و مجلات و کتب معتبر و ارائه نقد و نظر پیرامون مسایل روز نشان می داد که به رشد سیاسی بالایی دست یافته است.

مدرسه علمیه حضرت آیت الله گلپایگانی از مدارس علمیه در شهر قم است این مدرسه که در خیابان ارم و در نزدیکی حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار دارد، توسط سید محمدرضا گلپایگانی از مراجع تقلید شیعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در قطعه زمینی به وسعت متر مربع در کنار مرقد علی بن بابویه قمی و در مقابل قبرستان شیخان تأسیس شد. مدرسه گلپایگانی از مهم ترین مدارس در حوزه علمیه قم به شمار می رود و روزانه بیش از 400 کلاس دروس حوزوی خارج فقه، اصول

و تفسیر در آن برگزار می شود در سمت جنوبی مدرسه یک مسجد با یک گنبد و دو مناره قرار دارد.

## 95. شهید صیاد شیرازی صفحه 77

علی صیاد شیرازی (23 خرداد 1323 - 21 فروردین 1387) فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای عالی دفاع ملی بوده است.

او زاده روستای کبود گنبد شهرستان درگز استان خراسان رضوی بود. صیاد شیرازی از فرماندهان جنگ ایران و عراق بود. او پس از 32 سال خدمت در یگان های مختلف نیروی زمینی ارتش در تهران و مقابل در منزلش به دست اعضای سازمان مجاهدین خلق ترور شد. مراسم تدفین او با حضور مقام معظم رهبری بزرگ ترین بخش آن کشور اتیوپی است. حضرت آیت الله خامنه ای فرمانده کل قوا و جمعی از فرماندهان یگان های مختلف نیروهای مسلح ایران و مردم برگزار شد.

سرلشکر رحیم صفوی فرمانده وقت سپاه پاسداران در حاشیه مراسم یازدهمین سالگرد ترور گفت: بدون شک دستور ترور صیاد شیرازی از یک رده بالاتر به مجاهدین خلق داده شد و شخص صدام این دستور را به مجاهدین خلق داد سرلشکر صفوی افزود: سپاه اسدداران در همان سال اول ترور وی طی یک طرح عملیاتی از ساعت 4 تا 8 صبح تمام مقرهای مجاهدین خلق از پادگان اشرف گرفته تا العماره را با شلیک بیش از هزار موشک و گلوله توپ خانه برد بلند منهدم و تلفات سنگینی را به مجاهدین خلق وارد کرد. به دنبال این عملیات، عراق واکنش شدیدی از خود نشان نداد و تنها به گله مختصری بسنده کرد.

امیر سرتیپ احمدرضا پوردستان فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، دلایل و بهانه های اصلی ترور سپهبد صیاد شیرازی توسط مجاهدین خلق را شکست و ضربه ای دانست که این گروه در عملیات مرصاد در اثر تدابیر و فرماندهی صیاد شیرازی متحمل شده بودند. وی افزود صیاد شیرازی با شناخت خوبی که از منطقه و نیروها داشت به پایگاه کرمانشاه رفت و با بالگرد 214 هوانیروز عملیات شناسایی از منطقه را انجام داد و در نهایت با ساماندهی و تدابیر ویژه خود با کمک و هدایت نیروها ضربه مهلکی در عملیات مرصاد به مجاهدین خلق وارد و مجاهدین خلق را مجبور به عقب نشینی کرد.

## 96. حبشه صفحه 78

حبشه، نام قدیمی سرزمینی در شرق قاره آفریقا که امروزه شامل کشورهای اتیوپی اریتره جیبوتی و سومالی است. قبل از میلاد مسیح در حبشه خاندان مصریان و حمیریان حکومت می کردند در 341 میلادی، دین مسیحیت در این کشور دین رسمی اعلام شد مسلمانان پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه دوبار به حبشه هجرت کردند و مورد حمایت حاکم آنجا قرار گرفتند. در دوره اسلامی چندین امارت اسلامی در حبشه تأسیس شد که از جمله می توان از امارت اوفات نام برد. در قرن چهاردهم هجری قمری به تدریج بخش های مختلف حبشه به شکل کشورهای مستقل درآمد و در حال حاضر بزرگ ترین بخش آن، کشور اتیوپی است.

## 97. عکر مه صفحه 78

عکر مه بن ابی جهل فرزند عمر و ابن هشام (ابوجهل) از جنگجویان و صحابه پیامبر اسلام بود. وی در ابتدا از سرسخت ترین دشمنان اسلام به شمار می رفت. او در جنگ های بدر واحد و خندق در صف مشرکان قرار داشت و پس از فتح مکه به یمن گریخت، اما همسرش



ام حکیم که دختر عمویش (حارث بن هشام) نیز بود پس از مسلمان شدن او را بازگرداند و از رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برای او امان گرفت. هنگامی که او را نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برد حضرت به او گفت مرکب سوار مهاجر خوش آمد. او نیز اسلام آورد و اسلامی نیکو یافت.

عکرمه پس از اسلام آوردن از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم خواست تا بهترین چیزی را که فراگرفته بدو بیاموزد تا آن را بازگوید. رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: شهادت به این که «لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله». عکرمه گفت: به این امر شهادت می دهم و حاضران را بر آن به شهادت می گیریم و ای رسول خدا از تو می خواهم که برایم طلب آمرزش کنی. رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برای او طلب، آمرزش کرد، سپس عکرمه گفت: سوگند به خدا که دو برابر پولی را که برای مقابله با اسلام صرف کردم، در راه خدا خرج می کنم و در برابر هر جنگی که در آن شرکت داشتم بارها می رزمم و تو را ای رسول خدا بر این گفتار به شهادت می گیرم. او در جنگ های رده در یمامه و یمن، شرکت کرد و پیروز شد. سپس در جنگ های دیگر حاضر شد و ولایت مناطقی را در دوره خلافت ابوبکر به عهده داشت.

عکرمه، در عبادت پیوسته کوشا و بدان مشغول بود تا این که در جنگ یرموک در شصت و چهار سالگی شهید شد. هنگامی که برای جنگ با رومی ها وارد صحنه نبرد شد، فریاد زد چه کسی تا پای مرگ عهد می بندد؟ عمویش حارث بن هشام و سهیل بن عمرو با او بیعت کردند و همگی کشته شدند.

98. گالیله صفحه 79

گالیلئوگالیله (15 فوریه 1564 - 8 ژانویه 1642) دانشمند و مخترع سرشناس ایتالیایی در سده های 16 و 17 میلادی بود گالیله در فیزیک نجوم، ریاضیات و فلسفه علم تبحر داشت و یکی از پایه گذاران تحول علمی و گذار به دوران دانش نوین بود. عمده شهرت گالیله به دفاع علمی او از نظریه کوپرنیک بر می گردد کوپرنیک مدتی پیش از گالیله گفته بود که خورشید به گرد زمین نمی چرخد رد فرضیه زمین مرکزی کلیسا که صد هاسال بود همچون سخنی آسمانی تلقی میشد منجر به محکوم شدن گالیله در دادگاه تفتیش عقاید شد؛ و اگر به موقع توبه نکرده بود زنده زنده در آتش سوزانده بود! گالیله هم چنین با تلسکوپیی که خود ساخته بود به رصد آسمان ها پرداخت و توانست جزئیات سطح ماه را مشاهده نموده و مورد مطالعه قرار دهد. هم چنین در زمان او فکر می کردند که برای ادامه حرکت جسم به نیرو نیاز است. اما او با آزمایشی نشان داد که این دیدگاه اشتباه است و این موضوع بعد ها منجر به قانون اول نیوتن شد.

99. عروه بن مسعود صفحه 79

عروه بن مسعود بن معتب بن ثقیف، از صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم، اهل طائف و رئیس و بزرگ این شهر بود و نه تنها در طائف بزرگ و محترم بود بلکه بیشتر مردم حجاز او را به بزرگی می شناختند؛ لذا وقتی که مشرکان مکه پیامبری پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را باور نکردند گفتند: چرا خداوند قرآن را به بزرگ مکه ولید بن مغیره مخزومی و یا بزرگ طائف، عروه بن مسعود ثقفی نفرستاد. قرآن گفته آن ها را چنین بیان می کند «قالوا لولا نزل هذا القرآن علی رجل من القریتین عظیم؛ چرا قرآن بر یکی از دو بزرگ مرد مکه یا طائف فرستاده نشد؟» عروه بن مسعود را در زیبایی به حضرت مسیح تشبیه می کردند و حتی روایتی در این باره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده که فرمود: «عرض علی الانبیاء علیهم السلام فاذا موسی رجل ضرب من الرجال کانه من رجال شنوئه و رایت عیسی بن مریم فاذا اقرب من رایت به شب ها عروه بن مسعود و رایت ابراهیم فاذا اقرب من رایت به شب ها صاحبکم و رایت جبرئیل علیه السلام فاذا اقرب من رایت به شب ها دحیه الکلبی؛ هنگامی که پیامبران را به من نشان دادند حضرت موسی علیه السلام را شبیه مردان قبیله شنوئه دیدم و شبیه ترین افراد به حضرت عیسی علیهم السلام عروه بن مسعود بود و ابراهیم به من شباهت داشت و جبرئیل نیز خیلی زیاد به دحیه کلبی شبیه بود.»

وقتی که عروه از پیروزی مسلمین در سرزمین «تبوک» سال هشتم هجری باخبر شد، تصمیم گرفت، نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رود و ایمان آورد. به همین منظور از شهر طائف حرکت کرد و در راه بازگشت آن حضرت از جنگ تبوک، قبل از این که به مدینه برسد خود را به پیامبر رساند و در محضر آن، بزرگوار اسلام آورد و اجازه گرفت تا به شهر خود برگشته و مردم آنجا را به آئین اسلام و یکتاپرستی دعوت کند. پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم به او فرمود: «می ترسم آن ها دعوتت را قبول نکنند و در این راه جان خود را از دست بدهی!» عروه گفت: آن ها مرا از دیدگان خود بیشتر دوست دارند. من چنان هیبتی در بین آن ها دارم که اگر خفته باشم مرا بیدار نکنند. او از مدینه بیرون رفت و به طائف بازگشت. به محض ورود به شهر مردم را به اسلام دعوت کرد و آن ها را موعظه نمود ولی آنان، او را آزار و دشنام دادند و چون از نزد او رفتند همدستی کردند تا او را بکشند. فردا صبح که او بر فراز خانه اش، اذان گفت. ثقیفیان از هر طرف بارگبار تیر به او حمله کردند و مردی به نام

«اوس بن عوف»، تیری بر اوها کرد و او را از پای در آورد.

در آخرین لحظات عمرش گفت: «مرگ من کرامتی است که خدای متعال به من ارزانی فرمود و پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، مرا از آن آگاه کرد. من خون خویش را به صاحب اصلی پیشکش می دهم تا بدین گونه میان شما را اصلاح کنم.»

سپس نزدیکانش را فراخواند و گفت چون از دنیا رفتم، مرا کنار شهیدانی که همراه رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم قبل از هجرت شهید شده اند به خاک سپارید.» (طبقات ابن سعد ج 6، ص 388) همین که خبر شهادتش به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رسید فرمود: «عروه، مانند صاحب یس است که قوم خود را به خدا فراخواند و ایشان او را کشتند.» (یس / 19-25) بعد از او افراد قبیله ثقیف از کشتن عروه، بسیار نادم و پشیمان شده و هیئتی از بزرگان آن ها، خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

ص: 172

شرفیاب و همگی ایمان آوردند و پسرش «ابو ملیح» نیز اسلام آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم یکی از افراد جوان به نام «عثمان بن ابی العاص بن بشر» را برای ریاست و امارت آن ها انتخاب و او را نماینده مذهبی و سیاسی خود در قبیله طائف قرار داد تا احکام اسلام و قرآن را به آن ها بیاموزد.

100. شهید آل یاسین صفحه 79

نام وی در تفاسیر مختلف از جمله مجمع البیان الکشاف و تفسیر نمونه حبیب نجار آمده است از او با عناوین مؤمن آل یاسین مؤمن یاسین صاحب یاسین و صاحب آل یاسین نیز یاد شده است. او مردی حق گرا دانسته شده که پس از ورود پیامبرانی که رسولان حضرت عیسی دانسته شده بودند بعد از شنیدن دعوت آسمانی شان به آنان ایمان آورد و چون خانه اش در دورترین بخش شهر و در کنار دروازه ای از دروازه های شهر بود با شنیدن خبر تکذیب پیامبران از سوی قوم و تصمیم خطرناک آنان به کشتن ایشان بی درنگ برای یاری رساندن به حق و عدالت و هدایت قوم خود را به آنجا رسانید. ماجرای ایمان او در آیات 20 تا 23 سوره یاسین در قرآن آمده است. مردمان شهری که حبیب نجار را کشتند را مردمان یاسین می گویند که در قرآن با عنوان «اصحاب القرية» از آن ها یاد شده است.

101. ملک سلمان صفحه 80

سلمان بن عبد العزیز آل سعود (زاده 31 دسامبر 1935) معروف به ملک سلمان پادشاه هفتم و کنونی عربستان سعودی، خادم الحرمین الشریفین و رئیس مجلس وزیران عربستان سعودی و رئیس آل سعود است. او بیست و پنجمین فرزند عبد العزیز آل سعود از همسرش حصه و با 5 پادشاه پیش از خود برادر است.

امیر سلمان در طول زندگی سیاسی خود مشاور مخصوص پادشاهان عربستان بوده و نقش ویژه ای در اداره امور داخلی این کشور داشته است. وی از سال 1955 تا 1960 و بار دیگر از سال 1963 تا 2011 سمت استانداری ریاض را داشته است. پس از مرگ سلطان بن عبد العزیز در سال 2011، وزارت دفاع عربستان که همواره در دست ولیعهد بود- به وی سپرده شد. پس از مرگ نایف بن عبد العزیز در 16 ژوئن 2012، سلمان بن عبد العزیز به عنوان ولیعهد عربستان و سومین ولیعهد عبد الله بن عبد العزیز انتخاب شد. پس از مرگ ملک عبد الله، سلمان در 23 ژانویه 2015 رسماً بعنوان پادشاه عربستان سعودی انتخاب شد. در 21 ژوئن 2017 سلمان بن عبد العزیز محمد بن سلمان را به عنوان ولیعهد جدید این کشور معرفی کرد.

102. معاویة بن وهب صفحه 80

شیخ طوسی در رجالش او را از اصحاب حضرت صادق علیه السلام شمرده و در فهرست گفته او کتابی دارد که بزرگان از او نقل کرده اند نجاشی گوید: معاویة بن وهب، ابو الحسن، عربی، خالص ثقه و بر طریق مستقیم بوده. او از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت کرده، و کتابی به نام فضائل «الحج» دارد که ابن ابی عمیر از او روایت می کند.

در کافی، نقل شده که معاویة بن وهب به امام صادق علیه السلام عرض کرد چگونه شایسته است برای ما که با شیعیان و مردمانی که با آمیزش دارند و شیعه نیستند، رفتار کنیم؟ حضرت فرمود نگاه کنید به پیشوایان خود، از آنان که پیروی می کنید هر طور آنان رفتار کنند، شما نیز همان گونه رفتار کنید؛ به خدا سوگند، آنان بیماران شان را عیادت می کنند و بر سر جنازه های شان حاضر گردند و برای آنان گواهی و شهادت دهند و امانت های آنان را به آنان رد کنند.

قاسم بن هارون یکی از فرزندان هارون الرشید خلیفه عباسی بود که در طی تعیین نظام جانشینی توسط هارون به جهت سفارش شخصی به نام عبدالملک بن صالح به عنوان جانشین مأمون تعیین شد و ابقا و خلع او نیز به مأمون واگذار شد هارون نیز در هنگام تقسیم سرزمین های امپراتوری میان سه فرزند خود امارت سرزمین جزیره و قلاع و بعضی از مناطق آذربایجان و روم را به قاسم اهدا کرد. پس از وفات هارون و سلسله کشمکش هایی که میان امین و مأمون در جهت جانشینی وی صورت گرفت امین در سال 194 هجری / 809 میلادی، قاسم را نیز از حکومت جزیره برکنار کرد و به بغداد فرا خواند. امین هم چنین پس از عزل مأمون از جانشینی خود، قاسم را نیز از جانشینی عزل نمود.

به طوری که واعظ سبزواری در کتاب «جامع النورین»

ص: 173

ذکر فرموده که هارون الرشید بیست و یک پسر داشت سه نفر از آن ها را پشت سر هم ولیعهد کرده بود یکی محمد امین یکی مأمون یکی قاسم مؤتمن احوال پسرش را صاحب کتاب ابواب الجنان خوب نوشته. می گوید هارون الرشید را پسری به زیور صلاح آراسته و گوهر پاکش از صلب آن ناپاک چون مروارید از آب تلخ و شور برخاسته، فیض مجالست زهاد و عباد آن عصر را دریافته بود و از تأثیر صحبت ایشان روی دل از خواهش زخارف دنیوی برتافته طریقه پدر و آرزوی سریر و افسر را ترک گفته و خانه دل را به جاروب آگاهی از خس و خاشاک اندیشه پادشاهی جاروب کرده از جامه ها غیر کرباس و شال نپوشیدی و خون رغبتش با رنگ اطلس و دیبای دنیا نجوشیدی مرغ دلش را از دامگاه علائق جسته بر شاخ های مطلب بلندی آشیان گرفته بود، پیوسته به گورستان ها رفته و به نظر عبرت نگریستی و بر آن گل زار اعتبار مانند ابر بهار زار زار می گریستی.

روزی وزیر هارون در مجلس بود، در آن اثنا آن پسر که نامش قاسم بود و لقبش مؤتمن آمد بگذرد، جعفر وزیر هارون خندید هارون سنوال کرد که چرا خندیدی؟ گفت: بر احوال این پس تو می خندیدم که تو را رسوا و مفتضح نمود کاش این پسر را خدا به تو نداده بود توبره ننگ است این لباسش و این وضعش که با فقراء و درویش و مردمان نامناسب می نشیند هارون گفت حق دارد به جهت آن که تا حال ما منصبی و حکومتی به او نداده ایم خوبست حکومت شهری را به او واگذار نمائیم. پس امر نمود ملازمان رفته قاسم را حضور هارون آوردند. پس هارون او را زیاد موعظه و نصیحت نمود که چرا چنین رفتار می نمائی؟ من می خواهم تو را به حکومت شهری بفرستم هر کجا را که میل داری خودت بگو. گفت: ای پدر دست از من بدار و چنین خیال کن که مرا نداری و مرا به حال خود واگذار کن و بگذار می خواهم به مشغول شوم. گفتند: مگر می شود که تو در لباس سلطنت باشی و عبادت هم بکنی وزیر صالحی از برای تو قرار می دهم که او به امورات تو رسیدگی کند و خودت مشغول به عبادت باشی گفت: من هرگز این امر را قبول نمی کنم. هارون گفت تو پسر منی چه مناسبت دارد با مردمان بی سروپا راه می روی تو مرا در میان سلاطین سرشکسته کردی. قاسم گفت: پدر توهم در میان مردمان اولیاء الله مرا سرشکسته کردی این همه پسررداری دلت را به آن ها خوش کن اگر دست از من برنداری فرار خواهم کرد از بسکه گفتند و نصیحت کردند آخر سکوت کرد ...

104. هارون الرشید صفحه 81

هارون عباسی معروف به هارون الرشید، پنجمین خلیفه عباسی است که هم عصر با امام موسی کاظم علیه السلام بود. به گزارش تاریخ زندانی شدن امام کاظم علیه السلام، شهادت او و تحت فشار قرار دادن شیعیان در دوران هارون بوده است. 13 سال از دوران امامت امام کاظم علیه السلام، در دوره خلافت هارون سپری شد نقل می کنند هارون در اوایل حکومت خود چندان سختگیری انجام نمی داد؛ ولی کم کم برخورد های او با موسی بن جعفر تغییر کرد. درباره زندانی شدن امام به دست هارون آورده اند که هارون برای حفظ حکومت از طرفی و سخنانی که امام در مخالفت با او می زد، موسی بن جعفر را زندانی کرد نقل می کنند هارون دو مرتبه امام را زندانی کرد که مرتبه اول بعد از مدتی آزاد شد و مرتبه دوم آن از سال 179 تا 183؛ به مدت چهار سال به طول انجامید. در نهایت امام کاظم به دستور هارون به شهادت رسید.

صلح و پرداخت غرامت به سپاه هارون شد. در دوره او شورشهایی علیه حکومت واقع شد که مهم ترین آن قیام یحیی بن عبد الله برادر نفس زکیه بوده است. از دیگر فعالیت های هارون پیش برد علوم و ترجمه متون علمی به ویژه از یونانی به عربی بوده است.

بنا بر برخی منابع تاریخی در پی آشوب های خراسان به عبادت وسیله رافع بن لیث و آرام نشدن منطقه به وسیله نماینده هارون خود خلیفه در سال 192 ق راهی خراسان شد تا منطقه را آرام کند؛ ولی در طوس در روستایی به نام سناباد به علت بیماری در جمادی الاولی سال

193ق در چهل و شش سالگی درگذشت و پسرش صالح نماز میت را بر او خواند. بعد ها محل دفن هارون به بقعه هارونیه معروف شد.  
در سال 203 به خواست مأمون امام رضا علیه السلام در این مکان در کنار هارون دفن شد.

ص: 174

عَدِي بن حاتم طائی (2-67ق.) از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و امیر المؤمنین و رئیس قبیله طیء او پیش از اسلام آوردن بر آیین نصرانیت بود. پدر او حاتم طائی در جاهلیت به سخاوت فراوان مشهور بود. او در دوره خلافت امیر المؤمنین در همه صحنه ها در کنار ایشان بود و در زمان خلافت امام حسن علیه السلام نیز در کنار ایشان ماند. او در برابر معاویه آشکارا بر محبت فراوان خود به امیر المؤمنین تأکید می کرد.

حَنْظَلَة بن اَبی عامر، معروف به غَسِيل الملائکه (شهادت 3ق جنگ احد) از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که در جنگ احد به شهادت رسید. حنظله در میان دوستان و دشمنان از جایگاه خاصی داشت. حنظله از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و برخی از صحابه روایت نقل کرده است. عبد الله فرزند او که از صغار صحابه به شمار می آید فرماندهی واقعه حره را در سال 63 ق عهده دار بود.

حنظله و عبد الله بن عبد الله ابی چندی پس از مسلمان شدن از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم اجازه خواستند تا پدران شان را بکشند. اما پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آنان را از این کار منع کرد؛ سبب این بود که ابو عامر و عبد الله بن ابی منافق مشهور صدر اسلام، پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه به پیامبر حسادت ورزیدند عبد الله بن ابی نفاق ورزید و در مدینه ماند اما ابو عامر به همراه عده ای از جوانان اوس به مکه نزد قریشیان رفت.

براساس منابع حنظله که تازه ازدواج کرده بود، با اجازه پیامبر اکرم، شب پیش از جنگ احد در کنار همسرش ماند و صبح روز نبرد عازم میدان شد پیش از عزیمت حنظله به میدان نبرد همسرش جمیله دختر عبد الله بن اَبی بنابر خوابی که در آن شب دیده و آن را به شهادت شوهرش تعبیر کرده بود چهار تن از خویشانش را به شهادت گرفت که آن شب را با حنظله گذرانده است، زیرا می ترسید بر سر فرزندی که ممکن بود از این وصلت به وجود آید نزاعی در بگیرد حنظله در میدان جنگ بر ابو سفیان چیره شد و خواست سر وی را از تنش جدا سازد، اما شداد بن اسود بن شعوب، حنظله را به شهادت رساند. در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم فرمودند: «فرشتگان او را غسل می دهند» از آن پس حنظله به غَسِيل الملائکه و فرزندانش به بنو غَسِيل الملائکه مشهور شدند.

عبد الله فرزند ابی بن سلول، کنیه اش ابو حباب و از مردم قبیله خزرج و ساکن مدینه بود. پیش از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه، دو طایفه بزرگ این شهر همواره در حال جنگ و اختلاف بودند؛ اما سرانجام به توافق رسیده بودند که عبد الله بن ابی را فرماندار مدینه کنند و همگی بر فرمان او گردن نهند. حتی بنا به روایتی، تاجی نیز برای او آماده کرده بودند؛ اما با مسلمان شدن بسیاری از مردم و هجرت رسول خدا به این شهر، همه مردم گرد پیامبر جمع شدند و عبد الله ناگهان دور خود را خالی دید. این مسئله برای عبد الله بن ابی بسیار سخت بود تا جایی که در همان لحظات نخستین ورود رسول خدا به مدینه با لحنی جسارت آمیز به پیامبر گفت: «فلانی به سوی همان کسانی برو که تو را فریفتند و با تو حيله کردند

و تو را به این جا کشاندند نزد همانان برو و ما را در سرزمین خودمان فریب نده سعد بن عباد و ساطت کرد و علت ناخشنودی او را برای رسول خدا توضیح داد.



با این حال عبد الله به ناچار اظهار مسلمانی کرد؛ اما هرگز در درون دل خود به رسول خدا ایمان نیاورد و همواره موجبات آزار پیامبر را فراهم می کرد. گاه تصمیم به اخراج پیامبر از مدینه می گرفت گاه نقشه قتل او را می کشید و گاه در برابر دستوراتش ایستادگی می کرد خلاصه رئیس منافقان، مدینه، عبد الله بن ابی بود.

سوره منافقون و آیات بسیار دیگری که در مذمت منافقان نازل شده اشاره به رفتار و کردار او دارد فرزندش، حباب از پیامبر اجازه خواست تا اگر چاره ای جز کشتن او نیست خودش سر پدرش را نزد پیامبر بیاورد؛ ولی پیامبر نپذیرفت و از او خواست که هم چنان با اون یکی و خوش رفتاری کند.

پس از مرگ وی رسول خدا به درخواست حباب پیراهن خود را به او داد تا بر عبد الله بپوشاند و بر پیکر وی نماز خواند؛ ولی به جای دعا، وی را نفرین کرد و آتش جهنم را برای او طلب نمود.

ص: 175

صهیونیسم جنبشی سیاسی طرفدار بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل است. این جنبش در اواخر قرن نوزدهم توسط تئودور هرتسل بنیان نهاده شد و توانست با همکاری قدرت های جهانی، در سال 1948م کشور اسرائیل را تأسیس کند. صهیونیست ها با وجود این که حدود 5 درصد از زمین های فلسطینیان را خریده بودند، در زمان اعلام موجودیت 77 درصد از اراضی فلسطین را به تصرف خود درآوردند. علما و مراجع بزرگ شیعه در دوران های مختلف بر علیه صهیونیسم و اشغال فلسطین موضع گرفته اند.

## 109 . مُقَرَّم صفحه 86

سید عبد الرزاق بن محمد موسوی مُقَرَّم (1316-1391ق) مشهور به مَقرم، عالم شیعی قرن چهاردهم هجری. شهرت او به خاطر تألیف کتاب هایی درباره زندگی اهل بیت است. مَقرم حدود 30 کتاب تدوین کرده که نیمی از آن ها منتشر شده و نیمی به صورت خطی باقی مانده است. تقریباً همه آثار او تک نگاری درباره شخصیت های شیعه و ائمه است. مشهورترین اثر او مقتل الحسین (مقتل مَقرم) درباره امام حسین علیه السلام و واقعه کربلاست که به فارسی ترجمه و چندین بار چاپ شده است.

خاندان مَقرم، همگی از اهل علم بوده و نسب شان به امام کاظم علیه السلام می رسد سید عبد الرزاق نزد محمدرضا کاشف الغطاء، شیخ حسین حلی، سید محسن حکیم، آقا ضیاء، عراقی سید ابو الحسن اصفهانی، محمد حسین نائینی و سید ابو القاسم خوئی شاگردی کرد و با شیخ محمد جواد بلاغی دوستی داشت و در نشر آثارش او را یاری کرد. او هم چنین از محمد حسین غروی اصفهانی در فلسفه و کلام بهره برده است. مَقرم در علم انساب هم مسلط بود و برخی کتب نسب را حاشیه زد و در شعر نیز دستی داشت.

از فعالیت های سیاسی وی می توان به همراهی با علمای نجف در اعتراض به دولت پهلوی در واقعه فیضیه قم قتل و جرح برخی از طلاب علوم دینی دانست .

## 110. کتاب مقتل مُقَرَّم صفحه 86

کتاب مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام معروف به مقتل مَقرم نوشته سید عبد الرزاق موسوی مَقرم از عالمان شیعه که به زندگی امام حسین علیه السلام و بررسی قیام و شهادت امام سوم شیعیان و حوادث پس از آن و نتایج واقعه عاشورا پرداخته است. مَقرم تلاش کرده تا از منابع معتبر نقل کند و براساس روشنگری و اقامه دلیل و حجت سخن بگوید و با تفحص و تطبیق و انطباق با اسناد معتبر کتاب را بر مبنای تفکر و روان گویی در ذکر حقایق و رسانیدن معانی بنگارد وی به بسیاری از مقولات بی اساس و ساختگی اشاره می کند و با دلیل، آن ها را ابطال می کند. هم چنین این کتاب در پاورقی های خود دربردارنده یک سری بحث های فقهی و لغوی و ادبی است و تحقیقات متعددی راجع به الفاظ رایج بر زبان راویان ارائه می کند و خواننده از مصادری که مؤلف در تحقیقات و مباحث خود از آن ها استفاده کرده مستفیض می شود در روایت کربلا شخصیت های متعددی اعم از زن و مرد و بچه وجود دارند که گاهی اوقات اسامی آنان با یکدیگر اشتباه می شوند که با توجه به روش مؤلف، همه این مسائل در کتاب مقتل او حل می گردد.

به طور کلی کتاب در هفت بخش تنظیم شده است:

بخش اول: مقدمه ای درباره نهضت امام حسین علیه السلام؛

بخش دوم: داستان کربلا بخش سوم خروج از مدینه؛

بخش چهارم حرکت به سوی عراق؛ بخش پنجم: روز عاشورا؛ بخش ششم: شهادت اهل بیت بخش هفتم: حوادث بعد از عاشورا.

مؤلف در بخش اصلی که مقتل است مطالب خود را از کتب و مقتل های مختلفی چون خوارزمی، شیرالاحزان، نفس المهموم، تذکرة الخواص، تاریخ طبری، ارشاد، المفید لهوف و امالی صدوق جمع آوری کرده و گاه مطالب ضعیف را از کتبی چون اسرار الشهادة نقل می کند. در اثنای کتاب نیز اشعار و مرثی شاعران معاصر را ضمیمه کرده است.

111. ابو حمزه ثمالی صفحه 86

ثابت بن دینار تمالی، مشهور به ابو حمزه ثمالی، راوی، محدث و مفسر امامی قرن دوم و از اصحاب امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بود. ابو حمزه دعایی از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده است که در

ص: 176

سخرهای ماه رمضان خوانده می شود و به دعای ابو حمزه ثمالی مشهور است. این دعای نسبتاً طولانی مضامین اخلاقی و عرفانی والایی دارد و خواندن آن در بین شیعیان متداول است.

نجاشی از آثار ابو حمزه به تفسیر القرآن، کتاب النوادر و رساله الحقوق عن علی بن الحسین علیه السلام اشاره کرده است. برخی معتقدند ابو حمزه ثمالی نخستین دانشمند شیعی است که کتاب تفسیر قرآن را نگاشته است. در تفسیر ابو حمزه، بر خلاف تفاسیر مآثور دیگر احادیث مرسل کم تری دیده می شود. ابو حمزه به اسباب نزول توجه داشته و ضمن توجه به فضائل اهل بیت علیه السلام، از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده و به اجتهاد، قرائت، لغت نحو و نقل آرای مختلف در معنای آیات اهتمام ویژه داشته است.

112 و 133. سعد اموی (سعد الخیر) صفحه 87

«سعد بن عبدالملک» یکی از فرزندان «عبد العزیز بن مروان اموی» است که امام باقر علیه السلام او را «سعد الخیر» می خواندند با این که از خاندان بنی امیه بود مع الوصف او جز اهل بیت دانسته است.

«ابو حمزه ثمالی» می گوید: «خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودیم که سعد الخیر وارد شد و مانند زن بچه مرده شروع گریه کردن» حضرت فرمود: «چرا گریه می کنی؟»، عرض کرد: «چطور گریه نکنم در حالی که من از شجره ملعونه هستم». امام باقر علیه السلام فرمود: «لست منهم، انت منا اهل البیت تو از آنان نیستی، بلکه از ما خاندان هستی»؛ مگر کلام الهی را نشنیدی که فرموده: «فمن تبعنی فانه منی؛ هرکس از من پیروی کند از من خواهد بود.

114. بنی امیه صفحه 87

بنی امیه یکی از تیره های بزرگ قبیله قریش که شماری از ایشان نزدیک یک سده (41 - 132 ق) بر سرزمین های اسلامی حکومت کردند تاریخ سده نخست هجری و حتی مدتی پیش از آن با نام و کارنامه سیاسی اعضای خاندان اموی، به عنوان خلیفه یا هر عنوان دیگری سخت پیوند یافته است. بزرگ خاندان بنی امیه امیه بن عبد شمس است. سلسله بنی امیه با آغاز خلافت معاویه در 41 ق آغاز شد و در 132 ق با شکست مروان بن محمد به پایان رسید در این سال ها 14 پادشاه بر ممالک اسلامی حکم راندند. پس از معاویه بن یزید خلافت امویان به شاخه مروانی انتقال یافت. امویان با نبرد در مرزهای شرقی و مرزهای روم گستره حکومت اسلامی را هر روز وسیع تر می کردند. سرکوب خوارج و شیعیان از سیاست های مستمر امویان بود بنی امیه بارها حرمت مقدسات اسلامی را شکستند و دشمنی دیرینه خود با بنی هاشم را ادامه دادند. پنج امام شیعه در زمان خلافت بنی امیه بودند پس از واقعه عاشورا امامان شیعه سیاست سکوت و تقیه را در برابر امویان به کار گرفتند قیام های عاشورا، زید مختار از جمله قیام های شیعیان علیه ستم بنی امیه بود.

برخی از مفسران شیعه و اهل سنت مراد از شجره ملعونه در آیه 60 سوره اسراء را بنی امیه دانسته اند.

115. عبد الله با هر صفحه 88

عبد الله بن علی بن الحسین معروف به عبد الله با هراز فرزندان امام سجاد علیه السلام است. به علت زیبایی خیلی زیاد به با هر توصیف شده است به گونه ای که مردم را مبهوت وجود ایشان می شدند. درباره نام مادر وی اختلاف است برخی منابع مادر او را فاطمه دختر امام حسن علیه السلام دانسته اند که بر اساس آن، عبد الله برادر کرد به پدری و مادری امام باقر علیه السلام است. به گفته برخی منابع مادر او کنیز بوده است.

عبد الله متولى صدقات رسول خدا صلى الله عليه و اله و سلم و صدقات امير المؤمنين عليه السلام بود. وی فقیهی فاضل بوده و با واسطه پدرانش روایات بسیاری را از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل کرده است. نقل شده است که وی در سن 57 سالگی از دنیا رفت. قبری در قبرستان باب الصغیر دمشق به وی منسوب است.

116. علی بن جعفر صفحه 89

علی بن جعفر فرزند امام جعفر صادق علیه السلام و برادر کوچک امام موسی کاظم علیه السلام است بنابراین وی از علمای قرن دوم هجری است. او در نوجوانی پدر خود را از دست داد و در حمایت برادر بزرگوار خود قرار گرفت و معارف اسلام ناب محمدی را از سرچشمه زلال آن فراگرفت. نسبت ایشان را علی بن جعفر عریضی می گویند «عریض» نام محله ای در اطراف شهر مدینه است که ایشان و

ص: 177

فرزندانش در آنجا زندگی می کرده اند و سادات عریضی از طریق وی به امام جعفر صادق علیه السلام منسوب می شوند. علی بن جعفر از یاران با وفای امام موسی کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی علیه السلام می باشد. وی پیوسته در خدمت امام موسی کاظم علیه السلام بود و در سفرهای متعددی نیز در کنار ایشان بوده و علوم فراوانی را از آن حضرت فرا گرفته و محرم اسرار و حافظ اموال آن حضرت به شمار می رفت. در زمان امامت امام رضا علیه السلام همانند سده آهین در برابر واقیقه که يك فرقه انحرافی بودند ایستاد و از امام رضا علیه السلام الان حمایت کرد. در زمان امامت امام جواد علیه السلام در حالی که پیرمردی سالخورده بود به استقبال امام جواد می رفت در حالی که آن حضرت کودکی خردسال بود و بعد از احترام فراوان کفش های آن حضرت را آماده می نمود و وقتی مورد اعتراض واقع می شد استناد به امامت و فضیلت آن حضرت می نمود. علی بن جعفر در سال 203 هجری همراه برادرش محمد بن جعفر علیه السلام در قیام طالبین شرکت کرد و جنگ سختی میان آنان و هارون بن مسیب، حاکم عباسی در گرفت.

تنها کتابی که از ایشان به دست ما رسیده کتاب ارزشمند «مسائل علی بن جعفر» است که سؤالات و جواب های امام موسی کاظم علیه السلام در آن جمع آوری شده است. علی بن جعفر چهار امام را درک کرده و با توجه به شهادت امام جعفر صادق علیه السلام که سال 148 هجری است و امامت امام هادی علیه السلام که 220 هجری است او باید بیش از 80 سال عمر کرده باشد بنابراین نقلی پیکر شریف او را شهر قم دفن کردند و هم اکنون نیز دارای گنبد و بارگاه است و زیارتگاه دوستداران و عاشقان محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد.

117. خوارزمی صفحه 90

موفق بن احمد اخطب خوارزم (484-567 ق)، فقیه، محدث، خطیب، ادیب، مورخ و شاعر سنی مذهب قرن ششم هجری است که «المناقب»، از جمله آثار اوست. از جمله اساتید وی می توان به زمخشری و عمر بن محمد بن احمد نسفی (متوفی 537 ق) و از شاگردان او به ابن شهر آشوب، اشاره کرد.

118. ابن تیمیه صفحه 90

احمد بن عبد الحلیم معروف به ابن تیمیه حرانی (661-728 ق) از علمای اهل سنت و اندیشمند تأثیرگذار سلفی بود ابن تیمیه فتاوا و آراء شاذ و نادر بسیاری دارد و علمای مذاهب عامه و شیعه نقد ها و ردیه های بسیاری بر آثار او نوشته اند بسیاری از دیدگاه های جریان های سلفی از جمله وهابیت در اندیشه های ابن تیمیه ریشه دارد. شهرت ابن تیمیه به دلیل قدرت بیان خشونت در بحث با مخالفان خود مخالفت با علمای زمانه خود بی پروایی در مقابل حاکمان حضور در کارهای سیاسی، اجتماعی و جنگ ها و سختگیری در مسأله امر به معروف و نهی از منکر بوده است. تألیفات ابن تیمیه را بیش از 300 اثر ذکر کرده اند. وی در بسیاری از حوزه های علوم اسلامی از جمله، کلام تفسیر، فقه و حدیث دیدگاه های مستقل و خاص دارد.

برخی از آثار مهم او به شرح ذیل است: کتاب منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة؛ العقیدة الحمویة الکبری؛ الحسبه فی الاسلام السیاسة الشرعیة لاصلاح الراعی و الرعیة؛ العقیدة الواسطیة؛ النصوص علی الفصوص.

ایشان ابن تیمیه محبت به اهل بیت را واجب و سب و لعن آن ها را از مصادیق ظلم قلمداد می کند. وی امام علی علیه السلام را برترین مسلمانان بعد از خلفای اولیه معرفی می کند و معتقد است عالم ترین و افضل اهل بیت بعد از پیامبر اسلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم علی بن ابی طالب است. او برای امام علی علیه السلام صفات حسنه فراوانی از جمله عدالت زهد و صدق بر می شمارد و بر این اعتقاد است که او شهید شد و در بهشت ساکن می شود. ابن تیمیه از سوی دیگر پاره ای از احادیث و اخباری را که در فضیلت اهل بیت

وارد شده است مخدوش و مجعول دانسته است. بر این اساس ابن تیمیه معتقد است امام علی علیه السلام در 17 مورد، خلاف نص قرآن عمل کرده است و جنگ های اونه به خاطر دین خواهی بلکه به خاطر دنیا طلبی و ریاست طلبی بوده است. ابن تیمیه معتقد است که گرچه امام حسین علیه السلام مظلومانه به شهادت رسید اما قیام وی فاقد مصلحت دنیوی و اخروی بوده است. ابن تیمیه قیام عاشورا را عامل ایجاد فتنه های زیادی در امت اسلام و خلاف سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم معرفی می کند وی در مقابل، یزید را از آمریت

ص: 178

شهادت امام حسین علیه السلام میرا می کرد و معتقد بود سر امام برای یزید برده نشد بلکه به سوی ابن زیاد حمل شد.

ابن تیمیه خود را پیرو صحابه، سلف، تابعین و محدثان بزرگ داند و هم چنین عدالت صحابه را از مسلمات دینی و منکر آن را کافر می داند. طبق مبنای ابن تیمیه ملاک صحابی شدن همنشینی با پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است و هیچ فرقی میان کم یا زیاد این همنشینی وجود ندارد. ابن تیمیه شیعیان را منشأ همه فتنه ها در جهان اسلام معرفی می کند و معتقد است جنگ با آن ها از جنگ با خوارج و مغولان مهم تر است. او به دلیل این اعتقاد همراه با مغولان داوطلب جنگ با شیعیان در روزی در منطقه کسروان شد.

119. منهاج السنة صفحه 90

منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة و القدرية كتابي به زبان عربی نوشته ابن تیمیه حرانی (متوفای 728 ق) از فقهای حنبلی در قرن هفتم هجری و یکی از نظریه پردازان سلفیه او این کتاب را در رد بر کتاب منهاج الكرامة في معرفة الامامة نوشته علامه حلی (648ق - 726ق)، فقیه و متکلم شیعه تألیف کرده است. این کتاب بر اساس مبانی ظاهرگرایی سلفیه تدوین شده است. نگاه های نقادانه ابن تیمیه به مبانی کلامی شیعه در این کتاب گاه با دعا های بی اساس و توهین همراه است تا آنجا که در چارچوب این شیوه تلاش کرده منزلت امام علی علیه السلام را مورد تردید قرار دهد و جایگاه وی در میان مسلمانان را تضعیف نماید. روش ابن تیمیه در کتاب منهاج السنة موجب شده تا عده ای از علمای اهل سنت از بی انصافی و شدت توهین او به طرف مقابلش انتقاد کنند.

علامه امینی در کتاب الغدير، سيد محمد مهدی موسوی کاظمی قزوینی معروف به «کشوان»، سراج الدین هندی در کتابی با عنوان اکمال المنة في نقض منهاج السنه سيد محمد حسن ابو المعالي موسوی حائری قزوینی در الامامة الكبرى و الخلافة العظمی و سيد علی حسینی میلانی در کتابی با عنوان دراسات في منهاج السنه لمعرفة ابن تیمیه به شبّهات و استدلال های ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه پاسخ داده اند.

120. اسحاق صفحه 90

اسحاق از پیامبران الهی فرزند ابراهیم علیه السلام و برادر اسماعیل بود او جد بنی اسرائیل بود و پیامبرانی از جمله یعقوب، داوود سلیمان، یوسف و موسی از نسل او بودند. در قرآن کریم به اسحاق و پیامبری اش اشاره شده است. تورات و برخی منابع اهل سنت، اسحاق را ذبیح الله دانسته اند ولی به اعتقاد شیعه، اسماعیل، فرزند دیگر، ابراهیم ذبیح الله خوانده میشود اسحاق در 100 سالگی پدر و 90 سالگی مادرش ساره به دنیا آمد و بشارت دادن خداوند درباره تولد او در قرآن ذکر شده است. اسحاق، پس از وفات برادرش اسماعیل به نبوت رسید.

121. یعقوب صفحه 90

یعقوب یا اسرائیل فرزند اسحاق، نوه ابراهیم علیه السلام و از پیامبران الهی که نام او در قرآن آمده است. در منابع اسلامی برای اثبات جایز بودن توسل به غیر خدا به ماجرای واسطه قراردادن او توسط برادران یوسف نزد خدا استناد شده است هم چنین برخی برای جایز بودن ازدواج هم زمان با دو خواهر قبل از اسلام به ازدواج او با دو خواهر استناد کرده اند. یعقوب در 147 سالگی در مصر درگذشت و طبق وصیتش پیکرش از مصر منتقل و در غار مکفیله در شهر الخلیل (حبرون) فلسطین دفن شد.

122. نسائی صفحه 91



«ابو عبد الرحمن احمد بن علی بن شعیب نسائی»، محدث معروف و مؤلف یکی از صحاح سته اهل سنت در سال 214 یا 215 ق در شهر نساء به دنیا آمد. در خصوص دوران کودکی وی اطلاعات چندانی در دست نیست. منابع تاریخی به مسافرت های وی به شهر هایی چون خراسان، حجاز، عراق، جزیره شام و مصر به منظور کسب دانش و استماع حدیث اشاره کرده اند. «السنن الکبری» سنن نسائی بعد از صحیحین (صحیح بخاری و صحیح مسلم)، به عنوان سومین کتاب حدیثی مهم و مورد توجه اهل سنت محسوب می شود.

در باب علت وفات او در منابع آمده است: «وی به خاطر محبت به حضرت علی علیه السلام جان خویش را از دست داد چراکه وقتی از مصر به شام رفت، از او درباره برتری معاویه بر علی علیه السلام پرسیدند؛ بنا به قولی

گفت: فضیلتی برای او نمی دانم. لذا با مشیت و لگد به جان او افتادند و او را از مسجد بیرون انداختند وقتی مرگ خویش را احساس کرد گفت مرا به مکه ببرید، پس او را به مکه بردند و در آنجا فوت کرد.

سیوطی می نویسد: «از او در خصوص روایاتش در باب فضائل معاویه پرسیدند: گفت من فضیلتی برای او نمی دانم الا این سخن پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم که فرمود: «لا اشبع الله بطنه؛ خدا شکمش را سیر نکند. لذا اهل، شام او را از مسجد بیرون انداختند. وی به رمله رفت و در آنجا مرد سیوطی می نویسد: «و بنا به نقل دارقطنی پس از این ماجرا، درخواست کرد او را به مکه ببرند و در مکه فوت کرد.»

123. ابوسفیان صفحه 91

صخر بن حرب بن اُمیّه، معروف به ابوسفیان، از چهره های مشهور عرب همزمان با ظهور اسلام وی در آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم جزء دشمنان ایشان بود؛ با این همه شدت مخالفت او را از دیگر سران قریش مانند ابوجهل و ابولهب کمتر دانسته اند. او در جنگهای بدر احد و خندق علیه مسلمانان حضوری فعال داشت. ابوسفیان در سال هشتم هجری و پس از فتح مکه اسلام آورد و از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به عنوان والی نجران انتخاب شد. او با خلفای اول و دوم با مماشات رفتار می کرد و از خلافت عثمان حمایت نمود پسر او معاویه نقش سیاسی مهمی در سده اول قمری ایفا کرد و سلسله خلافت اموی را بنیاد نهاد.

124. حدیث منزلت صفحه 92

حدیث منزلت روایتی که جایگاه امام علی علیه السلام را نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم، همانند جایگاه هارون نسبت به حضرت موسی معرفی می کند این حدیث از احادیث مشهور نبوی و مورد قبول عالمان شیعه و اهل سنت است. عالمان شیعه به این حدیث برای اثبات جانشینی حضرت علی علیه السلام پس از پیامبر و نیز برتری موقعیت ایشان بر دیگر اصحاب استدلال می کنند. از نظر عالمان شیعی این حدیث متواتر است. این حدیث در مناسبت های مختلف از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم شنیده شده که مهم ترین آن ها در جنگ تبوک است. مشهورترین نقل این حدیث آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم خطاب به علی علیه السلام فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، الْآ آتَهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي؛ تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود.»

این حدیث علاوه بر فضیلت امام علی علیه السلام، بر خلافت و عصمت ایشان نیز دلالت دارد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، به جز نبوت همه فضائل و ویژگی ها و مناصب هارون را برای حضرت علی ثابت کرده است. بنا بر آیات قرآن حضرت موسی از خدا خواست تا برادرش هارون را وزیر را سخت کتک زدند و وی او سازد و در امر رسالت شریکش گرداند تا یاری اش دهد. خدا با درخواست او موافقت کرد و هارون در غیاب موسی جانشین او شد؛ بنابراین تمام مناصب حضرت موسی برای برادرش نیز بوده است و اگر او بعد از موسی زنده می ماند، جانشین وی می شد (مطابق گفته یهودیان هارون چهل سال پیش از موسی درگذشت). هارون نزد موسی دارای مقام و جایگاه والایی بوده است و از این جا می توان به عظمت مقام امام علی علیه السلام و سزاواری او بر خلافت بعد از رسول اکرم پی برد. با بررسی تشبیه موجود در این حدیث چندین نکته ظریف به دست می آید.

با تکیه بر ماجرای هارون و موسی در قرآن هارون وزیر و شریک موسی در کارش بود پس علی نیز در امر خلافت و ولایت جز نبوت، شریک پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بود. هارون دومین شخصیت بعد از موسی در میان بنی اسرائیل بود، علی هم در میان امت پیامبر

صلی الله علیه و اله و سلم چنین بود. هارون برادر موسی بود و علی به دلیل حدیث مؤاخات، که به تواتر در کتب شیعه و سنی نقل شده برادر رسول خدا بود هارون برترین فرد قوم موسی نزد خدا و پیامبرش بود علی نیز چنین بود. هارون خلیفه موسی در غیبتش به طور مطلق بود علی نیز چنین بود، به ویژه با تصریح پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم که فرمود: «لا ینبغی أن أذهب إلا و أنت خلیفتی؛ شایسته نیست من به جنگ تبوک روم مگر این که تو جانشین من باشی.» هارون عالم ترین فرد قوم موسی بود، علی هم به تصریح پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عالم ترین فرد بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بود. اطاعت از هارون بر یوشع بن نون وصی موسی و امت موسی واجب بود اطاعت از علی نیز با فرض وصایت ابوبکر، عمر عثمان یا هر فرد دیگری بر آن ها واجب بود. هارون محبوب ترین فرد نزد خدا و موسی بود علی نیز این گونه بود. خدا پشت موسی را با برادرش هارون نیرومند و الا محکم ساخت و پشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم را با علی. هارون معصوم از خطا و نسیان بود و علی نیز چنین بود.

فرزند حضرت ابو الفضل عباس بن علی بی ابی طالب. عباس علیه السلام با لبابه دختر عبد الله بن عباس بن عبدالمطلب بین سال های 40 تا 45 قمری ازدواج کرد که شما فرزند ندارید. پس جعفر به بود. فرزندش عبید الله با دختر امام سجاد ازدواج کرد. برخی نویسندگان فرزندان دیگری به نام های حسن قاسم، محمد و یک دختر برای حضرت عباس نام برده اند و گفته اند قاسم و محمد در روز عاشورا پس از پدر شان به شهادت رسیدند.

آن چه همگی تاریخ نگاران بدان تصریح کرده و اتفاق نظر دارند این است که نسل حضرت عباس علیه السلام از طریق فرزند او «عبیدالله» گسترش یافته است. او هنگام حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی کربلا کودک بود ولی بعدها مردی دانشمند و فرزانه در دین و از فرهیختگان دوره ی خود گردید عبید الله با سه زن از زنان پاک دامن و فهیم مدینه به نام های «رقیه» دختر امام مجتبی علیه السلام، دختر معبد «عبد الله بن عباس» و دختر «مسور بن مخزومه ی زبیری» ازدواج نمود و صاحب دو فرزند به نام «عبد الله» و «حسن» شد نسل او نیز از طریق حسن گسترش یافت از این رو باید حسن بن عبیدالله بن عباس علیه السلام را سرشاخه اصلی نوادگان حضرت عباس علیه السلام برشمرد. فرزندان حضرت عباس از مشهورترین تبار علویان بودند و بسیاری از آن ها عالم، شاعر، قاضی و حاکم بودند. گستردگی نسل حضرت عباس از شمال آفریقا تا ایران گزارش شده است. برخی دلیل این گستردگی را مهاجرت فرزندان حضرت عباس به دلیل ظلم حکومت ها عنوان کرده اند.

جعفر بن علی بن ابی طالب پسر امیر المومنین و ام البنین که در واقعه کربلا حضور داشت و به همراه برادرانش عباس عبد الله و عثمان در روز عاشورا به شهادت رسید. امام علی به خاطر علاقه فراوانی که به برادرش جعفر بن ابی طالب داشت، نام او را جعفر نهاد. برخی معتقدند او هنگام شهادت 19 سال داشته که بنابراین پس از شهادت پدر به دنیا آمده است. برخی نیز معتقدند هنگام شهادت 21 ساله بوده که بر این اساس دو سال از عمر خود را در زمان حیات امام علی سپری کرده است.

جعفر از همان ابتدای حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه، با ایشان همراه شد. بنا بر نقل مورخان، عصر روز عاشورا، حضرت عباس برادران خود (عبد الله جعفر و عثمان) را ترغیب کرد تا قبل از او به میدان بروند و گفت: به پیش بروید تا من اخلاص و خیر خواهی شما در راه خدا و که حاصل این ازدواج دو پسر به نام های فضل و عبیدالله رسولش را ببینم چرا میدان رفت و سرانجام خولی بن یزید اصبحی تیری به سوی او انداخت که به شقیقه یا چشم او اصابت کرد و به نقلی هانی بن ثابت حضرمی او را به شهادت رساند. در زیارت الشهداء جعفر بن علی تجلیل شده است: «السَّلامُ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّابِرِ نَفْسُهُ مُحْتَسِبًا وَ النَّائِي عَنِ الْأَوْطَانِ مُغْتَرِبًا الْمُسْتَسْلِمَ لِلْقِتَالِ الْمُسْتَقْدِمَ لِلزَّالِ الْمَكْثُورِ بِالرِّجَالِ؛ سلام بر جعفر بن امیر المؤمنین هم او که در راه خشنودی خدا با جان شکیبایی نمود و در بلاد غربت خود را آماده ی جنگ نمود و برای نبرد پیش رفت مردان جنگی زیادی بر او حمله ور شدند و او را کشتند.»

فاطمه بنت حزام مشهور به أم البنین از قبیله بنی کلاب بانویی ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش، از همسران امام علی علیه السلام و از شخصیت های محترم نزد شیعیان است پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام با برادرش عقیل که در نسب شناسی عرب شهره بود درباره انتخاب همسری که اصیل باشد و فرزندان دلیور و جنگاور بیاورد، مشورت کرد و عقیل، فاطمه بنت

حزام را پیشنهاد کرد که علی علیه السلام با او ازدواج کرد. در مورد زمان ازدواج امام علی علیه السلام با ام البنین اختلاف وجود دارد و در واقع تاریخ دقیقی در این مورد مطرح نشده است. هم چنین در مورد این که او بعد از حضرت فاطمه همسر دوم یا سوم امام بوده است نیز اختلاف وجود دارد؛ اما در خصوص این که او قبل از ازدواج با حضرت علی و بعد از شهادت ایشان با شخص دیگری ازدواج نکرده است اختلافی وجود ندارد در روایات آمده است بعد از گذشت مدتی از ازدواج ام البنین با حضرت علی علیه السلام، ام البنین به امام علی علیه السلام پیشنهاد کرد او را به نام اصلی اش که فاطمه بود صدا زنند، تا حسین علیه السلام با شنیدن نام فاطمه به یاد مادر شان نیفتند از این رو امام علی علیه السلام او را ام البنین [مادر پسران] نامید. او مادر حضرت عباس عبد الله، جعفر و عثمان

است که هر چهار تن در روز عاشورا به شهادت رسیدند. ام البنین در واقعه کربلا حضور نداشت. هنگامی که کاروان اسیران کربلا وارد مدینه شد شخصی خبر شهادت فرزندان را به او داد؛ اما او از سرنوشت امام حسین علیه السلام پرسید. ام البنین وقتی خبر شهادت چهار فرزندش و امام حسین علیه السلام را شنید گفت: «ای کاش فرزندانم و تمامی آن چه در زمین است فدای حسین میشد و او زنده می ماند.» این سخن او را برخی دلیل دلدادگی عمیق او به اهل بیت و امام حسین علیه السلام دانسته اند. ام البنین پس از واقعه کربلا هر روز با نوحه اش عبید الله فرزند عباس به قبرستان بقیع می رفت و در آنجا اشعاری که خود سروده بود می خواند و می گریست. اهل مدینه گرد او جمع می شدند و همراه او گریه می کردند، حتی گفته شده که مروان بن حکم یکی از حاکمان، مدینه نیز با آنان همراه می شد. مدفن ام البنین در قبرستان بقیع است از تاریخ وفات ام البنین اطلاع دقیقی در دست نیست. معروف است که او در 13 جمادی الثانی 64 ق از دنیا رفته و پیکر او در بقیع دفن شده است.

128. عبد الله بن علی صفحه 97

عبد الله بن علی بن ابی طالب (ولادت حدود 35 ق. شهادت در سال 61 ق در کربلا) از شهدای کربلا، فرزند امام علی علیه السلام و ام البنین و از برادران عباس بن علی علیه السلام است. عبد الله از برادرش عباس علیه السلام هشت سال کوچک تر اما از دیگر برادرانش بزرگ تر بوده است. برخی او را اولین شهید از میان برادرانش عنوان کرده اند درباره حضورش در کربلا و شهادتش تردید وجود ندارد؛ چنانچه ابن سعد، ابن قتیبه، طبری، ابو الفرج، خوارزمی، شیخ طوسی و افراد دیگری او را از شهدا قلمداد کرده اند در کیفیت شهادت عبد الله آمده است که چون اصحاب امام حسین علیه السلام و عده ای از اهل بیت علیه السلام او کشته شدند عباس علیه السلام وی را خواست و به او گفت پا به میدان بگذار تا شهادت و شجاعت تو را ببینم و داغ تو را مایه اجر خویش بشمارم زیرا تو را فرزندی نیست. عبد الله اجابت کرد و در مصاف با لشگریان عمر بن سعد تعدادی از آنها را به قتل رساند و در نهایت به شهادت رسید.

برخی قاتل عبد الله بن علی علیه السلام را هانی بن ثبیت حضرمی نوشته اند که ضربتی بر سر عبد الله فرود آورد و او را به شهادت رساند؛ اما قول دیگر قاتلش را خولی بن یزید معرفی می کند که وی عبد الله را با تیری نشانه گرفت پس از آن مردی از بنی تمیم از ابان بن درام او را به قتل رساند.

در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السَّلامُ عَلَی عَبْدِ اللَّهِ عَلَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَبْلَى الْبَلَاءِ وَالْمَنَادَى بِالْوَلَاءِ فِي عَرَصَةِ كَرْبَلَاءِ الْمَضْرُوبِ مَقْبَلًا وَمُدْبِرًا؛ لَعْنُ اللَّهِ قَاتِلَهُ هَانِيَّ بْنَ ثَبِيَّتِ الْحَضْرَمِيِّ.»

129. عثمان بن علی صفحه 97

عثمان بن علی بن ابی طالب (حدود 39 ق - 61 ق در کربلا) از شهدای کربلا فرزند امام علی علیه السلام و ام البنین و از برادران عباس بن علی علیه السلام است. بنا بر برخی روایات

عثمان در هنگام شهادت 21 ساله بوده و فرزندی نداشته است. مدفن او در مقبره جمعی شهدای کربلا در حرم امام حسین علیه السلام است. نام عثمان از اسامی رایج زمان بوده تا جائی که در برخی منابع نام 25 نفر صحابه عثمان ذکر شده است. از سوی دیگر حضرت علی علت این نام گذاری را هم نامی با یکی از صحابه به نام عثمان بن مظعون عنوان می کند.

پس از شهادت یاران غیرهاشمی امام حسین علیه السلام، بنی هاشم به میدان رفتند اولین نفر از فرزندان علی بن ابی طالب، ابوبکر بن علی

بود که به میدان رفت. پس از او بنا به نقلی، عبد الله و جعفر، برادران مادری عثمان الان به میدان رفته و شهید شدند. سرانجام عثمان به میدان رفت. خولی بن یزید اصبحی تیری به پیشانی عثمان زد و او را از اسب به زمین افکند و مردی از بنی دارم سر از تن او جدا کرد. در زیارت ناحیه مقدسه غیر مشهور، نام عثمان بن علی آمده و به علت نام گذاری وی به عثمان نیز اشاره شده است: «السَّلامُ عَلَی عُثْمَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَمِيَ عُثْمَانَ بْنِ مَضْعُونٍ لَعَنَ اللَّهُ رَامِيَهُ بِالسَّهْمِ خَوْلِي بْنِ يَزِيدَ الْأَصْبَحِي الْأَيْدِي وَالْأَبْنِي الدَّارِمِي»

130. عثمان بن مظعون صفحه 97

عثمان بن مظعون (درگذشت 2 ق)، از صحابه و برادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم عثمان بن مظعون در جاهلیت شراب را بر خود حرام کرده بود. او از نخستین مسلمانان بود و به همراه برادرش عبد الله و فرزندش سائب در هجرت به حبشه و هجرت به مدینه و نیز در جنگ بدر حضور داشت. عثمان فردی عابد و مورد توجه پیامبر و حضرت علی علیه السلام بود امام علی علیه السلام یکی از فرزندانش

ص: 182

را به یاد او «عثمان» نام گذاری کرد. او نخستین مهاجری بود که در بقیع دفن شد. پس از درگذشت او پیامبر اکرم پیشانی او را بوسید و فرمود، «چه خوب پیشگامی است سلف ما عثمان بن مظعون. پیامبر محل دفن وی را با مشخص کرد و آن را زیارت می کرد و فرزندانش ابراهیم رقیه و زینب را در کنار او دفن نمود. حضرت علی او را برادر خود می خواند از این رو یکی از فرزندانش را به یاد او «عثمان» نام گذاری کرد. در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «الْسَّلَامُ عَلٰی عُثْمَانَ بْنِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ سَمِي عُثْمَانَ بْنِ مَطْعُوْنٍ؛ سلام بر عثمان پسر امیر مؤمنان، هم نام عثمان بن مظعون»

131. ابو الاسود دؤلی صفحه 101

ظالم بن عمرو بن سفیان مشهور به ابو الأَسْوَدِ دُولِي (در گذشته 69 ق)، شاعر و صحابی مشهور امام علی علیه السلام .

از او به عنوان پایه گذار علم نحو یاد میشود. در آستانه جنگ جمل هنگامی که عایشه به سوی بصره روان شد عثمان بن حنیف او را به همراه فرد دیگری برای مذاکره نزد عایشه فرستاد ابوالاسود در جنگ جمل در سپاه امام علی علیه السلام بود. او در شعر دستی داشت و در مدح و مرثیه امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشعاری سروده است. بر اساس منابع تاریخی وی نخستین فردی است که به اعراب گذاری قرآن اقدام کرد. بیشتر منابع مرگ او را در سال 69 ق در بصره دانسته اند.

132. حَکَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ صفحه 102

ابو محمد حَکَمُ بْنُ عُتَيْبَةَ کندی کوفی. برخی او را از اصحاب امام سجاد علیه السلام شمرده و هم چنین او را از گروه بتریه دانسته اند گروهی از اخبار را در انتقاد و نکوهش او نقل کرده و این که او از جمله منحرفین و گمراهان است ابو بصیر روایت کرده می گوید از ابو جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: حکم بن عتیبه سلمه، کثیر النوی، ابو المقدم و ثمار (یعنی سالم) بسیاری از این گمراهان را به گمراهی کشیدند و اینان از جمله کسانی هستند که خداوند درباره ایشان فرمود: «و من الناس من یقول آمنا باللله و الیوم الآخر و ما هم بمؤمنین» و این روایت دلالت دارد که حکم از ریشه های گمراهی آن زمان بوده است و او از جمله عاملان فاسد کردن عقیده اسلامی و انحراف مسلمانان از راه حق و حقیقت بوده است.

ابن حجر او را توثیق و از او تمجید کرده است و سخنان زیادی در توصیف او گفته است؛ احتمال قوی آن است که ابن حجر تنها به خاطر انحراف وی از ولایت اهل بیت علیهم السلام که طبق نص پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از قرآن کریم سنگی ثقل اکبرند، او را توثیق کرده باشد.

133. برصیصای عابد صفحه 104

بَرَصِیصَا (شخصیتی شبه تاریخی و افسانه ای)، زاهدی متعبد و مستجاب الدعوه که داستان عبرت انگیز او همواره در تفسیر برخی آیات قرآن مطرح شده است.

برصیصا از قوم بنی اسرائیل بوده که عمری به پرستش خداوند و بندگی او سپری کرد و در پرتو ریاضت و یکتاپرستی و عبادت به مقامی رسیده بود که خداوند دعای او را در حق بیماران و دیوانگان و درماندگان مستجاب می کرد و خواسته اش را برآورده می نمود، مردم نزد او می آمدند و او بر ایشان دعا می کرد و شفای آنان را از خدا می خواست و خدا نیز شفا می بخشید.



در بیشتر منابع اسلامی نام برصیصا، در کنار نام بلعم باعورا و شیطان دیده می شود و این امر به سبب شباهتی است که سرگذشت و سرنوشت شوم او با آنان دارد.

داستان برصیصا به صورت های مختلفی نقل شده است شیطان در ابتدا به صورت مردی پارسا و متعبد و نورانی بر او ظاهر شد به طوری که برصیصا او را در مجاهده از خود برتر دید؛ سپس دعا های مخصوص شفای بیماران را به برصیصا آموخت و به قولی دیگر، او را مذمت کرد که چرا از مقام مستجاب الدعواتی خویش برای خدمت به خلق استفاده نمی کند. آن گاه دختری صاحب جمال دختری، چوپان یا شاهزاده خانمی از بنی اسرائیل را بیمار و دیوانه کرد و سپس در دل بستگانش چنین القا نمود که درمان او نزد راهب است. برادر، دختر خواهر بیمار خود را نزد برصیصا آوردند.

راهب از پذیرفتن او سرباز زد، اما آنان با اصرار دختر را به او سپردند و بازگشتند بعد از آن شیطان وسوسه گناه را بر راهب چیره ساخت تا از دختر کام بگیرد، از آن رو که در های توبه همیشه گشوده است. اغواگری های شیطان مؤثر افتاد، برصیصا تسلیم وسوسه های شیطان و مرتکب زنا شد سپس برای رهایی از رسوایی دختر را کشت و زیر درختی مدفون ساخت برادران پس از بازگشت، نخست قول برصیصا را که خواهر شان به مرگ طبیعی مرده

است پذیرفتند؛ ولی شیطان در رویا جنایت راهب را بر آنان آشکار ساخت و آنان به قصد قصاص به سراغ راهب رفتند. زمانی که راهب به مرگ محکوم شده بود، شیطان دوباره بر او ظاهر شد و به او پیشنهاد نجات و رهایی داد به شرط این که او را سجده کند مرد شوریده بخت به این آخرین درجه گناه نیز تن در داد و شیطان را سجده و خدا را انکار کرد آن گاه شیطان با ریشخند از وی تبری جست و برصیصا رانده هر دو جهان گشت.

آری! شهوت پرستی باعث شد تا آن، عابد ابتدا به زنا آلوده شود و سپس قتل نفس انجام دهد و بعد دروغ بگوید و سرانجام مشرک گردد و بدین ترتیب محصول سال ها عبادت او بر باد رفته و نزد خاص و عام رسوا شود.

134. بلعم باعورا صفحه 104

بَلْعَمُ باعورا از عالمان زمان حضرت موسی علیه السلام. بنابر برخی روایات بلعم اسم اعظم خدا را می دانست و مستجاب الدعوه بود اما شیطان او را به انحراف کشاند و گمراه شد. در روایات اسلامی و تورات از بلعم یاد شده است. هم چنین برخی مفسران آیه 175 و 176 سوره اعراف را در مورد او دانسته اند. «وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَى لِمَ أَخَذْنَا مِنْهُ الْبَيْتَ الْبَيْنَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْفَاسِقِينَ» و لو شئنا لرفعناه بها ولكننا أخطأنا إلى الأرض و اتبع هو فمئله كمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآياتنا فأقصدص القصص لعلهم يتفكرون». در این آیات، سخن از حکایت مردی است که به سبب دست یافتن به مراتب نسبتاً بالایی از علم و معنویت، از برخی مواهب خاص الهی برخوردار بوده و می توانسته بر اساس آن به مراتب برتری نیز دست یابد؛ اما پیروی از شیطان و خواهش نفسانی وی را به تکذیب آیات الهی واداشت و در نتیجه او مواهب یاد شده را از دست داد و در جرگه گمراهان درآمد. داستان های مختلفی در مورد بلعم نقل شده است.

135. دعای عدیله صفحه 104

دعای عدیله دعایی است که در آن یک دوره عقاید شیعه بیان شده است. بنابر محتوای این دعا شخص مومن، عقاید خود را با توصیفی که قرائت می کند، در حالت سلامت نزد خداوند به امانت می گذارد و از او می خواهد که در هنگام مرگ آن ها را به او بازگرداند تا با ایمان صحیح از دنیا برود خواندن این دعا نزد محتضر نیز سفارش شده است به اعتقاد حاجی نوری این دعا از معصومین روایت نشده و از نوشته های علماست که خواندن آن به امید ثواب و تثبیت اعتقادات حق اشکالی ندارد.

«عدیله» کلمه ای عربی و از ماده «عدل» به معنای بازگشتن از حق به باطل است و منظور آن است که در وقت مرگ شیطان نزد فردی که در حال جان دادن است حاضر شده تلاش می کند با وسوسه ایمان را از او بگیرد تا انسان با حال کفر از دنیا برود. دعای عدیله برای حفظ ایمان در آن هنگام است. دعاهای دیگری نیز برای این منظور در منابع اسلامی ذکر شده است. وقت خواندن این دعا در طول عمر است تا این اعتقادات در جان شخص تثبیت شود خواندن این دعا بر بالین محتضر نیز سفارش شده بخصوص اگر شخص محتضرم بتواند آن را بخواند و تکرار کند. این دعا در مفاتیح الجنان قبل از دعای جوشن کبیر آمده است. حاجی نوری معتقد است این دعا از معصومین نیست و به قلم عالمان شیعه نگاشته شده است و در منابع روایی وجود ندارد. البته خواندن این دعا به امید ثواب و حفظ اعتقادات صحیح هیچ اشکالی ندارد.

این دعا با شهادت به وحدانیت خدا آغاز می شود و این که تنها دین مقبول نزد خدا اسلام است شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة و أولوا العلم قائمًا بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم. اقرار می کنیم به این که خدایا من بنده ای هستم که در مقابل الطاف بی کران تو کوتاهی

کرده ام خدایی که موانع تکلیف را برطرف کرد تا همه بتوانند واجبات الهی را انجام دهند و راه ترک حرام را نیز آسان کرد اقرار به این که ایمان داریم خداوند رسولانش را فرستاد تا عدل را محقق کنند و نعمت های خدا را برای بندگانش روشن نمایند ایمان به پیامبر خاتم و قرآن نازل شده بر او ایمان به وصی او که در روز غدیر، پیامبر او را نصب کرد ایمان به تک تک ائمه تا امام زمان که انتظارش را می کشیم با بودن او دنیا برقرار است به برکت او هست که آسمان و زمین روزی می خورند به واسطه او زمین پر از عدل و داد خواهد شد. کلامشان بر من حجت است و تبعیت از آن ها واجب مودت آن ها لازم است و پیروی از آن ها نجات بخش و مخالفت شان هلاک

کننده. سوال قبر حق است برانگیخته شدن از قبور حق است... در پایان اظهار می کنیم که این اعتقادات را نزد خدا به ودیعه گذاشته ایم و او بهترین امانت داران است و از او درخواست می کنیم در هنگام مرگ این اعتقادات را به ما برگرداند و به او پناه می بریم از این که در آن لحظات از ایمان به کفر روگردان شویم: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ**.

در کتاب زاد المعاد دعایی با نام «دعای عدیله صغیر» نیز وجود دارد که مختصر همان مضامین را در بردارد: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا...**

136. سید احمد خوانساری صفحه 104

سید احمد خوانساری (1309 - 1405ق) از مراجع تقلید شیعه در قرن 14 ق. او از شاگردان آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، میرزای نائینی و آقا ضیاء عراقی بود. او از معدود مراجعی است که در دوران مرجعیت خود در حوزه های علمیه معروف نبود و قبل از مرجعیت ساکن تهران شده بود. مرجعیت او بعد از درگذشت آیت الله بروجردی آغاز شد خوانساری به پارسایی و ساده زیستی معروف بود. سیره سیاسی وی، دارای فراز و نشیبی بود که به تدریج از مخالفت آشکار با سیاست های رژیم شاه و اعلام صریح مواضع خود به نوعی احتیاط و میانه روی سوق یافت.

137. زیارت آل یاسین صفحه 104

زیارت آل یاسین از زیارت نامه های مشهور امام زمان این است که با جمله «سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ» آغاز می شود و حاوی 23 سلام بر هر یک از عناوین خاص امام زمان است. این زیارت به بخش مهمی از اعتقادات اسلامی و شیعی از جمله، توحید، نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم، امامت یکایک ائمه حقانیت، رجعت، مرگ، نکیر و منکر، قیامت پل صراط بهشت جهنم و... اشاره کرده و ایمان به آن ها برای زائر ضروری خوانده است. زیارت آل یاسین در کتاب های حدیثی مهم و دعایی نقل شده و به تصریح برخی علما، از بهترین زیارت های امام زمان است و می توان در همه اوقات آن را قرائت کرد.

138. نماز وحشت صفحه 104

نماز کَلِيْمَةُ الدَّفْنِ یا نماز شب اول قبر، از نماز های مستحبی که نماز هدیه و نماز وحشت نیز نامیده می شود، برای میت در شب اول قبر از اول شب تا صبح می خوانند و بهترین وقت آن بعد از نماز عشا است.

بنابر منابع فقهی، نماز وحشت را به یکی از دو صورت ذیل می توان خواند:

صورت اول: در رکعت اول یک مرتبه سوره حمد و دو مرتبه سوره توحید (قل هو الله) و در رکعت دوم یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره تکاثر را خوانده و بعد از سلام نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانِ بَنِ فُلَانٍ» (به جای فلان بن فلان نام میت و پدرش را بگوید)

صورت دوم: در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه آية الكرسي و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره قدر بخواند، و بعد از سلام نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانِ بَنِ فُلَانٍ». (به جای فلان بن فلان نام میت و پدرش را ببرد)

فضیل بن عیاض (درگذشت 187ق)، عارف و زاهد مشهور و از رجال صوفیه وی از شاگردان امام صادق علیه السلام بود و از ایشان روایاتی نقل کرده است. اغلب عالمان رجالی شیعه او را از اهل سنت می دانند و در عین حال وی را از راویان موثق و قابل اعتماد به شمار می آورند. گفته اند که وی در ابتدا راهزن بوده؛ ولی در پی حادثه ای توبه کرده است. روایت های مشهور تاریخی درباره داستان توبه فضیل گفته اند: شبی وی به نیت یک زن از دیوار خانه ای بالا رفته بود صدای کسی را شنید که مشغول خواندن این آیه از قرآن بود: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...: آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا نرم و فروتن گردد.» (سوره حدید/16) فضیل با شنیدن این کلام دگرگون شد و فریاد برآورد پروردگارا اکنون زمانش رسیده است. وی در پی این حادثه به گوش های رفت و زهد اختیار کرد. داستان توبه او در منبرهای واعظان زیاد یاد می شود.

ص: 185

عمرو بن العاص (درگذشت 43 ق. / 664 م.) از سرسخت ترین دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم که اندکی پیش از فتح مکه اسلام آورد و زندگی نامه نویسان نام او را در شمار صحابه آورده اند دشمنی او با امام علی علیه السلام و فریبکاری هایش در جنگ با آن حضرت، باعث شده است تا از شخصیت های منفور نزد شیعیان به حساب آید. گفته اند او در طراحی بسیاری از حيله های معاویه علیه امام علی علیه السلام، از جمله پیراهن عثمان دست داشته است. در جنگ صفین از فرماندهان ارشد معاویه بود و طراحی نقشه قرآن به نيزه کردن را نیز به او نسبت داده اند. عمرو عاص در ماجرای حکمیت نماینده شام در مقابل ابو موسی اشعری نماینده کوفه بود. او ابو موسی را راضی کرد که رأی نهایی حکمیت این باشد که هم علی علیه السلام و هم معاویه از خلافت عزل شوند و کار به شورا سپرده شود. روز اعلام نظر ابو موسی طبق قرار نخست به منبر رفت و علی علیه السلام را خلع کرد؛ ولی عمرو بر خلاف قرار، معاویه را به خلافت نصب کرد و بدین ترتیب ماجرای حکمیت به نتیجه ای جز نجات سپاه شام از شکست نیانجامید.

## 141. حجاج صفحه 106

حجاج بن یوسف ثقفی (م 95 ق) حاکم عراق و حجاز در دوران امویان و از دشمنان شیعیان بود. وی در استقرار و تحکیم حکومت اموی جایگاه مهمی داشت. وفاداری حجاج به خاندان اموی و خدمات و کوشش های وی برای حفظ خلافت امویان باعث شد جایگاه والایی نزد آنان بیابد عبدالملک بن مروان هنگام مرگ سفارش او را به فرزندش ولید کرد و یکی از فرزندانش را نیز حجاج نامید. او در تاریخ به خونریزی و ستمگری مشهور است و در کشتن مخالفان چنان زیاده روی کرد که حتی عبدالملک بن مروان نیز این میزان خونریزی را نپسندید. مورخان شمار کسانی را که به دست حجاج به قتل رسیده اند 120000 و به قولی 130000 نفر تخمین زده اند. حجاج بن یوسف، شهر واسط را تاسیس کرد و در آنجا از دنیا رفت.

حجاج روش پیشینیان اموی خود را بر تشویق بر سب و ناسزاگویی به حضرت علی علیه السلام و آل علی علیه السلام ادامه داد و کسانی را که از ایشان اعلام برائت نمی کردند می کشت.

ابن ابی الحدید در توصیف کشتار شیعیان توسط حجاج به نقل از امام باقر علیه السلام می گوید: ... حجاج شیعیان را می کشت و به کوچک ترین ظن و تهمت بازداشت می کرد به حدی که درباره مردی گفته می شد زندیق یا کافر است بهتر بود از این که وی را شیعه علی معرفی کنند.

## 142. قاسط، مقسط و کُردوس صفحه 106

قاسط بن زُهیر بن حرث تغلبی شهادت (61 ق) از اصحاب امام علی علیه السلام و شهدای کربلا. قاسط از سپاهیان امام علی علیه السلام در جنگهای، جمل صفین و نهروان بود او در واقعه کربلا- به همراه برادرانش کردوس و مقسط خود را شبانه به کاروان امام حسین علیه السلام رساند. او در روز عاشورا در حمله نخست لشکریان عمر بن سعد به شهادت رسید و در زیارت الشهداء، از او و برادرش کردوس با عبارت «السلام علی قاسط و کردوس ابني زهير التغلبين» به عنوان شهدای کربلا یاد شده است.

مقسط بن زُهیر بن حرث تغلبی (شهادت 61 ق) از اصحاب امام علی و شهدای کربلا مقسط نیز از سپاهیان امام علی بود، که به همراه برادرانش کردوس و قاسط در روز عاشورا به شهادت رسید در زیارت الشهداء از برادرانش کردوس و قاسط به عنوان شهدای کربلا یاد شده

اما نام وی نیامده است. گردُوس بن زُهیر بن حرث تغلبی (شهادت 61 ق) از اصحاب امام علی علیه السلام و شهدای کربلا. نام های دیگری همچون کرش و کردوش برای او ذکر شده هم چنین پدرش را «عبد الله بن زهیر» نیز گفته اند در زیارت الشهداء از او و برادرش قاسط با عبارت «السلام علی قاسط کردوس ابی زهیر التغلبین» به عنوان شهدای کربلا یاد شده است.

143. کُمیل صفحه 107

کُمیل بن زیاد بن نَهِیک نَحَعی صُهبانی کوفی (12 - در 82 ق) از تابعین و یاران برجسته امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام. وی از نخستین کسانی بود که پیشنهاد خلع عثمان و خلافت علی علیه السلام را مطرح کرد. در دوران حکومت امام علی علیه السلام، مدتی فرماندار منطقه هیت بود. هنگامی که سپاه معاویه هیت را غارت کرد امام علی علیه السلام او را به سبب کوتاهی در دفاع از شهر

ص: 186

سرزنش کرد در منابع شیعه روایات بسیاری از او نقل شده که دعای کمیل مشهورترین آن‌ها است، اما در منابع اهل سنت قلیل الحدیث شمرده و بعضاً از وی بدگویی شده است. از او در زمره زهاد و عباده کوفه یاد کرده‌اند. امام علی علیه السلام از کشته شدن کمیل خبر داده بود. بیشتر مؤرخان مرگ او را در سال 82 ق ذکر کرده‌اند؛ اما طبری درگذشت او را در سال 83 ق و ابن حجر عسقلانی به نقل از یحیی بن معین در سال 88 ق دانسته‌اند. او هنگام مرگ 70 سال داشته است. وی به دستور حجاج بن یوسف ثقفی کشته شد. وقتی حجاج کمیل را فراخواند او متواری شد اما هنگامی که حجاج بر قبیل و خویشاوندان او سخت گرفت کمیل، خود پیش حجاج رفت و پس از گفتگویی بین آن دو حجاج دستور قتل او را صادر کرد. آرامگاه او در نجف در منطقه ثویه (حی الحنانه) نزدیک مسجد حنانه قرار دارد.

#### 144. جنگ نهروان صفحه 107

جنگ نهروان از جنگ‌های دوره خلافت امام علی علیه السلام که بعد از جنگ صفین و در پی ماجرای حکمیت در معاویه به سمت نهروان هدایت کرد صفر سال 38 ق روی داد یک سوی این جنگ گروه موسوم به مارقین یا خوارج بودند. در این جنگ، خوارج شکست سختی از سپاه امام علی علیه السلام خوردند.

پس از آن که در صفین، سپاه معاویه قرآن‌ها را بر سر نیزه کردند و پیشنهاد رجوع به حکم قرآن دادند، علی رغم مخالفت، امام بیشتر سپاهیان خواستار حکمیت شدند تحمل خسارت جانی و خستگی و از سوی دیگر بافت قبیل‌های سطحی نگری اعراب بدوی در سپاه امام نیرنگ دشمن را کارساز کرد. گروهی از یاران امام از همان آغاز با حکمیت مخالفت کردند و آن را به منزله برگشت از دین و شک در ایمان شمردند. برخی نیز بعداً به استناد دو آیه قرآن (سوره مائده، آیه 44 و سوره حجرات آیه 9) خواهان ادامه جنگ با معاویه شدند و پذیرش حکمیت را کفر دانسته و از آن امام خواستند از این کفر توبه کند و شروطی که با معاویه نهاده است نقض کند اما امام نقض حکمیت را نپذیرفت و فرمود: ما چیزی را نپذیرفته ایم که نمی‌توانیم آن را نقض کنیم هم چنین امام علیه السلام درباره حکمیت فرمود: «من از آغاز با این حکمیت مخالف بودم، بعد نیز که به اجبار مردم به آن تن دادم، شرط کردم که اگر آن‌ها به کتاب خدا حکم کردند به حکم‌شان پایبند باشم زیرا در اصل ما حکمیت قرآن را نپذیرفته ایم نه حکمیت مردم را به علاوه امام علیه السلام تصمیم خود را دایر بر ادامه جنگ با شام پس از جمع‌آوری خراج اعلام کرد پس از توقف جنگ صفین و بازگشت امام به کوفه و معاویه به شام مخالفان حکمیت از امام علی جدا شدند و به قریه حروراء نزدیک کوفه رفتند. بدین ترتیب، گروهی به نام خوارج شکل گرفت.

خوارج پس از حکمیت ماندن در کوفه را جایز ندانسته و تصمیم گرفتند به مدائن هجرت کنند، اما برخی از آنان رفتن به مدائن را به دلیل حضور شیعیان امام علی علیه السلام صلاح ندانسته و نهروان را به عنوان مقصد خود برگزیدند.

خوارج در راه نهروان جنایات بسیار کرده و افراد زیادی را به قتل رساندند که از جمله آن‌ها میتوان به عبد الله بن خباب بن ارت که پدرش از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم اسلام بود اشاره کرد خوارج وی را به همراه همسرش و جنینی که باردار بود به روشی بی‌رحمانه کشتند اخبار این جنایات به امام رسید و وی لشکریان را از اردوی جنگ با معاویه به سمت نهروان هدایت کرد و اعتراضات خوارج تا شش ماه پس از صفین ادامه داشت و به همین جهت علی علیه السلام، عبد الله بن عباس و صعصعة بن صوحان را برای گفتگو نزد آن‌ها فرستاد آنان تسلیم خواسته این دو نفر برای بازگشتن به جماعت نشدند. پس از آن امام علیه السلام از آن‌ها خواست تا دوازده نفر را معین کرده و خود نیز همین تعداد را جدا کرده و با آن‌ها به گفتگو نشست. علی علیه السلام نامه‌ای نیز به سران خوارج نوشت و از آن‌ها دعوت کرد که به سوی مردم بازگردند اما عبد الله بن وهب با یادآوری حوادث صفین، تأکید کرد که علی علیه السلام از دین خارج شده و باید توبه نماید. امام پس از این نیز بارها توسط افرادی همچون قیس بن سعد، ابو ایوب انصاری خوارج را به سمت خود فراخوانده، به آن‌ها



امان داد. وی پس از آن که از تسلیم خوارج ناامید توبه کردند. آنان از گردید، سپاه خود را که مشتمل بر چهارده هزار نفر بود در مقابل آن ها قرار داد و نبرد آغاز گردید در حالی که علی علیه السلام تاکید کرد که سپاه وی آغازگر نبرد نباشند تا این که سرانجام نهروانیان جنگ را شروع کردند به دلیل رفتار مسالمت آمیز علی علیه السلام قبل از آغاز جنگ و دادن امان به خوارج و دعوت شان به بازگشت، تعدادی از این سپاه جدا شدند با آغاز جنگ به سرعت تمامی خوارج

ص: 187

کشته و یا زخمی شدند، زخمی ها به تعداد چهارصد نفر به خانواده های شان تحویل داده شدند در مقابل از سپاه علی علیه السلام تعدادی کم تر از ده نفر کشته داشت از اجتماع خوارج در نهروان کمتر از 10 نفر فرار کردند که یکی از آنان عبد الرحمن بن ملجم مرادی قاتل امام علی علیه السلام بود.

145. هانی بن عروه صفحه 109

هانی بن عروه بن غران مرادی ( شهادت در 8 ذی حجه ق ) ، از بزرگان کوفه و یاران خاص امام علی علیه السلام. وی در جنگ جمل و صفین حضور داشت. هانی از ارکان قیام بجر بن عدی در برابر زیاد بن ابیه و از مخالفان بیعت با یزید به شمار می رفت خانه او از زمان ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه مرکز فعالیت های سیاسی و نظامی بود وی نقش مهمی در قیام مسلم بن عقیل داشت. در هشتم ذی حجه سال 60 ق ، پس از شهادت مسلم بن عقیل، و به دستور عبیدالله بن زیاد سراز بدنش جدا کردند. خبر شهادت او در میانه راه کوفه، در منزلگاه زرود به امام حسین علیه السلام رسید. امام بر مرگ او گریست و آیه استرجاع را خواند و برایش درخواست رحمت کرد. هانی را در کنار دار الاماره کوفه به خاک سپردند. آستانه هانی بن عروه هم اکنون از زیارتگاه های شیعیان است .

146. شریح قاضی صفحه 109

شریح بن حارث کندی مشهور به شریح قاضی از چهره های اجتماعی قضایی و تا حدی سیاسی صدر اسلام. به دستور عمر بن خطاب قاضی کوفه شد و عثمان هم منصب قضای او را تثبیت کرد. او در زمان حکومت امام علی علیه السلام به دلیل بعضی قضاوت های نادرست تبعید شد. برخی او را از عوامل اصلی در بسیج مردم کوفه و شام علیه امام حسین علیه السلام می دانند. مورخان مدت قضاوت شریح را از 53 تا 75 سال ذکر کرده اند.

اولین مداخله شریح در آغاز نهضت کربلا، مربوط به بیعت هفتاد تن از بزرگان کوفه :همچون حبیب بن مظاهر، محمد بن اشعث مختار ثقفی، عمر بن سعد و دیگران در حضور شریح و شاهد گرفتن وی بر هواداری آل علی علیه السلام و دعوت از امام حسین علیه السلام برای سپردن حکومت کوفه به او بود ولی صرف نظر از پیمان شکنی بیشتر این بزرگان خود شریح نیز به محض ورود عبیدالله به کوفه در دار الاماره او حضور یافت و بدون در نظر گرفتن تعهد بر وفاداری با آل علی به جرگه مخالفین آن ها پیوست و یکی از مشاورین درگاه عبیدالله گردید و عبیدالله نیز که جهت رسیدن به مقاصد خود به حمایت اشخاصی همچون شریح قاضی که در میان مردم مقدس مآب کوفه از شخصیت ممتازی برخوردار بود نیاز داشت از او استقبال کرد در ماجرای دیگری از نقش شریح به عنوان پیام رسان عبیدالله به قبیله هانی در رابطه با رساندن خبر زنده بودن هانی و پراکنده شدن آن ها از اطراف دار الاماره یاد شده است. هم چنین از شریح به عنوان امانتدار مسلم در محافظت از بچه های حوی نام برده شده و گفته شده است که شریح از ترس تهدید های عبیدالله آن ها را بی سرپرست در شهر رها ساخت تا خطری در این زمینه متوجه او نگردد.

یکی از مهم ترین ابهامات راجع به نقش شریح در جریان نهضت کربلا این است که آیا فتوای شریح مبنی بر وجوب جهاد با امام حسین علیه السلام واقعیت داشته است یا خیر؟ مبنای این تردید مربوط به ضرب المثلی در زبان فارسی است که علامه دهخدا به آن اشاره دارد و در میان مردم به خصوص شیعیان شایع است. البته خود دهخدا نیز تأکید کرده است که این خبر سند ندارد. مترجم کتاب الفین علامه حلی نیز به فتوای شریح اشاره کرده است.

147. عبد الله بن عمر صفحه 109

عبد الله بن عمر بن خطاب یا ابن عمر (3 بعثت - 73 ق) صحابه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم ، فرزند خلیفه دوم و برادر همسر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم. او در ده سالگی همراه پدرش مسلمان شد و پیش از او به مدینه هجرت کرد منابع اهل سنت او را شخصیتی ضعیف و ساده معرفی کرده اند که اعتراض علیه حاکم فاجر را جایز نمی دانست. او با سه خلیفه اول بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بیعت کرد عمر او را به عنوان مشاور برای تعیین خلیفه بعد از خود مشخص کرد عثمان به او قضاوت را پیشنهاد داد اما نپذیرفت. عبد الله در دوران خلافت علی علیه السلام با وجود بیان فضیلت های بسیار برای ایشان، با حضرت بیعت نکرد اما با یزید بن معاویه بیعت کرد. وقتی امام حسین علیه السلام به طرف کوفه می رفت او امام را از جنگ با یزید منع کرد ولی امام نپذیرفت. ابن عمر سرانجام در سال 73 قمری در 84 سالگی درگذشت و در قبرستان مهاجران در منطقه فح دفن شد.

ص: 188

حَسَّان بن ثابت از بزرگترین شاعران عرب قبل از ظهور اسلام و در آغاز دوره اسلامی است. حسان یهودی بود اما با ورود پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه، اسلام آورد. سن او را در زمان اسلام آوردن 60 سال دانسته اند. حسان اهل نبرد نبود و به سبب ترسی که بر وی عارض شد، در هیچ از غزوات شرکت نکرد با وجود این ظاهر خود را چون شیر می آراست و در اشعارش به وصف شجاعت خویش می پرداخت، چنان که باعث تبسم پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می شد.

رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در مورد حسان فرمود: «اللهم ایده بروح القدس؛ خدایا او را مورد تائید روح القدس قرار بده.» به نظر می رسد این گفته به صورت مشروط بیان شده باشد؛ چراکه بسیاری از دانشمندان قائلند پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم درباره او فرمود: «ای حسان تا وقتی که از ما دفاع کنی موید به روح القدس خواهی بود؛ البته این دعا به صورت های مختلفی بیان شده است. پس از به خلافت رسیدن علی علیه السلام، عده ای از بیعت با آن حضرت امتناع ورزیدند، حسان بن ثابت از جمله آنان بود. شیخ مفید می نویسد گروهی از بیعت با علی علیه السلام سرباز زدند مانند عبد الله پسر عمر بن خطاب سعد وقاص، محمد بن مسلمة، حسان بن ثابت و اسامة بن زید حضرت علی علیه السلام پس از امتناع آن ها از بیعت سخنرانی کرد، در بخشی از سخن حضرت آمده است: «... از جانب سعد و مسلمة و اسامة و عبد الله و حسان چیز هائی به من رسیده که آن را خوش ندارم و حق در میان من و ایشان حاکم است.»

اشعار حَسَّان به سبب اشاره به حوادث تاریخی و سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و غزوه های ایشان اهمیت فراوانی دارد و از مآخذ موثق تاریخ صدر اسلام است. سروده او در غدیر خم اولین غدیریه تاریخ اسلام است. حَسَّان با بیش از صد سال زندگی از معمرین مُخَصَّصَرَم (کسی که بخشی عمرش در جاهلیت گذشته باشد و بخشی در اسلام) به شمار می رود که تقریباً نیمی از عمر خود را پس از ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه گذراند. تاریخ وفات وی بین سال های 40 تا 54 نقل شده است.

صَفِیَّه دختر عبدالمطلب (53 قبل از هجرت - 20 ق.) باشید. عمه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم و مادر زبیر بن عوام بود که روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل کرده است. صفیه در برخی غزوات صدر اسلام به مجاهدان کمک می کرد و در غزوه خندق یکی از یهودیان را کشت وی در سال 20 هجری و در ایام خلافت عمر بن خطاب درگذشت و در بقیع دفن شد.

بر قبر صفیه گنبد و بارگاهی در بقیع وجود داشت که به یک دست وهاییان ویران شد.

زُهَیْر بن قَین بجللی از بزرگان قبیله بجیله؛ چند روز قبل از واقعه کربلا به امام حسین علیه السلام پیوست و در روز عاشورا به شهادت رسید. وی از مردان شریف و شجاع شهر کوفه و قوم خود شمرده می شد و به واسطه حضور در جنگ ها و فتوحات بسیار جایگاه رفیعی به دست آورده بود.

زهیر از هواداران عثمان به شمار می رفت. در سال 60 قمری، او و همسرش به همراه برخی از خویشاوندان و اهل قبیله اش هنگام بازگشت از مناسک حج به کوفه، در یکی از منازل بین راه با امام حسین علیه السلام و همراهانش دینوری، این ملاقات در منزلگاه زرود انجام گرفته است.

امام حسین علیه السلام شخصی را نزد زهیر فرستاد و خواستار ملاقات با او شد زهیر در ابتدا تمایلی به این دیدار نشان نداد؛ اما به توصیه همسرش دیلم یا دلهم دختر عمرو

به محضر امام حسین علیه السلام حاضر شد. این دیدار مسیر زندگانی زهیر را تغییر داد. او پس از این ملاقات شادمان نزد خانواده و دوستانش بازگشت و فرمان داد تا خیمه و بار و بینه او را به کنار خیمه امام حسین علیه السلام منتقل کنند. زهیر با همسرش نیز وداع کرد و بنا به نقلی همسرش را طلاق داده و به او گفت: «نزد خانواده ات برگرد زیرا نمی خواهم از سوی من چیزی جز خوبی به تو برسد.» زهیر بعد از وداع با همسرش به همراهانش گفت: «هرکه دوستدار شهادت است همراه من بیاید و گرنه برود و این آخرین دیدار من با شماست. زهیر خاطره ای برای آنان نقل کرد و گفت: زمانی که به جنگ بلنجر رفته بودیم، به پیروزی

و غنایم فراوانی دست یافتیم و بسیار خوشحال شدیم.

سلمان فارسی که همراه ما بود گفت: «آن گاه که سید جوانان آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم را درک کردید از پیکار و کشته شدن در کنار او بیش از دستیابی به این غنایم شادمان باشید.»

در لحظات آغازین جنگ، شمر بن ذی الجوشن با گروهی

از یارانش از پشت خیمه ها به خیمه های امام حسین علیه السلام نزدیک شدند او با نیزه اش به خیمه امام حسین علیه السلام ضربه ای زد و فریاد برآورد آتش بیاورید تا اهلش بسوزانم.» امام علیه السلام با دیدن این صحنه فریاد زد: «ای پسر ذی الجوشن؛ تو آتش می خواهی تا خانه ام را بر خاندانم به آتش بکشانی؟ خدا تو را با آتش بسوزاند.» در آن حال زهیر با ده نفر از اصحابش بر شمر و یارانش حمله بردند و آنان را از آن جا فراری داد در این حمله زهیر ابا عزه ضبابی را که از یاران و خویشاوندان شمر بود به هلاکت رساند.

زمان نماز ظهر وقتی امام علیه السلام همراه جمعی از یارانش، به نماز خوف، ایستادند زهیر بن قین و سعید بن عبد الله حنفی در برابر امام علیه السلام و حدود نیمی از یاران آن حضرت علیه السلام ایستادند تا از نمازگزاران در برابر حملات دشمن محافظت کنند. آنان خود را سپر تیرها و هجمه های دشمنان قرار می دادند تا این که نماز امام علیه السلام و یارانش اقامه شد. نقل شده است او صد و بیست تن از دشمنان را در میدان نبرد به هلاکت رساند. سرانجام زهیر به دست کثیر بن عبد الله شعبی و مهاجر بن اوس تمیمی به شهادت رسید.

امام حسین علیه السلام پس از شهادت زهیر فرمود: «ای زهیر خداوند تو را از رحمتش دور نسازد و خداوند کشندگان تو را لعنت کند و قاتلان تو را همانند لعنت شدگان مسخ شده (بنی اسرائیل) به لعنت ابدی خود گرفتار سازد.»

در زیارت شهدا درباره زهیر بن قین آمده سلام به زهیر فرزند قین بجلی آن که چون امام علیه السلام به او اجازه بازگشت داد در پاسخ گفت: نه به خدا سوگند هرگز فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را که درود خدا بر او و آتش باد ترک نخواهم کرد آیا فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را در حالی که اسیر در دست دشمنان است رها کنم و خود را نجات دهم خداوند آن روز را بر من نیاورد.

#### 151. جنگ تبوک صفحه 118

غزوه تبوک آخرین غزوه رسول اکرم در رجب و شعبان سال نهم هجری در منطقه تبوک بود در این غزوه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم به قصد نبرد با رومیان به منطقه تبوک رهسپار شد؛ ولی برخی از اصحاب و به ویژه منافقان مدینه از حضور در سپاه سرباز زدند یا کوشیدند در دل مسلمانان هراس بیفکنند پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پیش از آغاز سفر، علی علیه السلام را به جانشینی خود در مدینه گمارد سپاه اسلام پس از اقامت چند روزه در تبوک و بدون درگیری با رومیان به مدینه بازگشت درباره غزوه تبوک آیاتی نیز نازل شد و این خانه را با منافقان را رسوا و اهداف و نقشه های بعدی آنان را بر ملا ساخت.

#### 152. کعب صفحه 118

نام وی عمرو بن القین بن سوار است که ابو الفرج اصفهانی در کتاب «الآغانی» سلسله نسب او را به طور کامل ذکر کرده و نسبش را به «الأزد بن الغوث» رسانده است. کنیه او عبد الله و گفته شده ابو عبد الرحمن است. به نقل از فرزند کعب بن مالک در جاهلیت به ابو بشیر خوانده میشد و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم به او کنیه ابو عبد الله داد.

وی در یثرب حدود سال (25 ق / 598 م) متولد شد. مادر کعب لیلی دختر زید بن ثعلبه از قبیله بنی سلمه بود و پدرش مالک بن ابی کعب بن القین بود که او نیز شاعر بود و فرزند وی جز کعب بن مالک - شاعر مشهور نداشت. وی از جمله شعرای رسول صلی الله علیه و اله و سلم محسوب می شد. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به مدینه مشرف شدند، بین کعب و طلحة بن عبید الله، خطبه برادری خواندند. کعب در سن 25 سالگی اسلام آورد و در اغلب جنگ ها غیر از تبوک، و بدر پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را یاری کرد.

هنگامی که پیامبر از طائف برگشت در مدینه اقامت گزید و در ابتدای رجب سال 9 هجرت مردم را برای غزوة تبوک فرمان داد. علت جنگ این بود که دلاوری ها و جانبازی های سربازان آیین توحید و اسلام امپراتور روم را بر آن داشت که با ارتش مجهز بر مسلمانان بتازد و آن ها را غافلگیر کند، زیرا با گسترش و نفوذ فوق العاده اسلام، پایه های حکومت خود را متزلزل می دید و از قدرت سیاسی و نظامی آنان بیمناک بود در آن زمان، گرمای شدیدی بر مدینه حکم فرما بود محصول هم رسیده بود ولی مردم هنوز به آن دست نزده بودند پیامبر به جد بن قیس که از رؤسای منافقین بود پیشنهاد کرد که در نبرد با رومیان شرکت کند. وی در پاسخ پیامبر گفت: «من مردی هستم که به زن علاقه شدید دارم از آن می ترسم که دیده من به زنان رومیان بیفتد و نتوانم خویشتن داری کنم این، عذر پیامبر را بر آن داشت که وی را رها کند و خداوند در مذمت وی چنین نازل کرد: «برخی از آنان می گویند: به ما اجازه بده در مدینه بمانیم و در این جهاد، که به تمامی مایه تجربه و آزمون است شرکت نکنیم.» گروهی

از منافقین گرمی هوا را بهانه کردند و خداوند درباره ایشان چنین فرمود: «بگو آتش دوزخ گرمتر از حرارت هواست.» گروهی از یاران پیامبر که به شرکت در این جهاد علاقه شدید داشتند، به نزد پیامبر رفتند و از او وسیله سفر طلبیدند و هنگامی که از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم پاسخ منفی شنیدند سخت گریه کردند در این میان سه تن دیگر نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم رفتند و از وی عذرخواهی کردند که عبارت بودند از «کعب بن مالک»، «مرارة بن ربیع» و هلال بن امیه برخی ابو خیثمة و عبد الله بن مالک را نیز نام برده اند. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پس از بازگشت این افراد را تنبیه کرد و مردم را از این که با آن ها ارتباط برقرار کنند نهی کرد، پنجاه روز این حکم باقی ماند به طوری که دنیا بر آن ها تنگ شد و آیه شریفه 118 سوره توبه نازل شد «آن سه تن که تخلف ورزیدند و زمین با همه پهناوری بر آن ها تنگ شد و دانستند که از غضب خدا جز به لطف او ملجأ و پناهی نیست خداوند بر آن ها باز لطف فرمود و توفیق توبه داد تا توبه کنند که خداوند بسیار توبه پذیر و در حق خلق مشفق و مهربان است.

153. هلال صفحه 118

هلال بن امیه یکی از آن سه نفری بود که در با بهانه تراشی واهی از شرکت در جنگ بازمانده بودند و همه مسلمانان به دستور پیامبر با آنان قطع رابطه کردند تا جایی که زمین با همه وسعت و فراخی اش بر آنان تنگ شد و از شدت غصه اندوه و عذاب وجدان دل های شان هم در تنگی و مضیقه قرار گرفت.

154. مرارة صفحه 118

مرارة بن ربیع انصاری از بنی عمرو بن عوف و از بدریون و از متخلفان غزوه تبوک بود.

155. ضحاک بن عبد الله مشرقی صفحه 119

ضحاک بن عبد الله مشرقی از یاران امام حسین علیه السلام که در واقعه عاشورا در کربلا حضور داشت. او پس از این که با سپاه عمر بن سعد جنگید و چند تن را کشت در واپسین لحظات روز عاشورا از نبرد گریخت. ضحاک بن عبد الله از گزارشگران واقعه کربلا در کوفه است.

156. حُجْر بن عَدِي صفحه 119

حُجْر بن عَدِي بن جبَله کندی صحابی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و از یاران خاص امام علی علیه السلام و از بزرگان کوفه بوده است. وی در جنگ های مختلف از جمله جمل، صفین و نهروان نقش بسزایی داشت. در سال 50 قمری که زیاد بن ابیه حکومت کوفه را علاوه بر بصره از طرف معاویه به دست گرفت، با وجود دوستی اش با حجر بن عدی، به او درباره دفاع از علی بن ابی طالب و انتقاد از معاویه هشدار داد اما حجر هم چنان بی پروا مردم را بر ضد معاویه تحریک می کرد. هنگامی که زیاد در بصره به سر می برد، حجر و یارانش به عمرو بن حریث، جانشین زیاد در کوفه، هنگام ایراد خطبه که با بدگویی و ناسزا به امیر مؤمنان علیه السلام همراه بود سنگ ریزه پرتاب کردند. عمرو به زیاد گزارش داد و زیاد به سرعت به کوفه بازگشت و مأموران خود را فرستاد تا حجر و یارانش را دستگیر کنند. گروهی از ایشان کشته شدند و عده ای گریختند. حجر بن عدی و سیزده تن دیگر دستگیر شدند زیاد دستگیر شدگان را همراه صد تن از لشکریانش نزد معاویه فرستاد و درباره ایشان نوشت که در لعن ابو تراب علی علیه السلام با «جماعت» مخالفت ورزیده و در نتیجه از فرمان خلیفه سرپیچی کرده اند. وی شهادت برخی بزرگان کوفه مبنی بر مخالفت صریح حجر با بدگویی از علی بن ابی طالب را نیز بر ضد



حجر ضمیمه نامه کرد چون حجر و یارانش به قریه مرج عذراء در دوازده میلی دمشق رسیدند، معاویه فرمان قتل آنان را صادر کرد، اما به شفاعت کسانی به حجر و شش نفر دیگر فرصت داده شد تا جان خود را با سبّ علی علیه السلام نجات دهند، اما آنان نپذیرفتند و تن به کشته شدن دادند.

قتل حجر و یارانش انتقاد امام حسین علیه السلام، مردم کوفه و اعتراض برخی از نزدیک ترین یاران معاویه مانند مالک بن هبیره را نیز برانگیخت.

در 12 اردیبهشت سال 1392هـ- ش مزار و قبر حجر توسط جبهه النصره از مخالفان دولت سوریه تخریب و ویران شد.

157. ذریح محاربی صفحه 120

ذریح ثقه ای جلیل القدر و از اصحاب حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام است. او، اصل و کتابی دارد که عده ای از اصحاب از او نقل کرده اند. شیخ صدوق رحمه الله علیه از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: به امام

ص: 191

صادق علیه السلام عرض کردم خدا مرا فدای تو گرداند! معنای آیه «ثم ليقضوا تقثهم و لیوفوا نذورهم؛ آن گاه کثافتی که در حال احرام برایشان است ازاله کنند و به نذرهای شان وفاکنند» چیست؟ فرمود قضاء تقث، گرفتن ناخن و اشباه آن است گفتم قربانت کردم ذریح محاربی از شما نقل کرد که فرموده بودید که «لیقضوا تقثهم» لقاء امام است و لیوفوا نذورهم این مناسک است. فرمود: ذریح درست گفته و تو هم راست می گویی. همانا از برای قرآن ظاهر و باطنی است و چه کسی بتواند تحمل کند آن چه را که ذریح تحمل کرده این جمله، امام دلالت بر علو مرتبه و عظمت منزلت ذریح محاربی دارد.

158 . یونس بن عبد الرحمن صفحه 120

یونس بن عبد الرحمن (متوفی سال 208 ق) از اصحاب اجماع . وی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده و از امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام روایت کرده او هم چنین وکیل امام رضا علیه السلام بود. بنابر روایتی امام رضا علیه السلام سه بار بهشت را برای او ضمانت کرده است و فرمود: «یونس بن عبد الرحمن در زمان خود مانند سلمان در زمان خود بود.» وی 54 حج به جای آورد که آخرین آن ها به نیابت از امام رضا علیه السلام بود. یونس آثار مکتوب بسیاری از خود برجای گذاشته است. یونس بن عبد الرحمن در سال 208 ق در مدینه درگذشت و در کنار روضه رسول کرم صلی الله علیه و اله و سلم به خاک سپرده شد. امام رضا علیه السلام در مورد وفات او فرمود: «عاقبت کار یونس را بنگرید خداوند متعال او را در کنار رسول گرامی اش قبض روح کرد.»

159 . معاویه صغیر صفحه 120

مُعاویة بن یزید بن معاویه معروف به معاویه دوم (درگذشت 64 ق) سومین خلیفه اموی است که پس از مرگ یزید در سال 64 ق به خلافت رسید و بعد از مدت کوتاهی کناره گرفت و وفات یافت. مورخان درباره علت کناره گیری او از خلافت اختلاف نظر دارند، اما در برخی گزارش ها، بی زاری از رویه پدرانش (معاویه و یزید) و سایر امویان علت اصلی کناره گیری او از خلافت دانسته شده و به گرایش او به اهل بیت علیه السلام تصریح شده است. بنابر گزارش تاریخ یعقوبی او خطبه ای خواند و در آن از بر عهده گرفتن امر خلافت بیزاری جست و از پدر و پدر بزرگش انتقاد کرد. او در این خطبه جنگ معاویه بن ابی سفیان با امام علی علیه السلام و نیز اعمال ناشایست پدرش یزید و به خصوص به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را گناهانی بزرگ اعلام کرد. پس از کناره گیری معاویه دوم از خلافت مروان بن حکم به خلافت رسید و تا پایان کار امویان فرزندان مروان عهده دار خلافت بودند. برخی از منابع تاریخی و رجالی متأخر شیعی، معاویه بن یزید را فردی شیعه معرفی کرده اند. گزارشی در کتاب حبیب السیر از منابع تاریخی فارسی قرن دهم هجری، وجود دارد که بر اساس آن معاویه به شایستگی امام زین العابدین علیه السلام برای خلافت تصریح کرده و مردم را به دعوت از ایشان توصیه کرده است. برخی از منابع تراجم نگاری و رجالی شیعه با استناد به این گزارش معاویه بن یزید را در زمره شیعیان قرار داده اند.

معاویة بن یزید در سال 64 هجری قمری درگذشت و در دمشق دفن شد علت مرگش معلوم نیست. برخی از تاریخ نگاران احتمال کشته شدن او را مطرح کرده اند و از خوراندن سم به او خبر داده اند و برخی مرگش را با ضربه دانسته اند. درباره سن معاویه بن یزید هنگام مرگ اختلاف است. ابن قتیبه سن وی را هنگام مرگ 18 سال دانسته است. 19 ، 20 و 21 سال نیز نقل شده است.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

